فرهنگ کوچک زبان پهلوی

از

د. ن. مکنزی

مدرس زبانهای ایرانی در دانشگاه لندن

ترجمهٔ

مهشید میرفخرایی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

KETABZ.COM

کتابز - مرجع کتابهای

بسم الله الرحمن الرحیم

www.ketabz.com

فرهنگ کوچک زبان پهلوی

از

د. ن. مکنزی

مدرس زبانهای ایرانی در دانشگاه لندن

ترجمهٔ

مهشید میرفخرایی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران: ۱۳۷۳

www.ketabz.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
وابسته
وزارت فرهنگ و آموزش عالی

شماره ۷۵۸

فرهنگ کوچک زبان پهلوی

مؤلف: د. ن. مکنزی

مترجم: مهشید میرفخرائی

تاریخ انتشار: ۱۳۷۳، چاپ اول، تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

طرح روی جلد: قبادشیوا، ناظر چاپ: ابوالفضل صحتی

حروفچینی: مجمع علمی مجد، لیتوگرافی: میثاق، چاپ و صحافی: چاپ بهمن

بها: ۶۰۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی پژوهشگاه: بزرگراه کردستان، خیابان ۶۴، کد پستی ۱۴۳۷۴ ـ صندوق پستی ۶۴۱۹ـ۱۴۱۵۵

تلفن: ۸ـ۲۲۶۶۲۷۶، فاکس: ۲۲۶۶۳۱۷

فهرست مطالب

www.ketabz.com

مقدمه مترجم

زبان فارسی میانه و متنهای بازمانده از آن نه تنها از نظر مطالب مورد بحث و واژگان گنجینه‌ای گسترده و پهنه‌ای ناشناخته است و نیاز به بررسی، ترجمه و تجزیه و تحلیل دارد، بلکه از جهت شیوهٔ آوانگاری نیز مقوله‌ای درخور توجه و بحث است. وجود املاهای تاریخی فراوان با نارساییهای خطی و برخی از غلط‌خوانیها که در متنهای موجود راه یافته است، کار پژوهشگر این زبان را از چند جهت دشوار می‌سازد. همراه این دشواریها، نداشتن برداشتی روشن از صورت ملفوظ واژه‌ها، امکان هرگونه اظهارنظر دقیق و صریح را دربارهٔ ضبط واژه‌ها با تأمل و تردید توأم می‌سازد. فرهنگهایی نیز که در سدهٔ اخیر نوشته شده‌اند، غالباً نقصهایی دارند که بر آشنایان به این خط و زبان پوشیده نیست. کتابی که اینک در پیش رو است، ترجمه‌ای از فرهنگ کوچک پهلوی [1] است که دربردارندهٔ حدود چهارهزار واژهٔ رایج زبان فارسی میانه است. گردآورندهٔ فرهنگ کوشش داشته است تا واژه‌های مشکوک را به کنار نهد و در مورد شیوهٔ آوانویسی نیز توجه او بیشتر به صورت ملفوظ واژه‌ها در سدهٔ سوم میلادی، یعنی دورهٔ شکوفایی شاهنشاهی ساسانی بوده است. این کتاب پژوهشگر را از مراجعه به فرهنگهای دیگر بی‌نیاز نمی‌کند، بلکه بیشتر نیاز دانشجوی این رشته را برآورده می‌سازد. بدیهی است که

1 . Mackenzie, D.N. 1971: A Concise Pahlavi Dictionary. London: Oxford University Press.

www.ketabz.com

شیوهٔ آوانویسی آن نیز ناهمواریهایی دارد و ترجمهٔ آن بدین معنی نیست که نگارنده با تمام آنچه که در آن آمده، موافق است. در زمینهٔ آوانویسی پهلوی سخن آخر گفته نشده و حقیقت چنانکه باید روشن نشده است. تا تدوین یک شیوهٔ دقیق و همگانی، پژوهشگر ناگزیر است همهٔ شیوه‌ها را ببیند و از میان آنها، آنچه را دقیق‌تر می‌یابد، برگزیند.

مؤلف در چاپ دوم این فرهنگ (۱۹۸۶) تغییراتی داده که به صورت پیوستی ضمیمهٔ چاپ دوم، منتشر شده است. در ترجمه، این پیوست به متن اصلی انتقال یافته است تا کار مراجعه کننده به فرهنگ آسانتر باشد.

از آقای مکنزی که اجازهٔ ترجمه کتاب را دادند و ترجمهٔ بخشی از حرف «آ» را دیدند ونیز همکاران انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، که در کار چاپ کتاب بسیار کوشیدند، سپاسگزار است.

مهشید میرفخرایی
بهار ۱۳۷۳

پیشگفتار نویسنده

نیاز به یک فرهنگ کوچک پهلوی ـ انگلیسی (اینجا پهلوی ـ فارسی)، بویژه برای دانشجویان مشتاق این زبان، از سالیان پیش آشکار بوده است. انتظار برای انتشار واژه‌نامهٔ کتاب «A Manual of Pahlavi» پروفسور نیبرگ ـ گرچه شیوهٔ باستانی آوانویسی به کار رفته در این کتاب دیگر پذیرش جهانی ندارد ـ پنج سال پس از انتشار بخش نخست، هنوز ادامه دارد [1]. امروزه با در دسترس بودن بخشی از مواد کار، هر دانشجوی کوشای زبان پهلوی باید هم چون گذشته فرهنگی برای خود گردآوری کند، کاری که با زبان پهلوی دشوار است و به سبب تنوع روشهای آوانویسی انتشار یافته، دشوارتر نیز شده است. فرهنگ حاضر، که به نظر همگان، شیوهٔ آوانویسی متفاوت با دیگران عرضه می‌کند، درنظر دارد در وهلهٔ نخست، بیگانه با زبان پهلوی را برای فراگیری آنچه که امروزه بدون نقشه یکسان، پهنه‌ای وسیع را درنوردیده، یعنی چهارهزار واژهٔ ساده از معمولی‌ترین واژه‌های پهلوی، کمک کند و سپس بر ارزش عملی این شیوهٔ آوانویسی دورهٔ ساسانی برای ادامهٔ راهش تأکید بگذارد. وارد کردن آگاهیهای ریشه شناختی و ارجاع به متنهای مربوط، افزون بر این که سبب تعویق بسیار در ارائه فرهنگ می‌شد، هدف کار را نیز تغییر می‌داد و فرهنگ را از یک راهنما، به یک اطلس جغرافیایی ـ تاریخی تبدیل می‌کرد. چنین

---

۱. واژه‌نامهٔ کتاب A Manual of Pahlavi در سال ۱۹۷۴ انتشار یافت.

www.ketabz.com

فرهنگ کامل پهلوی در هیچ جا دیده نمی‌شود و تا زمانی که متنهای زیادی بررسی و خوانده نشود، باید بر همین شیوه باقی ماند.

از دوستم دکتر ژینیو (پاریس) برای نظرهای مشورتی‌اش دربارهٔ آنچه که در این فرهنگ آمده است بسیار سپاسگزارم، چه در غیر این صورت بسیاری از واژه‌ها از چشم من پنهان می‌ماند. همسرم تهیهٔ فهرست انگلیسی بخش بزرگی از کار را به عهده گرفت که جای سپاس فراوان دارد. دینی که من نسبت به روانشاد پرفسور هنینگ برای آموزش زبان پهلوی و آنچه که مربوط به ایران است، دارم، در کلام نمی‌گنجد.

در اینجا از حمایت مالی مدرسهٔ زبانهای شرقی و آفریقایی برای انتشار این فرهنگ و از مهارت چاپگران سپاسگزارم.

د. ن. مکنزی

اکتبر ۱۹۶۹

مقدمهٔ نویسنده

هر فهرست منتشر شده‌ای از واژه‌های پهلوی، تقریباً تعدادی واژه دارد که چگونگی آنها مبهم است و این ابهام هم در صورت، هم در معنی و یا حتی گاه، در وجود خود آنها نهفته است. هدف این فرهنگ آن است که گزیده‌ای از واژه‌های پهلوی را که در آن چنین واژه‌های مبهمی به حداقل کاهش یافته و مشخص نیز شده باشد، در اختیار دانشجو قرار دهد. فرهنگ موجود با فرهنگهای پیشین خود این تفاوت را دارد که واژگان پهلوی با واج‌ـنویسی داده شده‌اند که، تا آنجا که از شواهد استنباط می‌شود، نشانگر چگونگی تلفظ آنها در سدهٔ سوم میلادی، یعنی دوران شکوفایی شاهنشاهی ساسانی است. دلایل رها کردن روش سنتی آوانویسی را در جای دیگری آورده‌ام[1]. یکی از دلایل عمدهٔ گزینش روش جدید، عملی بودن آن است چه تأیید کننده‌ترین شواهد از این دوران است.

برای کاستن از شمار واژه‌های مبهم، لازم بود که بر واژه‌های ساده‌تر متنهایی از نوع کارنامهٔ اردشیر بابکان، دادستان مینوی خرد، ارداویرازنامه، بندهش و متنهای پهلوی ویراستهٔ جاماسپ آسانا، تکیه کرد. گرچه از برگردانهای پهلوی متنهای اوستا (وندیداد، یسنا و ویسپرد) نیز استفاده شده است. اما بسیاری از واژه‌های تخصصی آنها حذف شده‌اند. بسیاری از واژه‌ها، که برای مقاصد و در موارد خاصی به کار می‌روند و ترکیبهای

1. Notes on the transcription of Pahlavi. Bulletin of the School of Oriental and African Studies xxx. pt.1 (1967). 17–29.

www.ketabz.com

ویژهٔ متنهای دینی مانند دینکرد، نیز در این فرهنگ دیده نمی‌شود، چه تجزیه و تحلیل این قبیل ترکیبهای پهلوی و دادن عناصر تشکیل دهندهٔ آنها، مشروط بر آن که قواعد ساختاری آنها روشن باشد، کار ساده‌ای است. واژه‌های تفسیرپذیر که صورت یا معنی آنها مبهم است با «*» مشخص شده‌اند.

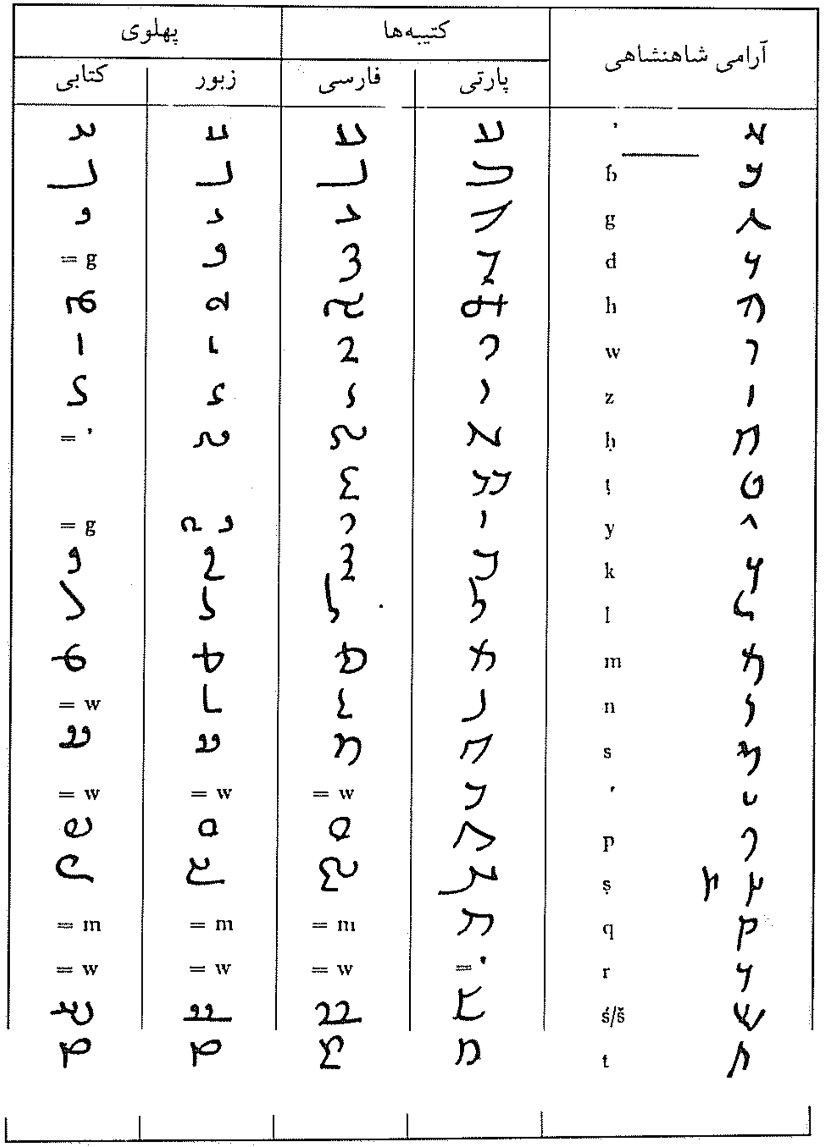
این فرهنگ، ماهیتاً، نه تنها دعوی دربرداشتن تمامی واژه‌های هر متن خاص را ندارد، بلکه هیچ گونه ادعایی در گشودن راههای تازه برای حل دشواریهای موجود در متنهای پهلوی را نیز ندارد. قرائتهای پژوهشگران بسیاری، منطقاً، گلچین شده است و بدین وسیله از تمامی آنانی که یافته‌هایشان با این فرهنگ همگون شده است، سپاسگزاری می‌شود. با این همه، باید مسئولیت تمامی گزینشها، قرائتها و تفسیرهایی را که در جای دیگری نیامده و یا منتشر نشده است، خود بپذیرم.

حرف نویسی

خط کتابهای پهلوی، درنهایت، از خط آرامی شاهنشاهی گرفته شده و در طول زمان، به هر صورت، ابهامها و پیچیدگیهای قابل توجهی در آن راه یافته است. جدول شمارهٔ ۱ روند تحول و تکامل این خط را، از آرامی شاهنشاهی (با حرف‌نویسی و نام حروف که توسط سامی شناسان به‌کار می‌رود) به صورتهای خاص به‌کار رفته در کتیبه‌های پارتی و فارسی سدهٔ سوم میلادی و صورتهای کهن دستنویسهای قطعات زبور (حدود سدهٔ هفتم)[1]، تا خط کتابهای پهلوی زردشتی، نشان می‌دهد. افزون بر ارزش آوایی متعدد حروف مذکور، ممکن است بعضی از آنها در بافتهای خاص، نشانگر ترکیب چند حرف باشند. مثلاً حرف یا مرکب از

1. F. C. Andreas. Buchstücke einer Pehlevi– Übersetzung der Psalmen. Aus dem Nachlass herausgegeben von Kaj Barr. Sitzungsberichte der Preussischen Akademie der Wissenschaften (Berlin). 1933. i. 91–152. 11 Plates.

جدول شمارهٔ ۱



* خط در بالا و زیر حروف در آوانویسی سامی، نشانگر تلفظ سایشی آن حروف است. مثلاً bēth, ālеph و ...

www.ketabz.com

حرف‌نویسی دقیق یک حرف با یک حرف لاتین، به سبب پیچیدگیها و ابهامهای این خط عملی نیست. این‌گونه موارد نیازمند تفسیر است. این تفسیر می‌تواند مستقیماً یا به یاری قیاس، برپایه شواهد نسبتاً روشن‌تر متنهای پیش گفتهٔ زبان باشد. به یاری این شواهد، تشخیص ارزشهای آوایی اصلی ʾ , ḥ , dy و ... برای حرف و ارزشهای آوایی اصلی w, r, n برای حرف و دیگر حروف ممکن می‌شود. امّا نه لازم و نه پسندیده است که از این فراتر رویم و بکوشیم ارزش آوایی دقیق‌تری به این حروف بدهیم و مثلاً r را به جای l و یا x را به جای ḥ خطی به کار بریم. برای مثال: hwr: معرف واژهٔ xwar= خورشید است، امّا حرف‌نویسی آن به صورت xwr* هم باعث اشتباه آن با حرف واقعی، یعنی می‌شود و هم دشواریها وسردرگمیهای بیشتری را در تفسیر حرف به دنبال خواهد داشت. بهتر است بپذیریم که نویسندگان r و l را تقریباً بدون‌تشخیص ارزش آوایی این دو، ونیز حرف ḥ را برای h و x ایرانی ، به کار می‌بردند وبنابراین باید آنها را به همین صورت حرف‌نویسی کرد.

برای تشخیص هزوارشهای پهلوی (اندیشه نگارهای سامی) ازواژه‌های ایرانی، آنها را،به روش معمول، باحروف بزرگ حرف‌نویسی می‌کنند. بنابراین کلمهٔ وقتی معرف rahīg= بچه باشد، lḥykʾ و زمانی که نشانگر هزوارش dūr= دور باشد، LHYKʾ حرف نویسی می‌شود. به هر صورت، چون هزوارشها، اغلب صورت بسیار تحریف شده وتغییرشکل یافتهٔ واژه‌های آرامی هستند، کافی است که برای مقاصد عملی، آنها را در چهارچوب یک نظام ساده حرف‌نویسی کرد.

روشی که برای حرف‌نویسی واژه‌های این کتاب، از هزوارشها تا واژه‌های ایرانی، به کار رفته است، تا آنجاکه امکان داشته، برای دوری جستن از به‌کارگیری نشانه‌های زیر و زبری و نیز به منظور انطباق این نظام با روشی بوده است که هم اینک، به طور قراردادی، برای ارائه خط فارسی میانه ترفانی و پارتی به کار می‌رود. درهمه‌جا، به هر حرفی، ارزش(های) آوایی اصلی ایرانی آن حرف داده شده است. بنابراین c و C به جای ṣ و h، و H به جای ḥ آرامی است. A معرف حرف ʾ (الف) است. تنها سه حرف در هزوارشهای پهلوی به کار می‌رود: Q (در واژهٔ QDM=abar ؛ در غیر این صورت K جایگزین آن می‌شود)، E و O. حرف E به جای hē آرامی (زمانی که ḥēt به جای آن نیامده باشد) و O

به‌جای ʿ(عین) آرامی است. منشأ حروف رومی نیز، به‌ترتیب، ازاین حروف آرامی است. بنابراین OLE(=ōy) شکل تحریف شدهٔ ʿlh اصلی آرامی و HCDLWN(=*drun-) نشانگر شکل تحریف شدهٔ ریشهٔ آرامی ḥṣd است. سره‌نویسان، به یاری نشانه‌های زیر و زبری، در بازسازی این صورتها دشواری نخواهند داشت.

حروف پهلوی غالباً به شکل کج و نامنظم، به طریقی به یکدیگر می‌پیوندند که با دیگر حروف مشتبه و بدین ترتیب موجب پیچیدگیهای بیشتری در خط می‌شوند. در این کتاب، معمولی‌ترین این کژدیسه‌ها با خطی در بالا یا زیر حرفی که معرف ارزش آوایی حرف پهلوی است، مشخص گردیده است. بنابراین:

(g و ...) جایی که نشانگر آوای b است، b̲ حرف نویسی می‌شود.

(z) جایی که نشانگر آوای y است، y̲ حرف نویسی می‌شود.

(ʾc) جایی که نشانگر آوای ʾp است، ʾp̄ حرف نویسی می‌شود.

گردهٔ کامل حرف‌نویسی پهلوی در جدول شمارهٔ ۲ آمده است. ترتیب حروف همان ترتیب حروف الفبای آرامی است و نخستین ارزش آوایی هر حرف درنظر گرفته شده است.

www.ketabz.com

جدول شمارهٔ ۲

هزوارش (اندیشه‌نگار)		حرف‌نویسی حروف ایرانی	شکل تحریف شده
A		'	(1)
H		h	
B		b	g̃, ḏ, ȳ (2)
G		g	B, Z, K (3)
D		d	b, z, k
Y		y	
E		(mn, etc.)	
W		w	
N		n	
O		—	
R		r	
'		l (4)	
Z		z	G, D, Y
K		k	
K	(	γ)	
L		l	
Ł	(	ł)	
M		m	
Q		—	
S		s	
P		p	
C		c	P, p̄
Š		š	
T		t	DR (5)

یادداشتها

۱- : 'h و... ممکن است تحریف شدهٔ ydy- پایانی باشد، پس ydy- حرف‌نویسی می‌شود.

۲- ، نیز yy- و... ممکن است تحریف شده h- باشد، پس h- حرف‌نویسی می‌شود.

۳- نشانهٔ دو حرفی و وقتی به دنبال صورت هزوارشی فعلی بیایند، ممکن است معرف هرگونه شناسه آوایی (حتی صفر) باشند. این نشانه‌های دو حرفی را می‌توان، صرفاً، با قیاس منطقی، با حروف همانند خودشان حرف نویسی کرد: را با yt و را با ty.[1]

۴- یعنی خط زائد

۵- : yt و ... ممکن است صورت تحریف شدهٔ : sn- باشد، پس sn- و (به دنبال حرف دیگر) ممکن است به جای c'- باشد، پس c'- حرف نویسی می‌شود.

آوانویسی

اصول املایی که، ظاهراً با دگرگونیهای اتفاقی در املای پهلوی اعمال شده‌اند، افزون بر هزوارشها، دربرگیرندهٔ اصول آوایی (در چهارچوب الفبا)، املای تاریخی، شبه‌تاریخی و دشواریهای دیگری است که تعیین قواعد حاکم بر این اصول به اندازه‌ای نامشخص است که بندرت در خور ذکرند. پی بردن به املای اصلی واژه، بندرت تلفظ آن را روشن

1. Kaj Barr, Remarks on the Pahlavi Ligatures and Bulletin of the School of Oriental Studies, Viii, pt. 2 (1936), 391–403

www.ketabz.com

می‌سازد. برای تعیین تلفظ هر واژه، لازم است که تمام شواهد تطبیقی موجود را بررسی کرد.

باکشف متنهای ایرانی که به خط تقریباً آوایی مانوی نوشته شده، پایه‌ریزی یک نظام واجی فرضی برای متنهای فارسی میانه و پارتی سدهٔ سوم میلادی ممکن گشت، نظامی که از نظامهای پیشین خود که تنها بر شواهد دورتر زبانهای ایرانی کهن، فارسی نو و وام واژه‌های دیگر زبانها (بویژه ارمنی) متکی بود، دقیق‌تر است. این نظام واجی در مقاله‌ای که پیشتر بدان اشاره شد، توصیف شده است. تمام واژه‌های این فرهنگ نیز مطابق همین نظام آوانویسی شده‌اند. این نظام دربرگیرندهٔ واجهای زیر است:

واکه‌ها

ī	ē	ā	ō	ū
i	(e)[1]	a	(o)[1]	u

همخوانها

p	t	č	k	
b	d	ǰ	g	
f	s	š	x	h
	z	ž[2]	γ[2]	
m	n			
w	r l	y		

۱ ـ پایگاه واجی e و o مورد تردید است و تنها زمانی مشخص می‌شود که شواهد تطبیقی مستقیمی از کاربردشان وجود داشته باشد.

۲ ـ فقط در واژه‌های غیرفارسی یعنی در واژه‌های عالمانه یا وام واژه‌ها.

می‌توان تصور کرد که فـراگویی این واجها همانند ادای آواهای قرینهٔ این واجها در زبانوری ایرانی غـربی کنونی بوده است. تنها تغییر واج گونــه‌ای مهم به بندشیهای واکبر b, (d?), g و بندشی ـ سایشی ǰ مربوط است. هنگامی که این واجها بین یک واکه و همــخوان بعدی در یک تکواژ یا درنگ بسته قرار می‌گیرند، به ترتیب به قرینه‌های سایشی خود [β, (δ), γ, ž] تبدیل می‌شوند. بنابراین واژه‌های abd, tigr, dujdēn نشانگر

صورت تلفظی [*aβd, tiγr, dužděn] هستند. اینکه این تحول درچه زمانی بر این واجها، هنگامی که در جایگاه پس واکه‌ای قرار می‌گیرند، تأثیر گذاشته است. روشن نیست. کافی است که واجهای [β, δ, γ,ž] را به عنوان تظاهر آوایی ممکن پس واکه‌ای‌های b, d, g, ǰ درنظر داشت[1].

روش استفاده از فرهنگ

برای یافتن یک واژهٔ شناخته، یا واژهٔ شناخته اما با روش آوانویسی دیگری، لازم است که نخست آن را در بخش واژه‌های پهلوی یافت. فهرست انگلیسی ـ پهلوی (اینجا فارسی ـ پهلوی) فقط به منظور به یادسپاری و یافتن مترادفها و... بوده است و به هیچ رو یک واژه‌نامهٔ انگلیسی ـ پهلوی (اینجا فارسی ـ پهلوی) به شمار نمی‌آید.

سرواژه‌ها، بجز دو مورد، در سراسر فرهنگ به ترتیب زیر مرتب شده‌اند.

ă, b, č, d, ĕ, f, g(γ), h, ī, ǰ, k, l, m, n, ŏ

p, r, s, š, t, ŭ, w, x, y, z(ž).

دو مورد استثنا عبارتند از:

۱) اسمهای معنی با پایانهٔ (-yh) īh- که بلافاصله به دنبال واژه‌هایی می‌آیند که از آنها مشتق شده‌اند، مثلاً stūrīh پس از stūr و پیش از sturg؛

۲) اسمهای مصدر که از ستاکهای حال با افزودن پایانه [-šn'] išn- ساخته شده‌اند و صورتهای اشتقاقی آنها با پایانه‌های [-šnyk'] -išnīg ،[-šnyh] išnīh، همه به دنبال فعلی آمده‌اند که از آن مشتق شده‌اند.

افعال به شکل مصدر نقل شده‌اند و ستاک حال را به دنبال دارند، مگر مواردی که این دو صورت دیده نشده باشد. در موارد ضروری ارجاعهایی برای انطباق این صورتها داده شده است. در این فرهنگ همهٔ صورتهای اشتقاقی یک فعل نیامده است، گرچه این مشتقات، بنابرقاعده، از بخشهای اصلی یک فعل قابل استنتاج باشد. مثلاً اسمهای فاعل

۱ . [γ] گونهٔ واجی g فارسی است در حالیکه γ در آوانویسی، یک واج غیر ایرانی است. زبان پارتی نیز دارای واج ž است که جانشین ǰ فارسی می‌شود.

www.ketabz.com

با پایانهٔ [t'l]‎ -dār/-tār، صفتهای مفعولی با پایانهٔ [-tk']‎ -dag/-tag، همانند مصدرها با پایانهٔ [-tn']‎ dan/-tan، اسمهای معنی با پایانهٔ [-'k']‎ -āg که از ستاک حال ساخته می‌شوند.

سرواژه‌ها

سرواژه‌های پهلوی همواره با حروف برجسته داده شده‌اند. سرواژه‌های اندکی که با حروف ایتالیک آمده‌اند، برای ارجاع به گونهٔ دیگر آوانویسی آن واژه‌ها بوده است.

P پیش از سرواژه‌های اصلی نشان می‌هد که واژه تنها در متنهای با اصل پارتی، مثلاً یادگار زریر و درخت آسوریگ، آمده است.

* نشان می‌دهد که آوانویسی یا قرائت واژه تأیید نشده و مبهم باقی مانده است.

آگاهیهای زیر درون دو قلاب [ ] آمده است.

۱) حرف‌نویسی خط پهلوی.

در مورد هزوارشها، حرف نویسی بلافاصله پس از ارائه صورت اصلی آرامی کلمه که با نشانهٔ A مشخص گردیده، آمده است. در مورد افعال، به سبب دادن ریشهٔ آرامی فعل، این روش گاه با دقت کمتری اعمال شده است.

زمانی که املای پهلوی ستاک حال یک فعل با بخشی از مصدر یکی می‌شود، هر اندازه در آوانویسی با یکدیگر اختلاف داشته باشند، حرف‌نویسی به شکل اختصار و با استفاده از خط فاصله ــ داده می‌شود. مثلاً صورت škwp-tn' نشان دهندهٔ مصدر škwptn'(=škuftan) و ستاک حال škwp-(=škōf-) و صورت YMYTWN-tn' نشانگر مصدر YMYTWNtn'(=murdan) و ستاک حال YMYTWN-(=mīr-) است.

۲) شواهد تأییدکنندهٔ آوانویسی.

صورت پهلوی، هرچند تحریف شدهٔ واژه‌های عالمانه‌ای که از اوستا گرفته شده، با

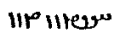
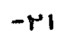
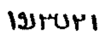
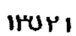
نشانهٔ [۱] (=Av.) مشخص شده است. آوانویسی این واژه‌ها فرضی‌تر از آوانویسی واژه‌های عادی پهلوی است، چه این صورتها چیزی بیش از فراگیری احتمالی تلفظ کنونی این واژه‌ها نیست.

توجیه درستی آوانویسی هر واژه مستلزم بحثی مفصل دربارهٔ شواهد ریشه شناختی و تطبیقی است که از محدودهٔ این فرهنگ بیرون است. بنابراین تنها آن شواهدی ارائه شده‌اند که رابطهٔ بسیار نزدیکی با سرواژه‌ها داشته‌اند و از نظر کوتاهی و ارائه با قاعدهٔ سرواژه‌ها سودمند بوده‌اند.

پس از خط عمودی | ، هر جا امکان داشته، صورتهای برابر فارسی میانه (M) و / یا پارتی (P) مانوی داده شده است. ارائه تنها صورت پارتی یک واژه، لزوماً بدین معنی نیست که واژه اصل غیرفارسی دارد. این امر ممکن است بدین سبب باشد که صورت برابر فارسی میانه در متنهای مانوی دیده نشده است.

صورتهای متأخر واژه از متنهای یهودی ــ فارسی (J ــ از هر منبعی) و فارسی آغازی (N ــ بندرت در هیأت عربی‌شان، زمانی‌که صورت معرب جانشین فارسی شده است. Ar.) نقل شده‌اند.

در مواردی که صورتهای ارائه شدهٔ یک واژه مستقیماً قابل مقایسه نباشد، یعنی از گویش دیگری، یا به طریقی تحریف شده باشند (مثلاً با ریشه‌شناسی عامیانه)، درون دو کمانک ( ) آمده‌اند.

۱-		wēn- (۱)
۲-		wēnišn (۱)
۳-		dīdan (۱)
۴-		wēn-
۵-		wēnišnīg
۶-		wēnišn
۷-		dīdan-

۱. در آوانویسی بارتلمه‌ای (Altiranisches Wörterbuch) بجز w .ā, ß که به ترتیب جانشین a, w, v شده‌اند.

www.ketabz.com

dīdan, wēn- [HZ̲YTWN-tn'<A hzy; dytn', wyn-] M dydn,

wyn- , N ~ , bīn-] دیدن

~ išn: بینش، بینایی

~ išnīg: دیدنی

wēn- , ~ išn(-īg), → dīdan

۱) [illegible] هزوارش ستاک حال -wēn است. این هزوارش دارای حروف H و Z (که به شکل حرف G کاهش یافته‌اند) Y ، T ، W ، N ، است که این صورت نتیجهٔ دگرگونی (عادی) پهلوی ریشهٔ آرامی hzy است. مصدر (۳) دارای پایانهٔ آوایی 'tn برای -dan در dīdan است.

۷) [illegible] :'dytn صورت نوشتاری مصدر dīdan و (۴) [illegible] :-wyn صورت نوشتاری ستاک حال -wēn است.

در فارسی میانهٔ مانوی قرینه‌های آنها ، به ترتیب به صورت dīdan ، -wēn نوشته می‌شوند که نشانگر همان تلفظ‌اند. در فارسی نو مصدر همچنان dīdan است، امّا ستاک حال، بنابر قاعده، -bīn است.

بخشی از اسم مصدر wēnišn ممکن است به صورت هزوارش 'HZYTWNšn (۲) و یا آوایی 'wynšn (۶) نوشته شود. املای 'wynšnyk (۵) نشانگر صفت مشتق wēnišnīg است (که آن را به صورت 'HZ̲YTWNšnyk نیز می‌توان نوشت).

کوتاه‌نوشتها

آرامی	A
عربی	Ar.
ستاره‌شناسی، اختربینی	astr.
اوستایی	Av.
تقویم	cal.
لازم	intr.
یهودی ـ فارسی	J
واژه به واژه	lit.
فارسی میانهٔ مانوی	M
فارسی نو	N
پارتی	P
جمع	pl.
مفرد	sg.
متعدی	tr.
بسنجید	cf.

نشانه‌ها

درست مانند سرواژه	~
آوانویسی و یا معنی موردتردید است	*
گزینشهای دیگر	/
گونهٔ دیگری از صورت ویا املاء واژه	( )
فارسی نو... صورت مستقیماً قابل مقایسه نیست	(N...)
همین املا در مانوی و...	=M
→	v.

www.ketabz.com

بخش نخست

پهلوی ـ فارسی

www.ketabz.com

A

a- [ʾ- | Mʾ-]	بی ـ، نا ـ (پیشوند نفی)
ā [ʾ]	پس (معمولاً با ضمیر پیوسته می‌آید، مثلاً ā-š)
āb [*MYA* < A *myʾ* ; *ʾp̄* | M *ʾb*, N ~]	آب
ābād [*ʾp̄ʾtʾ* | M *ʾbʾd*, N ~]	آباد، پرجمعیت، مزروع
~īh:	آبادی، خوشبختی
ābādān [*ʾp̄ʾtʾnʾ* | N ~]	آبادان، مزروع، کامیاب
~īh:	آبادانی، کامیابی
abādixšā(y) [*ʾpʾthšʾ*(d), → pādixšā(y)]	ناتوان، بی‌قدرت
~īh:	ناتوانی، هرج و مرج
abādyāwand [*ʾpʾtydʾwnd* | J *ʾbʾdywn<d>*]	ناتوان، کم‌زور، بی‌زور
~īh:	ناتوانی، کم‌زوری
abāg [*LWTE* < A *lwt-h* | M *ʾbʾg*, N *(a)bā*]	با
~īh [*ʾp̄ʾkyh*]	کمک، همراهی، همدستی
abāgēnīdan, abāgēn- [*ʾp̄ʾkyn-ytnʾ*]	همراهی کردن
a-bahr [*ʾbʾhl*]	بی‌بهره، محروم
abām [*ʾp̄ʾm* | P *ʾbʾmyh*, N *(ā)wām*]	وام، قرض
Ābān [*ʾp̄ʾnʾ* | M *ʾbʾn*, N ~]	آبان: گاه‌نما (=تقویم) نام‌هشتمین ماه‌سال و دهمین روز ماه
aband [*ʾp̄nd*, → **pand** | M *ʾbnd*]	نادرست، بی‌راه
~īh:	نادرستی
¹abar [*QDM* < A *qdm*; *ʾp̄l* | M *ʾbr*, N *bar*]	بالا؛ بر، روی
~āmadan:	برآمدن (خورشید)
~āxistan:	برخاستن
~ăxrāmīdan:	به سوی بالا خرامیدن
~burdan:	به عهده گرفتن
~madan:	برآمدن (از عهده کاری)، دریافتن
~nigerīdan:	برنگریستن، توجه کردن
~nihumbīdan:	برنهفتن، پنهان کردن
~nišastan:	برنشستن، بر تخت نشستن
~nišāstan:	برنشاندن

www.ketabz.com

~rasīdan: رسیدن به...، رسیدن بر سر...
~rasīdan ō: رسیدن
[2]**abar** [ʾp̄l] برتر، بالاتر
~ag [-g | M ʾbrg] superior برتر
~agān(ag) [-kʾn (k)[1]] برتر
~dar [-tl, ʾwltl | M ʾbrdr] بالاتر
~dom [-twm | M ʾbrdwm] بالاترین
~domīh [-twmyh] برتری
abargar [ʾp̄lgl] ایزد، خدا
abarīg(ān) [ʾp̄lyk(ʾn)[1]] = **abarag**
abārīg [ʾp̄ryk[1] | M ʾbʾryg, J ʾbʾry] دیگر
abarmān [ʾp̄lmʾn[1]] متصدی، سرپرست
abarmānd [ʾp̄lmʾnd] ارث، مرده ریگ، امتیاز
abarmānīg [ʾp̄lmʾnyk[1]] آزاده
abar-menišn [ʾp̄lmynšn[1]] خودپسند، متکبر، مغرور
abārōn [ʾp̄ʾlwn[1] | N wārūn] وارون، نادرست، گناهکار
~īh: گناه
abar-ōz [ʾp̄lʾwc] قوی‌تر، نیرومندتر
~īh: تسلط، اقتدار
abar-tan [ʾp̄ltn[1]] خودپسند، مغرور
~īh: خودپسندی، غرور، نخوت
abarwēz [ʾp̄lwyc | M ʾbrwyj, N parwēz)] کامروا، پیروز
~īh: کامروایی، پیروزی
abarzēn, → [2]**mašk**
abaxš [ʾp̄hš] پشیمان؛ پشیمانی
~īh: پشیمانی
abaxšāwand [ʾp̄hšʾwnd] متأسف
abaxšāyīdan, abaxšāy- [ʾp̄hšʾd-ytn[1] | M ʾbxšʾy-, N baxšūdan, baxšāy-] بخشاییدن، آمرزیدن، رحم‌کردن
~išn: بخشایش، آمرزش، رحم
~išnīg: بخشنده، دلسوز، رحیم

[1]**abāxtar** [ʾp̄ʾhtl | M ʾbʾxtr] سیاره
[2]**abāxtar** [ʾp̄ʾhtl | N bāxtar 'مغرب'] شمال
abaydāg [ʾp̄ytʾk[1], → paydāg | M ʾbydʾg] ناپیدا، ناپدید
~īh: ناپیدایی، ناپدیدی
abāy-: abāyēd [ʾp̄ʾyt[1] | M ʾbʾyd, N bāyad] لازم‌است، مناسب است،باید... (+مصدر)
~ist [ʾp̄ʾdst[1] | N bāyist] بایست
~istan [ʾp̄ʾdstn[1]] بایستن، مناسب بودن، آرزو کردن، خواستن
~išn: لزوم
~išnīg: بایسته، درخور، سزاوار
abāz [LAWHL < A l-ʾ(w)ḥr ; ʾp̄ʾc | M ʾbʾc, N bāz, wā] باز، دوباره، عقب
~dādan ō: ۱ ـ حمل کردن (بر)، نسبت دادن به ۲ ـ تعیین کردن
~dāštan: بازداشتن، جلوگیری کردن از، مانع شدن
~ēstādan az: ترک کردن، باز ایستادن از...
~kardan: بازکردن
~kardan az: بازکردن از، وادار به ترک کردن
~māndan: بازماندن
~pādan: ماندن، باقی ماندن
~raftan: پیش رفتن، بیرون آمدن
~waštan ō: بازگشتن به، شدن
~wirāstan: بازویراستن، دوباره ترتیب دادن، دوباره مرتب کردن
abāzsār [LAWHLsʾl] سرکش
~īh: سرکشی
āb-čihrag [ʾp̄ cyhlk[1]] آب چهره، آن چه جوهر یا نطفهٔ آب دارد
abd [ʾp̄d | M ʾβd, J ʾbd-] شگفت‌آور
~sahistan: شگفت نمودن، شگفت به نظر رسیدن
~īh: شگفتی
āb-dān [ʾp̄dʾn[1]] آبدان
abdast [ʾp̄dst[1]] دست پناه (بخشی از زره)
abdom [ʾp̄dwm | M ʾbdwm] آخر، آخرین، سرانجام
~īh: پایان، انتها
abd-sahist [ʾp̄dshst[1]] شگفت‌انگیز

www.ketabz.com

abē- [*ʾp̄y(y)-* | M *ʾby-*, N *bē*] بی ـ، بدون ـ (پیشوند)
 ~-bar [*bl*] بی‌بر، بی‌ثمر
 ~-bēš [*-byš*] بی‌زیان
 ~-bīm [*-bym*] بی‌بیم
 ~-bīmīh: بی‌بیمی
 ~-bōy [*-bwd*] بی‌حس
 ~-bōyīh: بی‌حسی
 ~-būd(īh) [*-bwt*^{1}, *-bwtyh*] کاستی، کمبود
 ~-čim [*-cym*] بی‌سبب، بی‌علت
abēdān [*ʾp̄ytʾn*^{1}] بافایده، لازم
abē-|-gumān [*-gwmʾn*^{1}] بی‌گمان، مطمئن
 ~-gumānīh: اطمینان
 ~-mizag [*-m(y)ck*^{1}] بی‌مزه
 ~-must [*-mwst*^{1}] خرسند، راضی
 ~-niyāz [*-nydʾc*] بی‌نیاز
 ~-ōš [*-ʾwš* | M *ʾbyʾwš*, N *bēhōš*] بیهوش، بی‌حس
 ~-ōšīh: بیهوشی، بی‌حسی
abēr [*ʾp̄yl*] زیاد، فراوان
abē-rāh [*ʾp̄ylʾs*] بی‌راه
abesar [*ʾp̄ysl* | M *ʾbysr*, N *afsar*] افسر، تاج
abesīhēnīdan, abesīhēn- [*ʾp̄shyn-ytn*^{1}, → **abesīhīdan**] نابود کردن، ویران کردن
 ~išn(īh): خرابی، ویرانی، تخریب
abesīhīdan, abesīh- [*ʾp̄s(y)h-ytn*^{1} | M *ʾbysyh-*] نابود شدن، خراب شدن
 ~išn(īh): نابودی، خرابی
abespārdan [*ʾp̄spʾltn*^{1}) = **abespurdan.**
abespurdan, abespār- [*ʾp̄spwltn*^{1}, *ʾp̄spʾl-* | M *ʾbyspwrd*, *ʾbyspʾr-*, N *sipurdan*, *sipār-*] سپردن، واگذار کردن، تفویض کردن
abestāg [*ʾp̄(y)stʾk*^{1}] اوستا، کتاب مقدس زردشتیان
abestām [*ʾp̄stʾm*] = **abestān.**
abestān [*ʾp̄stʾn*^{1}] پشتی، پناه، اعتماد
ābestan [*ʾp̄ystan*^{1} | p *ʾbystn*, N *ābistan*] = **ābustan.**

abē-sūd [*ʾp̄yȳ swt*^{1}] بی‌سود
 ~īh: بی‌سودی
a-bēš [*ʾbyš*] آسیب‌ناپذیر، بی‌زیان؛ بی‌گزند
 ~īh: آسیب‌ناپذیری؛ بی‌گزندی
abē-|-wināh [*-wnʾs* | M *ʾbywnʾ* !] بی‌گناه
 ~-wizend [*-wznd*] آسیب‌ناپذیر، بی‌گزند، بی‌خطر
abēzag [*ʾp̄yck*^{1} | M *ʾbycg*, (N *wēža*)] مقدس، ویژه (=پاک)
 ~īh: پاکی، تقدس
abēzār [*ʾp̄yzʾl*, *ʾp̄ycʾl* | N *bēzār*] بری
abgandan, abgan- [*LMYTWN-tn*^{1} < A √*rmʾ*; *ʾp̄kn-* | M *ʾbgnd*, *ʾbgn-*, N *afgan-dan*] افگندن
abgār- [*ʾp̄kʾl-*] تهیه کردن، پیش بردن
ābgēnag [*ʾp̄kynk*^{1}, *MYAkynk*^{1} | N *ābgīna*] آبگینه، شیشه، بلور
 ~ēn[*-yn*^{1}] شیشه‌ای، بلورین
ābīg [*ʾp̄yk*^{1} | N *ābī*] آبی، آبزی
ābilag [*ʾp̄lk*^{1} | N *~a*] آبله
a-bīm [*ʾbym*] بی‌بیم، بی‌باک، نترس
āb-kāmag [*ʾp̄kʾmk*^{1} | N *~a*] آب کامه (سوپ غلیظ ترش)
abnūs [*ʾp̄nws* | (N *ābnūs*)] آبنوس
a-bōy [*ʾbwd*] بی‌حس
 ~īh: بی‌حسی
abr [*ʾbl*, *ʾ* | M *ʾβr*! N ~] ابر
abrang [*ʾp̄lng* | N *aurang*] اورنگ، شکوه
abrāstan, abrāz- [*ʾp̄lʾstn*^{1}, *ʾp̄lʾc-* | M *ʾbrʾst*, N(*afrāštan*), *afrāz-*] افراشتن، بالا بردن
abrāz [*ʾp̄lʾc* | N *afrāz*] افراز، سربالایی
abrēšom [*ʾp̄lyš(w)m* | M *ʾbryšwm*, N ~] ابریشم
 ~ēn [*-yn*^{1}] ابریشمین
abrōxtan, abrōz- [*ʾp̄lwhtn*^{1}, *ʾp̄lwc-* | M *ʾbrwxt*, *ʾbrwc-*, N *afrōxtan*, *afrōz-*] افروختن، روشن کردن، نورانی‌کردن، جلا دادن
 ~išn(īh): روشنگری، فروزش، چراغانی
āb-tazan [*ʾp̄tcn*^{1}] آب رو

www.ketabz.com

a-bun [ʾbwn^1] — بی‌اساس، بی‌بن

a-burd-framān [ʾbwltplmʾn^1] — نافرمان

~īh: — نافرمانی

aburnāy [ʾp̄(w)lnʾd, → **purnāy** | N *burnā*] — نابرنا، بچه

~īh: — نابرنایی، بچگی

aburnāyag [ʾp̄(w)lnʾ(d)yk^1] — نابرنا، بچه

abus [ʾp̄ws] — زن تازه زاییده

~īh: — زایمان

ābus, -tan [ʾp̄ws, -tn^1 | M ʾbwws, → **ābestan**] — آبستن

~īh: — آبستنی

abyōxtan, abyōz- [ʾp̄ywhtn^1, ʾp̄ywc-] — آمیختن، پیوستن

āb-zan [ʾp̄zn^1 | N ~] — آبزن، حمام

¹abzār [ʾp̄cʾl, ʾp̄zʾl | M ʾbcʾr, N *afzār*] — افزار، ابزار، وسیله؛ چاشنی، ادویه

²abzār [ʾp̄zʾl | M ʾbzʾr] — مهارت، نیرو؛ نیرومند

~ōmand [-ʾwmnd] — قابل، ماهر

abzāy-, ~išn, → abzūdan.

abzōn [ʾp̄zwn^1 | M, J ʾbzwn, N *afzūn*] — افزایش، رشد

~īg [-yk^1] — افزون، افزاینده، فراوان

~īgīh: — فراوانی

abzūdan, abzāy- [ʾp̄zwtn^1, ʾp̄zʾd- | M ʾbzʾy-, N *afzūdan, afzāy-*] — افزودن، رشددادن

~išn: — افزایش، رشد

a-čār [ʾcʾl] — ناچار؛ بیچاره

~ag [-k^1] — ناگزیر، مجبور

a-dād [ʾdʾt^1], **a-dādestān** [ʾ-DYNA, -dʾtstʾn^1] — بی‌داد، غیرقانونی

~īh: — بی‌دادی، بی‌قانونی

a-dahm [ʾdʾhm] — نامحرم

-ādan [-ʾtn^1 | P -ʾdn, N ~] — ـ ادن (پسوند سازندهٔ مصدرهای ثانوی)

a-dān [ʾdʾn^1 | M ʾdʾn] — نادان

~īh: — نادانی

***ādān** [ʾtʾn^1] — ثروتمند، قادر به پرداخت وام؛ ثروت

~īh: — ثروت

a-dard [ʾdlt^1] — بی‌درد

ādarōg [ʾtlwk^1], **ātaxš ī ~ :** — آدروگ، ساده‌ترین نوع آتش زردشتیان

ādehīg [ʾdhyk^1] — اهلی، بومی

adēn [ʾtyn^1 | M ʾdyn] — ورود؛ ورودی

***adēn-** [ʾdyn- | = M] — آوردن، هدایت کردن

ādišt [ʾtyšt^1] — جایگاه آتش زردشتیان

ādūg [ʾtwk^1 | M ʾʾdwg] — لایق

ādur [ʾtwr^1 | M ʾdwr, N *ādar*] — آتش، ایزدآتش؛ گاه‌نما: نهمین ماه سال و نهمین روز ماه

ādurestar [ʾtwrystl] — خاکستر

~ēn [-yn^1] — خاکستری

ādur-gāh [ʾtwrgʾs] — آتشگاه

āfrāh [ʾp̄lʾs | M ʾʾprʾh] — آموزش، تعلیم، عقیده، اصل

a-frasāwand [ʾp̄lsʾwnd] — نافرسودنی

afrāz [ʾp̄lʾc | N farāz] — فراز

āfrīdan, āfrīn- / āfur- [ʾp̄lytn^1, ʾp̄lyn-, ʾp̄wl- | M ʾp(w)ryd, ʾpwr-, P ʾfryn-, N *āfarīdan, āfarīn-*] — آفرین کردن، ستودن، دعای خیرکردن؛ آفریدن

āfrīn [ʾp̄ryn^1 | M ʾpryn, N *āfarīn*] — آفرین، ستایش

~agān [-kʾn^1] — آفرینگان (نام دعا)، دعای خیر

afrōšag [ʾp̄lwšk^1 | N ~ *a*] — افروشه (نوعی شیرینی که با آرد، کره و عسل تهیه می‌شود)

***afsālān** [ʾp̄sʾlʾn^1 | (N *ābsālān*)] — آبسالان، بهار

afsān [ʾp̄sʾn^1 | (M ʾʾpsʾng), N *afsāna*] — افسانه، داستان

afsardan, afsar- [ʾp̄sl-tn^1] — افسردن، سرد شدن

afsārdan, afsār- [ʾp̄sʾl-tn^1] — خاموش کردن، سرد کردن، منجمد کردن

~išn: — خنک سازی، عمل سرد کردن

afsāy-, → afsūdan.

afsēnistan, afsēn- [ʾp̄syn-stn^1, → **abesīhēn-īdan**] — نابودکردن

~išn: — خرابی، تخریب

afsōn [ʾp̄swn^1 | M ʾpswn , N *afsūn*] — افسون، ورد

afsōs [ʾp̄sws | N ~] — ریشخند

~gar [-gl] — ریشخندکننده

afsūdan, afsāy- [ʾp̄swtn^1, ʾp̄sʾd-] — افسون کردن، با افسون حفظ کردن

www.ketabz.com

afšāndan, afšān- [*ʾp̄šʾn-tn*^{1} | N ~] افشاندن، پراکندن، ریختن

afšārdan [*ʾp̄šʾltn*^{1} | N ~] = **afšurdan.**

afšurdan, afšār- [*ʾp̄šwltn*^{1}, *ʾp̄šʾl-* | N ~] افشردن، خردکردن، له کردن

āfurīdan, āfur- [*ʾp̄wl-ytn*^{1}, → **āfrīdan**] آفریدن

~išn: آفرینش

-ag [*-k*^{1} | M *-g*, N *-a*] ـ ـه (پسوند سازندهٔ ۱ـ صفت از اسم وماده‌های فعلی ۲ـ اسم از صفت وماده‌های مضارع)

-āg [*-ʾk*^{1} | M *-ʾg*, N *-ā*] ـ ا (پسوند سازندهٔ اسم عامل از ماده‌های مضارع)

a-gāh [*ʾgʾs*] بدون مقام و رتبه

āgāh [*ʾkʾs* | M *ʾgʾ(h)*, N ~] آگاه، کاردان

~īh: آگاهی

āgāhēnīdan, āgāhēn- [*ʾkʾsyn-ytn*^{1}] آگاه کردن

āgandan, āgan- [*ʾkn-dn*^{1} | P *ʾʾgnd*, N ~] آگندن، انباشتن

a-ganǰ [*ʾknc!*] بینوا

agar [*HT*, برای A *hn* | M *ʾgr*, N ~] اگر

agār [*ʾkʾl* | M *ʾgʾr-*] ناکاره، ناتوان، بی‌مصرف، عاطل

~īh: ازکارافتادگی، عدم فعالیت، ناتوانی

agārēnīdan, agārēn- [*ʾkʾlyn-ytn*^{1}] ناکار کردن، ناتوان کردن

agārīhistan, agārīh- [*ʾkʾlyh-stn*^{1} | M *ʾgʾryyh-*] ناکار شدن، ناتوان شدن

ag-dēn [*ʾk-*, *ʾgdyn*^{1}] بددین، کافر

~īh: بد دینی، دینی غیر از دین زردشتی داشتن

āgenēn [*ʾk(y)nyn*^{1} | M *(ʾ)ʾg(y)nyn*] با هم

āgōš [*ʾkwš* | M ʾʾwš, (P *ʾgwc*), N *āγōš*] آغوش

a-gōwāg [*ʾgwbʾk*^{1}] گنگ، ناگویا

āγištag [ʾgyštk^{1} | p ʾgyšt, N āγišta] آغشته، آلوده

aγrē [*ʾγ-*, *ʾklyȳ* = Av. *aγrya-*] بالاترین، بزرگترین

āgrift [*ʾglpt*^{1} = Av. *āgərəpta-*] جرم، تقصیر؛ آگرفت (نام درجه‌ای از گناه)

a-griftār [*ʾglptʾl*] نامحسوس، لمس‌نشدنی

a-gumān [*ʾgwnʾm*^{1}] بی‌گمان، مطمئن

a-gumēg [*ʾgwmyk*^{1} | M *ʾgwmyg*] خالص، نیامیخته

~īh: خلوص

āgustan [*ʾkwstn*^{1} | M *ʾʾgwst*] آویختن، سرنگون کردن

āhan [*ʾh(y)n*^{1}, *ʾs(y)n*^{1} | M *ʾʾhwn*, N ~] آهن

~ēn [*ʾsynyn*^{1}] آهنین

~gar [*-kl* | N ~] آهنگر

āhang [*ʾhng*] آهنج، کشش

āhanǰīdan [*ʾhncytn*^{1}] = **āhixtan.**

ahanūz [*ʾhnwc* | M *ʾhnwn-c*, N *hanūz*] هنوز، بازهم

āhen = āhan

āhīd [*ʾhyt*^{1} | M *(ʾ)ʾhyd*] آلودگی، آلایش؛ درهم

~īh: پلیدی، درهمی

āhixtan, āhanǰ- [*ʾhhtn*^{1}, *ʾhnc-* | M *ʾhxtn*, (*ʾhynz-*), N *āhīxtan*, ~] آهیختن، بالاکشیدن، بیرون‌کشیدن

ahlā [*ʾhlʾy* | (M *-ʾhrʾy*)] پرهیزگار (لقب ایزد سروش)، صالح، نیکوکار

ahlaw [*ʾhlwb*^{1} | M *ʾhlw*] پرهیزگار، درستکار، صالح، نیکوکار

~īh: پرهیزگاری، نیکوکاری

ahlaw-dād [*ʾhlwb dʾt*^{1}] خیرات، صدقه

ahlāyīh [*ʾhlʾdyh*] پرهیزگاری، نیکوکاری

Ahlišwang [*ʾhlyšwng*] = Ard

ahlomōγ [*ʾhlmwk*^{1} | M *ʾhlmwg*] آشموغ؛ بددین، بدعت‌گذار

~īh: آشموغی؛ بددینی، بدعت

āhōg [*ʾhwk*^{1} | M *ʾʾhwg*, N *āhō*] آهو، عیب

āhōgēnīdan, āhōgēn- [*ʾhwkyn-ytn*^{1}] آلودن

a-homānāg [*ʾhwmʾnʾk*^{1}] ناهمانند

ahōš [*ʾhwš*] نمردنی، بی‌مرگ

~īh: بی‌مرگی

āhr [*ʾhl*] ترس، خشم

ahrāftan, ahrām- [*ʾhlʾp̄tn*^{1}, *ʾhlʾm-* | M *ʾhrʾptn*, *ʾhrʾm-*] بالابردن، بلند کردن

Ahreman [*ʾhl(y)mn*^{1} | M *ʾhrmyn*, N ~] اهرمن / اهریمن (= روح پلید)

āhūg [*TYBA* < A *ṭbyʾ*; *ʾhwk*^{1} | M *(ʾ)ʾhwg*, N *āhū*] آهو (حیوان)

ahunawar [*ʾhnwl*] اهونور (نام مقدس‌ترین دعای دین زردشتی که با yaθā ahū vairyō آغاز می‌شود)

www.ketabz.com

a-hunsand [*ʾhwnsnd*] ناخرسند، ناراضی

~īh: ناخرسندی، نارضایتی

ahy [*KZY* < A *k-zy* | M *ʾhy*] نخست، زود(ترین)

aǰgahān [*ʾšghʾn*^{1} | M *ʾjgʾhʾn*, N *ažgahān*] تنبل، کاهل

~īh: تنبلی، کاهلی

ak [*ʾk*^{1} | N *ăk*] بدی، زیان

-ak [*-k*^{1} | N ~] ـک (پسوند تصغیر)

a-kāmagōmand [*ʾkʾmkʾwmnd*] بی‌میل

a-kanārag [*ʾknʾlk*^{1} | M *ʾqnʾrg*] بی‌کناره، بی‌حد

~īh: بی‌کنارگی

a-kard [*ʾkrt*^{1} | (M *ʾgyrd*)] ناکرده، به انجام نرسیده

Akōman [*ʾkwmn*^{1} | M *ʾqwmn*] اکومن (= اندیشه بد): نام یکی از دیوان بزرگ

akōmand [*ʾkʾwmnd*] بد، زیان‌آور

alā [*ʾrʾy*] آه! الا!، اسفا!

ālag [*ŠTLA, ŠTRA* < A *šṭrʾ*; *ʾlk*^{1} | (M *ʾʾrg*)] جهت

alālag [*ʾlʾlk*^{1} | N *lāla*] آلاله

ālāy-, → **ālūdan.**

Aleksandar [*ʾlksndl* | M *ʾlxsyndr*, N *Iskandar*] اسکندر مقدونی

almās(t) [*ʾlmʾs(t*^{1}*)* | (M *ʾrmʾs*), N *almās*] الماس؛ فولاد

ālūdag [*ʾlwtk*^{1}] آلوده، ناپاک

~īh: آلودگی

ālūdan, ālāy- [*ʾlwtn*^{1}, *ʾlʾd-* | (M *ʾrwd*), N ~] آلودن، ناپاک کردن

āluh [*ʾlwh* | M *ʾʾlwf*, N ~] آله، عقاب

alum [*ʾlwm*, N ~] ارزن

amā [*LNE* < A *l-nh* | M *ʾmʾh*, N *mā*] ما، ما را

āmadan, āy- [*YATWN-tn*^{1} < A *yʾtwn*, √*ʾth* | M *ʾmdn*, *ʾʾy-*, N ~] آمدن

amahraspand [*ʾmhrspnd* | M *(ʾ)mhrʾspnd*] امشاسپند، بی‌مرگ مقدس

a-mar [*ʾml*] بی‌شمار، بی‌مر

āmār [*ʾmʾl* | N ~] شمار، رسیدگی، ملاحظه

āmār- [*ʾmʾl-*] حساب کردن، شمار کردن

~išn: شمار

a-marag [*ʾmlk*^{1}] بی‌مر، بی‌شمار

amaragān [*ʾmlkʾn*^{1}] عموم، عام

~īg [*-yk*^{1}] عام

~īhā [*-yhʾ*] به طورکلی، عموماً

a-marg [*ʾmlg*] بی‌مرگ، نمردنی

~īh: بی‌مرگی، فناناپذیری

āmārgar [*ʾmʾlgl* | N ~] آمارگر، حسابدار

amāwand [*ʾmʾwnd*] زورمند، نیرومند

amāwandīh: زور، نیرومندی

ambag [*ʾmbk*^{1} | N *anbaǰāt*] انبه (نوعی مربا و ترشی)

ambar [*ʾmbl*, *ʾnbl* | Ar. *ʿanbar*] عنبر

ambarag [*ʾmblk*^{1} | N *anbara*] انبره (حیوان بی‌مو به طورعام)

P amburdan [*h/ʾmbwltn*^{1} | P *ʾmbʾr-*] = **hambārīdan.**

a-menīdār [*ʾmynytʾl*] بی‌فکر، بی‌اندیشه

āmēxtan, āmēz- [*ʾmyhtn*^{1}, *ʾmyc-* | M *ʾmyxtn*, *ʾmyz-*, N ~] آمیختن

~išn: آمیزش؛ عنصر

āmiz [*ʾmyc*] خوراک غیراصلی، سبزیجات

Amurdād [*ʾm(w)rdt*^{1} | N *murdād*] امرداد (= بی‌مرگی) : ششمین امشاسپند، نگهبان گیاهان و خوراک؛ گاه‌نما: نام پنجمین ماه سال و هفتمین روز ماه

āmurzīdan, āmurz- [*ʾmwlc-ytn*^{1} | M *ʾmwrz-yd*, N ~] آمرزیدن، بخشاییدن، دل‌سوختن، رحم کردن

~išn: آمرزش، بخشایش

P amwaštan [*h/ʾmwštn*^{1} | P *ʾmwšt*] جمع کردن، گردآوری کردن

an- [*ʾn-* | M *ʾn-*] بی ـ، نا ـ (پیشوند نفی برای واژه‌هایی که با واکه شروع می‌شود)

ān [*ZK* < A *zk*; *ʾn*^{1} | M *hʾn*, N ~] آن، او

~ī: آنِ (= متعلق به)، با توصیف‌کنندهٔ مقدم بر اسم = کسرهٔ اضافه: مثلاً

ān ī ahlawān ruwān = ruwān ī ahlawān روان پرهیزگاران

-ān [*-ʾn*^{1} | M *-ʾn*, N ~] ـان (پسوند سازنده ۱ـ صفت فاعلی ۲ـ قید ۳ـ نشان جمع)

ānāb-, ~išn, → **ānāftan.**

an-ābādān [*ʾnʾp̄ʾtʾn*^{1}] ناآباد، بایر

an-abaxšāwand [*ʾnʾp̄hšʾwnd*] توبه ناکرده

www.ketabz.com

~īh: توبه ناکردگی

an-abāy [*ʾnʾp̄ʾd*] نامناسب، نابجا

an-abēdān [*ʾnʾp̄ytʾn*^{1}] بی‌فایده، ناخواستنی

~īh: بی‌فایدگی

anābuhlag [*ʾnʾpwhlk* = Av. *anāpərəθa-*] ناپل (نام بالاترین درجه گناه)، گناه بی‌کفاره، گناه جبران‌ناپذیر

an-abzār [*ʾnʾp̄zʾl*] ناوارد، ناتوان

~īh: بی‌قابلیتی

an-ādān [*ʾnʾtʾn*^{1}] درمانده

~īh: درماندگی

an-ādūg [*ʾnʾtwk*^{1}] نالایق

an-afsēnišn [*ʾnʾp̄synšn*^{1}] خراب نشدنی

ānāftan, ānāb- [*ʾnʾp̄tn*^{1}, *ʾnʾp̄-* | M *ʾnʾpt, (ʾnʾm-)*] دور کردن، رد کردن، عقیم گذاردن

~išn: دوری، پرهیز

anāg [*ʾnʾk*^{1} | M *ʾnʾg*] بد

~īh: بدی، آسیب

an-āgāh [*ʾnʾkʾs* | N *nāgāh*] بی‌خبر، ناگاه

anāg-kardār [*ʾnʾk*^{1} *krtʾl*], **-kunišn** [*-kwnšn*^{1}] بدکردار، تبهکار

anagr [*ʾngl*] بی‌کران

~ān [*-ʾn*^{1} | M *ʾnyrʾn*] انغران (= روشنایی بی‌کرانه)؛ گاه‌نما: سی‌امین روز ماه

~rōšn(īh) [*-lwšn*^{1}, *-lwšnyh*] روشنایی بی‌کرانه

anāhīd [*ʾnʾhyt*^{1} | N *nāhīd*] بی‌آلایش؛ ناهید: نام ایزدی مؤنث؛ در نجوم: ستاره زهره

an-āhōg [*ʾnʾhwk*^{1}] بی‌آهو، نیالوده

an-ālūd [*ʾnʾlwt*^{1}] نیالوده

a-nāmčištīg [*ʾnʾmčštyk*^{1}] نامشخص

an-āmurzīd [*ʾnʾmwlcyt*^{1} | M *ʾnʾmwrzʿyd*] سخت دل، بی‌رحم

an-āmurzišn [*ʾnʾmwlčšn*^{1}] سخت دلی

anār [*ʾnʾl* | N ~] انار

anārgēl [*ʾnʾlgyl* | N *nārgēl*] نارگیل

an-arzānīg [*ʾnʾlcʾnyk*^{1}] نالایق، ناشایسته

an-ast [*ʾnAYT*^{1}] نابود، ناموجود، معدوم

~īh: نیستی، نابودی، عدم

ānāst [*ʾnʾst*^{1}] تباه، خراب

~īh: تباهی، خرابی

ānāstag [*ʾnʾstk*^{1}] = **ānāst.**

an-āstawān [*ʾn-ʾstwbʾn*^{1}, *-ʾstwpʾn*^{1}] بی‌ایمان

~īh: بی‌ایمانی

an-āštīh [*ʾnʾštyh*] دشمنی، ناآشتی؛ بی‌آرامی، آشوب

ānay-, → ānīdan.

an-ayād [*ʾnʾbydʾt*^{1}] فراموش شده

an-āzarm [*ʾnʾclm*] بی‌آبرو، بی‌آزرم، رسوا

~īh: بی‌آزرمی، رسوایی

~īg [*-yk*^{1}] بی‌آبرو

and [*ʾnd* | = M, N ~] اند، چند، آنقدر

~čand [*ʾndcnd*] اندچند، هرچندتا

-andag, → -endag.

andāg [*ʾndʾk*^{1} | P *nʾdʾg*] اندوه

~(g)ēn [*-(k)yn*^{1} | P *ʾndʾgyn*] اندوهگین، غمگین

andak [*ʾndk*^{1} | = M, N ~] اندک، کم

andar [*BYN* < A *byn* | M *ʾndr*, N ~] اندر، میان، به سوی، راجع به

~abāyēd: اندر باید، لازم است

~āmadan: اندرآمدن، وارد شدن

~āwurdan: فراهم کردن، تولید کردن

~būdan: شامل شدن

~šudan: وارد شدن، غروب کردن

~widardan: درگذشتن، سپری کردن

andarag [*ʾndlg*] اندر، بین، میان

andarmāh [*ʾndlmʾh*] ماه نو

andarōn [*ʾndlwn*^{1} | M *ʾndrwn*, N *~rūn*] اندرون، درون

andarwāy [*ʾndlwʾd* | (P *ʾndrwʾz*)] هوا، جو

~īg [*-yk*^{1}] جوی، هوایی

and-čand, → and.

andōh [*ʾndwh* | M *ʾndwx-*, N ~] اندوه

www.ketabz.com

~gēn [-kn^1 | N -gīn] اندوهگین، غمگین

anēr [ʾnʾyl] غیرآریایی، بی‌اصل

~īh: بی‌اصلی، بربریت

anērān [ʾnʾylʾn^1] انیران (= غیر ایران)، جهان آن سوی ایران

an-ērang [ʾnʾylng] بی‌تقصیر

an-espās [ʾnspʾs] ناسپاس

~īh: ناسپاسی

angubēn [DWBŠYA < A dbš ; ʾngpyn^1 | N angubīn] انگبین

angūr [ANBE < A ʿnbʾ ʾngwl | N ~] ; انگور

angust [ʾngwst^1 | (N angušt)] انگشت (دست و پا)؛ واحد اندازه‌گیری طول (۳/۴ اینچ)

~arīg [-lyk^1] انگشتری

~bān [-pʾn^1] انگشتانه، انگشتوانه، انگشت پوش (تیرانداز)

ānīdan, ānay- [HYTYWN-tn^1 < A hyty, √ ʾth; ʾnytn^1] آوردن (به پای خود)

anīg [ʾnyk^1 | (N pēšānī)] پیش، پیشانی

anī-z [AHRN(y)c, → **any** | N nīz] نیز

anǰīr [ʾncyl | N ~] انجیر

anōdag [ʾnwtk^1 | M ʾnwdg] بیگانه، غریب

~īg [-yk^1] خارجی، غریب

ānōh, *ānōy [TME < A tmh | M ʾnwh, ʾwy] آنجا

an-ōst [ʾnʾwst^1] نااستوار، غیرقابل اعتماد

anōš [ʾnwš] بی‌مرگ؛ اکسیر، پادزهر

~xwardan: به خطر مرگ رفتن، تاسرحد مرگ جنگیدن، از جان گذشتن

anōšag [ʾnwšk^1 | M ʾnwšg, N ~a] انوشه، بی‌مرگ؛ باقی، خوش و خرم

~īh: بی‌مرگی

~-ruwān [-lwbʾn^1] انوشه روان، مرحوم، فقید

an-ōšmār [ʾnʾwšmʾl] بی‌شمار، بی‌مر

anōš-xwar [ʾnwšhwl] فانی

***ānōy,** → **ānōh.**

anšahrīg [ʾnštrʾyk^1] بَرده

an-ummēd [ʾnʾwmyt^1 | J ʾnwmyd, N naumēd] ناامید، بی‌امید

an-uspurrīg [ʾnʾwspwlyk^1] ناقص

any [AHRN < A ʾḥrn; (*ān-ī = ZKʾy تحریف شدهٔ) | M ʾn(y)] دیگر

a-pattūg [ʾptwk^1] ناشکیبا

a-paymān [ʾpmʾn^1] نامتعادل

~īh: بی‌اعتدالی

***apēdag** [ʾpytk^1 | P ʾpyd(g)] سرگردان، گم شده

~dār [-dʾl] محافظ حیوانات ولگرد

a-petītīg [ʾptytyk^1] اعتراف ناکرده، توبه ناکرده

~īh: توبه ناکردگی

a-petyārag [ʾp(y)tydʾlk^1] بی‌آفت، بدون بدبختی

a-pōhišn [ʾpwhšn^1] تباه نشدنی

appar [ʾpl | M ʾpr] دزدی، سرقت

appār [ʾpʾl] برداشته شده، برده شده

~īh: دورسازی، زیان، فقدان

apparag [ʾplg] رباینده

appurdan, appar- [YHNCLWN-tn^1 < A yhnṣlwn, √ nṣl; ʾpl- | M ʾpwrd, ʾp(w)r-] دزدیدن

~išn: دزدی، سرقت

a-pursišnīg [ʾpwrsšnyk^1] بی‌مسئولیت

a-pus [ʾBRE] بی‌پسر، بی‌فرزند

ār-, → **ārdan.**

āranǰ [ʾlnc | N ~] آرنج

ārāstan, ārāy- [ʾlʾstn^1, ʾlʾd- | N ~] آراستن، آماده کردن، پیراستن

~išn: آرایش، پیرایش

a-rawāg [ʾlwbʾk^1] بی‌حرکت

Ard [ʾlt^1 | M ʾyrd, N ~] اَرْدْ (نام یکی از ایزدان مؤنث)، گاه‌نما: نام بیست و پنجمین روز ماه

ārd [KHMA < A qmḥʾ; ʾlt^1 | N ~] آرد

ardā [ʾltʾy | (M ʾrdʾw)] پرهیزگار، درستکار، صالح، صادق

ārdan, ār- [THNN-tn^1 < A √ ṭḥn; ʾl-tn^1] آسیا کردن، آرد کردن

ardāyīh [ʾltʾdyh | M ʾrdʾyyh] پرهیزگاری، درستکاری، صدق

ardīg [ʾltyk^1 | M ʾrdyg] جنگ

ardīkkar [ʾltykkl, -kl | M ʾrdyqr] مبارز، جنگجو

www.ketabz.com

~īh: جنگجویی، مبارزه

arduš [ʾldwš = Av. *arəduš-*] اردوش (نام درجه‌ای از گناه)

Ardwahišt [ʾ*rtwhšt*^{1} | M ʾ*rdywhyšt*, (N *urdībihišt*)] اردیبهشت (= راستی): نام دومین امشاسپند و نگهبان آتش، گاه‌نما: نام دومین ماه سال و سومین روز ماه

arešk [ʾ*lyšk*^{1} | M (ʾ)*ryšk*, N *rašk*] رشک، حسد

~ēn [-*yn*^{1}] رشک برنده حسود

āresšn [ʾ*lšn*^{1} | M ʾʾ*ryšn-*, N *(a)riš*] ارش (= ذراع)، واحد اندازه‌گیری طول (از آرنج تا سرانگشت)

aryand [ʾ*lgnd* | N ~] ارغند، سهمگین

argawān [ʾ*lgwk*ʾ*n*^{1} | N *aryawān*] ارغوان

armēšt [ʾ*lmyšt*^{1}] غیرفعال، ضعیف، ناتوان

~īh: ضعف

armēšt-gāh [-*g*ʾ*s*] آسایشگاه ناتوانان

ārōyišn [ʾ*lwdšn*^{1}] رویش

~īg [-*yk*^{1}] رستنی، سبزی

ars [ʾ*ls* | M ʾ*rs*, N ~] ارس، اشک

artēštār [ʾ*ltyšt*ʾ*l* | N *artēšdār*!] سپاهی

~īh: سپاهیگری

arus [ʾ*lws*] سفید

arwand [ʾ*lwnd*] سریع، شجاع، دلیر؛ اروندرود

~īh: سرعت، شجاعت، دلیری

arwēs [ʾ*lwys* | M ʾ*rwys*, N ~] رسن

arz [*KSP*^{1} < A *ksp*; ʾ*lc* | N ~] ارزش، بها

Arzah [ʾ*lz*ʾ*h* = Av. *arəzahī-*] ارزه، نام اقلیم شرقی از هفت اقلیم

arzan [*Pg* < A *prg*ʾ; ʾ*lcn*^{1} | N ~] ارزن

arzān [ʾ*lc*ʾ*n* | M ʾ*rz*ʾ*n*, N ~] ارزنده، ارزشمند، باارزش

~īg [-*yk*^{1}] شایسته

~īgīh: ارزش، ارزشمندی، بها

arzīdan, arz- [ʾ*lc-ytn*^{1} | N ~] ارزیدن

~išn: ارزش، بها

arzīz [ʾ*lcyc* | M ʾ*rzyz*, N ~] ارزیز، سرب، قلع

~ēn [-*yn*^{1}] سربی، قلعی

ārzōg [ʾ*lcwk*^{1} | M ʾ*wrzwg*, N *ārzō*] آرزو، شهوت

arzōmand [ʾ*lc*ʾ*wnmd* | (N *arǰumand*)] ارزشمند، باارزش

~īh: ارزش، بها

Arzūr [ʾ*lzwl*] ارزور: نام دیو و نام کوهی بر دهانهٔ دوزخ

a-sāg [ʾ*s*ʾ*k*^{1} | M ʾ*s*ʾ*g*] بی‌شمار، بی‌مر

āsān [ʾ*s*ʾ*n*^{1} | N ~] آرام، آسان، راحت

~īh: آرامش، آسانی، آسایش

a-sar [ʾ*sl*] بی‌سر، بی‌پایان

āsāy-, ~išn, → āsūdan.

a-sazāg [ʾ*sc*ʾ*k*^{1}] بی‌تناسب، نامناسب

a-sazišnīg [ʾ*scšn-yk*^{1}] بادوام، ماندگار

~īh: دوام، ماندگاری

a-sēǰ [ʾ*syc*] بی‌خطر

asēm [ʾ*sym* | = M, N *sīm*] سیم

~ēn [-*yn*^{1} | N -*īn*] سیمین

asmān [ʾsmʾn^{1} | = M, N *āsmān*] آسمان، گردون؛ گاه‌نما: نام بیست و هفتمین روز ماه

āsn [ʾ*sn*^{1}] **, ~ xrad:** خردفطری

āsnīdag [ʾ*snytk*^{1}] = **āsnūdag.**

āsnūd(ag) [ʾ*snwt(k)*^{1}] شسته، تصفیه شده، پاک، مطهر

a-sōhišn [ʾ*swhšn*^{1}] بی‌حس

asp [*SWSYA* < A *swsy*ʾ; ʾ*sp̄* | N ~] اسب؛ نام یکی از مهره‌های شترنج

aspānūr [ʾ*sp*ʾ*nwl*] گور، آرامگاه

a-spās [ʾ*sp*ʾ*s*] ناسپاس

aspast [ʾ*spst*^{1} | N ~] اسپست، شبدر

aspinǰ [ʾ*spnc* | P ʿ*spynj*, N *sipanǰ*] میهمان نوازی؛ میهمان خانه

asprēs [ʾ*splys* | N ~] اسپریس، میدان اسب دوانی

āsrō [ʾ*slwk*^{1} = Av. *āθrawa*] آسرون، موبد

~īh: آسرونی، موبدی

āsrō-kerpa [ʾ*slw(k)*^{1}*klpk* = Av. *āθrō kəhrp-*] آتش‌پیکر

āsrōn [ʾ*slwn*^{1} = Av. *āθrawan-*] آسرون، موبد

www.ketabz.com

[1]ast [*AYT*[1] < A *ʾyty* | M *ʾst*, N ~] هست، موجود است

 ~īh: هستی، وجود

[2]ast(ag) [*ʾst(k)*[1] | M *ʾst(g)*, N *hasta*] استخوان، هسته (میوه)

astānag [*ʾstʾnk*[1]] نیاز، بدبختی

 ~ōmand [-*ʾwmnd*] نیازمند

āstār [*ʾstʾl* | M *ʾstʾr*] گناه

āstārēnīdan, āstārēn- [*ʾstʾlyn-ytn*[1]] وادار به گناه کردن، به گناه واداشتن

āstawān [*ʾstwbʾn*[1], *ʾstwpʾn*[1] | M *ʾʾstwʾn*] خستو، معترف

 ~īh: اعتراف، باور

astōdān [*ʾstw(k)dʾn*[1] | M *ʾstwdʾn*] استودان (جایی‌که استخوانهای‌مرده‌را درآن می‌ریزند)

astōmand [*ʾstʾwmnd*] جسمانی، مادی

 ~īh: جسمانیت، حالت مادی داشتن

astuxān [*ʾsth(w)ʾn*[1] | N *ustuxʷān*] استخوان

astwand [*ʾstwnd* | = M] = **astōmand.**

Astwihād [*ʾstwydʾt*[1]] استویهاد (دیو مرگ)

āsūdan, āsāy- [*ʾswtn*[1], *ʾsʾd-* | N ~] آسودن، استراحت کردن

 ~išn: آسایش، راحتی

aswār [PR/LŠYA < A pršyʾ; *ʾswbʾl*, *ʾsp̄wʾl* | N *suwār*] سوار، سوارکار

 ~īh: سواری، سوارکاری

āsyāb [*ʾsyʾp̄*] آسیاب

āsyāg [*ʾsyʾk*[1] | N *āsyā*] آسیا (سنگی)، سنگ‌آسیا

aš [*ʾš*] چشم (اهریمنی)، چشم بد

āšixtan, āšinǰ- [*ʾšyhtn*[1], *ʾšnc-* | P *ʾšyxt*] ریختن، سرریز شدن، جاری شدن

aškamb [KLS̱E < A *krsʾ*; *ʾškmb*[1] | M *ʿškmb*, N *šikam*] شکم، رحم

 ~ag [-*k*[1] | N *šikamba*] = **aškamb.**

āškārāg [*ʾškʾl(ʾ)k*[1] | M *ʾšqʾrg*, N *āškārā*] آشکارا، هویدا

 ~īh: آشکارسازی، اعتراف

āškārāgēnīdan [*ʾškʾlʾkyn-ytn*[1]] آشکارساختن، اعتراف کردن

aškōb [*ʾškwp* | N *ă̄škō(b)*] اشکوب، سقف

aškom(b) [*ʾškwm(b*[1]*)*] = **aškamb.**

ašmā [*LKWM* < A *l-kwm* | M *ʾšmʾ(h)*, N *šumā*] شما

āšnāg [*ʾšnʾk*[1] | M *ʾʾšnʾg*, N *āšnā*] شناخته، آشنا با

ă̄šnawāg [*ʾšnwʾk*[1] | M *ʾšnwʾg*, N *šunawā*] شنوا

 ~īh: (حس) شنوایی

ă̄šnūdan, ă̄šnaw- [*OŠMEN=tn*[1] < A √*šmʿ*; *ʾšnwtn*[1] | M *ʾšnwdn*, *ʾšnw-*, N *šunūdan*, *šunaw-*] شنودن، فهمیدن

 ~išn: شنوایی

ašō [*ʾšwk*[1] = Av. *ašawa*] پرهیزگار، صالح، نیکوکار

āšōb [*ʾšwp* | P *ʾʾšwb*, N ~] آشوب، اضطراب

Aštād [*ʾštʾt*[1] | M *ʾštʾd*, N ~] اشتاد (نام ایزد راستی)؛ گاه‌نما: نام بیست و ششمین روز ماه

aštag [*ʾštk*[1]] فرستاده، رسول

 ~īh: رسالت

aštar [*ʾštl*] تازیانه

āštīh [*ʾštyh* | M *ʾʾšt*, N *āštī*] آشتی، آرامش، توافق

Ašwahišt [*ʾšwhšt*[1]] = **Ardwahišt.**

āšyān(ag) [*ʾšydʾn(k)*[1] | (M *ʾhyʾng*), N *āšyāna*] آشیان / آشیانه، لانه

ātaxš [*ʾthš* = Av. *ātarš* | N *ātaš*] آتش

āwādag [*ʾwbʾtk*[1] | J *ʾwʾd*] نسل، پشت

āwahan [*ʾwbʾhn*[1]] حصار، دژ

āwām [*ʾwbʾm* | M *ʾwʾm*] زمان، زمانه

-āwand [-*ʾwnd* | M -*ʾw(y)nd*] ـ اوند (پسوند سازندهٔ صفت دارندگی)

awar [*LPNME* < A *l-pn-h* | M *ʾwr*] اینجا! ، بیا!

āwar-, → **āwurdan.**

a-wardāg [*ʾwltʾk*[1]] برنگشتنی

a-wardišnīg [*ʾwltšnyk*[1]] تغییرناپذیر

 ~īh: تغییرناپذیری

āwarišn [*ʾwblšn*[1] | M *ʾwryšn*] منزل، مسکن

a-warzīd [*ʾwlcyt*[1]] ناکِشته، کشت نشده

*āwāš-, → ***āwištan.**

āwāz [*ʾp̄ʾc* | N ~] آواز، آوا

a-wazišnīg [*ʾwcšnyk*[1]] بی‌حرکت

āwēnīdan, āwēn- [*ʾwyn-ytn*[1] | (P *ʾbwyn-*)] تنبیه کردن، سرزنش کردن

www.ketabz.com

~išn: سرزنش، ملامت
āwēnišnīg: سزاوار سرزنش
a-wēnišnīg [ʾwynšnyk'] ناپیدا
awērag [ʾwylk'] = **awērān.**
awērān [ʾwylʾn', ʾp̄ylʾn' | N *wērān*] خراب، ویران
awestād [ʾwstʾt' | M ʾwystʾd, N *ōstād*] استاد
awestām [ʾwstʾm | M ʾwystʾm] استان، ناحیه
awestarag [ʾwstlk' | N *ustura*] استره، تیغ
awestardan, awestar- [ʾwstl-tn' | P ʾwystr-, N *suturdan*] زدودن؛ستردن
~išn: زدودگی
awestwār [ʾwstwbʾl | M ʾwystwʾr, N *ustuwār*] استوار، محکم
~īh: استواری، محکمی
awēšān [*OLEšʾn*, → *ōy* | M ʾwyšʾn, N *ēšān*] آنان، ایشان
a-wināh [ʾwnʾs] بی‌گناه
a-winast [ʾwnst'] بی‌آلایش، بی‌زیان
awiš [ʾwbš | M ʾwyš] بدان، بدو، پسواژه (= ō) به
awištāb [ʾwštp̄ | M ʾwyštʾb, N *šitāb*] ستم
P awištādan, awišt- [ʾwšt-ʾtn' | P ʾwyštʾdn] ایستادن
awištāftan, awištāb- [ʾwštʾp̄-tn' | M ʾwyštʾb-, N *šitāftan*, *šitāb-*] ستم کردن؛ شتافتن
***āwištan, *āwāš-** [*HTYMWN-tn'* < A *ḥtym*, √ *ḥtm*; ʾwbštn' | M ʾwyšt] مهرکردن
a-wiyābānīg [ʾwydʾp̄ʾnyk' | N *biyābānī*] در نجوم: بیابانی، ستارهٔ ثابت
a-wizīrišnīg [ʾwcylšnyk'] اجتناب‌ناپذیر، ناگزیر
āwurdan, āwar- [*YHYTYWN-tn'* < A *hyty*, √ ʾth | M ʾʾwrd, ʾwr-, N ~] آوردن
āxēzīdan [ʾhycytn'] = **āxistan.**
āxistan, āxēz- [ʾhstn', ʾhyc- | M ʾxyst, ʾxyz-] برخاستن، بلند شدن
ăxrāmīdan, ăxrām- [ʾhlʾm-ytn' | M ʾxrʾm-, N *xirām-īdan*] چمیدن، خرامیدن
axtar [ʾhtl | M ʾxtr, N ~] اختر (= ستاره)، صورت فلکی، برجی از منطقةالبروج
axtar(ā)mār [ʾhtl(ʾ)mʾl] اخترشناس، منجم
~īh: اخترشناسی، منجمی
¹axw [ʾhw'] هستی، وجود، جهان

²axw [ʾhw' | M ʾwx] اندیشه، اراده؛ نیروی زندگی
³axw [ʾhw'] سرور، خداوند
a-xwamn [ʾhwmn'] بی‌خواب
axwān [ʾhwʾn'] = **¹axw.**
a-xwārīh [ʾhwʾlyh] ناشادی
āxwarr [ʾhwl | N *āxur*] آخور، اصطبل
~-sālār [-srdʾl] آخورسالار
a-xwaš [ʾBSYM] ناخوشایند؛ ناشاد
~īh: ناشادی
a-xwēškār [ʾhwyškʾl] وظیفه‌نشناس
ay [ʾȳ | N ~] ای (= یعنی)
āy, → **āmadan.**
ayāb [ʾywp | M ʾyʾb, N *yā*] یا
ayāb- → **ayāftan.**
ayābāg [ʾyʾp(ʾ)k'] پذیرا، فراگیر
~īh: فراگیری
ayād [ʾbydʾt' | M ʾyʾd, N *yād*] یاد
~kardan: به یاد آوردن
~gār [-kʾl | N *~gār*] یادگار
āyaft [ʾdypt' | M ʾʾypt, N *āyift*] آیفت، لطف، مراد
ayāftan, ayāb- [ʾyʾp̄-tn' | M ʾyʾpt, ʾyʾb-, N *yāftan, yāb-*] به دست آوردن، رسیدن به...، یافتن
ayār [*hdybʾl* | M *hyʾr*, N *yār*] دوست، یار
~īh: دوستی، یاری
ayārdēnīdan, ayārdēn- [ʾyʾltyn-ytn'] جوشاندن، به جوش آوردن
~išn: جوشش
ayārdīdan, ayārd- [ʾyʾlt-ytn' | M ʾyʾrd-] جوشیدن، جوش آمدن
ayārīdan, ayār- [*hdybʾl-ytn'* | N *yār-īdan*] ۱ـ به فریادرسیدن، یاری کردن
۲ـ جرأت کردن، قادربودن
ayārōmand [*hdybʾlʾwmnd* | N *yarmand*] یاور، همراه
~īh: یاری‌دهندگی، همراهی، مساعدت

www.ketabz.com

ayāsīdan, ayās- [*ʾbyd̲ʾs-ytn*[1] | M *ʾyʾs-*] به یادآوردن، متوجه شدن
~išn(īh): یاد
ayāstan [*ʾbyd̲ʾstn*[1] | M *ʾyʾst*] = **ayāsīdan.**
āyišm [*ʾdšm*] ماه (کره)
ayōxšust [*ʾywkhšwst*[1] = Av. *ayōxšusta-* | M *ʾʾywxšyst* !] فلز
~ēn [*-yn*[1]] فلزی
āyōxtan, āyōz- [*ʾywhtn*[1], *ʾywc-*] بهم پیوستن، جفت کردن
~išn: اتحاد، بهم پیوستگی
[1]**āyōzīdan** [*ʾywcytn*[1]] = **āyōxtan.**
[2]**āyōzīdan, āyōz-** [*ʾywc-ytn*[1] | P *ʾʾywšt, ʾʾywz-*] آشفتن، مضطرب ساختن؛ جنگیدن، ستیزه کردن
~išn(īh): ستیز، کوشش
[1]**az** [*MN* < A *mn; hc* | M *ʾc, ʾz*, N ~] از، تا
[2]**az** [*ʾc*[1]] اژدها
***az** [*ANE* < A *ʾnh* | P *ʾz*] من
āz [*ʾc* | M *ʾʾz*, N ~] آز، حرص
azabar [*hcpl* | M *ʾc ʾbr*, N *zabar*] زبر
āzād [*ʾcʾt*[1] | M *ʾʾzʾd*, N ~] ۱- آزاده ۲- آزاد
āzādīh [*ʾcʾtyh*] ۱- آزادی ۲- سپاس، تشکر
~ guftan, ~ hangārdan, ~ kardan, pad ~ dāštan: تشکر کردن، سپاسگزار بودن
āzār [*ʾcʾl* | N ~] آزار
āzardan [*ʾcltn*[1] | M *ʾʾzyrdn*] = **āzārdan.**
āzārdan, āzār- [*ʾcʾl-tn*[1] | N ~] آزردن، آسیب رساندن
~išn: آزار، صدمه
[1]**āzarm** [*ʾclm* | M *ʾʾzrm*, N ~] آزرم، احترام
[2]**āzarm** [*ʾclm* | M *ʾʾzrm-*] آسیب، صدمه
a-zarmān [*ʾzlmʾn*[1]] بی‌پیری، پیرنشدنی
āzarmīg [*ʾclmyk*[1]] آبرومند، محترم
~īh: احترام، آبرو
azbāy- [*ʾzbʾd-*] نیایش کردن

~išn: نیایش
azd [*ʾzd* | = M] شناخته
Azdahāg [*ʾcydhʾk*[1] | M *ʾzdhʾg*, (N *aždahā*)] اژدهاک، ضحاک ماردوش
azdēnīdan, azdēn- [*ʾzdyn-ytn*[1]] آگاه کردن
azēr [*hcdl* | N *zēr*] پایین، زیر
azg [*ʾzg* | N *azγ*] شاخه درخت
aziš [*hcš* | M *ʾcyš, ʾzyš*] از او، از آن، پسواژه (az =) از
~-keh [*-ks*] زیردست، کهتر
~-meh [*-ms*] مهتر، برتر
āz-kāmag [*ʾckʾmk*[1]] آزکامه، حریص
~īh: آزکامگی، حرص
azmūdan, azmāy- [*ʾzmwtn*[1], *ʾzmʾd-* | N *ā~*] = **uzmūdan.**
āznāwar [*ʾznʾwl* | M *ʾzn*] آزاده
azraw-, → **azruftan.**
azrāy- [*ʾzrʾd-*] زینت کردن
azruftan, azraw- [*(ʾ)zlwp-tn*[1] | M *ʿzrw-*] خاموش شدن، فرونشستن
āzurdan [*ʾcwltn*[1] | N ~] = **āzārdan.**
āzwar [*ʾcwl* | N ~] آزور، حریص
~īh: حرص

B

b-, → **būdan.**
babr [*bpl* | N ~] ببر
babrag [*bplk*[1]] بَبَر، سگ آبی
-bad, → **-bed.**
bādag [*bʾtk*[1] | N *~a*] آب انگور تازه در خم کرده، باده
bāγ [*bʾg* | (M *bʾw*), N ~] باغ، بوستان
baγōbaxt [*bkwbht*[1], *bʾgwkbʾht*[1] = Av. *baγō.baxta-*] سرنوشت، تقدیر
bahr(ag) [*bʾhl* (k[1]) | M *bhr*, N ~ (a)] بهر، بخش، پاره، قسمت؛ سبب

www.ketabz.com

(az) ān bahrag rāy	از بهر آنکه، بنابراین
bahrōmand [*bʾhlʾwmnd* | N *bahramand*]	بهره‌مند؛ بخش‌پذیر، مرکب
~īh:	بهره‌مندی؛ ترکیب
bahr(ag)war [*bʾhl(k)wl* | N *bahrawar*]	مشارکت، شرکت‌کننده، شریک
~īh:	شرکت، امتیاز
bāǰ [*bʾc* | N ~]	باج، مالیات
balādur [*blʾtwr* | N ~]	بلادر (نام زهری کشنده)
bālag [*bʾlk*¹ | N *bāl*]	بال
bālāy [*bʾlʾd* | M bʾlʾy N *bālā*]	بالا، بلندی، قامت
¹**bālēn** [*bʾlyn*¹]	نوک، قلّه
²**bālēn** [*bʾlyn*¹ | N *bālīn*]	بالش، بالین
~-gāh [*-gʾs*]	بالین‌گاه، نیمکت، تخت
balgam [blgm | N balγam]	بلغم
bālist [*bʾlyst*¹ | (M *bʾryst*)]	بالاترین؛ قلّه؛ در نجوم: اوج
~īh:	ارتفاع، بلندی
~īg [*-yk*¹]	بلند، عالی
bāliš [*bʾlšn*¹ ! | N ~]	بالش، بالین
bām [*bʾm* | = M]	فروغ، درخشندگی، شکوه
bāmbišn [*MLKTA* < A *mlktʾ;bʾnbšn*¹ | M *bʾnbyšn*]	ملکه
bāmdād [*bʾmdʾt*¹ | M *bʾmdʾd*, N ~]	بامداد، سپیده‌دم
bāmīg [*bʾmyk*¹]	بامی، درخشان، باشکوه
-bān [*-pʾn*¹ | M *-bʾn*, N ~]	ـ بان، ـ دار (پسوند)
band [*bnd* | = P, N ~]	بند، گره
band-, → bastan.	
bandag [*bndk*¹ | P *bndg*, N *~a*]	بنده
bang [*bng* | N ~]	بنگ
bānūg [*bʾnwk*¹ | N *bānū*]	بانو
bar [*bl* | N ~]	بر، میوه، سود، حاصل
bar-, ~išn, → burdan.	
¹**bār** [*bʾl* | N ~]	بار، دفعه
²**bār** [*bʾl* | N ~]	بار، ساحل

³**bār** [*bʾl* | M *bʾr*, N ~]	بار، میوه
⁴**bār** [*bʾl* | M *bʾr*, N ~]	بار، پشته؛ وظیفه
bārag [*bʾlk*¹ | N *~a*]	باره، اسب
barbut [*blbwt*¹ | N ~]	بربط
bārestān [*bʾlstʾn*¹]	بردبار، متحمل
~īh:	بردباری، تحمل
bārīg/k [*bʾlyk*¹ | N *bārīk* (cf. **tārīg**)]	باریک، نازک، دقیق
bār-ǰāmag [*bʾlyʾmk*¹ | N *~a*]	بارجامه، خرجین
barōmand [*blʾwmnd* | N ~]	برومند، بارور
barsom [*blswm* | M *brswm*]	برسم (دسته‌ای ترکهٔ بهم بسته، که در مراسم مذهبی زردشتیان به کار می‌رود)
baršnūm [*blšnwm*]	برشنوم (مهمترین مراسم شستشوی مذهبی زردشتیان)
bastan, band- [*ASLWN-tn*¹ < A √*ʾsr; bstn*¹*, bnd-* | M *bstn, (bn-),* P *bnd-*, N ~]	بستن
bāstān [*bʾstʾn*¹ | M *bʾystʾn*, N ~]	اغلب، همیشه
bāš [*YHWWNš* | M *bʾš*, N ~]	باش (امر از بودن)
baškuč [*bškwc*]	جانور افسانه‌ای که نیمی شیر و نیمی دال بود
bašn [*bšn*¹ | = P] → **buš.**	بشن، نوک، بالا (قامت)؛ فش، یال
baw-, ~išn, → būdan.	
baxš-, ~išn, → baxtan.	
baxt [*b(ʾ)ht*¹ | N ~]	بخت، اقبال، قسمت، سرنوشت
baxtan, baxš- [*HLKWN-tn*¹ < A √*ḥlq; b(ʾ)htn*¹*, bhš-* | M *bxt, bxš-*, N *baxšī*dan]	بخش کردن، توزیع کردن، سهم دادن
~išn:	بخشش، قسمت
bay [*ORHYA* < A *ʾlh; bk*¹*, bg* | M *by*]	خدا، سرور
im ~:	شاه، اعلیحضرت
ōy ~:	شاه فقید
bayaspān [*byʾspʾn*¹ | = M]	پیام‌آور، فرستاده
bayaspān|īh:	سفارت، مأموریت
~īg [*-yk*¹]	اسب چاپار
bāz [*bʾc* | N ~]	باز، شاهین

www.ketabz.com

bāzā [*bʾcʾy* | (N *bāzū*)] بازو

~bānag [*-pʾnk*^{1}] بازوبند، زره‌بازو

bazag [*bck*^{1} | M *bzg*, N *~a*] بزه، بدی

~īh: = **bazag.**

bazakkar [*bckkl* | M *bzkr*] بزه‌گر، گناهکار

bāzā-zanišnīh [*bʾcʾy znšnyh* = Av. *bāzu.ǰata-*] بازوزنشی (نام درجه‌ای از گناه)

bazišn [*bcšn*^{1}] بخش، قسمت

bazm [*bzm* | = M, N ~] بزم، سور

~-āwurd [*-ʾwlt*^{1} | N ~] بز ماورد (نوعی کلوچه)

^{1}**bē** [*BRA* < A *brʾ* | M *bʾ*] اما؛ بیرون

~... (enyā) بجز

~... enyā ... nē: درغیر این صورت

~az: بدون

^{2}**be** [*BRA* | M *bʾ*, N *bi-*] بـ (پیش فعل و با ō کاربرد تعریف‌پذیر ندارد)

-bed [*-pt*^{1} | M *-byd*, N *-ba/i/ud*] ـ بد (پسوند)، سرور

bēdom [*bytwm* | M *bydwm*] دورترین

bēgānag [*bykʾnk*^{1} | N *~a*] بیگانه، غریب

bēgār [*bykʾl* | N ~] بیگار، سخره

bēh [*byh* | N *bih*] به (میوه)

bēl [*byl* | (M *byr*), N ~] بیل

bēlūr [*bylwl* | P *bylwr*, N *bilūr*] بلور

bērōn [*bylwn*^{1} | M *byrwn*, N *bērūn*] بیرون

bēš [*byš*] آسیب، دشمنی؛ اندوه، درد

~burdan: دشمنی‌کردن

bēš-, ~išn, → bištan.

bēšāz [*byš(ʾ)z*] شفادهنده، طبی

bēšāz(ēn)- [*bysʾz(yn)-*, *byš(ʾ)c(yn)-* | M *byšʾz-*] شفا دادن، درمان کردن

~išnīh: درمان

bēš-burdār [*byšbwltʾl*] دشمن

bēšīdan [*byšytn*^{1}] = **bištan.**

bēšōmand [*byšʾwmnd*] اندوهگین

bēwar [*bywl* | M *bywr*, N ~] بیور، ده هزار

P bid [*byt*^{1} | P *byd*] دوباره

bidaxš [*bythš*] وزیر اعظم

***bijagān** [*bckʾn*^{1}] طبّی

bīm [*bym* | = M, N ~] بیم، وحشت

~gēn [*-kn*^{1}] بیمگین، وحشتناک

~gēnīh: بیمگینی

~ōmand [*-ʾwmnd*] بیمگین

***bistag** [*bstk*^{1} | N *busta*] فندق

bīš [*byš* | N ~] بیش (= اقونیطون)، نوعی گیاه سمّی

bištan, bēš- [*byš-tn*^{1} | M *byšt*, *byš-*] آزردن، زجر دادن

~išn: آزار، زجر

bizešk [*bcšk*^{1} | M *bzyšk*, N *pizišk*] پزشک، طبیب

bōb [*bwp* | N ~] بوب، قالی ظریف

bōr [*bwl* | N ~] بور، کهربایی

borz [*bwlc* | P *bwrz*] بلند

borz-wāng [*bwlcwʾng*] بانگ بلند

~īhā [*-yhʾ*] به صدای بلند

bowandag [*bwndk*^{1} | M *bwndg*] کامل، تمام، بی‌نقص

~īh: تمام بودگی، تمامی، کمال

~-menišnīh [*-mynšnyh*] درست‌اندیشی

bōxtag [*bwhtk*^{1} | M *bwxtg*] رستگار

~īh: رستگاری

bōxtan, bōz- [*bwhtn*^{1}, *bwc-* | M *bwxtn*, *bwz-*] رستگار شدن، نجات یافتن

~išn [*-šn*^{1} | J *bwzyšn/t*, N *pōziš*] رستگاری؛ پوزش

bōxtār [*bwhtʾl* | M *bwxtʾr*] نجات‌بخش

~īh: رستگاری، نجات

^{1}**bōy** [*bwd*] حس، درک

^{2}**bōy** [*bwd* | M *bwy*, N ~] بوی، رایحه، بخور

bōyāg [*bwdʾk*^{1} | M *bwyʾg*, N *bōyā*] بویا

bōy-dār [*bwddʾl* | N ~] بوی‌دار

www.ketabz.com

bōyēnīdan, bōyēn- [*bwdyn-ytn*^{1}] بوی دادن، معطر کردن
bōyestān [*bwdst'n*^{1} | M *bwyst'n*, N *bōstān*] بوستان، باغ گل
~bān [*-p'n*^{1}] باغبان
bōyīdan, bōy- [*bwd-ytn*^{1} | N ~] بوییدن، بو کردن
bōz-, ~išn, → bōxtan.
brād [*AH* < A *'ḥ; bl'tʼ*^{1} | M *br'd*] برادر
~ar [*bl'tl* | M *br'dr*, N *birādar*] برادر
***brādarōd** [*bl'tlwt*^{1}] خویشاوند(ناتنی)، شریک، رقیب
~īh: خویشاوندی، رقابت
brāh [*bl'h* | N *barāh*] درخشندگی، شکوه
brahm(ag) [*bl(')hm(k*^{1}*)* | M *brhm(g)*] روش، شکل، لباس
brahnag [*bl(')hnk*^{1} | M *brhng*, N *barahna*] برهنه
brām- [*b(w)l'm-* | (P *brm-*)] گریستن، نالیدن
~ag [*-k*^{1} | P *-g*] ناله
brāzīdan, brāz- [*bl'c-ytn*^{1} | *M br'z-, N barāzīdan*] تابیدن، درخشیدن
~išn: تابش، درخشندگی
~išnīg: تابان، درخشنده
brēh [*bly(y)h*] قسمت، سرنوشت
brēhēnīdan, brēhēn- [*blyhyn-ytn*^{1}] ۱ـ آفریدن، ساختن ۲ـ مقدر کردن
~āg [*-'k*^{1}] تقدیرگر
~išn: ۱ـ آفرینش ۲ـ تقدیر، سرنوشت
brēz-, → brištan.
brēzan [*blycn*^{1} | M *bryzn*, N *barēzan*] برزن، کوره، اجاق
brīdan, brīn- [*PSKWN-tn*^{1} < A √ *psq; blytn*^{1}*, blyn-* | M *bryd*, N *burīdan*] بریدن، قطع کردن
brīn [blyn^1] بخش، برش؛ قسمت، محدود، معین
~gar [*-kl*] تقدیرگر؛ قاطع
^{1}**brinǰ** [*blnc* | N *birinǰ*] برنج (خوراکی)
^{2}**brinǰ** [*blnc* | (M *bryng*), N *birinǰ*] برنج (آلیاژ)
~ēn [*-yn*^{1}] برنجین، برنزی
brīnōmand [*blyn'wmnd*] محدود

brištan, brēz- [*blyštn*^{1}*, blyc-* | M *bryz-*, N *birištan*] برشتن
brūg [*blwk*^{1} | M *brwg*, N *abrū*] ابرو
būdan, b(aw)- [*YHWWN-tn*^{1} < A *yhwwn*, √ *hwh; bwtn*^{1}*, b-* | M *bwdn, bw-*, N *būdan*] بودن، شدن
bawišn: پیدایش، تکوین
būf [*bwp* | N ~], ***būg** [*bwk*^{1}] بوف، جغد
buland [*bwlnd* | = M, N ~] بلند، به صدای بلند
būm [*bwm* | N ~] بوم، سرزمین، کشور
~-čandag [*-cndk*^{1}] زمین‌لرزه
^{1}**bun** [*bwn*^{1} | = M, N ~] اساس، نهاد، ته
^{2}**bun** [*bwn*^{1} | N ~] = **wan.**
bunag [*bwnk*^{1} | N *~a*] بنه؛ خیمه‌گاه، مسکن
~dāštan: سکنا گزیدن، مستقر شدن
bun-dahišn(īh) [*bwndhšn*^{1}*, -yh*] بندهش، آفرینش نخستین
bunīh [*bwnyh*] آغاز
buništ [*bwnyšt*^{1} | = M] اساس، بنیاد
~ag [*-k*^{1}] اصل
bun-kadag [*bwnktk*^{1}] بن کده (= خانه‌اصلی)، خانه
bun-xān [*bwnh'n*^{1}] سرچشمه
bur-, ~išn, → burīdan.
burāg [*bwl'k*^{1}] بُرّا، برنده
burām-, → brām-.
burd [*bwlt*^{1} | M *bwrd*] بردبار
~īh: بردباری
burdan, bar- [*YB̲LWN-tn*^{1} < A √ *ybl; bwltn*^{1}*, bl-* | M *bwrd, br-*, N ~] بردن، حمل کردن، ستاندن، تاب‌آوردن
~išn: تحمل، رفتار
burdār [*bwlt'l*] بردار (= حمل کننده)؛ رحم
~īh: بردباری
burd-ešnōhr [*bwlt*^{1} *šnwhl* | P *bwrdyšnwhr*] سپاسگزار، شکرگزار
burg [*bwlg* | (Ar. *burǰ*)] برج

www.ketabz.com

burīdan, bur- [*bwl-ytn*^{1} | M *bwr-*, N ~] = **brīdan.**
~išn: برش
Burz [*bwlc*] برز (نام ایزد حامی کشاورزی)
برزین مهر (نام سومین آتش مهم ساسانیان، خاص طبقه کشاورزان)
Burzēnmihr [*bwlcynmtr*^{1}]
burzīdan, burz- [*bwlc-ytn*^{1}] بزرگ داشتن، ستودن
~išn: احترام، ستایش
~išnīg: ستودنی
buš [*bwš* | N ~] بش، یال
būšāsp [*bwš'sp* | M *bwšy'sp*, N ~] خواب، کاهلی، رویا
but [*bwt*^{1} | = M, N ~] بت؛ بودا
buz [*AZ* < A *'z; bwc* | N ~] بز

Č

čābuk [*c'p̄wk*^{1} | N ~] چابک، چست، برترین
~īh: چابکی
čādur [*c'twl* | N ~] چادر، پوشش
čagād [*ck't*^{1} | (N *čakād*), J *čeγād*] چکاد، قلعه
čagar [*ckl*] همسر (درجه دوم)، چگر
čāh [*c'h* | N ~] چاه، گودال
čahār [*ALBA* < A *'rb'; ch'l* | M *ch'r*, N ~] چهار
~dah [*ch'ldh* | N ~] چهارده
~-pāy [*ch'lp'd* | N ~ > *čārwā*] چهارپای
čakōk [*ckwk* | N ~, *čakāwak*] چکاوک
čakuč [*ckwc* | N *čakuš*] چکش
čambar [*cmbl* | N ~] چنبر، حلقه
čamišn [*cmšn*^{1} | M *cmbyšn* (?)] ادرار (= عمل ادرار کردن)؛ دستشویی (= مستراح)
čand [*cnd* | = M, N ~] چند، چه اندازه؟ هراندازه، هرچند؛ اندکی، کمی
~īh: چندی، کمیت، مقدار

čandal [*cndl* | N ~] (چوب) صندل
čandīdan, čand- [*cnd-ytn*^{1} | (M *cn-ystn*), J ~] تکان خوردن، لرزیدن
~išn [N *čandiš*] چندش، حرکت
čang [*cng* | M *šnng*, N ~] چنگ
~-srāy [*-sl'd*] چنگ‌سرای، نوازندهٔ چنگ
čār [*c'l*] = **čārag.**
čarag [*clk*^{1} | M *crg*] چراگاه، چرا؛ گله
čārag [*c'lk*^{1} | N ~a] ابزار، چاره
~garīh [*-glyh*] چاره‌گری، قابلیت
čarb [*clp* | P *crb*, N ~] چرب، روغنی؛ ملایم، نرم
~īh: چربی؛ ملایمت
~išn [*-šn*^{1}] روغن، چربی
~išnōmand [*-šn'wmnd*] چربی‌دار
čarm [*clm* | M *crm*, N ~] پوست، پوست خام، چرم
čārūg [*c'lwk*^{1} | N *čārū*] آهک، ساروج
~ēn [*-yn*^{1}] آهکی
čarz [*clz* | N ~] چرز (نام پرنده‌ای)
čāšīdan [*c'š-ytn*^{1}] = **čāštan.**
čašm [*AYNE* < A *'ynh; cšm* | = M, N ~] چشم
^{1}**čašmag** [*cšmk*^{1} | M *cšmg*, N ~*a*] چشمه، سرچشمه
^{2}**čašmag** [*cšmk*^{1}] نامی
čašmagāh [*cšmk's* | *M cšmg'h*] آشکار، انگشت‌نما، علنی
~īh: انگشت‌نمایی، محکومیت
čašm-arešk [*cšm 'lyšk*^{1}] حسود
~īh: حسد
čašm-dīd [*cšm dyt*^{1}] آشکار، پدیدار، پیدا
čāšnīg [*c'šnyk*^{1} | M *c'šnyg*, N *čāšnī*] چاشنی، مزه
čāšt [*c'št*^{1} | N ~] چاشت، غذای (نیمروز)
^{1}**~ag** [*-k*^{1}] خوراک
^{2}**čāštag** [*c'štk*^{1}] آموزش، آموزه
čāštan, čāš- [*c'š-tn*^{1}] آموختن

www.ketabz.com

~išn : آموزش

čatrang [ctlng | (Ar. šatranǰ)] شترنج

*čaw(la)gān [cwpk'n[1]! | Ar. ṣawlaǰān, N čaugān] چوگان، چوب خمیده چوگان

čaxrag [c'hlk[1] | M cxr, N čarx] چرخ، حلقه

čaxšāgīh [chš'kyh] حس چشایی

čaxšišn [chššn[1] | M, J cxš-, N čaš-] مزه، طعم

[1]čē [ME < A mh | M cy, N či] کدام، چه

~rāy : برای چه، چرا

~īh : چیستی، ماهیت

[2]čē [ME, → [1]čē] چه، چون، برای، زیرا، که

čē-ēwēnag [ME 'dwynk[1]] چگونه

~īh : چگونگی

čegām-iz [cyk'm-c | M cyg'myc], ~-ē(w) : کمی؛ هرچه

čegāmag [cyk'mk[1] | N č(ag)āma] چکامه، سرود

čēh-, ~išn, → [2]čīdan.

*čēhag [cyhk[1]] غم

čehel [40 | N čihil] چهل

čēh-widarag [cyhwtlg] = činwad puhl.

čēlān [cyl'n[1] | = M, N ~] دشنه

~gar [-kl, -gl | N ~] چلنگر، آهنگر

čēr [cyl | M cyr, N ~] چیره، پیروز، شجاع

~īh : چیری، شجاعت

čērīhistan, čērīh- [cylyh-stn[1]] چیره‌شدن، پیروز شدن

[1]čīdan, čīn- [cytn[1], cyn- | M cyydn, cyn-, N ~] جمع کردن، چیدن

~išn : جمع‌آوری

[2]čīdan, čēh- [cytn[1], cyh- | M cy-] زاریدن، سوگواری کردن، غصه خوردن

~išn : زاری

~išnīg : غم زده

[1]čihr [cyhl | M cyhr, N ~] چهره، سیما، شکل، ظاهر

[2]čihr(ag) [cyhl(k[1]) | M cyhr, P -g, N ~] بنیان، تخمه؛ طبیعت، ماهیت

čihrēnīdan, čihrēn- [cyhlyn-ytn[1]] شکل دادن

čihrīg [cyhlyk[1]] طبیعی

čihr-šnāsīh [cyhlšn'syh] چهرشناسی (= مزاج شناسی)

čim [c(y)m | M cym, N ~] سبب، علت، قصد، معنی

~ (rāy) : چرا؟

čim-gōwāgīh [cym gwb'kyh] منطق (علم)

čimīg [cymyk[1]] منطقی، موجه، با معنی

čīn-, ~išn, → [1]čīdan.

čīnag [cynk[1] | P cyng, N ~a] چینه، دانه

činār [cyn'l | N ~] چنار

činwad [cynw(p)t[1]], ~puhl : چینود پل (پل جداکننده روان پرهیزگاران از روان گناهکاران)

čirāγ [cl'γ | P cr'g, N ~] چراغ

čiš [MNDOM | P cyš] = tis

čiyōn [cygwn[1] | M c'wn, N čūn] چون، مانند، چگونه، کی (چه وقت)

~ka : چنانکه

~īh : چگونگی، ماهیت

čōb [cwp | N ~] چوب

~ag [-k[1] | N ~a] چوبه، گرز

D

[1]dabr [dpl] فریبکار، گناهکار

[2]dabr [dpl] * تیره‌رنگ

dad [dt[1] | M dd, N ~] دد، حیوان وحشی

[1]dād [d't[1] | M d'd, N ~] داد، قانون؛ نوشته‌هایی که به مطالب دینی مربوط می‌شود

[2]dād [d't[1] | N ~] زاد، سن

[3]dād [d't[1]] دندان

[4]dād, → ahlaw-dād.

dādan, dah- [YHBWN-tn[1] < A √yhb; d'tn[1], dh- | M d'dn, (dy-), P dh- N ~, dih-] ۱- دادن ۲- آفریدن

~išn [dh(y)šn[1]] بخشش، دهش؛ آفرینش

www.ketabz.com

dādār [*dʾtʾl* | N ~] — دادار، آفریدگار
 ~īh: — داداری، آفریدگاری
dādestān [*DYNA* < A *dynʾ*; *dʾtstʾn*^{1} | M *dʾ(d)ystʾn*, N *dā(de)stān*] — داد، داوری، قانون؛ روند، مورد (قانونی)
dād-gāh [*dʾtgʾs*] = **daxmag** — جای وقفی، آتشکده
dādīg [*dʾtyk*^{1}] — قانونی، مربوط به قانون
dād-meh [*dʾtms*] — بالغ، بزرگسال
dādwar [*dʾtwbl* | (M *dʾywr*, P *dʾdbr*), N *dā(d)war*] — داور
 ~īh: — داوری
daftan, dam- [*dptn*^{1}, *dm-* | M *dm-*, N *dam-īdan*] — دمیدن، نفس کشیدن
 ~išn: — دم، نفس
daftar [*dptl* | N ~] — دفتر، دفتر محاسبه
dagr [*ALYK* < A *ʾryk*; *dgl* | M *dgr* > *dyr*, N *dēr*] — دیر، دراز
dagrand [*dglnd* | N *dērand*] — دیرنده، دراز
 ~-xwadāy [*-hwtʾy*] — دارای پادشاهی طولانی
dagr|-pattāy [*dglptʾd*] — دیرپا
 ~-zamān [*-zmʾn*^{1}] — دیرزمان، زمان طولانی
 ~-zī(w)išn [*-zywšn*^{1}] — دیرزی
dah [*10*, *ASLYA* < A *ʿsrʾ* | M *dh*, N ~] — ده
dah-, ~išn, → dādan.
Dahāg [*dhʾk*^{1} | (N *Dahāk*)] = **Azdahāg.**
dahān [*PWME* < A *p(w)m-h* | M *dhyn*, N *dahān*] — دهان
dahibed [*dhywpt*^{1} | M *dhybyd*] — دهبد، فرمانروا
dahigān [*dhywkʾn*^{1} | N *dihgān*] — دهقان، کشاورز
dahlīz [*dʾhlyc* | (M *dhryz*), N ~] — دهلیز
dahm [*dʾhm*] — بافضیلت، پارسا؛ عضو جماعت زردشتی، محرم
dahom [*dʾhwm* | M *dhwm*, N ~] — دهم
dālman [*dʾlmn*^{1} | N *dāl(man)*] — دالمن، عقاب
dam-, ~išn, → daftan.
^{1}**dām** [*dʾm* | = M] — آفریده، آفرینش
^{2}**dām** [*dʾm* | = M, N ~] — دام، حیوان اهلی

^{3}**dām** [*dʾm* | P *dʾmg*, N ~] — تله، تور، دام
dāmād [*dʾmʾt*^{1} | M *dʾmʾd*, N ~] — داماد، شوهردختر
 ~īh: — دامادی، شوهری دختر
damēnag [*dmynk*^{1}] — بادزن
damīdan [*dmytn*^{1}] = **daftan.**
dān, ~išn, → dānistan.
-dān [*-dʾn*^{1} | = M, N ~] — ـ دان، ـ دار (پسوند)
dān(ag) [*dʾn(k)*^{1} | N *~a*] — تخم، دانه
dānāg [*dʾnʾk* | M *dʾnʾg*, N *dānā*] — خردمند، دانا
 ~īh: — خرد، دانایی
dandān [*KKA* < A *kkʾ*; *dndʾn*^{1} | = M, N ~] — دندان
dānistan, dān- [*YDOYTWN-stn*^{1} < A √*ydʿ*; *dʾn-stn*^{1} | M *dʾn-ystn*, N ~] — دانستن
 ~išn: — دانش
 ~išnōmand [*-šnʾwmnd*] — دانشمند
dar [*BBA* < A *bbʾ*; *dl* | M *dr*, N ~] — در؛ کاخ؛ باب، موضوع
dār [*dʾl* | M *dʾr-*, N ~] — دار، درخت؛ چوب
dār-, ~išn, → dāštan.
-dār [*-dʾl* | M *-dʾr*, N ~] — ـ دار، ـ بان (پسوند)
P darāy [*dlʾg* | J ~, N *darāy*] — درای، زنگ
***darak** [*dlk*^{1}] — بخش، فصل
darband [*BBAbnd* | N ~] — دروازه
darbās [*dlpʾs*] — کاخ
dard [*dlt*^{1} | M *drd*, N ~] — درد
 ~ōmand [*-ʾwmnd* | M *-wmnd*, N *~mand*] — دردمند، بیمار
dārēn [*dʾlyn*^{1} | M *dʾrwyn*] — چوبین
dargāh [*dlgʾs* | N ~] — درگاه
dārgardīh [*dʾlkrtyh* | M *dʾrgyrdyh*] — دارآویختگی، تصلیب
dar-handarzbed [*BBA-*, *dl-hndlcpt*^{1}] — رایزن دربار
darīgbed [*dlykpt*^{1}] — رئیس تشریفات دربار
***dārmag** [*dʾlmk*^{1}] — ریز، ظریف

www.ketabz.com

darmān [*dlmʾn*^{1} | M *drmʾn,* N ~] — دارو، درمان
darrīdan, darr- [*SDKWN-tn*^{1} < A √ *sdq; dl-ytn*^{1} | N ~] — پاره کردن، دریدن
dārūg [*dʾlwk*^{1} | M *dʾrwg,* N *dārū*] — دارو، درمان
dār-wāzīg [*dʾlwʾcyk*^{1} | N *dār-bāz*] — دارباز، چوب باز
darz [*dlc* | N ~] — درز، شکاف
 ~īg [*-yk*^{1} | N *darzī*] — درزی، خیاط
dās [*dʾs* | N ~] — داس
dās^{a}r [*dʾsl* = Av. *dāθra-*] — پاداش، هدیه
dast [*YDE* < A *yd-h; dst*^{1} | = M, N ~] — دست
dastag [*dstk*^{1} | N *~a*] — بسته، دسته، گروه
dast(a)gird [*YDE-, dst-krt*^{1} | M *dstygyrd,* N *dastgird*] — دستگرد، ملک
dast-gīr [*dstgyl* | N ~] — ۱ـ دستگیر، یاور ۲ـ دستگیر، اسیر، برده
dast-graw [*dstglwb*^{1}] — بردگی، اسارت
dast-kārīh [*YDEkʾlyh* | N ~ *ī*] — کاردستی
dast-šōy [*dstšwd*] = **gōmēz.**
dastwar [*dstwbl* | M *dstwr,* N *dastūr*] — دستور، وزیر، باقدرت
 ~īh: — رسم؛ اختیار
dastyār [*dstydʾl* | (P *dstdʾr*), N ~] — دستیار
 ~īh: — دستیاری، کمک
dašn [*dšn*^{1} | = M] — دست راست
dāšn [*dʾšn*^{1} | M *dʾš(y)n*] — هدیه
dašnag [*dšnk*^{1} | N *~a*] — ۱ـ دست راست ۲ـ دشنه
dašt [*dšt*^{1} | = M, N ~] — دشت، زمین هموار
daštān [*dštʾn*^{1} | N ~] — دشتان (قاعدگی)؛ زن قاعده
 ~estān [*-stʾn*^{1}] — جای مجزا برای زنان قاعده
 ~-māh [*-mʾh*] — دوران قاعدگی
 ~ōmand [*-ʾwmnd*] — زن قاعده
dāštan, dār- [*YHSNN-tn*^{1} < A √ *ḥsn; dʾštn*^{1}*, dʾl-* | M *dʾštn, dʾr-,* N ~] — حفظ کردن، داشتن، گرفتن، نگاه داشتن
pad . . . dāštan: — تصور کردن، فرض کردن

pad ēd dāštan [cf. N *pindāštan*] — پنداشتن
 ~išn: — حفظ، نگاهداری
dāštār [*dʾštʾl*] — محافظ، مراقب
daw-, → dawīdan, dawistan.
[1]**dawāl** [*dwbʾl* | N ~] — پوست، دوال
[2]**dawāl** [*dwbʾl* | N ~] — فریب، نیرنگ
[1]**dawīdan, daw-** [*LHTWN-tn*^{1} < A √ *rhṭ; dwytn*^{1}*, dwb-* | M *dw-,* N ~] — دویدن
[2]**dawīdan, daw-** [*dw-ytn*^{1}] — گفتن (اهریمنی)
[1, 2] **dawistan** [*LHTWN-stn*^{1}*, dwstn*^{1}] = [1, 2] **dawīdan.**
daxmag [*dhmk*^{1} | P *dxmg,* N *~a*] — دخمه (جایی‌که اجساد را تا هنگام‌نابودی نگاهداری می‌کنند)
 ~estān [*-stʾn*^{1}] — گورستان
daxšag [*dhšk*^{1} | M *dxšg*] — نشان، علامت، ویژگی؛ یاد
 pad ~ dāštan: — به یاد داشتن
 az ~ hištan: — فراموش کردن، از یاد بردن
 ~ōmand [*-ʾwmnd*] — نشاندار
Day [*ddw*^{1} | M *dyy,* N ~] — آفریدگار؛ گاه‌نما: نام دهمین ماه سال، هشتمین، پانزدهمین و بیست و سومین روز ماه
dāyag [*dʾyk*^{1} | M *dʾyg-,* N *~a*] — دایه
 ~ānīh [*-ʾnyh*] | (N *dāyagī*) — دایگی، پرستاری
dazīdan, daz- [*dc-ytn*^{1}] — داغ کردن، سوزاندن
 ~išn: — سوختگی
dēbāg [*dypʾk*^{1} | N *dēbā*] — دیبا
dēbahr [*dypʾhl* | P *dybhr*] — خشم
 pad ~ dāštan: — تبعید کردن
dēg [*dyk*^{1} | N ~] — دیگ
deh [*MTA* < A *mtʾ* | M *dyh,* N ~] — ده؛ سرزمین، کشور
 ~gān [*MTA-, dʾhkʾn*^{1}] = **dahigān.**
dēn [*dyn*^{1} | = M, N *dīn*] — دین؛ گاه‌نما: نام بیست و چهارمین روز ماه
dēnār [*dynʾl* | N *dīnār*] — دینار، سکه طلا
dēn-āstawān [*dynʾstwbʾn*^{1}], **dēn-burdār** [*dynbwltʾl*] — باایمان، معترف به دین

www.ketabz.com

dēnīg [*dynyk*^{1} | N *dīnī*] دینی، دیندار

dēnōdag [*dynwtk*^{1}] شیرده، ماده

dēr, dērand, → **dagr, dagrand.**

dēs(ag) [*dys(k*^{1}*)* | M *dys*] دیس (= شکل)، ظاهر

dēsīdan, dēs- [*dys-ytn*^{1} | M *dys-yd*] ساختن

dēw [*ŠDYA* < A *šyd', pl. šydy'* | N ~] ابلیس، دیو

dēwān [*d(p)yw'n*^{1} | N ~] دیوان، مجموعه نوشته‌ها

dēwānag [*dyw'nk*^{1} | N ~*a*] دیوانه، دیوی (منسوب به دیو)

dēwār [*dyw'l* | M *dyw'r*, N ~] دیوار

dēw|-ēsnīh [*ŠDYAysnyh* | (M *dyw'snyh*)] اهریمن پرستی، دیوپرستی

~-ēzagīh [*ŠDYAyckyh*] = **~-ēsnīh.**

dēwōk [*dywwk*^{1} | N *dēwuk*] زالو

dibīr [*dpy(w)r*^{1} | M *dbyr*, N ~] دبیر، نویسنده

~īh: دبیری، نویسندگی

~estān [*-st'n*^{1} | N ~] مدرسه

did [*TWB̲* < A *twb; dt*^{1}] بعلاوه، پس، دوباره، دیگر

dīdan, wēn- [*HZ̲YTWN-tn*^{1} < A √ *ḥzy; dytn*^{1}*, wyn-* | M *dydn, wyn-*, N ~, *bīn-*] دیدن

~išn: بینایی، بینش

~išnīg: پدیدار، پیدا

dīdār [*dyt'l* | N ~] دیدار؛ دیدنی

pad ~ [N *padīdār*] پدیدار

didom [*dtwm*] دوم

dig [YTMAL < A * 'tm'l | N dī] دی، دیروز

dil [*LB(B)ME* < A *lb(b)-h; dyl* | = M, N ~] دل

dilēr [*dylywl, dyl* | N ~] دلیر

diz [*KLYTA* < A *qryt'; dc* | M *dyz*, N ~] دژ

dō [*2, TLYN*^{1} < A *tryn* | M *dw*, N *du*] دو

~-axwānīg [*2 'hw'nyk*^{1}] دوجهانی، مربوط به دو جهان

~gānag [*dwk'nk*^{1} | M *dwg'ng*, N *dugāna*] دوگانه؛ توأم

dōk [*dwk*^{1} | N ~] دوک

dōl [*dwl* | N ~] دلو؛ درنجوم: برج دلو

dō|-pahikar [*dwptkl* | N *du-paikar*] در نجوم: دو پیکر، برج جوزا

~-pāy [*2 LGLE, dwp'k* | N *du-pā*] دوپا، بشر

dōs [*dws* | N ~] انگم؛ اندود

dō-saxwan [*2 shwn*^{1}] فریبنده، دوسخنه

dōsēn [*dwsyn*^{1}] انگمی (= چسبنده)؛ اندوده؛ لعابدار؛ سفالینه

dōst [*dwst*^{1} | = M, N ~] دوست

~īh: دوستی، مهر

^{1}**dōš** [*dwš* | N ~] دوش، شانه

^{2}**dōš** [*dwš* | N ~] دوش، دیشب، شب قبل

dōš-, ~išn, → ^{1,2} **dōšīdan,** ^{1}**dōxtan.**

dōšag [*dwšk*^{1}] عزیز، محبوب

~īh: عشق، مهر

dōšāram [*dwš'lm* | M *dwš'rm*] عشق، مهر

dōšastar [*dwšstl*] مغرب

^{1}**dōšīdan, dōš-** [*dwš-ytn*^{1}] دوست داشتن، عشق ورزیدن

~išn: دوستی، خوشی

^{2}**dōšīdan** [*dwšytn*^{1}] = ^{1}**dōxtan.**

dōšīzag [*dwšyck*^{1} | (M *dwxš*, J *dwškyzh*), N ~*a*] باکره، دوشیزه

~īh: بکارت، دوشیزگی

dŏwom [*2wm* | N ~] ـ دوم (در اعداد ترکیبی)

^{1}**dōxtan, dōš-** [*dwhtn*^{1}*, dwš-* | N ~] دوشیدن

^{2}**dōxtan, dōz-** [*dwhtn*^{1}*, dwc-* | N ~] دوختن

dōysᵃr [*dwysl* = A → *dōiθra-*] چشم

dōz-, → ^{2}**dōxtan.**

drafš [*dlpš* | P *drfš*, N ~] درفش

drafšīdan, drafš- [*dlpš-ytn*^{1} | P *drfš-*, N ~] ۱ـ درخشیدن ۲ـ لرزیدن

drahm [*Z̲WZ̲N*^{1} < A *zwzn* | M *drhm*, N *dir(h)am*] درهم

dra(h)nāy [*dl(h)n'd*] درازا

dramanag [*dlmnk*^{1} | N *dirmana*] درمنه (نام گیاهی است)

drang [*dlng* | N *dirang*] ادامه، درنگ (دوره)

www.ketabz.com

dranǰīdan, dranǰ- [*dlnc-ytn'*] گفتن

~išn: سخن، گفته

draxt [*dl(ʾ)ht'* | M *drxt*, N *diraxt*] درخت

drāy-, ~išn, → drāyīdan.

drayā(b) [*dlydʾ(p̄)* | M *dryʾb*, N *daryā(b)*] دریا

~-bār [*-bʾl* | N *-bār*] دریابار، ساحل

drāyān-ǰōyišn [*dlʾdʾn ywdšn'*] کسی که به هنگام خوردن حرف می‌زند

~īh: گناه ناشی از حرف زدن به هنگام خوردن

drāyīdan / drāyistan, drāy- [*dlʾd-ytn'*, *-stn'* | M *drʾyst, drʾy-* N *darāyīdan*] گفتن (اهریمنی)؛ هرزه‌گویی کردن

~išn: هرزه‌گویی

drāz [*dlʾc* | N *dirāz*] دراز

driyōš [*dlgwš* | N *daryōš, darwēš*] درویش، نیازمند، فقیر

~īh: درویشی، نیازمندی، فقر

drō [*KDBA* < A *kdbʾ*; *dlwb'* | M *drw*, (N *darōγ*)] دروغ، فریب

drōd [*ŠRM* < A *šlm*; *dlwt'* | M *drwd*, N *darōd*] آرامش، تندرستی، سلامتی، کامیابی

drō-dādwarīh [*KDBA dʾtwblyh*] داوری دروغ

¹drōn [*dlwn'* | N *darūna*] کمان

²drōn [*dlwn'* | N *darūn*] درون: نان مقدس؛ مراسمی که نان مقدس در آن به کار می‌رود

drōn yaštan: نان درون را تقدیس کردن

drōš [*dlwš*] داغ، علامت؛ پادافراه

~ag [*-k'*] * ویران

drōšīdan, drōš- [*dlwš-ytn'*] داغ زدن

drōšom [*dlwšwm*] علامت

drōz-, → druxtan.

drōzan [*dlwcn'* | M, J *drwzn*] دروغزن، دروغگو

~īh: دروغ

drubušt [*dl(w)pwšt'*] دژ، دفاعی

~īh: بارو، سنگر

drūdan, *drūn [*HCDLWN-tn'* < A √*ḥṣd* | M *drʿwd*, (*dwr-*), N *durūdan, diraw-*] حاصل برداشتن، درو کردن

drust [*drw(d)st'* | (M *dryst*), N *durust*] درست؛ تندرست، سالم

~īh: درستی؛ تندرستی

drustabed [*drwystpt'*] سرپزشک، رئیس پزشکان

društ [*dlwšt'* | N *durušt*] درشت، زبر، سخت

~īh: درشتی، سختی

~-āwāz, ~-ēwāz [*-ʾp̄ʾc, -ʾywʾc*] درشت‌آواز

druwand [*dlwnd* | M *drwnd*] بد، ناپاک، دروند، گناهکار

~īh: ناپاکی، گناه

druxtan, drōz- [*dlwhtn', dlwc-* | M *drwxt, drwz-*] دروغ گفتن، فریفتن

druz [*dlwc* | (P *drwj*)] دیو

dūd [*dwt'* | M *dwd*, N ~] دود

dūdag [*dwtk'* | N *~a*] دوده

dudīgar [*dtykl* | M *dwdygr*, N *dīgar*] ددیگر، دوم

duǰ-, = duš-.

~-daft [*dwšdpt'*] بددم، کوتاه دم

~-dānāg [*dwšdʾnʾk'*] نادان

~-dēn [*dwšdyn'* | M *dwjdyn-*] بددین

~-dōysᵃrīh [*dwšdwyslyh*] بدچشم

~-gand [*dwšgnd* | P *dwjgnd*] بدبو

~-gandīh: بدبویی

dum(b) [*dwm(b')* | N ~] دم

~ōmand [*-ʾwmnd*] دمدار

dūr [*LHYK'* < A *rḥyq*; *dwl* | M *dwr*, N ~] دور، فاصله‌دار، بعید

durgar [*dwlgl* | N ~] درودگر، نجار

dusraw [*dwslwb'*] بی‌آبرو، بی‌آزرم

~īh: بی‌آبرویی، بی‌آزرمی

duš- [*dwš-* | = M] بد ـ، دش ـ (پیشوند)

~īh: بدی، تبهکاری

~-āgāh [*dwšʾkʾs*] ابله، احمق، نادان

~-āgāhīh: حماقت، نادانی

~-arz [*-ʾlc*] بی‌ارج، بی‌ارزش

www.ketabz.com

~-čašm — حسود

~-čašmīh — حسادت

~-čihr [*-cyhl* | M *dwščyhr*] — بدچهر، زشت، بدخو، بدسرشت

~-ēwāzīh [*-ʾywʾcyh* | (M *dwšwʾcyh*)] — افترا، گفتار بد

~-farrag [*-plg* | P *dwšfr*] — بدبخت

~-farragīh: — بداقبالی

~-gōwišn [*-gwbšn*^{1}] — بدگفتار؛ گفتهٔ بد

~humat [*-hwmt*^{1}] — اندیشه بد

~-hūxt [*-hwht*^{1} | M *dwšxwptyy!*] — گفتار بد

~-kām [*-kʾm*] — بدخواه، دژکام

~-kanīg [*-knyk*^{1}] — کنیز زشت

~-kar [*-kl*] — دشوار

~-kunišn [*-kwnšn*] — بدکار، کردار بد

dušmat [*dwšmt*^{1} = Av. *dušmata-* | M *dwšmtyy* !] — اندیشه بد

dušmen [*dwšm(y)n*^{1} | = M, N *dušman*] — دشمن

~īh: — دشمنی

~ādīh [*dwšmnʾtyh* | M *dwšmnyʾdyh*, J *dwšmnʾdy*] — خصومت، دشمنی

duš-|-menišn [*dwš-mynšn*^{1}] — بداندیش؛ اندیشهٔ بد

~-nām [*-nʾm* | (M dwjnʾm), N ~] — دشنام، ناسزا؛ بدنام

dušox [*dwšhw*^{1} | M *dwš(w)x*] — دوزخ

~īg [*-yk*^{1}] — دوزخی

duš-pādixšā(y) [*dwšpʾthšʾ(d)*] — پادشاه بد

~īh: — پادشاهی بد، فرمانروایی بد

dušrām [*dwšl(ʾ)m*] — ناشاد، بدبخت

~īh: — بدبختی

dušwār [*dwšʾwl* | (M dwjwʾr), N ~] — دشوار، ناسازگار

~īh: — دشواری، سختی، ناراحتی

duš-|-wīr [*dwš-wyl*] — بدفکر

~-wurrōyišnīh [*-wlwdšnyh*] — بی‌دینی

~-xēm [*-hym*] — بدخیم

~-xwadāyīh [*-hwtʾyh*] — فرمانروایی بد

~-xwār [*-hwʾl* | N ~] = **dušwār.**

dušxwaršt [*dwšhwwlšt*^{1} | M *dwšxwʾštyh!*] — کردار بد

duxt [*BRTE* < A *brt-h; dwht*^{1} | M *dwxt*, N ~] — دخت

~ar [*dwhtl* | N ~] — دختر

duz(d) [*GNBA* < A *gnbʾ; dwc(t)* | M *dwz*, N *duzd*] — دزد

~īh [*dwc(d)yh*] — دزدی

duzīdag [*dwcyk*^{1}] — دزدیده: روزهای افزودهٔ آخر سال، پنجهٔ دزدیده

duzīdan, duz- [*dwc-ytn*^{1} | N *duzdīdan*] — دزدیدن

dwārīdan / dwāristan, dwār- [*dwbʾl-ytn*^{1}, *-stn*^{1} | M *dwʾr-*] — حرکت کردن، دویدن (اهریمنی)

~išn: — دوزخ، مسکن (دیوان)

dwāzdah [*dwʾcdh* | M *dwʾzdh*, N *duwāzdah*] — دوازده

~ān [*-ʾn*^{1}] — بروج دوازده‌گانه

E

ē [*ʾy* | (M *hyb*)] — ـی (از ادات است و به فعل مضارع مفهوم تمنایی می‌دهد)

ē, → ēd, ēw.

ēbārag [*ʾdypʾlk*^{1}, *ʾdwʾlk*^{1} | N *ēwār*] — اوار، غروب

ēbgat(īh) [*ʾybgt*^{1}, *-yh* = Av. *aiβi.gati-*] — (تازش) اهریمن، مخالف

ēbsrūsrim [*ʾyp-*, *ʾybslwslym* = Av. *aiβisrūθrima-*] — زمان بین غروب خورشید و نیمه شب

ēbyānghan [*ʾyp-*, *ʾywbyʾnghn*^{1}, ... = Av. *aiβyåŋhana-* = kustīg] — کمربند مقدس

ēč [*ʾyc* | (P *ʾywyc*), N *hēč*] — هیچ (با ادات نفی)

ēčand, → ēw-čand.

ēd [*HNA* < A *hnʾ* | M *ʾyd*] → **dāštan** — این

~rāy čē [cf. N *z-ē-rā*] — ایرا، چونکه

ēdar [*LTME* < A *l-tmh* | M *ʾydr*, N ~] — ایدر، اینجا

ēdōn [*ʾytwn*^{1} | N *ēdūn*] — ایدون، چنین

~īh: — روش (درست)، ایدونی

www.ketabz.com

ēg [*ADYN*^{1} < A *ʾdyn* | M *ʾyg*] آنگاه، پس
ēk [*ʾywk*^{1} | M *yk*, N *yak*] یک
ēkānag [*ʾywkʾnk*^{1} | N *yagāna*] وفادار، با وفا
 ~īh: وفاداری، با وفایی
ēk-dād [*ʾywkdʾt*^{1}] یکتا آفریده
ēmēd [*ʾdmyt*^{1}] امید
ēn [*ZNE* < A *znh* | M *ʿyn*, N *īn*] این
-ēn [*-yn*^{1} | = M, N *-īn*] ـ ین (پسوند سازندهٔ صفت نسبی)
-endag [*-ndk*^{1} | M *-yndg*, N *-anda*] ـ نده (پسوند سازندهٔ صفت فاعلی)
-ēn-īdan [*-yn-ytn*^{1} | M *-yn-ydn*, (N *-ān-*)] ـ انیدن [پسوند سازندهٔ فعل سببی و اسمی (= جعلی) متعدی]
***ēnōkēn** [*ʾynw(k)kyn*^{1} = Av. **aēnō. kaēnā-*] وارث (دختری که تعهّد به ادامهٔ روش پدر دارد)
enyā [*ʾynyʾ* | (M *ʾnʾy*)] بعلاوه، غیر از
^{1}**ēr** [*ʾdl* | M *ʾyr*, → *azēr*] زیر، پایین؛ پست؛ تحت
 ~ud abar: زیر و زبر
^{2}**ēr** [*ʾyl*] آزاده؛ پهلوان
 ~īh: آزادگی، رفتار خوب
Erān [*ʾylʾn*^{1} | N ~] (سرزمین) آریاها، ایران
 ~ag [*-k*^{1}] ایرانی، آریایی
ērang [*ʾylng*] سرزنش، نکوهش؛ خطا؛ بی‌دینی
 ~īh: = **ērang.**
ēranǰ-, → ^{1,2} **ēraxtan.**
Ērān|-šahr [*ʾylʾnštr*^{1} | N ~] ایرانشهر (= سرزمین آریاها)
 ~-wēz [*-wyc*] ایرانویج (= سرزمین اصلی آریاها)
^{1}**ēraxtan, ēranǰ-** [*ʾylhtn*^{1}, *ʾylnc-* | J *ʾyrxt*] سرزنش کردن، ملامت کردن، ناسزا گفتن
^{2}**ēraxtan, ēranǰ-** [*ʾylhtn*^{1}, *ʾylnc-* | M *ʿyrxt*, (*ʾyrnz-*)] جنگیدن، مشاجره کردن
ēraxtār [*ʾylhtʾl*] جنگجو
ēr-kaš [*ʾdlkš* | *M ʾyrkš*] دست به سینه (به نشان احترام)، سلام، درود
^{1}**ērmān** [*ʾylmʾn*^{1} | (M *ʾryʾmʾn*), N ~] دوست؛ ایرمان (نام ایزدی است)
 ~īh: دوستی

^{2}**ēr-mān(ag)** [*ʾdlmʾn(k)*^{1}] فروتن
ēr-menišnīh [*ʾdlmynšnyh*] فروتنی
ēr-tan [*ʾdltn*^{1}] فروتن
 ~īh: فروتنی
ērwār [*ʾylwʾl*] گردوار، درخور پهلوان
ērwārag [*ʾdlwʾlk*^{1} | J *ʾrwʾrh*] آرواره، گونه
ēsm [*ʾysm*] = **ēzm.**
esp°, → *sp°*.
ĕstādan, ĕst- [*YKOYMWN-tn*^{1} < A *yqym*, √ *qwm*; *ʾstʾtn*, *ʾwst-ʾtn*^{1} | M *ʿyst-ʾdn*, N ~]
 ایستادن؛ بودن، ادامه دادن (به عنوان معین برای ساختن فعل ماضی نقلی با معنی استمرار)
 ~išn: پایداری، دوام، مسکن
ēš [*ʾyš* | N *xēš*] خیش، گاوآهن
ešn°, → *šn°*.
ē(w) [*I*; *HD* < A *ḥd* | M *ʿyw*, N *-ē*] ـ ی (نکره که در آخر اسم می‌آید)، یک
ēwan [*ʾdwn*^{1}] تنه، ساقه
ēwān [*ʾdwʾn*^{1}] دهنه
ēwar [*ʾywl* | J *ʾyβʾr*] مطمئن (مطمئناً)، یقین (یقیناً)
ēwarz [*ʾdwlc*] حرکت
ēwarzīdan; **ēwarz-** [*ʾdwlc-ytn*^{1}] حرکت کردن، سفر کردن
ēwarzīg [*ʾdwlcyk*^{1}] متحرک
^{1}**ēwāz** [*ʾywʾc*] کلام، گفته
^{2}**ēwāz** [*ʾywʾc*] تنها، فقط
 ~īg [*-yk*^{1}] خاص، فردی
ēw-bār [*ʾywbʾl*] یکبار
ē(w)-čand [*ʾy(w)cnd*] اندکی، یک چند
ēwēn [*ʾdwyn*^{1} | M *ʾywyn*, (N *āyīn*)] آداب، آیین، روش، شکل
 pad ~: به آیین، مطابق رسم و معمول
^{1}**ēwēnag** [*ʾdwynk*^{1} | M *ʾywyng*] = **ēwēn**; → **čē-.**
^{2}**ēwēnag** [*ʾdwynk*^{1} | (N *āyīna*)] آیینه
ēw-kard(ag) [*ʾywkrt(k)*^{1}, *-kltk*^{1}] پیوسته، یکپارچه

www.ketabz.com

ē(w)-mōg [*'y(w)mwk*^{1}] یک موزه داشتن، تنها یک کفش به پا داشتن
ēw-sān [*'yws'n*^{1} | (N *yak-sān*)] شبیه، یکسان
 ~īh: همانندی، یکسانی
ēw-tāg [*'ywt'k*^{1} | M *'yw t'g*, (N *yaktā*)] تنها، فرد، یکتا
ēz-, → yaz-.
 ~išn [*'ycšn*^{1}] پرستش
ēzm [*CYBA* < A *syb'* | N *hēzum*] سوخت، هیزم

F

farr-, → **xwarrah.**
Farrōbāy [*plwb(')g*] آذرفرنبغ (نخستین و مهمترین آتش دورهٔ ساسانیان،خاص طبقه موبدان و نجبا)
farrox [*pllhw*^{1} | M *prwx*, N ~] خشنود، خوشبخت، فرخ
 ~īh: خوشبختی، شادی، فرخی
filāsōfā [*pyl'swkp'y*] فیلسوف
frabīh [*plpyh* | (P *frbyw*), N *farbīh*] چاق، فربه
Fradadafš [*pldtpš* = Av. *fradaδfšū-*] فرددفش (نام اقلیم جنوب شرقی ازهفت اقلیم)
fradāg [*MHL* < A *mḥr*; *plt'k*^{1} | N *fardā*] فردا
frādahišnīh [*pl'dhšnyh*] افزایش، ترقی
fradom [*AWLA* < Ar. ! *'wl'*; *pltwm* | (M *prtwm*)] نخست
 ~īh: نخست، آغاز
fragān [*plk'n*^{1}] اساس، بنیاد؛ اصل
fragandan, fragan- [*plkn-dn*^{1}] بنیاد نهادن
frahang [*pl'hng* | N *farhang*] آگاهی؛ فرهنگ
 ~estān [*-st'n*^{1}] مدرسه
frahanǰ-, → frahixtan.
frahist [*plh(y)st*^{1} | (M *pr'yst*)] بیشترین (صفت عالی برای **freh**)
frahixtag [*plhhtk*^{1} | N *farhixta*] فرهیخته، کارآزموده، ماهر
frahixtan, frahanǰ- [*plhhtn*^{1}, *pl'hnc-* | P *frhynj-*, N *far~*] فرهیختن، آموختن، تعلیم دادن

framādār [*plm't'l*] رئیس، فرمدار، فرمانده
framān [*plm'n*^{1} | M *frm'n*, N *farmān*] دستور، فرمان (کوچکترین درجه گناه)
 ~-burdār [*-bwlt'l* | N *-bardār*] فرمانبردار، مطیع
framāy-, ~išn, → framūdan.
frămōš [*pl(')mwš* | M *pr'mwš*, N *farāmōš*] فراموش
framōšīdan [*plmwšytn*^{1}] = **framuštan.**
framūdan, framāy- [*plmwtn*^{1}, *plm'd-* | M *prm'dn*, *prm'y-*, N *far~*] دستور دادن، فرمودن
 ~išn: دستور، فرمایش
frămuštan, frămōš- [*pl(')mwš-tn*^{1} | M *pr'mwšt*, *pr'mwš-*, N *farā~*] فراموش کردن
franaftan, *franam- [*plnptn*^{1}, **plnm-* | M *prnpt*, *prnm-*] رفتن، پیش رفتن، روانه شدن
franāftan, franām- [*pln'p̄tn*^{1}, *pln'm-* | P *frn'm-*] ۱ـ پیش بردن، دور کردن، رهبری کردن، هدایت کردن ۲ـ اقرار کردن (به دین)، رواج دادن
 ~išn: پیشرفت، دوری، اقرار
frārāst [*pl'l'st*^{1}] ذراع، واحد طول (= ۱۸ اینچ)
frārōn [*pl'lwn*^{1}] پرهیزگار، درستکار
 ~īh: پرهیزگاری، درستکاری
frasang [*plsng* | N *farsang*] فرسنگ (= چهار میل رومی)
frasāwand [*pls'wnd*] فرسودنی، گذرا
 ~īh: گذرایی
frasp [*plsp* | N *farasp*] تیر سقف، دیرک، فرسپ
***fraš** [*plš*] سنان
fraš(a)gird [*plškrt*^{1} | M *prš(y)gyrd*] فرشگرد، بازسازی در پایان جهان
 ~īg [*-yk*^{1}] فرشگردی، جاودانگی پس از بازسازی در پایان جهان
fraš(a)murw [*plšmwlw*^{1} | M *fršymwrw*] طاووس
frašn [*plšn*^{1}] پرسش
frawahr [*plw'hl* | M *prwhr-*] فروهر (= روان بی‌مرگ انسان)، فرشته نگهبان در طول زندگی
frawār [*plw'l* | N *farwār(a)*] فروار، خانه یا کوشکی که اطرافش باز باشد

www.ketabz.com

fraward [*plwlt*^{1} | M *frwrd-*] = **frawahr.**

frawardag [*plwltk*^{1} | M *prwrdg*] طومار، نامه

***frawārdan, frawār-** [*plw'l-tn*^{1}] پیش‌آوردن، تعارف کردن (غذا)

Frawardīgān [*plwltyk'n*^{1} | N *farwardagān*] فروردیگان (= جشن فروهرها)،

gāhānīh پنج روز پایانی اسفند ماه و پنج روز افزوده بعدی

Frawardīn [*plwltyn*^{1} | M *frwrdyn*, N *far~*] فروردین؛ گاه‌نما: اولین ماه سال ونوزدهمین روزماه

frāx [*pl'hw*^{1} | N *farāx*] پهن، جادار، فراخ، کافی، فراوان

~īh: فراخی، فراوانی

frāxēnīdan, frāxēn- [*pl'hwyn-ytn*^{1}] فراخ کردن، موجب پیشرفت شدن

frāy [*pl'y* | M *pr'y*] بیش، فراوان

frayād [*plyd't*^{1} | N *faryād*] فریاد (= کمک)، یاری

frayādīdan, frayād- [*plyd't-ytn*^{1} | M *pry'd-*] به فریاد رسیدن، یاری کردن

~išn: کمک، یاری

~išnīg: کمک بخشی

frāz [*pr'c* | M *pr'z*, N *farāz*] فراز، جلو

~abgandan: فراز افکندن

~az: پس از، جدا از

~brēhēnīdan: آفریدن، ساختن

~griftan: به عهده گرفتن، انجام دادن؛ تصمیم گرفتن، منصوب کردن

~ō: تا به

frazaftan [*plcptn*^{1} | (M *przwps-*)] انجام شدن، کامل شدن

frazāftan, frazām- [*plc'ptn*^{1}, *plc'm-* | M *prz'ptn*] به پایان رساندن، تمام کردن، کامل کردن

~išn: فرجام یافته، تکمیل

frazām [*plc'm* | (N *farǰām*)] فرجام، نتیجه

frazāmēnīdan, frazāmēn- [*plc'myn-ytn*^{1}] = **frazāftan.**

frazām-pērōzīh [*plc'm pylwcyh*] پیروزی نهایی

frazānag [*plc'nk*^{1} | P *frz'ng*, N *farzāna*] دانا، فرزانه

~īh: دانایی، فرزانگی

frazand [*przznd* | M *frzynd*, N *farzand*] فرزند، پسر، بچه

~īh: فرزندی

frazēn [*plcyn*^{1} | N *farzīn*] فرزین (وزیر در بازی شترنج)؛ (تحت‌اللفظی): موقعیت دفاع در صفحه شترنج

frēb [*plyp* | N *firēb*] حیله، فریب

frēftan, frēb [*plyp-tn*^{1} | N *fir~*] فریفتن

frēftār [*plypt'l*] فریبکار؛ فریب‌خورده

frēg [*plyk*^{1} | M *pryyg*] (تیغ) شانه

freh [*plyh* | N *firih*] زیاد، بیش، فراوان = **frāy**

~būd(īh) [*-bwt*^{1}, *bwtyh*] افراط

frēstādan / frēstīdan, frēst- [*ŠDRWN-(y)tn*^{1} < A √ *šdr*; *plyst-'tn*^{1}, *-ytn*^{1} | M *pryst-'d*, N *firistādan*] فرستادن

frēstag [*plystk*^{1} | M *prystg*, (N *firišta*)] فرشته، فرستاده

frēz [*plyc*] اجبار، وظیفه

~bānīg, ~wānīg [*-p'nyk*^{1}, *-w'nyk*^{1}] اجباری، تعهدآور

~bānīh, ~wānīh [*-p'nyh*, *-w'nyh*] انجام وظیفه

frōd [*plwt*^{1} | M *prwd*, N *furō(d)*] فرود

~mānd [*-m'nd*] کاستی، کمبود

frōg [*plwk*^{1} | N *furōγ*] درخشندگی، فروغ

frōgīhistan, frōhīh- [*plwkyh-stn*^{1}] درخشیدن

frōxtan, frō(x)š- [*MZBNW-tn*^{1} < A *mzbn*, √ *zbn* | M *prwxš-*, N *furōxtan*, *furōš-*] فروختن

frušag [*plwšk*^{1} | (M prwšg), N *furša*] افروشه / فروشه (نام حلوایی است که در آن شیر و روغن را با هم می‌آمیزند)

G

gabr [*gpl*, *gwbl* | M *gbr*, N ? *gōr*] حفره، سوراخ، رحم

~īh: گودی

gač [*gc* | N ~] گچ، سنگ‌گچ

-ēn [*-yn*^{1}] گچی

www.ketabz.com

gad [*gt*^{1} = Av. *gaδā-*] چماق، گرز

gādan, gāy- [*SLYTWN-tn*^{1} < A √ *sry? : g'tn*^{1} | N ~] گادن

gādār [*g't'l*] شوهر

gadwar [*gtwl* = Av. *gaδawara-*] گرزور، حمل کننده گرز

^{1}**gāh** [*g's* | M *g'h*, N ~] بالین، تخت، جا

^{2}**gāh** [*g's* | N ~] زمان؛ یک پنجم شبانروز = گاهنبار

^{3}**gāh** [*g's*] سرود، گاه (سرودی از سرودهای گاهان)

gāhān [*g's'n*^{1}] گاهان: قدیمی‌ترین بخش کتاب اوستا که با الهیات ارتباط دارد

gāhānbār [*g's'nb'l* | N *gāhanbār*] گاهنبار، هر یک از شش بخش سال؛ جشنهای پنج روزه که در پایان هر یک از این شش بخش برپا می‌شود

gāhānīg [*g's'nyk*^{1}] گاهانی (= مربوط به گاهان)، روحانی، پنج روز آخر سال

gāhbed [*g'spt*^{1} | N **gahbad*] خزانه‌دار، گنجور

~īh: گنجوری

gahl [*g(')hl* | N *gāl*] ارزن درشت، گاورس

gāhūg [*g'hwk*^{1}] تابوت

gāhwārag [*g'sw'lk*^{1} | N *gǎhwāra*] گهواره، ننو

gāl [*g'l*] حشر، حشم

galōg [*glwk*^{1} | N *gulō*] گلو

gām [*g'm* | = M, N ~] پی، قدم، گام؛ واحد طول (= سه فوت)

~ī dō pāy: گام دو پا (= یک گام، پنج فوت)

-gānag [*-k'nk*^{1} | M *-g'ng*, N *-gāna*] ـگانه (پسوند سازندهٔ صفت عددی)

gand [*gnd* | N ~] گند

gandag [*gndk*^{1} | (M *gng*), N ~*a*] گنده، بدبو

~īh: گندگی، بدبویی

gandanāg [*gndn'k*^{1} | N *gandanā*] گندنا، تره

gandum [*H*^{g} < A *ḥnṭh* | (M *gnwm*), N ~] گندم

ganǰ [*gnc* | (M *gnz*), N ~] گنج، گنجینه

~war [*-wbl* | M *-wr*, N ~] گنجور

gan(n)āg [*gn'k*^{1} | (P *gnd'g*)] → **gandag** پلید، فاسد

~mēnōg: گناگ مینو، مینوی بد

~īh: فساد

gar [*gl*] کوه

-gar [*-kl, -gl* | M *-gr*, N ~] ـگر (پسوند سازندهٔ صفت فاعلی)

-gār [*-k'l* | M *-g'r*, N ~] ـگار (پسوند سازندهٔ صفت فاعلی)

garān [*gl'n*^{1} | M *gr'n*, N *girān*] سخت، دشوار، گران، سنگین

~īh: سنگینی، وزن

garasmān [*glsm'n*^{1} | M *gr'sm'n*] = **garōdmān.**

gard [*glt*^{1} | N ~] گرد

gardan [*gltn*^{1} | M *grdn*, N ~] گردن

gardānāg [*glt'n'k*^{1}] مهره (بازی)

gardānīdan, gardān- [*glt'n-ytn*^{1} | M *grd(y)nydn*, N ~] گردانیدن

gardīdan, gard- [*glt-ytn*^{1} | M *grd-*, N ~] گردیدن، گشتن

~išn: گردش، سیر

garm [*glm* | M *grm*, N ~] گرم، داغ

~īh: گرمی، حرارت

garm-ābag [*glm'p̄k*^{1} | N ~*a*] گرمابه

garmāg [*glm'k*^{1} | M *grm'g*, N *garmā*] گرما، حرارت

garmōg [*glmwk*^{1}] گرم، تفته، باحرارت

garmōwar(īh) [*glmwk wl(yh)*] ورگرم: آزمایش ایزدی برای بازشناختن راست از دروغ و گناهکار از بیگناه

garmsēr [*glmsyl* | N ~] گرمسیر، زمین پست

garōdmān [*glwtm'n*^{1} = Av. *garō dəmāna-* | P *grdm'n*] گرودمان، بهشت‌برین

~īg [*-yk*^{1}] بهشتی

γarrānāg [*gl'n'k*^{1} | M *grn'g ?*] رعد

γarrānīdan, γarrān- [*gl'n-ytn*^{1} | (N *γurrīdan*)] غریدن، نعره‌زدن

~išn: غرش

garzag [*glck*^{1} | N *garza*] گرزه، مار

garzīdan, garz- [*glc-ytn*^{1}] گله کردن، اعتراف کردن

~išn: گله

~išnīg: گله‌مند

gaw [*gw*^{1}] دَست (اهریمنی)

gāw [*TWRA* < A *twr'* | M *g'w*, N ~] گاو نر، گاو اهلی؛ در نجوم: برج ثور

www.ketabz.com

gāwars [*P*[g] < A *prg*ʾ*;g*ʾ*wls* | N ~] — گاورس، ارزن درشت
gawazn [*gw*ʾ*zn*[1] | N ~] — گوزن
gawdar [*gwtl* | N ~] — گودر، گوساله
gāw-dumb [*g*ʾ*p̄dwmb* | N ~*dum*] — گاودم، شیپور
gāw-mēš [*TWRAmyš* | N *gā(w)mēš*] — گاومیش
gāy-, → **gādan.**
Gayōmart [*g*ʾ*ywkmlt*[1] = Av. *gayō marəta* | (M *gyhmwrd*), N ~] — کیومرث (انسان نخستین)
gaz [*gc* | N ~] — گز (درخت)
gaz-, ~išn, → gazīdan.
gazāg [*gc*ʾ*k*[1]] — گزنده
gāzar [*g*ʾ*cl* | N *gāzur*] — گازر، رختشوی
gazdum [*gcd(w)m*, *gzd(w)m* | N *každum* !] — کژدم؛ درنجوم: برج عقرب
gazīdag [*gzytk*[1] | N *gazīd*] — گزیت، جزیه
gazīdan, gaz- [*gc-*, *gz-ytn*[1] | N ~] — گزیدن، نیش زدن
 ~išn: — نیش
gēg [*gdk*[1] | M *gyyg*] — دزد
gēhān [*gyh*ʾ*n*[1] | = M, N *gihān*, *ǰahān*] — کیهان، جهان
 ~īg [*-yk*[1]] — کیهانی، جهانی، فانی
-gĕn [*-k(y)n*[1] | M *-gyn*, N *-gīn*] — ـگن، ـگین (پسوند سازندهٔ صفت توصیفی)
gēs [*gys* | (M *gyswg*, N *gēsū*)] — گیس، گیسو
gētīg [*gyty̲k̲*, *gyty̲dy̲* | M *gytyg*, N *gētī*] — ۱ـ گیتی ۲ـ جهانی
 ~īg [*-yk*[1]] — جهانی
gil [*TYNA* < A *tyn*ʾ*;gl* | N ~] — گل
gilag [*g(y)lk*[1] | N *gila*] — گله، شکوه
 ~-ōbār [*-*ʾ*wp*ʾ*l*] — گله اوبار، متحمل
gilēn [*TYNAyn*[1] | N *gilīn*] — گلی
gilistag [*glystk*[1]] — خانه دیوان، مسکن دیوان
gīr-, ~išnīg, → griftan.
gird [*glt*[1] | M *gyrd*, N ~] — گرد، مدور؛ گردآمده
 (ō) ~ āmadan: — گرد آمدن، جمع شدن

 ~kardan: — گرد کردن، جمع کردن
 ~īh: — گردی
girdag [*gltk*[1] | N ~*a*] — دایره، گرده
gišnag [*gšnk*[1] | P *gyšng*] — کوتاه، کوچک
gišnīz [*gšnyc* | N ~] — گشنیز
giyā(h) [*gy*ʾ*h*, *gȳ*ʾ*h* | (M *gy*ʾ*w*), N ~] — گیاه
 ~īzag [*-yck*[1]] — تیغ گیاه، کاه
gizistag [*gcystk*[1] | J *w/βzsth*] — ملعون، تنفرانگیز
gōgird [*gwklt*[1] | M *gwgyrd*, N ~] — گوگرد
 ~ōmand [*-*ʾ*wmnd*] — گوگردی
gōhr [*gwhl* | M *gwhr*, N *gauhar*] — جوهر، ماهیت، مایه؛ جواهر؛ خمیره، نسل
gōhrag [*gwhlk*[1]] = **gōhr.**
 ~-dānāg [*-d*ʾ*n*ʾ*k*[1]] — گوهرشناس، طبیعت‌شناس
[1]**gōhrīg** [*gwhlyk*[1]] — اساسی، ذاتی
***gōhrīg** [*gw(*ʾ*)hlyk*[1]] — جانشین، به جایِ، معادلِ
***gōkān** [*gwk*ʾ*n*[1]] — جزئیات
 ~īg [*-yk*[1]] — به صراحت؛ مفصل
gōmēz [*gwmyc* | N *gimēz*] — گمیز، ادرارگاو (به‌عنوان پاک‌کننده در مراسم به‌کار می‌رود)
gōmēz- [*gwmyc-* | N *gimēz-*] — ادرار کردن
gōn [*gwn*[1] | N *gūn*] — رنگ، گون
 ~ag [*-k*[1] | M *gwng*, N *gūna*] = **gōn.** — گونه، شکل، نوع
gōr [*gwl* | N ~] — گورخر
gōspand [*KYNA* < A *qnyn*ʾ*?;gwspnd* | N ~] — گوسفند، چهارپای (کوچک)
 ~-čihrag [*-cyhlk*[1]] — دارای تخمه چهارپایان
gōstān [*gwst*ʾ*n*[1]] — ستورگاه، آخور
[1]**gōš** [*gwš* | = M, N ~] — گوش
[2]**Gōš** [*gwš* | N ~] — گوش؛ گاه‌نما: چهاردهمین روز ماه
gōšag [*gwšk*[1] | N ~*a*] — گوشه
gōšōsrūd [*gwš*ʾ*wslwt*[1] = Av. *gaošō.srūta-*] — آموخته، کسب کرده
gōšt [*BSLYA* < A *bsr*ʾ*; gwšt*[1] | N ~] — گوشت
gōšwār [*gwšw*ʾ*l* | N ~] — گوشوار

www.ketabz.com

gōw-, ~išn, → guftan.
gōwāg [*gwb'k*[1] | M *gw'g*, N *gōyā*] گویا فصیح؛ سخنگو
***gōwizār** [*gwwc'l*] به تفصیل، صریح
gōy [*gwd* | N ~] گوی
gōz [*gwc* | N ~] گوز، گردو
~ēnag [*gwzynk*[1] | N *gōzīna*] گوزینه (شیرینی که با مغز گردو می‌سازند)
Gōzihr [*gwcyhl* | Ar.*ǰawzahr*] جوزهر؛ در نجوم: تنین
~dumb: نقطه اعتدال پاییزی
~sar: نقطه اعتدال بهاری
grāb [*gl'p̄* | P *gr'b*] رحم
grāmag [*gl'mk*[1] | P *gr'mg*] ثروت، دارایی
grāmīg [*gl'myk*[1] | M *gr'myg*, N *girāmī*] گرامی، عزیز
~īh: احترام، محبت
[1]**graw** [*glwb*[1] | P *grww*] نی‌نازک
[2]**graw** [*glwb*[1] | N *giraw*] گرو، وثیقه
~īh, ~(a)gān [*glwk'n*[1] | M *grwg'n*, N *giraugān*] = [2]**graw.**
grāyīdan, grāy- [*gl'd-ytn*[1] | P *gr'y-*, N *girāy-*] گراییدن، متمایل شدن؛ قصد داشتن، آرزو کردن
griftan, gīr- [*OHDWN-tn*[1] < A √ *'ḥd; glptn*[1], *gyl-* | M *grypt, gyr-*, N *giriftan*, ~] گرفتن، ستاندن، جلوگیری کردن
~išnīg: ملموس، گرفتنی
griftār [*glpt'l* | N *gir~*] گرفتار، گرفته؛ اسیر
~ōmand [*-'wmnd*] ملموس، گرفتنی
grih [*glyh* | N *girih*] گره
[1]**grīw** [*CWLE* < A *ṣwr-h; glyw*[1]] گردن، گلو
[2]**grīw** [*CWLE, glyw*[1] | M *gryw*] خویشتن، نفس
[3]**grīw** [*glyw*[1] | P *gryw*, N *girī(b)*] جریب (واحد اندازه‌گیری سطح)؛ پیمانه برای اندازه‌گیری خشکبار
grīwag [*glywk*[1] | N *girīwa*] گریوه، دره
grīwbān [*glywp'n*[1] | N *girībān*] گریبان، یقه
griyistan, griy- [*BK̲YWN-stn*[1] < A √ *bky; gld-stn*[1] | M *gryy-stn*, N *girīstan, giry-*] گریستن، گریه کردن

grōh [*glwh* | N *gurōh*] گروه، دسته
gubrāg [*gwpl'k*[1]] گوش به زنگ، زرنگ، بیدار
gubrās- [*gwpl's-*] = **wigrās-, → wigrādan.**
guftan, gō(w)- [*YMRRWN-, YMLLWN-tn*[1] < A *ymlwn*, √ *mll; gwptn*[1], *gwb-* | M *gwptn, gw-*, N ~, *gō(y)-*] گفتن، حرف زدن، بیان کردن
~išn: گفتار
guftār [*gwpt'l* | N ~] گوینده
~īh: (قدرت) بیان، فصاحت
gugān- [*gwk'n-* | M *gwg'n-*] نابود کردن
gugār(ī)dan, gugār- [*gwk'l-(y)tn*[1] | N *guwār-īdan*] گواردن
gugāy [*gwk'dy* | M *gwg'y*, N *guwāh*] گواه
~īh: گواهی
gūh [*gwh* | N ~] گه، مدفوع
guhrāyēnīdan, guhrāyēn- [*gw'hl'yn-ytn*[1]] انگیختن، بیدار کردن
gul [*gwl* | N ~] گل، رز
gumān [*gwm'n*[1] | = M, N ~] گمان، شک
~gar [*-kl*] شکاک
~īg [*-yk*[1]] مشکوک
~īh, ~īgīh: گمان، شک
gumārdag [*gwm'ltk*[1]] گمارده، مأمور
gumārdan, gumār- [*gwm'l-tn*[1] | M *gwm'r-dn*, N *gumāštan, gumār-*] گماردن، منصوب کردن، تفویض کردن
gumbad [*gwmbt*[1] | N ~] گنبد، آتشکده
gumēg [*gwmyk*[1] | M *gwmyg*] آمیزه
gumēxtan, gumēz- [*gwmyhtn*[1], *gwmyc-* | M *gwmyxtn, gwmyz-*] آمیختن، مخلوط کردن
~išn: = gumēzagīh. آمیختگی، آمیزه
gumēzag [*gwmyck*[1]] آمیزه، آمیختگی
~īh: آمیختگی جهان مادی، طول دوران جهان مادی
[1]**gund** [*gwnd* | = P] سپاه، لشگر؛ گروه، جماعت

www.ketabz.com

[2]**gund** [*gwnd* | N ~] گند، بیضه
gung [*g(w)ng* | N ~] گنگ
gurbag [*gwlbk*[1] | N *~a*] گربه
gurd [*gwlt*[1] | P *gwrd*, N ~] گرد، پهلوان
[1]**~īh:** گردی، پهلوانی، شجاعت
gurdag [*gwltk*[1] | N *~a*] گرده، کلیه
[2]**gurdīh** [*gwltyh*] سلاح (بعضی قطعات)
gurdwār [*gwltw'l*] گُردوار، درخور پهلوان
gurg [*gwlg* | N ~] گرگ
gurgānīg [*gwlg'nyk*[1] | N *~ī*] گرگانی، منسوب به گرگان
gursag [*gwlsk*] | N *gurusna* !] گرسنه
~īh: گرسنگی
gušn [*gwšn*[1] | N ~] گشن، نر
gušnag [*gwšnk*[1] | J *gušna*] گشنه، گرسنه
Gušnasp [*gwšn(')sp̄*] گشنسب (دومین آتش مهم دورهٔ ساسانیان، خاص طبقه ارتشتاران)
gyāg [*gyw'k*[1] | M *gy'g*, N *ǰāy*] جای
~rōb [*-lwp* | N *ǰārō(b)*] جاروب
gyān [*HYA* < A *ḥy'*; *y'n*[1] | M *gy'n*, N *ǰān*] جان، روان
~kandan: جان کندن، نزع
~-abespār [*-'p̄sp'l* | N *ǰān-sipār*] بی‌امید، بی‌پروا؛ جان سپار، فدایی
~īg [*-yk*[1] | M *-yg*] روحانی؛ حیاتی
~war [*-wl* | (P *-br*), N *ǰānwar*] جانور؛ جاندار

H

h- [*HWE-* < A √*hwh*; *h-* | M *h-*] بودن (فعل ناقص)
[1]**hād** [*HWEt*[1] ! = Av. *āat̰*] (= ā) اکنون، پس؛ یعنی
[2]**hād** [*h't*[1]] هات، هر یک از بخشهای یسنا
hādamāns^{a}r [*h'tkm'nsl* = Av. *haδa.māθra-*] هاتمانسر (نوشته‌هایی که با مطالب دینی ارتباط دارد)

~īg [*-yk*[1]] مربوط به هاتمانسر
hādōxt [*h'twht*[1] = Av. *haδaoxta-*] هادخت (یکی از نسکهای گم شدهٔ اوستا)، مراسم مذهبی خاص
haft [*hp̄t*[1] | M *hpt*, N ~] هفت
~ād [70 | M *hpt'd*, N ~] هفتاد
~ag [*-k*[1] | N *hafta*] هفته
~ān [*-'n*[1]] هفتان، هفت سیاره
haftār [*hp̄t'l* | (N *kaftār* !)] کفتار
haftdah [*hp̄tdh* | N ~, *hifdah*] هفده
Haftōring [*hp̄tw(k)lng* = Av. *haptōiringa-*] هفتورنگ؛ در نجوم: دب اکبر
hagriz [*hklc* | M *hgryc*, N *hargiz*] همیشه؛ (با نفی) هرگز
halag [*hlk*[1]] احمق، هرزه (= خل)
~īh: دیوانگی، حماقت
halām [*hl'm* | N ~] هلام، گوشت قرمه
halīlag [*hlylk*[1] | N *~a*] هلیله (گیاهی است که میوهٔ آن مصرف دارویی دارد)
ham [*hm* | = M, N ~], → ō هم؛ همان
~īh: پیوستگی، همی (= اتحاد)، همآهنگی، نشست
hamābēr [*hm'p̄yl* | M *h'm'byr*] انبار
hamāg [*hm'k*[1] | M *h'm'g*, N *hama*] همه
~-dēn [*-dyn*[1]] همه دین (مراسم مذهبی)
hamagīh [*hmkyh* | N *~ī*] همگی، همه
hamahl [*hm(')hl*] = **hamāl.**
hamāl [*hm'l* | N ~] همال، همتا؛ دوست، رفیق
hambadīg [*hmbtyk*[1]] حریف، معارض
hambah-, → [2]**hambastan.**
hambāh-, ~išn, → **hambāstan.**
hambān [*hmb'n*[1] | N *anbān(a)*] انبان، کیسه چرمی
hamband [*hmbnd*] پیوسته
~īh: پیوستگی
hamband-, ~išn, → [1]**hambastan.**
hambār [*hm–, hnb'l* | N *anbār*] انبار

www.ketabz.com

hambārīdan, hambār- [*hm-, hnb'l-ytn*[1] | M *hmb'r-*, N *anbārdan*] — انباشتن، گردآوری کردن
hambasān [*hnbs'n*[1] | M *'mbs'n*] — دشمن، معارض
 ~īg [*-yk*[1]] — دشمنانه، مغایر
hambast [*hmbst*[1] | N *anbast*] — متراکم، به هم پیوسته
[1]**hambastag** [*hmbstk*[1] | N *anbasta*] — مرکب، متشکل
[2]**hambastag** [*hnbstk*[1] | M *hmbst*] — افتاده، فرو ریخته
hambāstag [*hmb'stk*[1]] — * همه
[1]**hambastan, hamband-** [*hmbstn*[1], *hmbnd-*] — ترکیب کردن، شکل دادن؛ احاطه کردن، بهم بستن، بهم پیچیدن
 ~išnīh: — بهم بستگی، بهم پیچیدگی
[2]**hambastan, hambah-** [*hnbstn*[1], *hnb'h-* | M *hmbst, hmbh-*] — فرو افتادن، خراب شدن
hambāstan, hambāh- [*hnb'stn*[1], *hnb'd-* | M *hmb'stn, hmb'h-*] — به زیر افکندن، برانداختن، ویران کردن
 ~išn: — براندازی، فروریزی، تخریب
ham-bašn [*hmbšn*[1]] — هم قامت
hambaw-, ~išn, → hambūdan.
hambāy [*hmb'g* | (M *hmb'w*)] — انباغ، شریک؛ حریف
hambāz [*hm-, hnb'c* | M *'mb'z*, N *anbāz*] — انباز
hambedīg [*hmbytyk*[1]] = **hambadīg.**
hambōš-, ~išn [*hnbwš-, -šn*[1] | N *anbōšiš*] = **hambūs-, ~išn.**
hambōy- [*hnbwd-* | M *hwmbwy-*, N *anbōyīdan*] — بوییدن، بو کردن
 ~āgīh [*-'kyh*] **~išn:** — بویایی (حس)
hambūdan, hambaw- [*hm-YHWWN-tn*[1], → **būdan;** *hmbwtn*[1]] — ترکیب شدن، یکی شدن
 ~išn(īh): — اتحاد، ترکیب
hambun [*hmbwn*[1]] — اصلاً، هیچ (با ادات نفی)
hambūsīdan, hambūs- [*hnbws-ytn*[1]- | N *anbūsīdan*] — انبوسیدن، آبستن شدن
 ~išn: — آبستنی
ham-dādestān [*hm-DYNA, -d'tst'n*[1] | N *ham-dāstān*] — همداستان، موافق

hamdam [*hmdm* | N ~] — همدم، مونس
ham-dēsag [*hmdysk*[1]] — همدیس، هم شکل
hamē [*hm'y* | M *hmyw*, N ~] — همیشه
 ~ka: — هر زمان (که)
ham-ēdōn [*hm'ytwn*[1] | N *hamēdūn*] — همیدون، همچنین
hamē|īg [*hm'yyk*[1] | M *hmywyg*] — جاوید
 ~īhā [*-yh'*] — جاویدان
hamēmāl [*hmym'l* | = J] — حریف، معارض
 ~īh: — مخالفت
hamēnīdan, hamēn- [*hmyn-ytn*[1]] — یکی کردن، ترکیب کردن
hamē-rawišnīh, hamē-ud-hamē-rawišnīh [(*hm'y W*) *hm'y lwbšnyh*] — ابدی
hamēst [hmyst[1]] — کسی که کارهای خوب و بدش برابر است
 ~(ag) ān [-(k)'n[1]] — اعراف، طبقه میان بهشت و دوزخ
hamēstār, ~īh [*hmyst'l, -yh*] = **hamēmāl, ~īh.**
hamēšag [*hmyšk*[1] | M *hmyšg*, N *~a*] — همیشه
 ~īh: — همیشگی
 ~-sōz — همیشه‌سوز
hamē-wahār [*hm'y wh'l* | N *hamēša-bahār*] — گل همیشه بهار
ham-ēwēnag [*hm'dwynk*[1]] — همانند، یک جور
ham-gōhr [*hmgwhl* | M *hmgwhr*] — هم گوهر، هم ذات
ham-gōnag [*hmgwnk*[1] | M *hmgwng*] — همانگونه، چنین
P hămharz [*h(')mhlc* | P *h'mhyrz*] — همراه، ملازم
hāmīn [*h'myn*[1] | = M] — تابستان
 ~īg [*-yk*[1]] — تابستانی
hămist [*KHDE*, → **hammis;** *h'mst*[1]] — همه
ham-kār [*hmk'l* | N ~] — همکار
 ~īh: — همکاری
hāmkišwar [*h'mkyšwl* | M *-wr*] — عالم
hammis [*KHDE* < A *k-ḥdh*], **az . . . ~ :** — همراه... با
hammōxtan, hammōz- [*ALPWN-tn*[1] < A √ *'lp; hmwhtn*[1], *hmwc-,hmwz-* | M *hmwxtn*, N *āmōxtan, āmōz-*] — آموختن؛ یاد گرفتن

www.ketabz.com

~išn: آموزش، یادگیری

hammōxtār [*hmwht'l*] آموختار، یادگیرنده

~īh: یادگیری

hammōz-, ~išn, → hammōxtan.

~gār [*hmwck'l* | N *āmōzgār*] آموزگار

ham-nibardīh [*hmnpltyh*] نبرد، هم‌نبردی

hamōg [*hmwg*] برابر، شبیه

hāmōn [*h'mwn'* | N *hāmūn*] هامون، زمین هموار

hāmōyēn [*h'mwdyn'*] همه

ham-pursag [*hmpwrsk'*] مشاور، همپرس (= طرف گفتگو)

~īh: مشاوره

ham-|-rānīh [*hml'nyh*] جنگ، نبرد

~-sāmān [*-s'm'n'*] مجاور

~-sardag [*-sltk'*] همنوع، شبیه

~-sāyag [*-s'dk'* | N *hamsāya*] همسایه

~-tāg [*-t'k'* | N *hamtā*] همتا، قرین

~-tan [*-tn'*] هم‌تن، هم‌قامت

~-tōhmag [*-twhmk'*] هم‌تخمه، خویشاوند

hamwar [*hmwl* | N *hamwār*] هموار، مسطح

hămwār(ag) [*h(')mw'l, -k'* | N *hamwāra*] همواره

ham-zamān [*hm ODNA* | N ~] همزمان، فوراً

handām [*hnd'm* | = P, N *andām*] اندام، عضو

handarz [*hndlc* | M *'ndrz*, N *andarz*] اندرز، حکم، وصیت

handarzēnīdan, handarzēn- [*hndlcyn-ytn'*] اندرز دادن

handāxtan, handāz- [*hnd'htn', hnd'c-* | M *hnd'c-*, N *an~*] طرح ریختن، تخصیص دادن، تخمین زدن، داوری کردن

~išn: داوری

handāxtār [*hnd'ht'l*] طراح

handāz-, ~išn, → handāxtan.

~ag [*hnd'ck'* | N *andāza*]; **~ handāzag ī** اندازه، روش؛ مانندِ

handēmān [*hndym'n'* | = M] پیش، درحضور

~īh: بار، حضور

handēmāngar [*hndym'nkl*] رئیس تشریفات، معرفی کننده (به حضور)

~īh: معرفی

handēšīdan, handēš- [*hndyš-ytn'* | M *hndyš-*, N *an~*] اندیشیدن، فکر کردن، تصور کردن

~išn: اندیشه، فکر

handēšīdār [*hndyšty'l*] اندیشنده

handōxtan, handōz- [*hndwhtn', hndwc-* | N *an~*] اندوختن، کسب‌کردن، گردکردن

~išn(īh): کسب، تحصیل

handraxtag [*hndl'htk'* | P *'ndrxt*] ستمدیده

~īh: ستم، رنج

handūdan, *handāy- [*hndwtn'* | (M *'nwd*), N *an~*] اندودن، روغن مالی کردن، مالیدن

hangad [*hngt'* | P *'ngd*] توانگر، دارا

~īh: دارایی، ثروت

hangām [*hng'm* | N ~] زمان، هنگام

~īg [*-yk'*] بهنگام

hangārag [*hng'lk'* | N *angāra*] شماره، حساب

hangārdan, hangār- [*hng'l-tn'* | M *hng'r-*, N *an~*] حساب کردن، تصور کردن

~išn: رسیدگی، توجه، ملاحظه

hangēxtan, hangēz- [*hngyhtn', hngyc-* | (M *hgjyn-*), N *an~*] انگیختن، تحریک کردن، تهییج کردن

~išn: انگیزش

hangirdēnīdan, hangirdēn- [*hngltyn-ytn'*] خلاصه کردن، کامل کردن

hangirdīg [*hngltyk'*] بی‌نقص، کامل؛ خلاصه

~īh: تکمیل، خلاصه

hangōšīdag [*hngwšytk'* | M *'ngwšydg*] راه، روش، همانندی

~ī: مانندِ

hangrāyīdan [*hngl'dytn'*] سوگواری کردن

hangrūdag [*hnglwtk'*] سوگواری

hanǰ-, → hixtan.

www.ketabz.com

hanǰaftan [*hncptn*[1] | P *hnjft*, (M *hnzpt*)] انجام شدن

hanǰāftan, hanǰām- [*hncʾptn*[1], *hncʾm-* | P *hnjʾft*, *hnjʾm-*, (M *hnzʾpt*, N *anǰāmīdan*)] اجرا کردن، انجام دادن، کامل کردن

hanǰām [*hncʾm* | N *anǰām*] عاقبت، انجام، برآمد، نتیجه

hanǰaman [*hncmn*[1] | (P *ʾnjmn*, M *hnzmn*), N *anǰuman*] اجتماع، انجمن، گردهم‌آیی، مجمع

~īg [*-yk*[1]] عضو برجسته انجمن، سخنران، خطیب

hanǰīdan [*hnc-ytn*[1] | N ~]= **hixtan.**

hannām [*hnʾm* | = M] = **handām.**

Harborz [*hlbwlc* | N *Alburz*] البرز، رشته‌کوهی که دور زمین را فراگرفته است

harg [*hlg* | cf. M *hrʾg*, Ar. *xarǰ*, *xarāǰ*] خراج، مالیات؛ کار، کوشش

***harrōb-** [*hlwp-* | M *hrwb-*] جمع کردن، گردآوری کردن

~išn(īh): گردآوری، مجموعه

har(w) [*KRA* < A *klʾ*; *hl* | M *hrw*, N *har*] هر، همه، هریک

harwīn [*hlwyn*[1] | M *hrwyn*] همه

harwisp [*hlwsp*[1] | M *hrwsp*] همه

~īn [*-yn*[1]] همه

harzag [*hlck*[1] | N *harza*] آزاد، رها

hās^{a}r [*hʾsl* = Av. *hāθra-*] هاسر: مقیاس زمان (۱/۱۲ شبانروز)؛ مقیاس طول (فرسنگ، یا ۱/۴ فرسنگ، یک میل)

haspīn [*hspyn*[1] | = M] آسایش، استراحت

hast, ~īh [*AYT*[1], *-yh*] = [1]**ast, ~īh.**

hašāgird [*hšʾklt*[1] | M *hšʾgyrd*, N *šāgird*] دانش‌آموز، شاگرد

hašt [TWMNYA < A *tmnyʾ*; *hšt*[1] | = M, N ~] هشت

~ād [*80* | N ~] هشتاد

~dah [*hštdh* | N ~, *hiždah*] هجده

[1]**hāwan** [*hʾwn*[1] | N ~] هاون

[2]**hāwan** [*hʾwn*[1] = Av. *hāwani-*] بامداد (یکی از پنج بخش شبانروز)

hāwand [*hʾwnd* | M *hʾw(y)nd*] شبیه، مانند

~īh: شباهت، همانندی

hāwišt [*hʾwšt*[1]] دانش‌آموز، شاگرد

~īh: شاگردی

haxt [*h(ʾ)ht*[1]] ران، سرین، کفل

hāxtan, hāz- [*hʾhtn*[1], *hʾc-*] ترغیب کردن، راهنمایی کردن، رهبری کردن، گرواندن

~išn: ارشاد، ترغیب

hazār [*1,000*, *hcʾl* | M *hzʾr*, N ~] هزار

~ag [*-k*[1] | N *~a*] هزاره

hazzān [*ʾ/hzʾn*[1]] گور، استودان، جایی که استخوان مرده‌ها را در آن می‌ریزند

hēn [*hyn*[1] | M *hyyn*] لشگر

~īh: حمله، هجوم

hērbed [*hylpt*[1] | N *hērbud*] هیربد، آموزگار علوم دینی

~īh: هیربدی

hērbedestān [*hylptstʾn*[1]] هیربدستان، مدرسه هیربدی

~īh: آموزش هیربدی، تحصیل علوم دینی

hērīg [*hylyk*[1] | N *h/xērī*] خیری، شب‌بو

hēzag [*hyck*[1] | (M *hyjg*), N *hēz*] دلو

hil-, ~išn, → **hištan.**

hindūg [*hndwk*[1] | M *hyndwg*, N *hindū*] هندی

~ān [*-ʾn*[1]] هندوستان

hištan, hil-, (P hirz-) [*ŠBKWN-tn*[1] < A √*šbq*; *(hlc-)* | M *hyštn*, *hyl-*, (P *hyrz-*), N ~] ترک کردن، رها کردن، عفوکردن، قراردادن، گماردن

~išn: رهایی، عفو

hixr [*hyhl*] مدفوع، کثافت

hixtan, hanǰ- [*hyhtn*[1], *hnc-* | P *hxt*] کشیدن (آب)

P hō [*hw*[1] | = P] آن، او

Hōm [*hwm* | N ~] هوم، گیاه مقدس

homānāg [*h(w)mʾnʾk*[1] | N *hamānā* J *xumānā*], ō . . . ~: مانند

~īh: همانندی

hōmāst [*hwmʾst*[1]] هماست (دعاهای مختلف)

hōm|ēn, -īg [*hwmyn*[1], *-yk*[1]] هومی، منسوب به گیاه هوم

~ōmand [*-ʾwmnd*] هوم دار

Hordād [*hwrdt*[1] | M *hrwdʾd*, N *Xurdād*] خرداد (=کمال): نام پنجمین امشاسپند و نگهبان آب؛ گاه‌نما: نام سومین ماه سال و ششمین روز ماه

www.ketabz.com

hōšag [*hwšk'* | M *hwšg*, N *xōša*] خوشه، دسته؛ در نجوم: برج سنبله
hōšēnīdan, hōšēn- [*hwšyn-ytn'*] خشکاندن
hōšīdan, hōš- [*hwš-ytn'* | M *hwš-*, N *x*~] خشکیدن، خوشیدن
hōy(ag) [*hwy, -k'* | M *hwy*] (دست) چپ
Hrōm [*hlwm* | M *hrwm*, N *Rūm*] بیزانس، روم
 ~āyīg [*-ʾdyk'*] بیزانسی، رومی، یونانی
hu- [*hw-* | = M] خوب ــ، نیک ــ
 ~īh: خوب، خوبی
hu-bōy [*hwbwd*] خوشبو، معطر
 ~īh: بوی خوش
hu-čašm [*hwcšm*] نیک چشم، نیکخواه
 ~īh: نیکخواهی
hu-čihr [*hwcyhl* | M *hwcyhr*, (N *xujīr*)] نیکو، هجیر، زیبا
hudā(ha)g [*hwdʾ(h)k'* = Av. *hudāh-*] خوب، نیکوکار
 ~īh: نیکوکاری
hu-|-dast [*hwdst'*] تردست، ماهر
 ~-dēn [–dyn'] دارای دین خوب (مزدیسنی)
 ~-dōšag [*-dwšk'*] خوشایند
 ~-ēwāz [*-ʾywʾc*] خوش گفتار، دلجو
 ~-ēwāzīh: دلجویی
 ~-fraward [*-plwlt'*] آمرزیده، مرحوم
hūg [HZWLYA < A ḥzyrʾ; hwk' | M hwg, N xūg] خوک
hugar [*hwgl*] ساده؛ نیکوکار
hu-|-gōwišn [*hwgwbšn'*] خوش گفتار
 ~-gugār [*-gwkʾl*] خوشگوار
hūkar(ag) [hwkl (k') | N xūkara] خوکره
 ~-kunišn [*-kwnšn'*] خوش‌کردار
 ~-mānīh [*-mʾnyh*] نیک‌اندیشی، نیکخواهی
humat [*hwmt'* = Av. *humata-*] اندیشه نیک
humāy [*hwmʾy* | N ~] همای، مرغ سعادت؛ عقاب

hu-menišn [*hwmynšn'*] نیک‌اندیش
hu-murwāg [*hwmwlwʾk'*] مروای نیک
hunar [*hwnl* | M *hwnr*, N ~] هنر، قابلیت، مهارت
hunarāwand [*hwnlʾwnd* | M *hwnrʾwynd*] ماهر، بافضیلت
 ~īh: مهارت، هنرمندی
hunarōmand [*hwnlʾwmnd* | N *hunarmand*] = **hunarāwand.**
hunīdan [*hwnytn'*] بیرون کشیدن (شیره)، فشردن
huniyāg [*hwnydʾk'* | N *xunyā*] مطبوع، لذت‌بخش
 ~īh: سرگرمی، لذت، رضایت‌خاطر
huniyāgar [*hwnydʾkl* | N *xunyāgar*] خنیاگر، نوازنده، رامشگر
hu-niyōxš [*hwnydwhš*] باتوجه
hunsand [*hwnsnd* | = P, (N *xursand*)] خرسند، خشنود
 ~īh: خرسندی، خشنودی
hunušak [*hwnšk'* = Av. *hunuš*] فرزند (اهریمن)
hunušakēnīdan [*hwnškynytn'*] زادن (اهریمنی)
hu-pādixšā(y) [*hwpʾthšʾ(d)*] پادشاه خوب
 ~īh: پادشاهی خوب
hu-passandagīh [*hwpsndkyh*] رضایت
hur [*ŠKL* < A *škrʾ*; *hwl*] مشروب الکلی،* قومیس یا قومیز (شیر ترش مادیان است که به عنوان مسکر مصرف می‌شده است)
huram [*hwlm* | N *xurram* !] خرم
 ~īh: خرمی
hurām [*hwlʾm*] شاد
hu-|-ramag [*hwlmk'*] خوب رمه، دارای رمه خوب
 ~-rust [*-lwst'*] خوب رسته
 ~-sāzagīh [*-sʾckyh*] سازگاری
 ~-spās [*-spʾs*] سپاسگزار
husraw [*hwslwb'* | (M *hwsrwg*), N *xusraw*] خوش‌آوازه، نیکنام
 ~īh: آوازه، نیکنامی
hušk [*hwšk'* | = M, N *xušk*] خشک
 ~-kūn [*-ŠTE*] عقیم

www.ketabz.com

hu-škōh [*hwškwh*] باشکوه، باوقار

~īh: وقار

hušnūd(ag) [*hwšnwt(k)*[1] | M *hwšnwd*, N *xušnūd*] خرسند، خشنود

~īh: خرسندی، خشنودی

hu-tuxš [*hwtwhš*] هنرمند

huwaršt [*hwwlšt*[1] = Av. *hwaršta-*] پرهیزگاری، کردار نیک

hu-xēm [*hwhym*] خوش خو، خوش خیم

~īh: خوش‌خیمی، خوی خوش

hūxt [*hwht*[1] = Av. *hūxta-*] گفتار نیک

***huzārag** [hwcʾlk | N xuǰāra] کم، اندک، خرد

I

ī [*Y, ZY-* < A *zy* | M *ʻy(g)*, N *i*] ضمیر موصولی: که، کدام؛ ادات ربط (کسرهٔ اضافه)

-īdan [*-ytn*[1] | M *-ydn*, N ~] ـ یدن (پسوند سازندهٔ مصدر ثانوی)

-īg [*-yk*[1] | M *-yg*, N *-ī*] ـ ی (پسوند سازندهٔ صفت نسبی)

-īh [*-yh* | M *-yh*, *-yy*, N *-ī*] ـ ی (پسوند سازندهٔ اسم معنی)

-īhā [*-yhʾ* | = M, N *-hā*] ـ ها (پسوند سازندهٔ قید که بعدها به عنوانِ نشانه جمع به کار رفته است)

-īh-istan [*-yh-stn*[1] | M *-yh-ystn*] ـ ایهستن (پسوند سازندهٔ فعل مجهول و مشتق)

im [*LZNE* < A *l-znh*; *ʾm* | M *ʻym*, N ~] این

~čim rāy: بدین سبب

~rōz: امروز

-(i)m [*-m* | = M, N *-am*] مرا، مال من (ضمیر متصل اول شخص)

-istan [*-stn*[1] | M *-ystn*, N ~] → **-īh-istan.** ـ استن (پسوند سازندهٔ مصدر ثانوی)

-(i)š [*-š* | = M, N *-aš*] او را، مال او، آن را، مال آن (ضمیر متصل سوم شخص مفرد)

-išn [*-šn*[1] | M *-yšn*, N *-iš*] ـ ش (پسوند سازندهٔ ۱ ـ اسم مصدر ۲ ـ به آخر بن مضارع افزوده می‌شود و معنی لزوم و بایستن را می‌رساند)

-(i)t [*-t* | = M, N *-at*] تو را، مال تو (ضمیر متصل دوم شخص مفرد)

-iz [*-(y)c* | M *-yc*, *-yz*] هم، نیز (از ادات متصل قیدی)

-īzag [*-yck*[1] | M *-yzg*, N *-īza*] ـ ایزه (پسوند تصغیر)

J̌

ǰād [*yʾt*[1]] بهر، پاره

[1]**ǰadag** [*ytk*[1] | M *jdg*] فال، بخت

[2]**ǰadag** [*ytk*[1]] خاصیت، عرض

ǰādag [*yʾtk*[1] | M *ǰʾdg*] بهر، پاره؛ سبب، مورد

ǰādag-gō(w) [*yʾtkgwb*[1]] وکیل، شفیع

~īh: شفاعت

ǰadag-wihīrīh [*ytkwhylyh*] تغییر، دگرگونی

ǰadārīh [*ytʾlyh*] نگاهداری

***ǰadišn** [*ytšn*[1]] خاصیت، عرض

~īg [*-yk*[1]] عرضی، غیراصلی

ǰādūg [*yʾtwk*[1] | M *jʾdwg*, N *ǰādū*] جادو، جادوگر

~īh: جادوگری، جادویی

***ǰaγ** [*yʾh* | N ~] جغ (درخت)

ǰagar [*ykl* | N *ǰigar*] جگر

ǰah-, → **ǰastan.**

ǰahišn [*yhyšn*[1] | J *jhyšn-*] اقبال، شانس، فال

ǰahišn-ayār [*yhyšn hdybʾl* | N *ǰhšyʾr*] خوشبخت؛ جهشیار (نام شخص)

~īh: خوشبختی

ǰahūd [*yhwt*[1] | N *ǰuhūd*] جهود

[1]**ǰām** [*yʾm* | N ~] جام، شیشه

[2]**ǰām** [*MANE* < A *mʾn-h*; *yʾm* | M *jʾm*, N ~] جام، پیاله

[1]**ǰāmag** [*yʾmk*[1] | N *ǰāma*] = [2]**ǰām.**

[2]**ǰāmag** [*yʾmk*[1] | M *jʾmg*, N *ǰāma*] جامه، لباس

ǰang [*yng* | M *jnng*, N ~] جنگ، پیکار، رزم

ǰār [*yʾwl* | M *jʾr*] هنگام، زمان

ǰastan, ǰah- [*ystn*[1], *yh-*] جستن، روی دادن پدیدار شدن

www.ketabz.com

~išn, → ǰahišn.
ǰašn [*yšn*^{1} | N ~] جشن، عید
ǰaw [*Š8* < A *š'rt'* | N ~] جو
ǰāwēd [*y'wyt*^{1} | (P *y'wyd*), N ~] جاوید
ǰāwēdān [*LOLMN* < A *l-'lmn; y'wyt'n*^{1} | (P *y'wyd'n*, M *j'yd'n*), N ~] جاویدان، همیشه
~ag [*-k*^{1} | (P *-g*), N ~a] جاودانه، ابدی
ǰawēn [*Š8yn*^{1} | N *ǰawīn*] جوین
ǰeh [*yh, yyh* = Av. *ǰahī-*] جه (سر دیو مؤنث)
ǰīw [*cyw*^{1}*, yyw*^{1} = Av. *ǰīwya-*] شیر (تقدیس شده)
***ǰomā** [*ywm'y*] هر دو؛ همراه با
ǰōrdā [*ywlt'y, -'k* | (P *yw'rd'w*), J **jwrd'r*] دانه، غله
ǰō(y) [*ywd, ywb*^{1} | N ~] جوی، نهر
ǰōy-, ~išn, → ǰūdan.
ǰud [*ywdt*^{1} | M *jwd*] جدا، متفاوت؛ ضد
~az [N *ǰuz*] جز، جدا از
ǰudāg [*ywdt'k*^{1} | N *ǰudā*] جدا، متفاوت
~īh: جدایی؛ تفاوت
ǰūdan, ǰōy- [*ywtn*^{1}*, ywd-* | M *jwwdn, (jwy-)*, (N *jawīdan*)] جویدن؛ بلعیدن (اهریمنی)
~išn: عمل جویدن (اهریمنی)
ǰud-|-bēš [*ywdt byš*] بی‌گزند، پادزهر
~-dādestān [*-DYNA*] مخالف، ناموافق، ناسازگار
~-dēw [*-ŠDYA*] ضد دیو
~-nāy [*-n'd*] واحد طول (شش پا)
ǰud-ristag [*ywdt lystk*^{1}] بی‌دین، مشرک
~īh: بی‌دینی
ǰuy [*ywg* | N ~] یوغ
ǰumbāgīh [*ywmb'kyh*] جنبش
ǰumbēnīdan, ǰumbēn- [*ywmbyn-ytn*^{1}] جنباندن
ǰumbīdan, ǰumb- [*ywmb-ytn*^{1}] جنبیدن

~išn: جنبش، حرکت
ǰumbīhistan, ǰumbīh- [*ywmbyh-stn*^{1}] جنبانیده شدن
ǰuttar [*ywdtl* | M *jwtr*] متفاوت، غیر از
~īh: متضاد، مخالف
ǰuwān [*ywb'n*^{1} | (P *yw'n*), N *ǰawān*] جوان، یک جوان (جوانی)
~īh: جوانی
ǰuxt [*ywht*^{1} | (P *ywxt*), N *ǰuft!*] جفت، دوتا

K

ka [*AMT* < A *'mty* | M *k'*, N *ki*] کی (= چه وقت)؛ اگر، چون
kabāh [*kp'h* | Ar. *qabā*] قبا، جامه
kabārag [*kp'lk*^{1} | N *~a*] کباره (سبدی که از چوب و حصیر بافند)، آوند، ظرف
kābēn [*k'pyn*^{1} | N *kābīn*] کابین، مهریه
kabīg [*kpyk*^{1} | N *kab/pī*] کپی، میمون
kabīz [*kpyc* | (N *kawīž*)] کویز (مقیاس غلات، ۱/۱۰ جریب)
kabk [*kpk*^{1} | N ~] کبک
~-anǰīr [*-'ncyl* | N ~] کبکنجیر (نوعی دراج)
kabōd [*kpwt*^{1} | N ~] کبود؛ کبوتر
kabōtar [*kpwtl* | M *kbwtr*, N ~] کبوتر
kāč [*k'c* | N *kāš(ki)*], **~ka:** کاش؛ کاشکی
kādag [*k'tk*^{1}] سرگرمی، شوخی
kadag [*ktk*^{1} | M *kdg*, N *kada*] کده، خانه
~-bānūg [*-b'nwk*^{1} | N *kadbānū*] کدبانو
~īg [*-yk*^{1}] اهلی؛ بنده، خدمتکار
~-xwadāy [*-hwt'y* | P *qdyxwd'y*, N *kadxudā*] کدخدا
kadām [*kt'm* | M *kd'm*, N *kudām*] کدام، چه
~-iz-ē(w) [*-c-HD*] هرکدام
kadār [*kt'l*] کدام، که
~-iz-ē(w) [*-c-HD*] هرکه

www.ketabz.com

kaf [*kp* | N ~] کف، گل و لای
kaf-, → **kaftan.**
kafč [*kpc* | N ~] کفگیر، ملاقه
~ag [*-k*ʹ | N *~a*] قاشق
kafš, ~ag [*kpš, -k*ʹ | N *kafš*] کفش
~gar [*-kl* | N ~] کفشگر، کفاش
kaftan, kaf- [*kp-tn*ʹ | P *kft, kf-*] افتادن
kāh [*TBNA* < A *tbnʾ* | N ~] کاه، علف خشک
kāh-, ~išn, → **kāstan.**
kahas [*kts* | M *khs*] کاریز، قنات
kāhēnīdan, kāhēn- [*kʾhyn-ytn*ʹ] کاهش دادن، کم کردن
kāhīdan [*kʾhytn*ʹ | N ~] = **kāstan.**
kahist [*ksst*ʹ] کمترین
kah-rubāy [*khlpʾd* | N *~rubā*] کهربا
kahwan [*khwbn*ʹ | M *qhwn*, N *kuhan*] کهن
kākom [*kʾkwm* | N ~] قاقم
~ī spēd: قاقم سفید
kālbod [*kʾlpwt*ʹ | (M *kʾlbyd*), N ~] کالبد، قالب، تن
~ōmand [*-ʾwmnd*] جسمانی
kam [*km* | M *kmb*, N ~] اندک، کم، خرد ← kem
kām [*kʾm* | = M, N ~] کام، آرزو، هدف
kām-, → **kāmistan.**
[1]**kāmag** [*kʾmk*ʹ | N *kāma*] کامه (انواع سوپ)
[2]**kāmag** [*kʾmk*ʹ | N *kāma*] = **kām.**
~-hanǰām [*-hncʾm*] کامکار، موفق
~-hanǰāmīh: کامکاری، موفقیت
~ōmand [*-ʾwmnd*] مشتاق، مایل
~-widār [*-wtʾl* | N *kām-guδār*] کامروا، خودکامه
~-xwadāy [*-hwtʾy*] خودکامه، مستبد
kamāl [*kmʾl* | (M *kmʾr*)] سر (اهریمنی)
~īg [*-yk*ʹ] سر، رئیس (اهریمنی)

kamān [*kmʾn*ʹ | = M, N ~] کمان
~dār [*-dʾl* | N ~] کماندار
kamar [*kml* | N ~] کمر؛ بند، کمربند
~-band [*-bnd* | N ~] کمربند
kāmgār [*kʾmkʾl* | P *kʾmgʾr*, N ~] کامگار، مستبد
kamist [*kmyst*ʹ] کمترین
~īh: pad ~īh, حداقل
kāmistan, kām- [*YCBEN-stn*ʹ < A *yṣbh*, √ *ṣbh*; *kʾm-(y)stn*ʹ | M *kʾm-yst*] آرزوکردن، خواستن
kām-rawāg [*kʾm lwbʾk*ʹ | N *~rawā*] کامروا
~-zī(w)išn [*-zywšn*ʹ] آزاد، خودکامه
kam-zōr [*kmzwl* | N ~] کم‌زور
~īh: کم‌زوری
kan-, → **kandan.**
kanār [*knʾl* | N ~] کنار، لبه؛ آغوش
~ag [*-k*ʹ | M *knʾrg*, N *~a*] کناره، مرز، سامان
~agōmand [*-kʾwmnd* | M *-gwmnd*] کناره‌مند، محدود
kandan, kan- [*HPLWN-tn*ʹ < A √ *ḥpr*; *kn-dn*ʹ, *-tn*ʹ | M *knd*, N ~] کندن؛ ویران‌کردن، نابودکردن
kanīg [*knyk*ʹ | M *knyg*] کنیز، دوشیزه
kanīzag [*knyck*ʹ | M *knycg*, N *kanīz(ak)*] = **kanīg.**
kantigr [*kntgl*] کنتیر، تیردان
kāpūr [*kʾpwl* | Ar. *kāfūr*] کافور
kar-, → **kardan.**
[1]**kār** [*kʾl* | M *kʾr*, N ~] کار، امر، عمل
~framūdan: کار فرمودن، مورد استفاده قرار دادن
[2]**kār** [*kʾl*], *pl.* **~ān:** عموم
[3]**kār** [*kʾl*] کره
kār-, → **kištan.**
karafs [*klps* | N ~] کرفس
kār-āgāh [*kʾlʾks* | N ~] کارآزموده، با تجربه

www.ketabz.com

~īh :	تجربه، مهارت
karak [*krk*[1] | N ~]	کرک، بلدرچین
karān [*kl'n*[1] | P *kr'n*, N ~]	کران، کنار، سامان، پایان
kārawān [*k'lw'n*[1] | P *k'rw'n*, N *kārwān*]	کاروان، ستون نظامی
~īg [*-yk*[1] | N *~ī*]	کاروانی، مسافر
karāwuš [kl'wš | N ~]	چرخشت
karb [*klp*]	کرپ (روحانی دشمن زردشت)
karbāš [*klb'š* | N *karbaš, ...*]	کرباش، چلپاسه
karbūg [*klpwk*[1], *klbwk*[1]]	مارمولک
kard [*krt*[1] | M *kyrd*, N ~]	کرده، عمل؛ امر، چیز
kārd [*SKYNA* < A *skyn'*; *k'lt*[1] | N ~]	کارد
[1]**kardag** [*kltk*[1]]	پاره، فصل، قسمت
[2]**kardag** [*krtk*[1], *kltk*[1] | N *karda*]	کرده، عمل -
kārdāg [*k'ld'k*[1]]	سرگردان، مسافر، مهاجر
kardagān [*krt-, kltk'n*[1] | M *kyrdg'n*]	عمل، خدمت (ایزدان)
kardagār [*krtk'l* | M *kyrdg'r*, N ~]	توانا
kardan, kun-, (P kar-) [*O<u>B</u>YDWN-tn*[1] < A √ *'bd; krtn*[1], *kwn-, (kl-)* | M *kyrdn, kwn-,* (P *kr-*), N]	کردن، عمل کردن، اجرا کردن، ساختن
~išn, → kunišn.	
kardār [*krt-, klt'l* | N ~]	کاری، فعال؛ کارگر، انجام‌دهنده
~īh :	فعالیت
kard-espās [*krtsp̄'s*]	خدمتکار، ملازم
kārezār [*k'lyc'l* | M *k'ryz'r*, N *kārzār*]	(میدان) کارزار
kār-framān [*k'lplm'n*[1] | M *k'rprm'n*, Ar. *qahramān*]	کارفرما، سرکارگر
karg [*klg* | N ~]	کرگدن
kargās [*klk's* | N *kargas*]	کرکس
kārīg [*k'lyk*[1] | N *kārī*]	کاری؛ جنگجو
~īh :	فعالیت
kark [*klk*[1] | N ~]	کرک (= مرغ خانگی)، ماکیان
karkēhan [*klkyhn*[1]]	کرکهن (= سنگ یمانی)، نوعی کوارتز
karm [*klm* | P *krm*]	عمل

karmīr [*klmyr*]	قرمز، لاکی
kār-nāmag [*k'ln'mk*[1]]	کارنامه، تاریخچه
karr [*kl* | M *qr*, N ~]	کر
***karzang** [*klcng* | M *kyrzng*, (N *xarčang*)]	خرچنگ؛ در نجوم: برج سرطان
kas [*AYŠ* < A *'yš* | M *ks*, N ~]	کس، شخص
~-iz [*-c*]	کسی، (با ادات نفی) هیچ‌کس
kāskēn [*k'skyn*[1]]	سنگ لاجورد
~(ag) murw [*-k*[1] | N *kāskīna*]	کاسکینه / کاسانه (= سبزک)، * کلاغ زاغی
~ēn [*-yn*[1]]	آبی متمایل به سبز؛ لاجوردی
kāstan, kāh- [*k'stn*[1], *k'h-* | N ~]	کاستن، کاهش دادن، کم کردن
~išn :	کاهش، نقصان
kastār [*kst'l*]	خطاکار، ویرانگر
~īh :	خطاکاری، ویران‌سازی
kāstār [*k'st'l*]	کاهش دهنده
kaš [*kš* | N ~]	بغل
kašawag [*kšwk*[1] | N *kašaw*]	کشف، لاک پشت
kašk [*kšk*[1] | N ~]	کشک
kaštīg [*kštyk*[1] | N *kaštī*]	کشتی، قایق
*** kawādak** [*kw'tk*[1]]; → **kōdak**	جوان؛ طفل
[1]**kay** [*AYMT* < A *'ymt* | N ~]	کی، چه وقت
[2]**kay** [*kd* | N ~]	کی (لقب پادشاهانی که از پشت گشتاسب کیانی به پادشاهی رسیدند)؛ کیانیان
~ak [*-k*[1]]	کیک (روحانی دشمن زردشت)
kayk [*kdyk*[1] | N ~]	کیک (حشره)
kē [*MNW* < A *mn-w* | M *ky*, N *kĭ*]	که (= چه کسی)، کدام
P keč [*kyc* | = P]	کس، شخص
kēd [*kyt*[1] | P *qydyg*]	فالگیر، جادوگر
~īgīh [*-ykyh*]	فالگیری، پیشگویی
keh [*ks* | M *kyh*, N ~]	که (تر)، کم (تر)، جوان (تر)
~tar [*-tl* | N ~] = **keh.**	
kem [*kym*]; → **kam**	کمتر، خردتر

www.ketabz.com

kēn [*kyn*[1] | = M, N *kīn(a)*] کینه، بدخواهی، انتقام

~īg [*-yk*[1]] کینه‌جو، کینه‌ورز

kennār [*kn'l*] بربط، چنگ

~-srāy [*-sl'd*] چنگ‌نواز

kēnwar [*kynwl* | (M *kynw'r*), N *kīnawar*] کینه‌ور، کینه جو

~īh: کینه‌جویی

kēr [*kyl* | N ~] کیر

kēsar [*kysl*] قیصر

kēš [*kyš* | = M, N ~] عقیده‌دینی، کیش (در مورد غیرزردشتیان)

~-dār [*-d'l*] غیرزردشتی، فرقه‌گرا

kešīdan, keš- [*k(y)š-ytn*[1] | (M *krš-*), N *kašīdan*] کشیدن، درآوردن

Kēwān [*kyw'n*[1] | Ar. *kaywān*] درنجوم: کیوان

kēwūd [*kypwt*[1] | M *k'ywd*] جعبه، صندوق

kilēl [*klyl* | (N *kilīd*)] کلید

kirb [*klp* | M *kyrb*] تن، قالب

kirbag [*krpk*[1] | M *kyrbg*, N *kirfa*] کرفه، عمل نیک، ثواب

~īg [*-yk*[1]] پارسا، بافضیلت

kirbakkar [*krpkk̲l* | M *kyrbkr*] کرفه‌گر، نیکوکار

~īh: نیکوکاری

kirīh- [*OBYDWNyh-*, → **kardan**, *klyh-* | M *kyryh-*] کرده شدن، ساخته شدن

kirm [*klm* | M *krm*, N ~] کرم، مار

kirrēnīdan, kirrēn- [*klyn-ytn*[1]] ساختن؛ آفریدن (اهریمنی)

kirrōg [*k(y)lwk*[1] | M *qrwg*] هنرمند، صنعتگر؛ ماهر، متخصص

~īh: هنر، صنعت، فن، تخصص

kiš [*k(y)š* | M *kš*, N ~] خط، شیار

kišnīz [*kšnyc*] = **gišnīz.**

kištan, kār- [*ZLYTWN-tn*[1] < A √ *zr'*; *kyštn*[1], *k'l-* | M *kyšt*, *k'r-*, N ~] کشتن؛ شخم زدن، افشاندن

kištār [*ZLYTWNt'l*] کشت

kišw, ~ān [*kyšw*[1], *-'n*[1] | P *kyšf'n*] کشت

~(ān)zār [*-c'l* | (N *kištzār*)] کشتزار

kišwar [*kyšwl* | M *kyšwr*, N ~] کشور، اقلیم، سرزمین، قاره

kišwzār, → **kišwānzār.**

kōb-, → **kōftan.**

kōdak [*kwtk*[1] | M *qwdk*, N ~] جوان، کوچک؛ کودک

kōf [*kwp* | = M, N *kōh*] کوه، تپه؛ کوهان

~ag [*-k*[1] | N *kōha*] کوهه، زین

~īg [*-yk*[1] | N *kōhī*] کوهی، وحشی

kōftan, kōb- [*kwp-tn*[1] | N ~] کوفتن، زدن، خرد کردن

kōr [*kwl* | M *kwr*, N ~] کور

~-dil [*-dyl* | M *-dyl*, N ~] کوردل، اصلاح ناپذیر

kōstan [*kwstn*[1] | = M, N ~] کوفتن، زدن

kōš-, → **kōxš-.**

kōšk [*kwšk*[1] | N ~] کوشک، کاخ، خیمه

kō(x)šīdan, kō(x)š- [*kw(h)š-ytn*[1] | M *kwš-ydn*, N *kōšīdan*] کوشیدن، سعی کردن، ستیزکردن

~išn: کوشش، ستیز

~išnīg: کوشا

kōy [*kwd* | N ~] کوی، کوچه

kū [*AYK* < A *'yk* | M *kw*, N *kū* , *ki*] که؛ کجا؛ تا به

~gyāg [N *kujā*] کجا

~tā: به طوریکه

kūč(ak) [*kwc(k*[1]*)* | N *kūčak*] کوچک

kūk [*kwk*[1]] کوچک، کوتاه

kulāčag [*kwl'ck*[1] | N *kulīča*] کلوچه

kulāf [*kwl'p̄* | N *kulāh*] کلاه، سرپوش

~ak [*-k*[1]] | N *~hak*] کلاهک؛ غلاف

kulang [*klng* | N ~] کلنگ

kullag [*kwlk*[1]] ملخ

kumīg [*kwmyk*[1]] معده

kun-, ~išn, → **kardan, kunišn.**

kūn [*ŠTE* < A **št-h*; *kwn*[1] | N ~] کون، مقعد، نشیمنگاه

www.ketabz.com

kundāg [*knd'k*^{1} | M *qnd'-*, N *kundā*] فالگیر، جادوگر

~īh: جادو، نجوم

kundur [*kwndl* | N ~] کندر

kunišn [*kwnšn*^{1} | M *kwnyšn*] کنش، عمل

~gar [*-kl* | M *-gr*] کننده، انجام دهنده

kunǰid [*ŠMg* < A *šmšm'; kwnc(y)t*^{1} | N ~] کنجد

kūn-marz [*kwnmlc*] لواط؛ لواطگر

kurkum [*kwlkwm*] زعفران

kurrag [*kwlk*^{1} | N *~a*] کره اسب، کره‌الاغ

^{1}**kust** [*kwst*^{1}] سمت، سوی، ناحیه

^{2}**kust** [*kwst*^{1} | Ar. *qusṭ*] قسط (گیاهی از تیرهٔ زنجبیلیها که ۱۵ گونه دارد)

kustag [*kwstk*^{1} | M *kwstg*] = ^{1}**kust.**

~bed [*-pt*^{1}] فرمانده ناحیه

kustīg [*kwstyk*^{1} | N *~ī*] کستی، کمربند مقدس

kuštan, kuš- [*NKSWN-tn*^{1} < A √ *nks; kwš-tn*^{1} | M *kwšt, kwš-*, N ~] کشتن

L

lab [*lp* | M *lb*, N ~] لب

lābag [*l'pk* | (M *r'b*), P *l'b*, N *lāba*] لابه

lābakkar [*l'pkkl*] لابه کننده

~īh: لابه‌گری

laǰan [*lcn*^{1} | N ~] لجن، گل و لای

larzīdan, larz- [*llc- ytn*^{1} | P *lrz-*, N ~] لرزیدن، مرتعش شدن

laškar [*lškl* | N ~] لشکر

~īg [*-yk*^{1} | N *~ī*] لشکری، سرباز

~īgīh: سربازی

lawzēnag [*lwcynk*^{1} | N *~īna*] لوزینه (شیرینی که با آرد بادام و شکر تهیه می‌شود)

***lipī** [*lpyh*] یک درجه (از قوس)

M

mǎ [*AL* < A *'l* | M *m'*, N ma] نه

~agar [N *magar*] مگر؛ مبادا

mād [*AM* < A *'m-y*, → *mādar* | M *m'd*] مادر

^{1}**mādag** [*NKB̲* < A *nqb: m'tk*^{1} | (M *m'yg*), N *māda*] ماده

~īh: مادگی

^{2}**mādag** [*m'tk*^{1} | (M *m'yg*, N *māya*)] ماده، مایه

~īg [*-yk*^{1}] اساسی

~war [*-wl*] اساسی، مخصوص، مهم

madan [*mtn*^{1} | M *mdn*] آمدن

madār [*mt'l*] آینده، کسی که می‌آید

mādar [*AMYtl* < A *'m-y; m'tl* | M *m'dr*, N ~] مادر

^{1}**mādayān** [*m'tgd'n*^{1} | M *m'dy'n*] کتاب

^{2}**mādayān** [*m'tyd'n*^{1}] ماهیت، زمینه، هسته؛ اساسی، اصلی؛ صحنه شترنج

mādišt [*m'tyšt*^{1}] ❊ ماده، سفیده یاخته (= پرتوپلاسم)

mādīyān [*m'tyg'n* | N ~] مادیان

maγ [*my* | N ~] مغ، گودال، سوراخ

magas [*mks* | P *mgs*, N ~] مگس

~ī angubēn: مگس انگبین (زنبور عسل)

magind [*mkn*^{1}*d* | M *mgyn(d)*] سپر، حایل

māh [*BYRH* < A *b-yrḥ; m'h* | = M, N ~] (کره) ماه؛ ماه: گاه‌نما: دوازدهمین روزماه

māhīg [*m'hyk*^{1} | M *m'hyg*, N *māhī*] ماهی؛ در نجوم: حوت

māhīgān [*BYRH-, m'hyk'n*^{1} | M *m'hyg'n*, N *māhiyān*] ماه (ماه‌های سال)

mahist [*msst*^{1}, *mhst*^{1} | M *mhyst*, N ~] مهست، بزرگترین

makōg [*mkwk*^{1} | M *mkwg*, N *makō(k)*] مکوک، قایق

mālīdan [*m'lytn*^{1} | N ~] = **muštan.**

man [*L* < A *l-y* | M *mn*, N ~] من، مرا

mān [*m'n*^{1} | = M] مان، خانه،مسکن

^{1}**mān-**, → **māndan.**

www.ketabz.com

^{2}**mān-** [*m'n-* | = M] زندگی کردن، سکنا گزیدن
 ~išn: جا، مسکن
^{3}**mān-** [*ma'n-* | = M, N ~] مانند بودن
mānag [*m'nk*^{1} | P *m'ng*] ذهن، فکر
mānāg [*m'n'k*^{1} | M *m'n'g*, N *mānā*] مانا، مانند، شبیه
 ~īh: شباهت، همانندی
mānbān [*m'np'n*^{1}] سگ نگهبان
mānbed [*m'npt*^{1}] صاحبخانه، آقای خانه
mānd [*m'nd* | = M] خانه
māndag [*m'ndk*^{1} | M *m'ndg*, N *~a*] مانده، خسته؛ بی‌حال؛ تقصیر، گناه
 ~īh: ماندگی، خستگی
māndan, ^{1}**mān-** [*KTLWN-tn*^{1} < A √*ktr* | M *m'nd*, N ~]; → ^{2,3}**mān** ماندن؛ باقی ماندن
mang [*mng*] منگ
mānīg [*m'nyk*^{1}] عضو خانه، صاحبخانه
mānistan [*KTLWNstn*^{1}] = **māndan.**
māništ [*m'nyšt*^{1}] مسکن، منزل
 ~ag [*-k*^{1}] مقیم، مستقر
māns r [*m'nsl* = Av. *mąθra-*] مانسر (=کلام مقدس)، افسون
 ~-bar [*-bl*] موبد
 ~spand [*-spnd* = Av. *spənta-*]; → **māraspand** مانسرسپند (=کلام مقدس)
^{1}**mar** [*ml* | M *mr*, N ~] آمار، حساب، عدد؛ رتبه
^{2}**mar** [*ml*] بدکار، تبهکار
mār [*m'l* | N ~] مار
mār-, ~išn, → mārdan.
marag [*mlk*^{1}] عدد
mārāg [*m'l'k*^{1}] حساس، دریابنده
Māraspand [*m'rspnd* | N ~] (= **mānsᵃrspand**) مارسپند؛ گاه‌نما: نام بیست و نهمین روز ماه
***marčābuk** [*mlc*^{1}*'p̄wk*^{1}] چابک، شجاع
 ~īh: چابکی، شجاعت

mard [*GBRA* < A *gbr'*; *mlt*^{1} | M *m(y)rd*, N ~] مرد
mārdan, mār- [*m'l-tn*^{1}] درک کردن، ملتفت شدن، حس کردن
 ~išn: درک
 ~išnōmand [*-šn'wmnd*] دریابنده
mardānag [*mlt'nk*^{1} | N *~a*] مردانه، شجاع
 ~īh: مردانگی، شجاعت
mardōm [*ANŠWTA* < A *'nšwt'*; *mltwm* | M *mrdwhm*, N *mardum*] انسان، بشر، مردم
 ~īh: انسانیت، مردمی
mardōm-zādag [*mltwm z'tk*^{1} | N *mardum-zād*] مردم‌زاده، بشر
 ~īh: مردمی
marg [*mlg* | M *mrg*, N ~] مرگ
 ~-arzān [*-'lc'n*^{1}] مرگرزان، شایسته مرگ
 ~īh: = marg.
 ~ōmand [*-'wmnd*] فانی
mārīg [*m'lyk*^{1} | M *m'ryg-*] افسون، کلام
marw [*mlw*^{1} | M *mrw*, N ~, *(mary)*] گیاه
marz [*mlc* | M *mrz*, N ~] مرز، سرحد؛ در نجوم: قرآن
marzangōš [*mlcngwš* | N ~] مرزنگوش
marzīdan, marz- [*mlc-ytn*^{1} | M *mrzyst*, *mrz-*] جفت‌گیری کردن
 ~išn(īh): جفت‌گیری، جماع
marz(o)bān [*mlcp'n*^{1} | N ~] مرزبان، مرزدار
-masāy [*-ms'd*] ـ مسای، ـ اندازه گرفته شده (پسوند)
mast [*mst*^{1} | = M, N ~] مست، مدهوش
māst [*m'st*^{1} | N ~] ماست
mastarg [*mstlg* | (M *mstgrg*)] جمجمه
mastōg [*mstwk*^{1}] مست، مدهوش
 ~īh: مستی، مدهوشی
māš [*m'š* | N ~] ماش، بنشن
^{1}**mašk** [*mšk*^{1} | N ~] مشک
^{2}**mašk** [*mšk*^{1} | N *maškō*] مشکو، سراپرده، چادر

www.ketabz.com

~abarzēn [*-ʾp̄lzyn*^{1} | M *mškbrzyn*]	سراپرده، شاهی
maškīzag [*mškyck*^{1} | N *~a*]	مشکیزه، سفره
maxš [*mhš*]	مگس
may [*HS* < A *ḥmrʾ ?: mdy* | M *my*, N ~]	می
mayān [*mdyʾn*^{1} | M *myʾn*, N *miyān*]	میان؛ بین، وسط
~ag [*-k*^{1} | N *~a*]	میانه، میانگین
mayānǰīg [*mdyʾncyk*^{1} | N *miyānǰī*]	میانجی، واسطه، داور
~īh:	میانجیگری
mayg [*KMCA* < A *qmṣʾ: mdk*^{1} | N ~]	ملخ
māyišn [*mʾdšn*^{1}]	جفت‌گیری
māzandar [*mʾz-, mʾcndl*]	مازندر (دیو بزرگ)، غول
māzanīg [*mʾznyk*^{1}]	(دیو) مازنی
māzdēsn [*mʾzd(y)sn*^{1} | M *mʾzdys*]	مزدیسن، مزداپرست
~īh:	مزدیسنی، مزداپرستی
mazg [*mzg* | (M *mgj*, N *mayz*)]	مغز، نخاع
mazgit [*mzgt*^{1} | N ~]	مسجد
mēdyōzarm [*mytywkzlm* = Av. *maiδyōi.zarəmaya-*]	بهار
mēγ [*myγ* | P *myg*, N ~]	میغ، مه
meh [*ms* | M *mhy, myh*, N ~]	مه (تر)، بزرگ (تر)
mēhan [*myhn*^{1} | N ~]	میهن
mehēnīdan, mehēn- [*msyn-ytn*^{1}]	افزودن، بزرگ کردن
~išn:	افزایش
mehmān [*m(ʾ)hmʾn*^{1} | P *myhmʾn*, N ~]	میهمان، ساکن؛ پذیرفتنی
~īh:	میهمان‌نوازی؛ سکونت
mehtar [*mstl, msʾtl* (< P *msʾdr*) | N ~]	مهتر، بالغ
~īh:	مهتری
menīdan, men- [*myn-ytn*^{1} | M *mn-*, N *man-*]	فکر کردن، تصور کردن
~išn:	خوی، منش، نیت
~išnīg:	با ملاحظه، با فکر
mēnōg [*mynwk̲* | M *mynwg*, N *mīnō*]	آسمانی، مینویی؛ مینو (= روح)
~īg [*-yk*^{1}]	مینوی، روحانی

~(īg)īh:	روح، روحانیت
mēnōg-wēn [*mynwk̲ HZ̲YTWN*]	دارای بینش روحانی
~īh:	بینش روحانی
mērag [*mylk*^{1}]	مرد جوان، شوهر
mēš [*HLLN* < A *rḥl ?; myš* | = P, N ~]	میش، گوسفند
mēšag [*myšk*^{1}]	ادرار
mēš-sār [*myšsʾl* | N ~]	میش سار (آلت زینتی)
mēwag [*mywk*^{1} | M *myw*, N *mēwa*]	میوه
mēx [*myh* | P *myx*, N ~]	میخ، قلاب
~ ī gāh:	میخگاه؛ در نجوم: ستاره قطبی
[1-2]**mēz-**, → [1]**mēzišn, mistan.**	
mēzd [*my(ʾ)zd* | N *mēz*]	غذا، نذر، قربانی
~bān [*-pʾn*^{1} | N ~]	میزبان
[1]**mēzišn** [*mycšn*^{1}]	چشمک، چشم برهم زنی
mih [*mt*^{1}]	دروغ، متضاد، مخالف
mihōxt [*mytwht*^{1} = Av. miθaoxta-]	دروغ
[1]**mihr** [*mtr*^{1} [M *myhr*, N~]	مهر؛ خورشید؛ گاه‌نما: هفتمین ماه سال و شانزدهمین روز ماه
[2]**mihr** [*mtr*^{1}, ...] ~ druxtan:	پیمان، قرارداد؛ پیمان شکستن
[3]**mihr** [*mtr*^{1}, ...]	مهر، دوستی
mihrbān [*mtr*^{1}*pʾn*^{1} | P *myhrbʾn*, N ~]	مهربان، یاور
mihr-drōz [*mtr*^{1}*dlwc*] = **mihrōdruǰ.**	
mihrōdruǰ [*mtr*^{11}*w-, mtrwk-dlwc* = Av. *miθrō.druǰim*]	پیمان‌شکن
~īh:	پیمان‌شکنی
mihr-zan [*mtr*^{1}*zn*^{1}] = **mihrōdruǰ.**	
miǰ(ag) [*myc(k*^{1}*)* | N *muž(a)*]	مژه؛ پلک
miǰūg [*myc-, myšwk*^{1} | N *mižū*]	مشو، عدس
mīr-, → **murdan.**	
mistan, [2]**mēz-** [*mstn*^{1}*, myc-* | N *mēzīdan*]	ادرار کردن
~išn(īh):	ادرار، عمل ادرار
mizag [*m(y)ck*^{1} | N *maza*]	مزه
~dārīh [*-dʾlyh*]	چشایی (حس)

www.ketabz.com

~ōmand [-ʾ*wmnd*] مزه‌دار
mizd [*m(y)zd* | N *muzd*] مزد، پاداش، پرداخت
~war [-*wbl* | N -*ūr*] مزدور
mizīdan, miz– [myc– ytn[1] | N mazīdan] مکیدن
***miznē** [*m(y)znydy*] شبنم، میغ
mōg [*mwk*[1]]
mowmard [*mgw-mlt*[1], -*gGBRA* | N *muγ*] مغ مرد
mōr [*mwl* | N ~] مور
mōrd [*mwlt*[1] | N ~] مورد (گیاه)
morwārīd [*mwlwʾlyt*[1] | M *mwrwʾryd*, N ~] مروارید
***mowbed** [*mgwpt*[1] | N *mōbad*] موبد
mōy [*mwd* | M mwy N ~] موی
mōyag [*mwdk*[1] | N *mōya*] مویه
mōyēn [*mwdyn*[1]] مویین
mōz [*mwc* | N ~] موز (میوه)
mōzag [*mwck*[1] | N *mōza*] موزه، کفش
***mūdag** [*mwtk*[1]] خراب، تباه
muγ [*DKRA* < A *dqlʾ* | N *mux*] مُخ، نخل
muhr [*mwdl* | M *mwhr*, N ~] مهر
~ag [*mwhlk*[1] | P *mwhrg*, N ~*a*] مهره، مهرهٔ نرد، دانهٔ تسبیح
***muhrišn** [*mwtlšn*[1]] مدفوع
mulān [*mwlʾn*[1]] شکم (اهریمنی)
P murd [*mwlt*[1] | P *mwrt* !] مرگ
murdan, mīr- [*YMYTWN-tn*[1] < A *ymwtwn*, √ *mwt; mwltn*[1] | M *mwrd*, *myr-*, N ~] مردن
murdār [*mwrtʾl*, *mwldʾl* | N ~] مردار
murnǰēnīdan, murnǰēn- [*mwlncyn-ytn*[1]] نابود کردن
murw [*mwlw*[1] | M *mwrw*, (N *murγ*)] مرغ، پرنده
murwāg [*mwlwʾk*[1] | M *mwrwʾ*, N *murwā*] مروا، فال
murwīzag [*mwlwyck*[1]] مرغک، پرندهٔ کوچک
murw-nīš [*mwlwnyš*] پیش‌بین، فالگیر

[1]must [*mwst*[1]] ظلم، فشار
[2]must [*mwst*[1]] = **mušt.**
[3]must [*mwst*[1]] مُست، شِکوه
must|-abarmānd [*mwst*[1]ʾ*p̄lmʾnd*] مهاجم، تجاوزگر
~gar [-*kl*] سرکش، ظالم
mustōmand [*mwstʾwmnd* | N *mustmand*] گله‌مند، ناشاد
[1]mušk [*mwšk*[1] | N ~] مُشک
[2]mušk [*mwšk*[1] | (N *mūš*)] موش
mušt [*mwšt*[1] | N ~] مُشت
muštan, māl- [*mwštn*[1], *mʾl*- | N ~] مالیدن، رُفتن

N

nab [*np* | N *nawa*] نوه
nabānazdišt [*nbʾnzdšt*[1] = Av. *nabānazdišta*-] خویشاوند نزدیک
nāf [*nʾp̄* | M *nʾp*] خانواده
~ag [-*k*[1] | N *nāf(a)*] ناف
[1]naft [*npt*[1] | = M, N ~] نفت؛ مرطوب، نمناک
[2]naft [*npt*[1]] پشت، نسل
nahang [*nsng*] استان
***nakkīrā** [*nkylʾȳ*] ردکنند، منکر
~yīh: رد، انکار
nāl- [*nʾl*- | P (*nʾr*-), N ~] نالیدن، شِکوِه کردن
nam [*nm* | N ~] نم
nām [*ŠM* < A *šm; nʾm* | = M, N ~] نام، آوازه
namad [*nmt*[1] | N ~] نمد
nāmag [*MGLTA* < A *mgltʾ; nʾmk*[1] | M *nʾmg*, N *nāma*] نامه، کتاب
namak [*nmk*[1] | M *nmyhk*, N ~] نمک
namāz [*OSGDE* < A *sgdh; nmʾc* | = M, N ~] تکریم، دعا، نماز
~burdan: نماز بردن، تعظیم کردن

www.ketabz.com

nām-burdār [*n'm bwlt'l* | N ~] وارث، حافظ نام پدر
nāmčišt [*n'm-, ŠMčšt'*], **(pad)~:** بویژه، مخصوصاً
~īg [*-yk'*] مشهور، معروف
nāmīg [*n'myk'* | N *nāmī*] نامی، مشهور
~īh: شهرت
nān [*LHMA* < A *lḥm'; n'n'* | = M, N ~] نان، قُوت
nang [*nng* | N ~] شرم، حیا
nar [*ZKL* < A *zkr; nl* | M *nr*, N ~] نر، مردانه
nargis [*nlgs* | N ~] نرگس
nārīg [*n'(y)lyk'*] بانو، زن، همسر
narm [*nlm* | M *nrm*, N ~] نرم، فروتن، متواضع
nasā [*ns'y* | M *n(y)s'h*, N ~] جسد، مردار
nask [*nsk'* | N ~] نسک (هر یک از بخشهای اوستا)
nasrušt(īh) [*nslwšt', -yh*] پلیدی، فساد
nastaran [*nstln'* | N ~] نسترن، گل دشتی
nawad [*90* | N ~] نود
naxčīr [*nhcyl* | M *nhcyhr*, P *nxcyr*, N ~] نخجیر، شکار، سرگرمی
naxōd [*nhwt'* | N ~] نخود
P **naxšag** [*nhšk'* | P *nxšg*] خوب، ظریف
nāxun [*n'hwn'* | P nxwn, N nāxun] ناخن (انگشت)
naxust [*nhwst'* | M *nxwst*, N ~] نخست
nay [*KNYA* < A *qny'; n'd* | N ~] نی، نیشکر
nay-, → **nīdan.**
nāy [*n'd* | M *n'y*, N ~] نای، فلوت؛ دیرک، واحد طول (= ده پا)
~pazd-: دمیدن، نواختن (نی)
***nāydāg** [*n'ywt'k'*] گود، قابل کشتی رانی، گذر نکردنی
nayestān [*KNYAst'n'* | N ~] نیستان، نیزار
nāy-srāy [*n'dsl'd*] نی‌زن
nazd [*nzd* | = M, N ~] نزدیک
nazdīk [*nzdyk'* | = M, N ~] نزدیک
~īh: نزدیکی

nazdist [*nzdst'*] نخست
nāzišn [*n'čšn'* | N *nāziš*] ۱ـ نازش، فخر ۲ـ مهربانی
nāzuk [*n'cwk'* | (M *n'zwg*), N ~] نازک، نرم؛ بی‌ثبات
nē [*LA* < A *l'* | M *ny*, N *na*] نه، خیر
nēk [*nywk'* | M *nyk*, N ~] نیک، زیبا
~īh: نیکی، کار نیک، مهربانی
nēk-gōhr [*nywk gwhl*] نیک گوهر، با فضیلت
~īh: فضیلت، خوبی
nēkōg [*nywkwk'* | M *nyyqww* !, N *nēkō*] = **nēk.**
nēm [*PRG* < A *plg; nym* | = M, N ~] نیم
~ag [*nymk'* | N *~a*] نیمه، سوی، جهت
~-asp [*-'sp*] نیماسب (اسبی که از کمر به‌بالا به شکل آدمی است): درنجوم: برج قوس
~-rōz [*-lwc* | M *-rwc*, N ~] نیمروز، جنوب
~-tan [*-tn'* | N ~] نیمهٔ تن، میان تن
nērang [*nylng* | N ~] نیرنگ، سحر، افسون
nērōg [*nylwk'* | M *nyrwg*, N *nērō*] نیرو، زور
~ōmand [*-'wmnd*] نیرومند، زورمند
nēst [*LOYT'* < A *l''yty* | M *nyst*, N ~] نیست
~īh: نیستی
nēw [*TB̠* < A *ṭb; nyw'* | = M, N ~] نیو (= دلیر)، خوب
~-ardaxšīr [*nyw'lthšyl* | N *nard* !] نرد (بازی)
nēzag [*nyck'* | N *nēza*] نیزه
nēzūmān, ~īg [*nycwm'n', -yk'* | M *nyzwm'n*] تردست، ماهر
~īh: مهارت، ظرافت
nibard [*nplt'* | N *nabard*] نبرد، پیکار، جنگ
~ag [*-k'* | N *~a*] نبرده، باتجربه
nibardīdan, nibard- [*nplt-ytn'* | P *nbrd'd*] نبرد کردن، جنگیدن
nibastan, nibay- *npstn', npd-* | M *nbst*] خوابیدن، دراز کشیدن
nibāstan, *nibāy- [*np'stn'* | M *nb'st*, *P nb'y-*] تسلیم شدن، زمین نهادن
nibēg [*npyk'* | M nbyg, N *niwē*] نبی (= نوشته)، کتاب، کتاب مقدس
nibēm [*npdm* | (P *nbdm-*)] خوابیده، دراز کشیده

www.ketabz.com

nibištan, nibēs- [*YKTYBWN-tn' < A yktbwn, √ ktb; npštn'* | M *nbyšt, nbys-*, N ~] نوشتن

nīdan, nay- [*DB(Y)LWN-tn'* < A √ *dbr* | M *nyydn, ny-*] هدایت کردن

nidom [*nytwm*] کمترین، کوچکترین

nifrīdag [*nplytk'* | N *nifrīd*] نفرین شده

nifrīn [*nplyn'* | N ~] نفرین

nigāh [*nk's* | M *ng'h*, N ~] نگاه، توجه

~dāštan: نگاه داشتن، مواظب بودن، محافظت کردن

~kardan: نگاه کردن

~-dārīh, ~-dārišnīh [*-d'l(šn)yh* | N *~dārī*] نگاهداری، مواظبت

nigān [*nk'n'* | P *ng'n*] مدفون

nigār- [*nk'l-* | M *ng'r-*, N ~] نگاشتن، کشیدن، تصویر کردن

~ag [*-k'* | (M *ng'r*, N *nigār*)] نگاره، پیکر، طرح

nigāstār [*nk'st'l*] نگاهدار؛ دفاعی

nigerīdan, niger- [*nkyl-ytn'* | N *nigarīdan*] نگریدن، مشاهده کردن

~išn: نگرش، ملاحظه

~išnīg: معلوم، هویدا

nigēxtan, nigēz- [*nkyhtn', nkyc-*] توضیح دادن، شرح دادن

~išn: شرح

nigēz [*nkyc*] شرح

nigūn [*nkwn'* | N ~] نگون، وارون

~īh: نگونی، ژرفا

~sār [*-s'l* | M *ngwns'r (P ngws'r)*] نگونسار

nihādag [*nyd'tk'* | M *nyh'dg*] نهاد، اساس

nihādan, nih- [*HNHTWN-tn'* < A *hnḥt*, √ *nḥt* | M *nyh'd, nyh-*, N ~] بنا نهادن، گذاشتن، قرار دادن

nihāl [*nh'l* | N ~] نهال، درخت نونشانده

nihān [*nyh'n'* | N ~] نهان، پنهان

~īg [*-yk'* | N *~ī*] نهانی

nihang [*nsng*] اندک، کم

***nihēb** [nyhyp̄ | N ~] ترس، وحشت

nihuftan, nihumb- [*nhwptn', nhwmb-* | = M, N ~] نهفتن، پنهان کردن، پوشاندن، برتن کردن

nihumbīdan [*nhwmbytn'*] = **nihuftan.**

***nikōhīdan, nikōh-** [*nkwh-ytn'* | N ~] نکوهیدن، نفرین کردن

~išn: نکوهش

~išnīg: قابل نکوهش، نفرت‌انگیز

nīl [*nyl* | N ~] نیل

nīlōpal [*nylw(k)pl* | N ~, *nīlōfar*] نیلوفر

nimūdan, nimāy- [*nmwtn', nm'd-* | M *nmwdn, nm'y-*, N ~] راهنمایی‌کردن، نمودن، نشان دادن

nirfs- [*nlps-*] کاهش دادن، کم کردن

~išn: کاهش، نقصان

nīrmad [*nylmt'*] بهره، سود

~ōmand [*-'wmnd*] پرسود

P nisāg [*nys'k'* | P *nys'g*] درخشان، باشکوه

nīš- [*nyš-* | M *nyyš-ydn*, J ~] دیدن، مشاهده کردن

nišān-, → nišāstan.

nišān [*nyš'n'* | = M, N *nīšān*] نشان، علامت

nišast [*nšst'* | N ~] نشست، گردهم‌آیی

nišastan, nišīn- [*YTYBWN-stn'* < A √*ytb; nšstn'* | M *nšst, (nšyy-)*, N ~] نشستن

nišāstan, nišān- [*YTYBWN-stn', -'n-; nš'stn', nš'n-* | M *nš'st, (nš'y-)*, N ~] نشاندن، قرار دادن، پی‌افکندن، کاشتن

nišāyišn [*nš'dšn'* | M *nš'y-*, → **nišāstan**] بنیاد، اساس

nišēb [*nšyp̄* | N ~] نشیب؛ در نجوم: حضیض

~īg [*-yk'*] سراشیبی

nišēm [*nšdm* | M *nšym*, N *~an*] جا، جایگاه

~ag [*-k'*] منزل، اقامتگاه

nišīn-, → nišastan.

niwāg [*nw'k'* | M *nw'g*, N *nawā*] آهنگ، سرود، نوا

***niwē** [*nwyk'* | (N *nuwēd*)] نوید

***niwēy-, ~išn, → niwistan.**

www.ketabz.com

***niwēyēnīdan** [*nwykyn-ytn*^{1}] = **niwistan.**
niwistan, *niwēy- [*nwstn*^{1}, *nwyd- / nwyk-*] اعلام کردن، خبر دادن
~išn(īh): خبر
nixwār- [*nswbʾl-* | M *nyxwʾr-*] شتافتن
~išn: شتاب
niyābag [*nydʾp̄k*^{1} | M *nyʾbg*] درخور، سزاوار، مناسب
~īh: تناسب
niyāg [*nydʾk*^{1} | M *nyʾg*, N *niyā*] نیا، جد
niyāyišn [*nydʾdšn*^{1} | N *~iš*] نیایش، دعا
niyāz [*nydʾc* | M *nyʾz*, N ~] نیاز، فقر، احتیاج
~ōmand [*-ʾwmnd* | N *~mand*] نیازمند
~ōmandīh: نیازمندی، لزوم
niyōxšidan, niyōxš- [*n(y)dwhš-ytn*^{1} | M *nywš-*, N *niyōšīdan*] نیوشیدن، شنیدن
~išn: نیوشش
nizār [*nzʾl* | (P *nyzʾwr*), N ~] نزار، کم‌زور
~īh: نزاری
nizārīh- [*nzʾlyh-*] نزار شدن
nō [*TŠA* < A *tšʿ* | M *nwh*, N *nuh*] نه (عدد)
nōg [*nwk*^{1} | M *nwg*, N *naw*] نو، تازه
~-rōz [*-lwc* | N *nawrōz*] نوروز
~-zād(ag) [*-zʾt(k)*^{1} | N *nawzād*] نوزاد
nohom [*nhwm* | = M, N ~] نهم
nōzdah [*nwzdh* | N ~] نوزده
nūn [*KON* < A *kʿn* | M, J *nwn*] اکنون

O

ō [*OL* < A *ʿl; ʾw* | M *ʾw*] ; → **ōh** به، در
~gird āmadan: گرد آمدن، جمع شدن
~ham kardan: به هم کردن، جمع کردن

~ham madan: گرد آمدن؛ به پایان رسیدن
***ōbad-, → ōbastan, *ōftādan.**
ōbārdan, ōbār- [*ʾwpʾl-tn*^{1} | M *ʾwbʾrd*] او باریدن، بلعیدن
ōbastan, *ōbad- [*NPLWN-stn*^{1} < A √ *npl; ʾwpstn*^{1}, *ʾwpt-* (→ **ōft-**,) | M *ʾwbyst*, J *ʾwβst-*] افتادن
***ōftādan, ōft-** [*ʾwpt-* | M *ʾwptʾd*, N *uft~*] افتادن
ōgār [*ʾwkʾl*] جزر
ōgārdan, ōgār- [*ʾwkʾl-tn*^{1}] بیرون انداختن، دفع کردن
***ōgrā** [*ʾwglʾy*] افت، پایین رفتگی
ōh [*KN* < A *kn* | M *ʾwh*] ایدون، چنین؛ (با فعل، مفهوم تردید را می‌رساند): شاید، ممکن است
Ohrmazd [*ʾwhrmzd* | M *ʾwhrm(y)zd*, N *Hŏrmuzd*] هرمزد؛ در نجوم: مشتری؛ گاه‌نما: اولین روز ماه
-om [*-wm* | = M, N ~] ـ ام (پسوند سازندهٔ عدد ترتیبی از پنجم به بعد)
-ōmand [*-ʾwmnd* | M *-wmnd*, N *-mand*] ـ مند (پسوند سازنده صفت توصیفی)
***ōrēb(īh)** [*ʾwlyp(yh)*] ناامیدی
ōrōn [*ʾwlwn*^{1} | M *ʾwrwn*] اینجا
az . . . ~: از ... تاکنون
ōsān- [*ʾwsʾn-* | = M] فرو افکندن
ōspurdan, ōspar- [*ʾwspl-tn*^{1}] سپردن (= پایمال کردن)، لگدمال کردن
ōst°, → awest°.
ōst [*ʾwst*^{1}] محکم، قابل اعتماد
ōstīgān [*ʾwstykʾn*^{1} | M *hwstygʾn*, N *ustuwān* ?] محکم، قوی، قابل اعتماد، مطمئن
~īh: پایداری، استحکام
^{1}**ōš** [*ʾwš* | = M, N *bōš*] هوش، فراست
~īh: = ōš.
^{2}**ōš** [*ʾwš* | = M] مرگ
^{3}**ōš** [*ʾwš*] سپیده دم
ōšastar [*ʾwšstl*] مشرق
ōš(e)bām [*ʾwšbʾm* | M*ʾwšybʾm*] سپیده‌دم
ōšmārag [*ʾwšmʾlk*^{1} | N *šumāra*] آمار، شماره

www.ketabz.com

ōšmurdan, ōšmār-, (ōšmur-) [*MNYTWN-tn'* <A *√mnh; 'wšmwltn', 'wšm'l-* | M *'(w)šm'r-*, N *šumurdan, šumār-*] حساب کردن، شمردن؛ بررسی کردن، به یادآوردن، توجه کردن، تصور کردن

~išn: شمارش؛ بررسی، رسیدگی

ōšmurdīg [*'wšmwltyk'*] شمرده شده (تقویم شمسی)

ōšōmand [*'wš'wmnd*] فانی

ōšyār [*'wšd'l* | N *h~*] هوشیار

ōwōn [*'wgwn'* | M *''wn*] چنین، چون

ōy [*OLE* < A *'l-h* | M *'wy*, N ~]; **(pl. awēšān)** او، آن

***ōyrišt** [*'w(k)ylšt'* = Av. *awaoirišta-*] اویرشت (نام درجه‌ای از گناه)

ōz [*'wc*] زور، نیرو

ōzadan, ōzan- [*YKTLWN-, YKTLWN-tn'* < A *yqṭlwn*, √ *qṭl; 'wctn'* | M *'wzdn, 'wzn-*] کشتن

ōzōmand [*'wc'wmnd*] زورمند، نیرومند

P

pa(č)čēn [*pcgn'*] رونویس

***pa(č)čībāg** [*pcyp̄'k', PWNc-* | N **paǰīw*] فریبنده

~īh: فریب، دورویی

***pa(č)čībāy-** [*pcyp'd-, PWNc-*] فریفتن

pad [*PWN*, برای **pty* | M *pd*, N *pa*] به، در، برای، بوسیله

pad- [*pt-* | M **pd-*] افتادن

padām [*pd'm* | (N *panām*)] پنام (پارچه‌ای که پیشوایان زردشتی به هنگام مراسم مذهبی بر دهان می‌بستند)

¹pādan, pāy- [*NTLWN-tn'* < A √ *nṭr; p'tn', p'd-* | M *p'd,p'y-*, N *pāyīdan*] پاییدن، حمایت کردن، نگهداری کردن

²pādan, pāy- [*NTLWN-tn'*, . . .] ایستادن، منتظر شدن

pādāšn [*p'td'šn'* | M *p'd'šyn*, N *pādāš*] پاداش، مزد

padēx [*ptyhw'*] بهره‌مند، کامیاب

~īh: کامیابی

padēxēnīdan, padēxēn- [*ptyhwyn-ytn'*] کامیاب کردن، خوشبخت کردن

pādēz [*p'tyc* | M *p'dyz*, N *pāyēz*] پاییز

pad-gōhr [*PWNgwhl*] ۱ـ به گوهر آراسته ۲ـ گوهری (= اصیل)، نجیب‌زاده

pādifrāh [*p'tpl's* | M *p'dypr'h*, N **pādafrāh*] پادفراه، کیفر

padīr-, ~išn: → padīriftan.

padīrag [*ptylk'* | M *pdyrg*, N *paδīra*] به سوی، پذیره، در برابر

(ō) ~ madan: به پذیره آمدن

~īh: برخورد، رودررویی

pādīrān [*p'tgl'n'*] عقب مانده، فرونشانده

pādīrān(ēn)īdan, pādīrān(ēn)- [*p'tgl'n(yn)-ytn'*] جلوگیری کردن، مانع شدن

padīriftan, padīr- [*MKB̠LWN-tn'* <A *mqbl, √qbl; ptgl-ptn'* | M *pdyr-yptn*, N *paδīruftan*] پذیرفتن، قبول‌کردن

~išn: پذیرش، قبول

¹padisār [*ptys'l* | N *padīsār* ?] آغاز، اساس

²padisār [*ptys'l*] افسار، دهنه

padisāy [*pts'd* | M *pdys'y*] به خاطر، به سبب

padist [*ptst'* | P *pdyst*] عهد، قول، تهدید

~(abar) burdan: پیمان بستن

padistādan, padist- [*ptyst-'tn'* | (P *pdystwd*)] قول دادن، پیمان بستن

padistā(g) [*ptyst'k'* | (M *pdyst'w*)] = **padist.**

padiš [*ptš* | M *pdyš*] بدان، بدو؛ پسواژه (**pad** =) به و...

padištān [*ptyšt'n'* | P *pdyšt''n*] پا

padišxwar [*ptšhwl*] ظرف، کاسه

pādixšā(y) [*ŠLYTA* <A *šlyṭ; p'thš'(d)* | M *p'dxš'y*] پادشاه؛ نیرومند، مقتدر، مجاز

~īh: پادشاهی، اختیار

pādixšīr [*p'thšyl*] پیمان، موافقت‌نامه

pad-nērōg [*PWNnylwk'*] به نیرو، قوی

pad-nigerišn [*PWNnkylšn'*] به دقت

pādofrāh [*p'twpl's*] = **pādifrāh.**

pad-pānag [*PWNp'nk'*] محافظت شده، مواظبت شده

www.ketabz.com

P pādrazm [*pʾtlcm*] — جنگ

pād-rōzag [*pʾtlwck*^{1} | M *pʾdrwcg*] — روزه‌دار

pād-uzwān [*pʾtʾwzwʾn*^{1}] — کتمان کننده

~īh: — کتمان

pad-wizēn [*PWNwcyn*^{1}] — گزیده، ممتاز

pādyāb [*pʾtyʾp̄* | N ~] — پادیاب (= تطهیر شده)؛ مراسم تطهیر

~īh: — مراسم تطهیر

pādyāwand [*pʾtydʾwnd* | J *pʾdywnd*] — زورمند، نیرومند

~īh: — زور، برتری

pādzahr [*pʾtzhl* | N *pā(d)zahr*] — پادزهر، تریاق

pad-zyān [*PWNzydʾn*^{1}] — زیان‌آور

pafšār- [*ppšʾl-*] — شرمسار کردن

pafšīr- [*ppšyl-*] — شرمنده شدن

~išn(īh): — شرم

pah [*pʾh*] — گوسفند

~ast [*-st*^{1}] — آغل، طویله

pahikaftan, pahikaf- [*ptkp-tn*^{1} | M *phykf-*] — برخورد کردن، حمله بردن، زدن، لمس کردن

~išn: — حمله، پیکار

pahikāftan, pahikāf- [*ptkʾp̄-tn*^{1}] — جنگ کردن، فرو کوفتن

pahikar [*ptkl* | M *phykr*, N *paykar*] — پیکر، تصویر

pahikār [*ptkʾl* | M *phykʾʾr*, N *paykār*] — پیکار، جنگ، مجادله

[1]**pahikār-** [*ptkʾl-*] — جنگیدن، شکست دادن، مجادله کردن

pahikārdan, [2]**pahikār-** [*ptkʾl-tn*^{1}] — درخواست‌کردن، ادعا کردن، رایزنی کردن

pahikōftan, pahikōb- [*ptkwp-tn*^{1}] — زدن

pahlawīg [**pʾhlwbyk*^{1} | (M *phlwʾnyg*), N *pahlaw(ān)ī*] — پارتی؛ پهلوی

pāhlom [*pʾhlwm*] — بهترین، برترین، پیشترین

~īh: — برتری

pahlūg [*pʾhlwk*^{1} | N *pahlū*] — پهلو، کنار

pahn [*pʾhn*^{1} | N ~] — پهن، فراخ

~āy [*-ʾd* | N *~ā*] — پهنا، فراخی

[1]**pahrēxtan, pahrēz** [*pʾhlyhtn*^{1}, *pʾhlyc-* | M *phryz-*, J ~, N *parhēxtan*, *parhēz-*] — پرهیختن، دوری کردن، اجتناب کردن

[2]**pahrēxtan, pahrēz-** [*pʾhlyhtn*^{1}, *pʾhlyc-* | M (*phrystn*), *phryz-*] — حمایت کردن، مراقبت کردن، مواظبت کردن

pahrēz [*pʾhlyc* | N *parhēz*] — پرهیز، دفاع

***pahrmāh-** [*ptlmʾh-* | (N *parmās-*)] — پرماسیدن، لمس کردن

~āgīh [*-ʾkyh*], **~išn:** — احساس، تماس

pāk [*DKYA* < A *dkyʾ*; *pʾk*^{1} | = M, N ~] — پاک، تمیز، مقدس

~īh: — پاکی، تقدس

pākīzag [*pʾkyck*^{1} | N *~a*] — پاکیزه

palang [*plng* | N ~] — پلنگ

~-mušk [*-mwšk*^{1} | N ~] — پلنگمش / پلنگمشک (نام گیاهی است)

pālūdag [*pʾlwtk*^{1} | N *~a*] — پالوده (خوردنی که از نشاسته پزند و با شربت تند خورند)

pālūdan, pālāy- [*pʾlwtn*^{1}, *pʾlʾd-* | (M *pʾrwdn*, *pʾrʾy-*), N ~] — پالودن، تصفیه کردن، صاف کردن

pambag [*pmbk*^{1} | N *panba*] — پنبه

~ēn [*-yn*^{1}] — پنبه‌ای

pānăg [*pʾn(ʾ)k*^{1} | M *pʾng*] — حامی، نگاهبان؛ چوپان

~īh: — حمایت

panāh [*pnʾh* | = M, N ~] — پناه؛ حامی

pad ~ griftan: — به پناه گرفتن

~īh: — حمایت

pand [*pnd* | = M, N ~] — راه؛ پند، اندرز

panīr [*pnyl* | N ~] — پنیر

panǰ [*pnc* | P *pnj*, (M *pnz*), N ~] — پنج

~ag [*-k*^{1} | N *~a*] — خمسه؛ پنجه، دست

~āh [*-ʾh* | N ~] — پنجاه

pānzdah [*pʾncdh* | M *pʾnzdh*, N ~] — پانزده

[1]**pārag** [*pʾlk*^{1} | N *pāra*] — پاره، بخش، قطعه

[2]**pārag** [*pʾlk*^{1} | M *pʾrg*, N *pāra*] — هدیه، پیشکش، رشوه

parāhōm [*plʾhwm* = Av. *para.haoma-*] — پراهوم، نوشیدنی مقدس (مخلوط هوم، شاخه درخت انار و شیر که در مراسم مذهبی به کار می‌رود)

www.ketabz.com

pardag [*plk*^{1} | N *parda*] پرده، حجاب

pardaxtan, pardaz- [*pldhtn*^{1}, *pldc-* | M *prdxt*, N~], **~az:** پرداختن از، فارغ شدن از

~ ō: به عهده گرفتن، پرداختن به ...

~išn: آزادی؛ تعهّد

pardāxtan, pardāz- [*pld'htn*^{1}, *pld'c-* | N ~] پرداختن، به انجام رساندن

~az: (خود را) آزاد کردن از

pargandan, pargan- [*plkn-, plgn-dn*^{1} | (P *pr'gnd*, N *parāgandan*)] پراگندن، بخش‌کردن، توزیع‌کردن

pargast [*plgst*^{1} | N ~] پرگست (= مبادا)، خدای ناکرده

pargūd [*plgwt*^{1} | P *prgwdg*], **~az:** رها، خالی از

parīg [*plyk*^{1} | M *pryg*, N *parī*] پری

parisp [plsp | M prysp] دیوار

paristag [*plstk*^{1} | N *pirista*] پیشخدمت

~īh: پرستش، خدمت

paristār [*plst'l* | N *parastār*] پرستار

paristīdan, parist- [*plst-ytn*^{1} | M *pryst-*, N *parastīdan*] پرستیدن، خدمت کردن

~išn: پرستش، خدمت

paristōg/k [*plstwk*^{1} | P *prstwg*, N *piristū(k)*] پرستو

parnagān [*plnyk'n*^{1} | M *prng'n*, N *parniyān*] پرنیان

parr [*pl* | M *pr*, N ~] پر، بال

parrag [*plk*^{1}, *plg* | P *prg*, N *~a*] پر

~īg [*-yk*^{1}] پردار

parrēxtan, parrēz- [*plyhtn*^{1}, *plyc-*] زاید بودن، زیادی بودن

parrōn [*plwn*^{1} | M *prwn*] دور، آن سو

parrwar [*plwl* | M *prwr*] پردار

pārsīg [*p'lsyk*^{1} | N *pārsī*] پارسی

parš [*plš*] خالدار، لکدار

parwāl [*plw'l* | (P *prwrz*)] پرواری، تغذیه

parwāl- [*plw'l-* | (P *prwrz'dn*)] پروردن، تغذیه کردن

~išn: پرورش

parwānag [*plw'nk*^{1} | M *prw'ng*, N *~a*] پروانه، رهبر

~īh: پروانگی، پیشوایی، رهبری

parwand [*plwnd* | N ~] پروند، حصار، فراگیری

parwand-, → **parwastan.**

P parwāngāh [**plw'ng's*] تخت

parwār [*plyw'l* | N ~] فروار؛ بارو؛ حومه، اطراف

parwardan, parwar- [*plwl-tn*^{1} | M *prwrdn*, N~] تغذیه کردن، پروردن، تعلیم‌دادن، پرورش دادن

~išn: تغذیه، پرورش، تعلیم

parwast [*plwst*^{1}] حصار

parwastan, parwand- [*plwstn*^{1}, *plwnd-*] احاطه کردن، در میان گرفتن، دربرداشتن، دارا بودن

parwāz [*plw'c* | N ~] پرواز

parzīn [*plcyn*^{1} | M *prcyn*, J *przyn*, (N *parčīn*)] پرچین، نرده

pas [*AHL* < A *'ḥr; BATL* < A *b-'tr; ps* | = M, N ~] پس، سپس، دنبال

~ az: پس از

~īh: عقب

pās [*p's* | = M, N ~] پاس، مواظبت

~dāštan: پاس داشتن، نگهبانی کردن

pāsbān [*p'sp'n*^{1} | M *p'sb'n*, N ~] پاسبان، نگهبان

~īh: پاسبانی، دفاع

pas-dānišnīh [*AHLd'nšnyh*] ناآگاهی، نادانی

pasēmāl [*psym'l*, → **hamēmāl**] مدافع، متهم

~īh: دفاع (قانونی)

pasēn [*psyn*^{1} | N *pasīn*] پسین، آخرین

pāsox [*p'shw*^{1} | N ~]. = **passox.**

passand [*psnd* | N *pasand*] پسند، میل

passandīdan, passand- [*psnd-ytn*^{1} | M *psynd-*, N *pasandīdan*] پسندیدن، تأیید کردن

~išn: پسند، تأیید

~išnīg: پسندیدنی

www.ketabz.com

passāxt [*psʾht*[1]] آزمون

passāxtan, passāz- [*psʾhtn*[1], *psʾc-* | M *psʾxt*, *psʾc-*] آماده کردن، ساختن؛ جا دادن؛ امتحان کردن

~išn: تدارک، ترکیب

passazag [*psck*[1] | M *pscg*] درخور، مناسب

~īh: تناسب

passox [*pshw*[1] | M *pswx*, N *pāsux*] پاسخ

past [*pst*[1] | N ~] پست، پایین؛ در نجوم: حضیض

pašēmān [*pšymʾn*[1] | = M, N ~] پشیمان، توبه کار

~īh: پشیمانی، توبه

pašm [*pšm* | N ~] پشم

~ēn [*-yn*[1] | N *~īn*] پشمین

pašn [*pšn*[1]] پیمان، موافقت

pāšnag [*pʾšnk*[1] | N *~a*] پاشنه

pāšom [*p(ʾ)šwm*] برترین

paššing [*pšng* | N *pišing*] پشنگ، قطره

paššinǰag [*pšnck*[1] | N *pišanǰa*] قطره

paššinǰīdan, paššinǰ- [*pšnc-ytn*[1] | N *pišanǰīdan*] پشنجیدن، ترشح‌کردن

~išn: ترشح

pašt(ag) [*pšt(k)*[1] | J *pšt*] پیمان، موافقت، عهد

***pattān** [*ptʾn*[1]] صدا، طنین

~ōmand [*-ʾwmnd*] طنین‌دار

pattāyistan [*ptʾdstn*[1]] = **pattūdan.**

pattūdan, pattāy- [*ptwtn*[1], *ptʾd-* | P *ptwdn*, M *ptʾy-*] ماندن، دوام آوردن، باقی ماندن، تاب آوردن

pattūg [*ptwk*[1]] بردبار، پرطاقت، با پشتکار

~īh: بردباری، پشتکار، تحمل

paxšag [*phšk*[1] | N *paša*] پشه

[1]**pay** [*pdy* | N ~] پا؛ جاپا، ردپا

~ī: پیِ، دنبالِ

[2]**pay** [*pdy* | M *pyy*, N ~] پی، عصب

pāy [*LGLE* < A *rglh*; *pʾdy* | M *pʾy*, N ~] پا، ساق پا؛ پا (واحد طول = ۱۲ اینچ)

[1, 2]**pāy-**, → [1, 2] **pādan.**

payādag [*pdʾtk*[1] | M *pyʾdg*, N *pīyāda*] پیاده، پیاده‌نظام، پیاده (در بازی شترنج)

pāyag [*pʾd(y)k*[1] | N *pāya*] اساس، پایه

paydāg [*pytʾk*[1] | M *pydʾg*, N *paydā*] پیدا، آشکار، پدیدار

~īh: پیدایی، ظاهر

paydāgēnīdan, paydāgēn- [*pytʾkyn-ytn*[1] | M *pydʾgynyd*] آشکارساختن، شرح دادن

paydāgīhistan, paydāgīh- [*pytʾkyh-stn*[1]] آشکار شدن، پیدا شدن

payg [*pdk*[1] | (P *pdg*), N ~] پیک، پیاده‌نظام

***paygāl** [*pygʾl* | N *payyāla*, *piyāla*] پیاله، کاسه

~gar [*-kl*] پیاله‌ساز

paygām [*pgtʾm* ! | M *pygʾm*, N *pay(γ)ām*] پیغام

~bar [*-bl* | N *-bar*] پیغامبر، فرستاده

pāygōs [*pʾtkws* | M *pʾygws*] استان، ناحیه

paymān [*ptmʾn*[1] | M *pymʾn*, N ~] پیمان؛ دوره، اندازه؛ اعتدال

ō ~ madan: به سن بلوغ رسیدن

~ag [*-k*[1] | N *~a*] پیمانه، اندازه، دوره

paymānīg [*ptmʾnyk*[1]] به اندازه، متعادل

~īh: اعتدال، اندازه

***pāymār** [*PKDWN* < A *pqdwn*; *pʾtymʾl*] انتصاب، واگذاری

paymāy-, → **paymūdan.**

paymōg [*ptmwg* | M *pymwg*] جامه، لباس

paymōxtan, paymōz- [*ptmwhtn*[1], *ptmwc-* | M *pymwxt*, *pymwc-*] پوشیدن، دربرکردن

paymōzan [*ptmwcn*[1] | M *pymwcn*] جامه، لباس

paymūdan, paymāy- [*ptmwtn*[1], *ptmʾd-* | N ~] پیمودن، اندازه گرفتن

***pāyram** [*pʾtlm*] عامه، مردم

payrāstan, payrāy- [*pt-*, *pylʾstn*[1], *pylʾd-* | M *pyrʾst*, *pyrʾy-*, N *pērāstan*] آراستن، پیراستن

payrāyag [*pylʾdk*[1] | M *pyrʾyg*, N *pērāya*] پیرایه، زینت

payrōg [*ptlwk*[1]] فروغ، روشنی

www.ketabz.com

paywand [*ptwnd* | (M *pywn*), N ~] — پیوند؛ فرزند

paywand-, → **paywastan.**

paywāsag [*ptw'sk*^{1}] — خرجین، کیف چرمی

paywastag [*ptwstk*^{1} | N ~*a*] — پیوسته

paywastan, paywand- [*ptwstn*^{1}, *ptwnd-* M *pywst*, (*pywyn-*), N ~] — پیوستن، متصل کردن

paywāz- [*ptw'c-* | M *pyw'z-*] — پاسخ دادن، جواب دادن

~ag [*-k*^{1}], **~išn:** — جواب

paz-, → **poxtan.**

pāzand [*p'cnd* | N ~] — پازند (تفسیر پهلوی اوستا (= زند) که با حروف اوستایی نوشته شده است)

pazd [*pzd* | = P] — اذیت، ستم

pazd- [*pzd-* | = M] — دمیدن، نواختن

pazdagīh [*pzdkyh*] — اخراج، دفع

pazdēnīdan, pazdēn- [*pzdyn-ytn*^{1} | P *pzd-*] — ترساندن، تعقیب‌کردن

pāzen [*p'c(y)n*^{1} | M *p'cn*, N *pāzan*] — پازن، بز کوهی

pazūg. [*pzwk*^{1} | (N *payūk*, *xabazdū*)] — خبزدو (نوعی سوسک)

~ī gūhgard / gūhward: — سرگین گردانک

pazzāftan [*pz'ptn* | (M *pzpt*, intr.)] — پزاندن، عمل آوردن

pazzām- [*pz'm-*] — رسیدن، عمل آمدن

~išn: — رسیدگی (میوه)، عمل آمدگی

pazzāmēnīdan [*pz'myn-ytn*^{1}] = **pazzāftan.**

pēčīdan, pēč- [*pyc-ytn*^{1} | N ~] — پیچیدن، درهم بافتن

pēm [*pym*] — شیر

pēmēnīdan, pēmēn- [*pymyn-ytn*^{1}] — متورم کردن، برآمده کردن

pen [*p(y)n*^{1}] — بخیل، پست، خسیس

~īh: — پستی، بخل

pērāmōn [*pyl'mwn*^{1} | M *pyr'mwn*, N ~*mūn*] — پیرامون

pērōz [*pylwc* | M *pyrwz*, N ~] — پیروز

~īh: — پیروزی

pērōzgar [*pylwckl* | N ~] — پیروزگر

~īh: — پیروزگری

pēs [*pys* | N ~] — پیس؛ پیس‌دار، خط خط

pēsīdan, pēs- [*pys-ytn*^{1}] — زینت کردن، رنگ کردن

~išn: — زینت

pestān [*pyst'n*^{1} | N ~] — پستان

pēš [*LOYN*^{1} < A *l-ʿyn-*, *pyš* | = M, N ~] — پیش

^{1}**pēšag** [*pyšk*^{1} | N *pēša*] — پیشه، بازرگانی؛ رسته، صنف

***pēšag** [*pyšk*^{1}] — اندام، عضو، بخش

pēšānīg [*pyš'nyk*^{1} | N *pēšānī*] — پیشانی

pēšār [*pyš'l* | M *pyš'r*] — پیشوا، رهبر

~būdan: — گناهکار بودن، مرتکب گناه شدن

pēšārwār [*pyš'lw'l*, → **pēšyār**] — ادرار (= عمل ادرار کردن)

pēšēmāl [*pyšym'l*, → **hamēmāl**] — مدعی

~īh: — پیگرد

pēšēnīg [*pyšynyk*^{1} | (M *pyšyn(g)*, N *pēšīna*)] — پیشین؛ پیشترین، آزاده

pēš-gāh [*gyšg's* | N ~] — پیشگاه؛ تالار حضار

pēš-kār [*pyšk'l* | N ~] — پیشکار

pēšōbāy [*pyš(')wp'd* | M *pyšwb'y*, N *pēšwā*] — پیشوا، رهبر

~īh: — پیشوایی

pēš-pārag [*pyšp'lk*^{1} | N ~*a*] — پیش‌پاره، پیش غذا

pēšyār [*pyšk'l* | N ~] — پیشاب، ادرار

petīt [*pytyt*^{1} = Av. *paitita-*] — توبه

~īg [*-yk*^{1}] — توبه‌کار

~īgīh: — توبه‌کاری، تنبّه

petyārag [*p(y)tyd'lk*^{1} = Av. *paityāra-* | M *pty'r*, N *patyāra*] — بدی، بدبختی؛ دشمن؛ در نجوم: پتیاره

~īh: — (حمله) اهریمن

^{1}**pid** [*AB*^{1} < A *'b-y*; *p(y)t*^{1} | M *pyd*] — پدر

^{2}**pid** [*p(y)t*^{1} | (M pyt) P *pyd*] — گوشت

pidar [*ABYtl*, → ^{1}**pid**; *pytl* | M *pydr*, N ~] — پدر

pih [*pyhw*^{1}] — خوراک، قوت

www.ketabz.com

pīh [TLBA = A trbʾ; pyh | N ~] پیه، چربی
pīl [pyl | M pyl, N ~] فیل؛ فیل (بازی شترنج)
~bān [-pʾn[1] | N ~] فیلبان
pillagān [plkʾn[1] | M pylg, N ~] پلکان، نردبان
pīm [pym] درد، اندوه، محنت
~gēn [-kyn[1]] اندوهگین
pīr [pyl | N ~] پیر، مسن، قدیمی
~īh: پیری
piring [plng | M pryng, (N pirind)] پرند
pist [pst[1] | N ~] پست، آرد سرخ شده
pistag [pstk[1] | N pista] پسته
pišīz [pšyc | N ~] پشیز (سکه کوچک مسی)
pōhišn [pwhšn[1]] زوال، فساد
pōlāwad [pwlʾpṭ[1] | M pwlʾwd, N pōlād] فولاد
~ēn [-yn[1]] فولادین
pondik [pndk[1] / Ar. b/funduq] فندق
pōr [pwl | N ~] دراج
pōryōtkēš [pwlyw(k)tkyš = Av. paoiryō.ṯkaēša-] پوریوتکیش، (یکی) از نخستین آموزگاران دین زردشتی
~īh: بنا بر سنن نخستین آموزگاران دین رفتار کردن
pōst[1] [pwst[1] | = M, N ~] پوست، چرم؛ پوست درخت، قشر
~ēn [-yn[1] | N ~īn] پوستین
pōšīdan, pōš- [pwš-ytn[1] | N ~] پوشیدن، در بر کردن، بر تن کردن
~išn: پوشش
potk [pwtk[1] | N ~] پتک
poxtan, paz- [APPWN-tn[1] < A √ʾph; pwhtn[1], pc- | M pwxtn, N ~] پختن، طبخ کردن
pōy- [pwd- | (P pwd-), N ~] پوییدن، دویدن
~isnīg: پوینده، دونده
pōz(ag) [pwc(k[1]) | N pōz(a)] پوز / پوزه
pūdag [pwtk[1] | N pūda] پوده، فاسد، گنده

~īh: پودگی، فساد
[1]puhl [pwhl | N pul] پل
[2]puhl [pwhl] دیه، کفاره؛ کیفر
puhlēnīdan [pwhlynytn[1]] کفاره دادن
purnāy [pwlnʾd = Av. pərənāyu-] برنا، بالغ
purr [MALE < A mlh; pwl | M pwr, N~] پُر
~-gāh [-gʾs] مردنی، در حال نزع
~-māh [-mʾh] ماه پر، بدر
purr-marg [-mlg] پرمرگ. کشنده
~-rawišnīh [-lwbšnyh] پُری
~-sardag [-sltk[1]] پرسرده، دارای انواع گوناگون
~-xwarrah [-GDE] پُرفره
pursīdan, purs- [pwrs-ytn[1] | M pwrs-ydn, N ~] پرسیدن
~išn: پرسش
~išnīg: مسؤول، مطلع
pus [BRE < A br-h; pws | = M, N ~] پسر
~ar [BREL, pwsl | M pwsr, N ~] پسر
~yān [pwsdʾn[1] | M pwsyʾn] رحم
pušt [pwšt[1] | = M, N ~] پشت، عقب؛ پشتی، حمایت
puštag [pwštk[1]] پشته، باری که بر پشت حمل می‌شود
puštībān [pwštykpʾn[1] | N ~] پشتیبان، حامی
~īh: پشتیبانی، حمایت

R

rabih [lpyh | M rbyh] ظهر، (گرمای) نیمروز
rad [lt[1] | N ~] رد، پیشوای مذهبی، سرور
~īh: مقام ردی، سروری
rād [lʾt[1] | P rʾd, N ~] راد، بخشنده
~īh: رادی، بخشندگی

www.ketabz.com

radag [*ltk'* | M *rdg*, N *rada*] رده، ردیف، رسته

radōmand [*ltʾwmnd*] دارای رد

rad-passāg [*ltpsʾk'*] مراسم جشنهای گاهنبار

radunay [*ltwny* = Av. *ratunaya-*] کسی که زیر نظر و راهنمایی رد است

raftan, raw- [*SGYTWN-tn'* < A √ *sgʾ*; *lwb-* | M *rptn, rw-*, N ~] رفتن، پیش رفتن، حرکت کردن

~išn, → rawišn.

raftār [*lptʾl* | N ~] رونده

rag [*lk'* | M *rg*, N ~] رگ

~īh: خوی، منش

raγ [*lgy̆* | P *rg*] تند، زود

rāγ [*lʾg* | N ~] راغ، دشت

rah [*ls, lh̲, lhy̆* | M *rh(y)*] گردونه، کالسکه

rah-, → rastan.

rāh [*lʾs* | M *rʾh*, N ~] راه، جاده

rahag [*lhk'* | P *rhg* = **rag**.]

rāh-dār [*lʾsdʾl* | N ~] راهدار، راهزن

~īh: راهزنی

rahīg [*lsyk', lhyk'* | M *rhyg*, N *rahī*] رهی، بچه، مرد جوان

~īh: بچگی

rāh-nimāy [*lʾsnmʾd* | (M *rʾhnmwdʾr*), N *~numā*] راهنما

rām [*lʾm* | M *rʾm*, N ~] رام (= آرامش)؛ گاه‌نما: بیست و یکمین روز ماه

ram(ag) [*lm(k')* | P *rm*, N *ram(a)*] رمه، گله

rāmēnīdan, rāmēn- [*lʾmyn-ytn'* | M *rʾmyn-*] آرامش بخشیدن، خوشی دادن

rāmišn [*lʾmšn'* | M *rʾmyšn*, N *rāmiš*] راحتی، آرامش، خوشی

~īg [*-yk'* | N *~išī*] راحت، آسوده

rān [*lʾn'* | N ~] ران

P rān- [*lʾn-*] جنگیدن

randīdan, rand- [*lnd-ytn'* | N ~] رنده کردن، خراشیدن، ساییدن

rang [*lng* | M *rng*, N ~] رنگ، لون

ranǰ [*lnc* | P *rnj*, (M *rnz*), N ~] رنج، زحمت

~ag [*-k'* | N *~a*] رنجه

ranǰēnīdan, ranǰēn- [*lncyn-ytn'*] رنجانیدن

ranǰwar [*lncwl* | (M *rnzwr*), N *ranǰūr*] رنجور، غمزده

rapihwin [*ʾlpys-, lpty-pyn', -wyn'* = Av. *rapiθβina-*] گاه بعدازظهر، (یکی از پنج بخش شبانروز)؛ جنوب

~tar [*-tl*] جنوبی

rasan [*lsn'* | N ~] رسن

rasēnīdan, rasēn- [*lsyn-ytn'*] رسانیدن

rasīdan, ras- [*YHMTWN-tn'* < A *yhmṭwn*, √ *mṭʾ*; *ls-ytn'* | M *rs-ydn* N ~] رسیدن، کامل شدن

rāspīg [*lʾspyk'*] راسپی (دومین موبد انجام دهنده مراسم دینی)

rāst [*lʾst'* | M *rʾst*, N ~] راست، مستقیم، صریح

~īh: راستی

rastag [*lstk'* | N *rasta*] رده، رسته، سلسله؛ عنصر

rastan, rah- [*lstn', l(ʾ)h-* | N ~] رستن

rastārīh [*lstʾlyh*] فرار، رهایی

rasūg [*lswk'* | (N *rāsū*)] راسو

Rašn [*lšn'* | M *ršn*, N ~] رشن (= ایزد عدالت)؛ گاه‌نما: هیجدهمین روز ماه

raštan, *raz- [*lštn'*] رنگ کردن

raw-, → raftan.

rawāg [*lwbʾk'* | N *rawā*] جاری، رایج

~īh: جریان، رواج

rawāgēnīdan, rawāgēn- [*lwbʾkyn-ytn'*] رواج دادن، به حرکت درآوردن

rawēnīdan, rawēn- [*SGYTWNyn-ytn'*, → **raftan**] وادار به رفتن کردن، کشاندن

rawišn [*lwbšn', SGYTWNšn'*, → **raftan** | N *rawiš*] جنبش، حرکت

~īh: رفتار؛ (به عنوان پسوند، اسم معنی می‌سازد)

rāy [*lʾd* | M *rʾy*, N *rā*] برای، به سبب (پسواژه)

rāyēnāg [*lʾdynʾk'* | M *rʾynʾg*] مدیر

rāyēnīdan, rāyēn- [*lʾdyn-ytn'* | M *rʾyn-ydn*] ترتیب دادن، رهبری کردن، هدایت کردن، متشکل کردن

~išn: عمل، وظیفه؛ ترتیب

www.ketabz.com

rāyēnīdārīh [*l'dynyt'lyh* | M *r'ynyd'ryh*] رهبری، سازمان‌دهی، مدیریت

rāyišn [*l'dšn*[1]] نظم، ترتیب

rāyōmand [*l'd'wmnd*] توانگر، دارا

raz [*lc, lz* | M rz, N ~] رز؛ تاکستان

rāz [*l'c* | M *r'z*, N ~] راز، سر

~īg [*-yk*[1]] سری

rāz-kirrōg [*l'c kylwk*[1] | M *r'z qrwg*] رازیگر، معمار، مهندس

razm [*lcm* | M *rzm*, N ~] رزم

~-gāh [*-g's* | P *-g'h*, (M *rzm'h*), N ~] رزمگاه

razūr [*lcwl* | M *rzwr*] بیشه

rēbās [lyp's | N ~] ریباس

rēdak [*lytk*[1] | N ~] ریدک، غلام بچه

rēg [*lyk*[1] | N ~] ریگ

rēm [*lym* | M *rym*, N ~] ریم، کثافت، آلودگی

rēman [*lymn*[1] | M *rymn*, N ~] ریمن، کثیف، آلوده

~īh: ریمنی، کثافت

[1]**rēš** [*lyš* | N ~] ریش، زخم

[2]**rēš** [*lyš* | N ~] ریش (صورت)

rēšag [*lyšk*[1] | N *rēša*] ریشه، بافت

rēšīdan, rēš- [*lyš-ytn*[1] | N ~] زخم کردن، مجروح کردن

rēškēn [*lyškn*[1]] دردناک، مجروح

~īh: درد، رنجوری

rēxtan, rēz- [*lyhtn*[1], *lyc-* | P *ryxt*, M *ryz-*, N ~] ریختن، جاری شدن

~išn: ریزش

rīdan, riy- [*lytn*[1], *ld-* | N ~] ریدن، دفع کردن

rist[1] [*lyst* | M *ryst*] مرده

[1]**ristag** [*lystk*[1]] جسد

[2]**ristag** [*lystk*[1], N rasta] راه، روش؛ فرقه

rist-āxēz [*lyst'hyc* | M *ryst'hyz*, N ~] رستاخیز

rištag [*l(y)štk*[1] | N *~a*] رشته، رسن، طناب

riy-, → **rīdan**.

riyahrīh [*ld'hlyh*] تمسخر، ریشخند

rōb [*lwp*] سرقت

rōb- [*lwp-* | N *ruftan*, ~] رُفتن، مالیدن

rōbāh [*TALE* < A *t'l'*; *lwp'h* | N ~] روباه

[1]**rōd** [*lwt*[1] | M *rwd*, N ~] رود

[2]**rōd** [*lwt*[1] | N ~] رود (آلت موسیقی)

rōd-bār [*lwtb'l* | N ~] رودبار، ساحل

rōdīg [*lwtyk*[1] | (N *rōda*)] روده، شکمبه؛ روده‌ای (مربوط به روده)، امعاء (جمع)

rōγn [*M(H)ŠYA* < A *mšḥ'*; *lwkn*[1] | P *rwgn*, (M *rwyyn*), N *rauγan*] روغن، کره

~-xwardīg [*-hwltyk*[1]] شیرینی

rōn [*lwn*[1] | M *rwn*] سوی، جهت

ō...~: به سوی

rōspīg [*lwspyk*[1] | N *~ī*] روسپی

~īh: روسپیگری

rōstāg [*lw(t)st'k*[1] | (P *rwdyst'g*), N *rōstā*] بستر رود؛ روستا، ناحیه

rōšn [*lwšn*[1] | M *rwšn*, N *rōšan*] روشنی؛ درخشان، روشن

~īh: روشنی

rōšn|ag [*lwšnk*[1]] آشکار، واضح

~gar [*-kl* | (P *-'gr*, M *-ygr*), N *-gar*] روشنگر

rōx [lhw[1] | N ~] رخ، قلعه (در بازی شترنج)

[1]**rōy** [*lwd* | M *rwy*, N ~] روی، صورت

[2]**rōy** [*lwd* | M *rwy*, N ~] روی، مس

rōy-, ~išn, → **rustan**.

rōyan [*lwdyn*[1] | N ~] روین، روناس

rōyēn [*lwdyn*[1] | M *r'wyn*, N *rōyīn*] رویین، برنجی

rōz [*YWM* < A *ywm*; *lwc* | M *rwc|z*, N ~] روز

rōzag [*lwck*[1] | M *rwcg*, N *rōza*] روزه، روزه‌دار

rōzāg [*lwc'k*[1]] برق

rōzan [*lwcn*[1] | N ~] روزن

rōz(b)ānag [*lwc(p)'nk*[1]]

rōzēnīdan, rōzēn- [*lwcyn-ytn*[1] | M *rwcyn-*] روشن کردن، نورانی کردن

www.ketabz.com

rōzgār [*lwck'l* | N ~] روزگار
rōzīg [*lwcyk*^{1} N *rōzī*] روزی، خوراک روزانه
rōz-šabān [*YWM, lwc šp'n*^{1} | N *šabān(a)rōz*] شبانروز
rōzwārag [*lwcw'lk*^{1}] روزانه، هر روز
rōz-ward [*lwcwlt*^{1}] بی‌ثبات، ناپایدار
rubūdan, rubāy- [*lpwtn*^{1}, *lp'd-* | M *rbwdn, rb'y-*, N ~] ربودن، قاپیدن
rūdan, rūn- [*lwtn*^{1}, *lwn-* | (N *rūda*)] رودن، کندن
rūrag [*lwlk*^{1}] گیاه، گیاه دارویی
rustan, rōy- [*lwstn*^{1}, *lwd-* | M *rwst, rwy-*, N ~] رُستن
~išn: رویش، رشد
ruwān [*lwb'n*^{1} | M *rw'n*, N ~] روان
~īg [*-yk*^{1} | N *~ī*] روانی
ruzd [*lwzd* | M *rwzd*, N *razd*] حریص،
~īh: حرص

S

sabuk [*spwk*^{1} | N ~] آسان، سبک
sabz [*spz, sbz* | N ~] سبز، تازه
sad [100 | M *sd*, N ~] صد
Sadwēs [*stwys* | M *sdwys*] سدویس (ستاره)
[1]**sag** [*KLBA* < A *klb'* | N ~] سگ
[2]**sag** [*sk*^{1}] سنگ
sāg [*s'k* | P *s'g*] عدد
sagēn [*skyn*^{1} | M *sygyn*] سنگی
sagr [*sgl* | N *sēr*] سیر، پُر
~īh: سیری
sahīg [*shyk*^{1} | M *shyg*, N *sahī*] ارزشمند
~īh: ارزشمندی
sahistan, sah- [*MDMEN-stn*^{1} = A *mdmh*, √ *dmh* | (M *shyd*), P *s'y-*] به نظر رسیدن؛ درست‌به نظر رسیدن

~išn: رضایت
sahm [*shm* | = M, N ~] سهم، ترس، هراس
~gēn [*-k(y)n*^{1} | N *~gīn*] سهمگین، ترسناک
~genīh: سهمگینی، ترس
sahōg [*shwk*^{1}] خرگوش صحرایی
sāk [*s'k*^{1} | (N *sāw*)] ساو، باج، خراج
sāl [*ŠNT* < A *šnt* | (M *s'r*), N ~] سال
-sālag [*ŠNTk*^{1}, *s'lk*^{1} | N *-sāla*] ـ ساله (پسوند)
~īh: ـ سالگی (پسوند)
sālār [*srd'l* | M *s'l'r, s'r'r*, N ~] سالار، رهبر
~īh: سالاری، اقتدار
sālwār [*s'lw'l*] سالوار، بادوام، ماندنی
sāmān [*s'm'n* | = M, N ~] سامان، مرز
~ōmand [*-'wmnd* | M *-wmnd*] سامانمند، محدود
samōr [*smwl* | N ~] سمور
sān [*s'n*^{1} | N ~] سان (= نوع)، روش
sang [*KYPA* < A *kyp'*; (*CCA* : به خطا); *sng* | (P *'sng*), N ~] سنگ، صخره
~sār [*-s'l*] سنگسار، جای سنگی
sanǰ-, → **saxtan.**
sanwar [*snwl* = Av. *θanwar-*] کمان
sar [*LOYŠE* < A *r'šh*; *sl* | M *sr*, N ~] سر؛ نوک، قله؛ آخر، آغاز
sarāsar [*sl'sl* | N ~] سراسر
sard [*slt*^{1} | M *srd*, N ~] سرد
~īh: سردی
sardag [*sltk*^{1} = Av. *sarəδa-* | (M *s'rg*), J *srdg*] سرده، نوع، قسم
sardsēr [*sltsyl* | N ~] سردسیر، مرتفع (زمین)
sārēnīdan, sārēn- [*s'lyn-ytn*^{1}] تحریک کردن
sargēn [*slgyn*^{1} | N *sargīn*] سرگین، کود
sarmāg [*slm'k*^{1} | N *sarmā*] سرما
sarw [*slw(b)*^{1} | M *srw*, N ~] سرو

www.ketabz.com

sārwār [s'lw'l] — کلاه خود
sās [*s's* | N ~] — ساس
sāstār [*s'st'l* | P *s'st'r*] — فرمانده؛ ستمگر
~īh: — ستمگری
Sawah [*sw'h* = Av. *sawahī-*] — سوه (اقلیم غربی از هفت اقلیم)
saxt [*s(')ht*^{1} | N ~] — سخت، بسختی، شدید، قوی؛ زیاد
~īh: — زور، سختی
saxtag [*shtk*^{1} | (N *saxtiyān*)] — سختیان، پوست بز دباغی شده
saxtan, sanǰ- [*s'htn*^{1}, *snc-* | N ~] — سختن، سنجیدن
sāxtan, sāz- [*s'htn*^{1}, *s'c-* | (P *s'c-*), N ~] — آماده کردن، ساختن؛ تحمل کردن
sāxtārīh [*s'ht'lyh*] — تحمل، گذشت
saxwan [*MRYA* < A *mly'*; *shwn*^{1} | M *sxwn*, N *suxan*] — سخن، کلام
sāy-, → sūdan.
sāyag [*s'dk*^{1} | M *s'yg*, N *sāya*] — سایه، تیرگی
sayistan, say – [ŠKBHWN– tn < A √škb | P sy–] — خوابیدن
^{1}**saz-** [*sc-* | M *sz-*, N ~] — مناسب بودن، در خور بودن، سزیدن
~išn(īh): — تناسب، شایستگی
^{2}**saz-, ~išn, → sazistan.**
sāz-, → sāxtan.
sazāg [*sc'k* | N *sazā*] — در خور، سزا
~īh: — سزاواری، تناسب
~wār [*-w'l* | N *sazāwār*] = **sazāg**
sazistan, ^{2}**saz-** [*sc-stn*^{1}] — سپری شدن
~išn: — بی‌ثباتی، گذرایی
~išnīg: — زودگذر، گذرا، فانی
sē [*3; TLTA* < A *tlt'* | M *sh*, N *si*] — سه
sēb [*syp̄* | N ~] — سیب
sēǰ [*syc̄* | Av. *^{t}θyeǰah-* | N ~] — سیج (= سختی) خطر
~ōmand [*-'wmnd* | N *~mand*] — خطرناک
sel [*sl* | N ~] — سل (= زوبین)، نیزه
sēm [*sym* | N ~] = **asēm.**

^{1}**sēn(ag)** [*syn(k)*^{1} | N *sīna*] — پستان، سینه
^{2}**sēn murw** [*synmwlw* | (N *sīmurγ*)] — سیمرغ
se-pāy [*3-p'd* | N *sipā*] — سه پا
sēr, → **sagr.**
se-šabag [*3-špk*^{1}] — سه شبه
seyom [*3wm* | N ~] — ـ سیم (پسوند، در اعداد ترکیبی)
sĕzd [*s(y)zd* | P *syzd*, (N *sĕz [agī?)*] — قدرت، ستمگری؛ ستمگر
sēzdah [*sycdh* | M *syzdh*, N ~] — سیزده
sĕzdēn [*s(y)zdyn*^{1} | P *syzdyn*] — قدرتمند، ستمگر
sī [*sy*] — غاز
sidīg(ar) [*styk*^{1}, *-kl* | M *sdyg*, N *sidīgar*] — سدیگر، سوم
sīh [*30* | M *syh*, N *sī*] — سی
~om [*-wm*] — سی‌ام
sik [*HLYA* < A *hl'*; *sk* | N ~] — سک، سرکه
sīsīmbar [*sysymbl*, *-nbl* | N *sīsambar*] — سیسنبر (گیاهی از تیرهٔ نعناعیان)
***Skandar** [*swkndl* | N *sikandar*] = **Aleksandar.**
snāh [*sn'h*] — خشونت، زد و خورد، ضربه
sneh [*snyh* N ~] — اسلحه، گرز
snēxr [*snyhl*] — برف
snēzag [*snyck*^{1}] — برف
snōy [*snwd*] — ابر (ـ بارانی، ـ برفی)
sōfistā [*swkpst'k*^{1}] — سوفسطا
^{1}**sōg** [*swk*^{1}] — سود، فایده، امتیاز
^{2}**sōg** [*swk*^{1} N ~] — سوز، سوزش
^{3}**sōg** [*swk*^{1} | N *sō(y)*] — سوی، جهت
sōgand [*swknd* | M *swgnd*, N *saugand*] — سوگند
~xwardan: — سوگند خوردن
sōhistan, sōh- [*swh-stn*^{1}] — احساس کردن، لمس کردن
~išn: — احساس، حس
~išnīg: — حساس، مؤثر
sōr [*swl*] — شور

www.ketabz.com

~ag [-k^1] شوره‌زار
sōsan [$swsn^1$ | N ~] سوسن
Sōšāns [swkš'ns = Av. *saošyās*] سوشیانس، نجات‌بخش (بویژه آخرین نجات‌بخش که پدیدآورندهٔ فرشگرد است)
sōxtan, sōz- [$swhtn^1$, swc- | M swxt, swc-, N ~] سوختن
~išn: سوز، سوزش
~išnīg: سوزان، شعله‌ور
sōzāg [$swc'k^1$ | M swc'gyn, N *sōzā*] سوزا، سوزان
sōzan [$swcn^1$ | N ~] سوزن
spāh [sp'h | N *sipāh*] سپاه
~bed [-pt^1 | N -*bud*] سپهبد، فرمانده
spandān [$spnd'n^1$ | N *sip~*] سپندان، دانه خردل
Spandarmad [$spndrmt^1$] N *isfandārmuδ* سپندارمذ (= اندیشه مقدس)؛ چهارمین امشاسپند و ایزد نگهبان زمین؛ گاه‌نما: دوازدهمین ماه سال و پنجمین روز ماه
spar [spl | M 'spr, N *sipar*] سپر
spar-, → spurdan.
spās [sp's | M 's-, 'sp's, N *sipās*] سپاس، تشکر، خدمت
spās dāštan, ~ hangārdan: سپاس داشتن، تشکر کردن
spās-dār [sp'sd'l | N *sip~*] سپاسگزار، شکرگزار
~īh: سپاس، سپاسداری
spās|-ešnās [sp'sšn's] سپاسگزار، شکرگزار
~ōmand [-'wmnd] شکرگزار، سپاسگزار
spāš [sp'š = Av. *θβāša-*] جوّ، فضا
spaxr [sp'hl | M 'spxr, N **siparx*] شادی، شادمانی
spazg [spzg | M 'spgj), N *sipazg-*] بدگو
~īh: بدگویی
spēd [$spyt^1$ | M 'spyd, N *sapēd*] سپید
~ag [-k^1 | N -*a*] سپیده (تخم‌مرغ و...)
~bāg [-$p'k^1$ | N -*bā*] سپیدبا، آش ماست
~-dār [-d'l | N -*dār*] سپیدار
spenāg [$sp(y)n'k^1$ = Av. *spənta-*, cf. **gannāg**] مقدس

~mēnōg: سپندمینو (= مینوی خوب)
spīg [$spyk^1$ | M 'spyg, (N *saprīγ*)] ۱ـ درخشندگی ۲ـ جوانه، شاخه
spihr [spy(y)hl | (M 'spyr), N *sipihr*] سپهر، آسمان، فلک، بخت
~īg [-yk^1] آسمانی
spinǰānagīh [spnc'nkyh] میهمان‌نوازی
spiš [spyš | (N *šipiš*)] شپش
Spitāmān [spyt'm'n] سپیتمان (منسوب به خاندان سپیتمه)
spīz [spyc- | M 'spyxtn, 'spyz-] ۱ـ درخشیدن ۲ـ جوانه زدن
~išn: ۱ـ درخشندگی ۲ـ جوانه‌زدگی
spōxtan, spōz- [$spwhtn^1$, spwc- | M 'spwxt, N *sip~*] سپوختن؛ تجاوز کردن، نافرمانی کردن؛ تأخیر کردن، رد کردن
~išn: رد؛ نافرمانی
spōz [spwc | N *sipōz*] سپوز، تأخیر؛ نافرمانی
~gār [-k'l | N ~] سپوز، نافرمان، تأخیرکننده
sprahm(ag) [$splhm(k^1)$ | M 'sprhm(g), N *siparham*] سپرغم، گیاه خوشبو
spul [spwl] سپرز
spurdan, spar- [$spwltn^1$, spl- | N *sip~*] سپردن، طی کردن، پایمال کردن
spurrīg [$spwlyk^1$ | (M 'spwr), N *siparī*] سپری، کامل، تمام
~īh: کمال، تمامی
spurz [*splz | P *'spwrz, N *sipurz*] سپرز
srat [slt^1 | cf. Ar. *sirāt*] نردبان
sraw [$slwb^1$] افسون، کلام
srawēnīdan, srawēn- [$slwbyn-ytn^1$] گزارش کردن، انتشار دادن
sraxtag [$slhtk^1$ = Av. *sraxti-*] بخش، جهت
srāy [sl'd | N *sarāy*] سرای، خانه
¹srāy, ~išn, → srūdan.
srāyīdan, ²srāy- [$sl'd-ytn^1$ = Av. *θrāya-*] حمایت کردن
~išn: حمایت
srešk [$sl(y)šk^1$ | (P srsk), N *sirišk*] سرشک، اشک
sristan, *srēš- [$slštn^1$ | P sryš-, N *sir~*] سرشتن، آمیختن
sriśwadag [$slyšwtk^1$ = Av. *θriśwa-*] یک سوم

www.ketabz.com

srōd [*slwt*^{1} | M *srwd*, N *surōd*] سرود
Srōš [*slwš* | M *srwš*, N *surōš*] سروش (ایزد فرمانبرداری)؛ گاه‌نما: هفدهمین روز ماه
~īg [*-yk*^{1}] فرمانبردار
srū [*slwb*^{1} | N *surū(n)*] سرو، شاخ، ناخن، چنگال
srub [*sl(w)p* | N *usrub*] سرب
~ēn [*-yn*^{1}] سربی
srūdan, srāy- [*slwtn*^{1}, *slʾd-* | M *srʾy-*, N *sur~*] سرودن، نواختن، آواز خواندن
~išn(īh): سرایش، سرودخوانی
srūwar [*slwbwl*] شاخدار
srūwēn [*slwbyn*^{1}] شاخی
stabr [*stpl* | M *ʿstbr*, N *sitabr*] ستبر، خشن، قوی
~īh: ستبری؛ نیرو، قدرت
stabrag [*stplk*^{1} | Ar. *istabraq*] استبرق
stadan, stān- [*YNSBWN-tn*^{1} < A *ynsbwn*, √ *nsb* | M *ʿstd*, *ʿstʾn-*, N *sit~*] ستاندن
staft [*stpt*^{1} | M *ʿstpt*] استوار، محکم؛ سخت دل، ستمگر؛ زیاد
stahm [*sthm* | N *sitam*] ستم، زور
~ag [*-k*^{1}] ستمگر، قوی
~(ag)īh: ستم
stambag [*sthmbk*^{1} (*-h-* < **stahm**) | M *ʿstmbg*, N *sitamba*] ستمگر؛ سرسخت
~īh: ستم؛ سرسختی
stān-, → **stadan.**
star [*stl*] = **stārag.**
stārag [*stʾlk*^{1} | M *ʿstʾrg*, N *sitāra*] ستاره
stard [*st*^{1}*lt*^{1}] گیج، مبهوت، متحیر
~īh: گیجی، بهت
star-ōšmār, ōšmur [*stlʾwšmʾl*, *-ʾwšmwl*] ستاره‌شمار، منجم
starwan [*stlwn*^{1} | N *sit~*] سترون، عقیم
stāyīdan [*stʾdytn*^{1} | M *ʿstʾyd*, N *sit~*] = **stūdan.**
stēγ [*styk*^{1} | N *sitēγ*] ستیغ
stēndag [*styndk*^{1}] ایستاده، پا بر جا

stēr [*styl* | N *sitēr*] ستیر، سیر (واحد وزن)
stēzag [*styck*^{1} | M *ʿstyz-*, N *sitēza*] ستیزه، نزاع
stī [*sty(ȳ)* = Av. *sti-*] هستی، وجود
stō [*stwb*^{1} | (P *ʿstwb*, N *sutōh*)] ستوه، پریشان
~wīh: پریشانی
stōr [*stwl* | P *ʿstwr*, N *sutōr*] اسب، ستور؛ چهارپای بزرگ
~bān [*-pʾn*^{1} | N *-bān*] ستوربان
~gāh [*-gʾs*] ستورگاه
***stōš** [*stwš*] سدوش (چهارمین روز پس از مرگ)
stōwēnīdan, stōwēn- [*stwbyn-ytn*^{1}] شکست دادن، غلبه کردن
stōwīh, → **stō**
stūdan, stāy- [*stwtn*^{1}, *stʾd-* | M *ʿstwd*, *ʿstʾy~*, N *sit~*] ستودن
~išn: ستایش
~išnīg: ستودنی، قابل ستایش
stūn(ag) [*stwn(k)*^{1} | M *ʿstwn*, N *sutūn*] ستون، رکن، دیرک
stūr [*stwl*] امین، سرپرست، قیم
~īh: قیمومت
sturg [*stwlg* | N *suturg*] سترگ، سخت؛ خشن، زمخت
sūd [*swt*^{1} | M *swd*, N ~] سود، فایده، امتیاز
sudāb [*stʾp̄* | N ~] سداب (نام گیاهی دارویی است)
sūd-abgār [*swtʾp̄kʾl*] پرسود
sūdag [*swtk*^{1}] غافل، اهمال‌کار
~īh: غفلت، اهمال‌کاری
sūdan, sāy- [swtn^1, sʾd- | N ~] سودن، کوبیدن
sūd(ō)mand [*swt(ʾw)mnd* | N *sūdmand*] سودمند
suft [*swpt*^{1} | N ~] سفت، دوش، کتف
suftan, sumb- [*swptn*^{1}, *swmb-* | N ~] سفتن، سوراخ کردن
sumb [*swmb*^{1} | N ~] سم
^{1}**sūr** [*swl* | M *swr*, N ~] میهمانی، سور
^{2}**sūr** [*swl*] قوی
sūrāg [*swl(ʾ)k*^{1}] سوراخ، نقب

www.ketabz.com

~īg [-yk[1]] — (حیوانات) سوراخ زی

~ōmand [-ʾwmnd] — سوراخدار

sūrāx [swlʾh | N ~] — سوراخ

sust [swst[1] | = M, N ~] — سست، تنبل

~īh: — سستی، تنبلی

[1]**suš** [swš | (N šuš)] — شش، ریه

***suš** [swš] — درجه‌ای (از کمان)

suxr [swhl | N surx] — سرخ

suy [swd | M swy-] — گرسنگی

***swahistan, swah-** [swh-stn[1] | P swh-] — افسوس خوردن

syā [sydʾ | (P syʾw, N siyāh)] — سیاه

~hag [-hk[1] | N -a] — سیاهه، مردمک چشم

Š

šab [LYLYA < A lyl(y)ʾ; šp | M šb, N ~] — شب

~ag [špk[1] | N ~a] — ۱ ـ شبه (= سیاه براق)، سنگ معدنی ۲ ـ ... ـ شبه (در ترکیب با اعداد می‌آید و به معنی تعداد شبهاست: یک شبه، دو شبه،...)

~estān [špstʾn[1] | N ~] — شبستان، اندرونی

šabīg [špyk[1] | N šabī] — شبی، جامهٔ زیر (مخصوص مراسم مذهبی زردشتی)

šabīxōn [špyhwn[1] | N ~xūn] — شبیخون

šabyār [špyʾl | N ~] — شربت انگور

šād [šʾt[1] | M šʾd, N ~] — شاد، خرم

~īh: — شادی، خرمی

šādurwān [šʾtʾwlwʾn[1] | N ~] — شادروان، شاه‌نشین؛ استخر، حوض، فواره

šafšēr [špšyl | M šfšyr] = **šamšēr.**

šagr [šgl | M šgr, N šēr] — شیر؛ در نجوم: برج اسد

P šah- [šh- | = P] — توانستن، قادر بودن

šāh [MLKA < A mlkʾ; šh | M šʾh, N ~] — شاه

~ān šān [MLKAn MLKA | N ~] — شاهنشاه

~-balūt [šhblwt[1] | N ~] — شاه بلوط

~-dānag [-dʾnk[1] | ~dāna] — شاهدانه

~-esprahm [-splhm | N ~isparam] — شاه اسپرم

šāhīgān [šhykʾn[1] | M šʾhygʾn] — کاخ

šahr [štr[1] | M šhr, N ~] — سرزمین، کشور؛ شهر

~estān [MDYNA < A mdynʾ; štr[1]stʾn[1] | M šhrstʾn, N ~] — شهرستان؛ پایتخت، شهر (بزرگ)

Šahrewar [štrywr | N ~] — شهریور (= شهریاری مطلوب): سومین امشاسپند و نگهبان فلزات؛ گاه‌نما: ششمین ماه سال و چهارمین روز ماه

šahryār [štr[1]dʾl | M šhryʾr, N ~] — شهریار، پادشاه، حاکم

~īh: — شهریاری، سلطنت، حکومت

šāhwār [šhwʾl | P šʾhwʾr, N ~] — شاهانه، شاهوار

šakar [škl | M šqr, N ~] — شکر

šalwār [štwʾl N ~] — شلوار

šām [šʾm | = P, N ~] — شام (زمان و غذای شام)

šambalīdag [šmblytk[1] | N šambalīd, -līla] — شنبلیله

šamšēr [šmšyl | N ~] — شمشیر

šan [šn[1] | N ~] — شن، کنف

šānag [šʾnk[1] | N ~a] — ۱ ـ شانه ۲ ـ دو شاخه ۳ ـ استخوان شانه

šanēn [šnyn[1]] — کنفی، شاهدانه‌ای

šarm [šlm | M šrm, N ~] — شرم

~-gāh [-gʾs | N ~] — شرمگاه

~gēn [-k(y)n[1] | N ~gīn] — شرمگین

šasab [ššp | (P šhrb)] — ساتراپ، حاکم نواحی در ایران باستان

~īgān [-ykʾn[1]] — ساتراپ‌نشین

šast [60 | M šst, N ~] — شصت

šaš [ŠTA < A št | M šš, N ~] — شش

šaw-, → **šudan.**

***šawāg** [šwbʾk[1]] — شبکور، خفاش

šāyendag [šʾdyndk[1]] — ارزشمند، قابل

~īh: — ارزشمندی، قابلیت

www.ketabz.com

šāyistan, šāy- [*šʾd-stnʾ* | M *šʾy-*, N ~] شایستن، قادر بودن
šāyēd [*šʾ(d)ytʾ* | N *šāyad*] شاید، ممکن است
šāzdah [*šʾcdh* | M *šʾzdh*, N *šānzdah*] شانزده
šēb [*šyp* | N ~] شیب
šēb- [*šyp-* | M *šyb*, N ~] تند رفتن؛ پریشان شدن
 ~āg [*-ʾkʾ* | N *~ā*] چالاک، چست؛ شیبا (= افعی)
 ~išn: پریشانی
šēd [*šytʾ* | N ~] شید (= درخشان)؛ (اسب) کرند
***šēdā** [*šytʾy*] برکت، سعادت
šēr, → šagr.
šēwan [*šywnʾ* | N ~] شیون
šiftālūg [*šptʾlwkʾ* | (P *šyft* 'شیر'), N *šaftālū*] شفتالو
šiftēnag [*šptynkʾ* | (P *šyftyn* 'شیرین')] شیرینی
šimšār [*šmšʾl* | N ~] شمشاد (درخت)
šīr [*HLBA* < *ḥlbʾ*; *šyl* | M *šyyr*, N ~] شیر (خوردنی)
šīrēn [*šylynʾ* | M *šyryn*, N *~īn*] شیرین
 ~īh: شیرینی، ملاحت
šīšag [*šyškʾ* | N *šīša*] شیشه، بطری
škaft [*škptʾ*][1] = **škeft**;[2]. شکاف
škāftan, škāf- [*škʾp-tnʾ* | M *ʿškʾpt*, N *šikāftan*] شکافتن، پاره کردن
škarag [*šklkʾ* | P *ʿškr-*] شکره، مرغ شکاری
škarwīdan, škarw- [*šklw-ytnʾ* | M *ʿškrw-st*, N *šikarfīdan*] مردد بودن، لغزیدن، تلوتلو خوردن
škastan, šken(n)- [*TBLWN-tnʾ* < A √ *tbr*; *škstnʾ*, *škyn-* | M *ʿškn-*, N *šikastan*, *šikan-*] شکستن
 ~išn: شکننده
škēbāg [*škypʾkʾ* | P *ʿškyb-*, N *šikēbā*] شکیبا
 ~īh: شکیبایی
škeft [*škyptʾ* | P *ʿškyft*, N *šigift*] شگفت، فوق‌العاده؛ سخت؛ زیاد
 ~īh: شگفتی؛ سختی؛ مصیبت، مشقت
šken(n)-, ~išn, → škastan.

ških- [*škyh-* | N *šikih-*] شکسته شدن
škōf-, → škuftan.
škōfag [*škwpkʾ* | N *šukōfa*] شکوفه، گل
škoft [*škwptʾ*] = **škeft.**
[1]škōh [*škwh* | M *ʿškwh*] فقیر
 ~īh: فقر
[2]škōh [*škwh* | N *šukōh*] شکوه، وقار؛ ترس
škuftan, škōf- [*škwp-tnʾ* | N *šukuftan*] شکفتن، گل کردن
šnās-, → šnāxtan.
šnāsag [*šnʾskʾ* | P *ʿšnʾsg*] شناسا، فهمیده، آگاه؛ حس
 ~īh: شناسایی، آگاهی
šnāxtan, šnās- [*šnʾhtnʾ*, *šnʾs-* | M *ʿšnʾxtn*, *ʿšnʾs-*, N *šin~*] شناختن، تشخیص دادن
šnāyēnīdan, šnāyēn- [*šnʾdyn-ytnʾ*] خشنود کردن، احترام کردن
 ~išn: خشنودی
šnāyīdan, šnāy- [*šnʾd-ytnʾ*] احترام کردن، ستودن
 ~išn: ستایش، سپاس
šnāz [*šnʾc* | (N *šinā(w)*)] شنا
šnāzīdan, šnāz- [*šnʾc-ytnʾ* | M *ʿšnʾz*, (N *šināw-*)] شنا کردن
šnōhr [*šnwhl* | M *ʿšnwhr*] خرسندی، سپاس
šnōmag [*šnwmkʾ* | M *ʿšnwm-*] خرسندی، رضایت
šnōšag [*šnwškʾ* | N *šunōša*] شنوسه (= عطسه)
šnūg [*šnwkʾ* | M *ʿšnwg*] زانو
šnūman [*šnwmnʾ* = Av. *xšnūmaine*] خشنودی
šōn [*šwnʾ*] روش، نوع
 ~īg [*-ykʾ*] مرسوم، معمول
šōy-, → šustan.
šōy [*šwd* | N ~] شوی، شوهر
 ~mand [*-mnd*] شوهردار
šubān [*špʾnʾ* | P *šwbʾn*, N ~] شبان
šudan, šaw- [*OZLWN-tnʾ* < A √ *ʾzl*; *šwb-* | M *šwdn*, *šw-*, N ~] رفتن

www.ketabz.com

šuhr [*šwsl* = Av. *xšuδra-*] مایع، سیال؛ نطفه

šustan, šōy- [*HLLWN-tn*^{1} < A √ *ḥll* | M *šwst*, *šwy-*, N ~] شستن

šuy [*šwd*] گرسنگی

T

^{1}**tā** [*OD* < A ‘*d* | (M *d*ʾ, P tʾ), N ~] تا، در حالی که، در ظرف

^{2}**tā** [tʾk^{1} | N ~] همتا، جفت

tab [*tp* | N ~] تب

tab-, ~išn, → taftan.

tāb-, ~išn, → tāftan.

tābag [*tʾp̄k*^{1} | N *tāba*] تابه

tabāh [*tpʾh* | N ~] تباه، تلف شده، خراب

~īh: تباهی، خرابی

tabāhīhistan, tabāhīh- [*tpʾhyh-stn*^{1} | J *tbʾhh-*] تباه شدن

tabangōg [*tpngwk*^{1} | N *tabangō*] تبنگو، صندوق

tabarzad [*tplzt*^{1} | N ~] تبرزد، نبات

tābestān [*tʾp̄stʾn*^{1} | N ~] تابستان

tābīdan [*tʾp̄ytn*^{1} | N ~] = **tāftan.**

tadan, tan- [*ttn*^{1}, *tn-* | N *tan-*] تنیدن

tadar(w) [*ttl* | (N *taδarw*)] تذرو

taftan, tab- [*tp-tn*^{1}] تفتن؛ درخشیدن

~išn: گرما، تب

tāftan, tāb- [*tʾp̄-tn*^{1} | P *tʾb-*, N ~] تافتن، سوزاندن؛ درخشیدن

~išn: تابش

taftīg [*tptyk*^{1} | (P *tft*)] آتشی، سوزان، تفته

tag [*tk*^{1} | N ~] تک، حمله

~kardan abar, ō: حمله بردن

tāg [*tʾk*^{1}, M tʾg | N *tā*] تا؛ شاخه، فقره؛ تنها، تک

tagarg [*tklg* | M *tgrg*, N ~] تگرگ

tagīg [*tkyk*^{1}] چابک، قوی

~īh: سرعت، قدرت، زور

tah [*th* | N ~] ته

tahm [thm | = M, N ~] تهم، قوی

tāk [tʾk^{1} | N ~ شراب] شاخه

takōk [*tkwk*^{1} | N ~] تکوک (ظرفی که از طلا یا نقره یا مس بر صورت پرنده یا حیوانی بسازند و در آن شراب خورند)، ظرف آشامیدنی

talag [*tlk*^{1} | N *tala*] تله، دام

~čīn [*cyn*^{1}] صیاد

tambūr [*tm-*, *tnbwl* | N ~] تنبور، عود

~ag [*-k*^{1}] تنبور (؟)

tan [*tn*^{1} | = M, N ~] تن، شخص

tan-, → tadan.

***tanāpuhl** [*tnʾp̄whl* = Av. *tanu.pərəθa-* | (N *tanāfūr*] تنافور (نام درجه‌ای از گناه)

tan-bahr [*tn*^{1}*bʾhl*] وضعیت جسمی

tand [*tnd* | = P] ضعیف، سست

~īh: ضعف، سستی

tan-drust [*tn*^{1}*drw(y)st*^{1} | = N ~] تندرست، سالم

~īh: تندرستی

tang [*tng* | = M, N ~] تنگ، باریک

~īh: تنگی؛ پریشانی

tanīg [*tn*^{1}*yk*^{1} | N *tanī*] تنی، جسمی

tanīgard(īg) [*tnykrt(yk)*^{1} | M *tnygyrd*] جسمانی، مادی

tanīhā [*tn*^{1}*yh*ʾ | M *tnyh*ʾ, N *tanhā*] تنها

tanōmand [*tn*^{1}ʾ*wmnd* | N ~] جسمانی

~īh: حالت مادی داشتن

tan-tōhmag [*tn*^{1}*twhmk*^{1}] شیرهٔ گیاهان

tanuk [*tnwk*^{1} | N ~] تُنُک، تُنُک آب

tanūr [*tnwl* | M *tnwr*, N ~] تنور

tar [*LCDr*^{1} < A *l-ṣd*; *tl* | M *tr*] آن سو، از میان، وراء

www.ketabz.com

~kardan, ~menīdan: خوار شمردن، دشنام دادن

-tar [*-tl* | (M *-dr*), N ~] ـ تر (پسوند سازندهٔ صفت تفضیلی)

tār [*t'l* | M *t'r*] تار، تاریکی

tarāzēnīdan, tarāzēn- [*tl'cyn-ytn*^{1}] ترازکردن، وزن کردن

tarāzūg [*tl'cwk*^{1} | (P *tl'zwg*), N *tarāzū*] ترازو، کفه؛ در نجوم: میزان

targ [*tlg* | N ~] ترک، کلاه‌خود

targumān [*tlgm'n*^{1} | M *trgwm'n*] ترجمان

tārīg/k [*t'lyk*^{1} | M *t'ryg*, N *tārīk!*] تاریک

~īh: تاریکی

tarist [tlst^1] = **tar.**

tar-mānīh [*tlm'nyh*] آلوده‌دامنی

tar-menišn [*tlmynšn*^{1} | N *tarmaništ*] آلوده‌دامن؛ ترمنش، خودسر، متکبر

~īh: آلوده‌دامنی؛ ترمنشی، خودسری، تکبر

tarr [*tl*, (*LCDr*: به خطا, → **tar**) | N ~] تر، مرطوب

~ag [*tlk*^{1} | N *~a*] تره (= سبزی)

tars [*tls* | M *trs*, N ~] ترس، احترام

tarsāg [*tls'k*^{1} | M *trs'g*, N *tarsā*] ترسا

tarsăgāh [*tls(')k's*] مؤدب، متواضع

~īh: احترام، تواضع

tarsīdan, tars- [*tls-ytn*^{1} | (M *tyrs'dn*), N ~] ترسیدن، بیم داشتن

tarwēnīdan, tarwēn- [*tlwyn-ytn*^{1} | M *trw-*] غلبه کردن، مغلوب کردن

tās [*t's* | N ~] تاس (بازی)

tasum [*tswm* | = M] چهارم

tāšīdan, tāš- [*t'š-ytn*^{1}] بریدن، تراشیدن؛ آفریدن

taškanag [*tšknk*^{1}] لباس زیر

tašt [*tšt*^{1} | N ~] تشت

tāšt [*t'št*^{1}] * اطمینان

~īg [*-yk*^{1}] مطمئن

tāwān [*t'(d)w'n*^{1} | N ~] تاوان، تعهد

taxl [*t'hl* | (M *thr*), P *txl*, N *talx*] تلخ

~īh: تلخی

taxt [*t'ht*^{1} | N ~] تخت، سریر

~ag [*-k*^{1} | N *~a*] تخته، لوح، صفحه (شترنج)

taxtan, taz- [*t'htn*^{1}, *tc-* | M *txtn*, *tz-*] جاری شدن، دویدن

~išnīh: جریان

tāxtan, tāz [*t'htn*^{1}, *t'c-* | M *t'c-*, N ~] تازاندن، روان ساختن؛ تعقیب کردن؛ ریختن

taxt-gāh [*t'htg'h* | N ~] تخت‌گاه، نیمکت

taz-, ~išnīh, → taxtan.

tāz, → tāxtan.

tazāg [*tc'k*^{1}] جاری، تازان

tāzānag [*t'c'nk*^{1} | N *tāz(y)āna*] تازیانه

tazēnīdan, tazēn- [*tcyn-ytn*^{1}] = **tāxtan.**

tazīdan, taz- [*tc-ytn*^{1}] = **taxtan.**

[1]**tāzīg** [*t'cyk*^{1} | N *tāzī*] تند، سریع

[2]**Tāzīg** [*t'cyk*^{1} | N *tāzī*] تازی، عرب

tēmār [*tym'l* | M *tym'r*, N ~] تیمار، غم، اندوه

[1]**tērag** [*tylk*^{1} | N *tēra*] تیره، تاریک

[2]**tērag** [*tylk*^{1}] قله، نوک (کوه)

tēx [*tyh* | N *tēγ*] تیز، تیغ؛ پرتو

[1]**tēz** [*tyc* | M *tyz*, N ~] تیز، تند

~īh: تیزی، سرعت

[2]**tēz** [*tyc* | (P *tyj*), N ~] تیز

~īh: تیزی

***tīdag** [*tytk*^{1} | (N *dīda*)] دیده، مردمک چشم

tigr [*HTYA* < A *ḥty'*; *tgl* | M *tygr*, N tīr] تیر

***tīhōg** [*tyhwk*^{1} | N *tīhū*] تیهو

tīr, → **tigr.**

Tīr [*tyl* | M *tyr*, N ~] تیر (نام ایزدی که با تیشتر اشتباه گرفته می‌شود)؛ در نجوم: عطارد؛ گاه‌نما: نام چهارمین ماه سال و سیزدهمین روز ماه

tis [*MNDOM* < A *mnd'm*; *ts* | M, J *tys*] چیز، کار

~iz [*-c* | M *-yc*] هیچ چیز، نه... اصلاً (با ادات نفی)

tišn [*tyšn*^{1}] تشنگی

www.ketabz.com

tišnag [*tyšnk*^{1} | M *tyšng*, N ~*a*] تشنه
~īh: تشنگی
Tištar [*tyštl* | N ~] تیشتر؛ در نجوم: شعرای یمانی
tō [*LK* < A *l-k* | M *tw*, N *tu*] تو، ترا
***tōf** [*twp* | N *tō*] تو (= لا)
tōhm(ag) [*twhm*(*k*^{1}) | M *twhm*, -g, N *tuxm*, −*a*] تخم؛ دوده، خاندان
tom [*t*(*w*)*m* | M *tm*, N *tam*] تم، تاریکی
-tom [-*twm* | (M -*dwm*)] پسوند سازندهٔ صفت عالی
tōm [*twm* | (M *twhm*, N *tuxm*)] تخم، دوده
tōrag [*twlk*^{1} | N *tōra*] توره، شغال
tōšag [*twšk*^{1} | N *tōša*] توشه
tōxtan, tōz- [*twhtn*^{1}, *twc-* | M *twz-*, N ~] توختن (= جبران کردن)، اداکردن
~išn: کفاره، دیه
tōz [*twc* | N ~] توز، پوست درخت، پوست
tru(f)š [*tlw*(*p*)*š* | (P *tryfš*), N *turš*] ترش
truftag [*tlwptk*^{1}] دزدیده؛ روزهای افزوده به آخر سال (= کبیسه)
tuhīg [*twhyk*^{1} | M *twhyg*, N *tuhī*] تهی، بیهوده
~īh: تهیگی، خلاء
tumbag [*twmbk*^{1} | N ~*a*] تنبک
tund [*twnd* | N ~] تند، خشن
~īh: تندی، خشونت
Tūr [*twl* | N ~] تور (یکی از دشمنان ایران)، تورانی
~ān [-*'n*^{1} | N ~] (سرزمین) توران
Turk [*twlk*^{1} | N ~] ترک
tušt [*twšt*^{1}] خاموش، ساکت
tuwān [*twb'n*^{1} | M *tw'n*, N ~] توان، نیرو
~(+ مصدر): می‌توان، ممکن است
~āg [-*'k*^{1} | N ~*a*] توانا، قابل
~gar [-*kl* | N ~] توانگر
~garīh: توانگری، ثروت
~īg [-*yk*^{1}] قابل

~īgīh: قابلیت، توانایی
~sāmān [-*s'm'n*^{1}] حد توانایی
tuxšāg [*twhš'k*^{1} | M *twxš'g*, N *tuxšā*] تخشا، کوشا
~īh: تخشایی، سعی
tuxšīdan, tuxš- [*twhš-ytn*^{1} | (M *twxš'yst*), N ~] تخشیدن، سعی کردن، کوشیدن
~išn: سعی، کوشش

U

u- [*AP-* < A *'p* | M *'w-*] = **ud** (زمانی که با ضمیر متصل می‌آید، مثلاً: u-š)
ud [*W* < A *w* | M *'wd*, N *u*] و
udrag [*'wdlk*^{1} = Av. *udra-*] گربه آبی
ul [*LALA* < A *l-'l'* | M *'wl*] (سوی) بالا
~āmadan: برخاستن
~īh: رو به بالا
ul-āmadān [*LALA YATWNt'n*^{1}, *'wl'mt'n*^{1}] در نجوم: طالع
***ul-drafš**, → **xurdruš**.
ummēd [*'wmyt*^{1} | N ~] امید
~wār [-*w'l* | N ~] امیدوار
Urdwahišt [*'wrwhšt*^{1}] = **Ardwahišt**.
Urišlīm [*'wlyšlym* | N ~] اورشلیم
urmōd [*'wlmwt*^{1} | (N *amrōd*)] امرود، گلابی
***uruspar** [*'wlwspl* = Av. *uruθβar-*] روده؛ رحم، هسته، عصاره
urwāhm(an) [*'wlw'hm*(*n*^{1}) | M *'wrw'hm-*] شاد
~īh: شادی، خوشی، لذت
urwar [*'wlwl* | M *'wrwr*] گیاه، سبزی
***urwāzistan, urwāz-** [*'wlw'c-* = Av. *urwāza-*] خوشحالی کردن، شادی کردن
~išn: خوشحالی، خشنودی
uskārdan, uskār- [*'wsk'l-tn*^{1} | J ~, (N *sigāl-*)] سگالیدن، فکر کردن، اندیشیدن، بحث کردن

www.ketabz.com

~išn(īh): سگالش، فکر، اندیشه

uspurrīg [ʾwspwlyk'] = **spurrīg**

us(t)ōfrīt [ʾws(t)wplyt' = Av. *usəfriti-*] استوفرید (= نذر، قربانی)

ušahin [ʾwšhyn' = Av. *ušahina-*] گاه‌شب (یکی از پنج بخش شبانروز)

ušnūg [ʾwšnwk'] = **šnūg**.

uštān [ʾwšt'n' = Av. *uštāna-*] جان، روان

~īh: نیروی زندگی

~ōmand [-ʾwmnd] زنده، جاندار

uštar [*GMRA* < A *gml'*; *ʾwštl* | N *uštur*] شتر

~-gāw-palang [ʾwštlg'pplng | N ~] شتر گاو پلنگ، زرافه

uzdehīg [ʾwc-, ʾwzdhyk' | M ʾwzdh] تبعید شده؛ بیگانه

~īh: تبعید

uzdēs [ʾwc-, ʾwzdys | ʾwzdys] بت

~-parist [-plst' | M -pryst] بت‌پرست

~paristišnīh: بت‌پرستی

~zār [-c'l | M -c'r] بتکده

uzēnag [ʾwcynk' | N *hazīna*] هزینه، قیمت؛ خروج

uzērin [ʾwz(ʾ)ylyn' = Av. *uzayeirina-*] گاه عصر (یکی از پنج بخش شبانروز)

uzīdan [ʾwcytn' | M ʾwzyd, ʾwzyh-] خارج شدن

uzmūdan, uzmāy- [ʾwzmwtn', ʾwzm'd-] آزمودن، امتحان کردن، سنجیدن

~išn: آزمایش

uzumburd [ʾwzmbwlt' | N *zumurrud*] زمرّد

uzwān [*ŠNA* < A *lšn'*; *ʾwzw'n'* | M ʿzw'n, (N *zabān*)] زبان، بیان

uzwārdan, uzwār- [ʾwzw'l-tn' | M ʿzw'rdn] فهمیدن، دانستن

~išn: فهم؛ هزوارش

W

wābar [w'pl | M w'br, (N *bāwar*)] باور، ایمان؛ راستی

wābarīgān [w'plyk'n' | M w'bryg'n] راست، قابل اعتماد

~īh: اطمینان، اعتماد

wabz [wpc, wpz] زنبور

wačast [wcst' = Av. *wačas-tašti-*] یک بیت از گاهان

waččag [wck', (bck') | N *bačča*] بچه، طفل، کودک

wad [*SLYA* < A *sry'*; *wt'* | M *wd*, N *bad*] بد، پلید

~īh: بدی، پلیدی

wād [w't' | M w'd, N *bād*] باد، دم، روان؛ گاه‌نما: نام دومین روز ماه

wadag [wtk'] بد، شریر، مکار

~īh: بدی، شرارت

wādām [w't'm | N *bādām*] بادام

wādbān [w'tp'n' | N *bādbān*] بادبان

wad-baxt [wtb'ht' | N *badbaxt*] بدبخت

wad-dil [wtdyl | M *wddyl*, *baddil*] بددل، ترسو؛ از روی ترس

wadgarīh [wtglyh] بدکاری، عمل بد

wād-girdag [w'tgltk' | (N *gird-bād*)] گردباد

wad-gōhr [wtgwhl | N *bad-gauhar*] بدگوهر، بدنژاد

wad-kāmag [wtk'mk'] بدخواه

~īh: بدخواهی

wādrang [w'tlng | N *bādrang*] بادرنگ، خیار

~-bōy [-bwd | N *-bōya*] باد رنجبویه

wad-tōhm [wttwhm] = **wad-gōhr**.

~-wāzag [-w'ck' | (N *gawāža*)] گواژه، دشنام

~-xēm [-hym] بدخیم

waf- [wp- | P *wf-*, (N *bāf-*)] بافتن

~išn: بافت

wafr [wpl | M *wpr*, N *barf*] برف

~ēnag [-ynk'] برفینه (نوعی شیرینی است)

waydān [wyt'n' = Av. *waydana-*] سر (هرمزدی)

wahāg [wh'k' | M *wh'g*, N *bahā*] بها؛ تجارت، بازرگانی

~burdan: قیمت کردن، تخمین زدن

wahār [wh'l, (bh'l) | M *wh'r*, N *bahār*] بهار

www.ketabz.com

~īg [-ykʾ | N -ī] بهار، بهاری

wahīg [ZZLA < A *zmrʾ (?); whykʾ | M whyg, N *bahī] بزغاله؛درنجوم:برج جدی

wahišt [whštʾ | M whyšt, N bihišt] بهشت

~īg [-ykʾ | N -ī] بهشتی

Wahman [whwmnʾ | M whmn, N bahman] بهمن (= اندیشه نیک)، اولین امشاسپند و نگهبان چهارپایان؛ گاه‌نما: نام یازدهمین ماه سال و دومین روز ماه

wăhmān [*w-nʾ = wʾhmʾnʾ | M ʾwʾhmʾn, J whmʾn, N bahmān] بهمان

Wahrām [wlhlʾnʾ, wʾhlʾm | M whrʾm, N bahram] بهرام (= ایزد جنگ)، پیروزی؛ در نجوم: مریخ؛ گاه‌نما: نام بیستمین روز ماه

ātaxš ī ~: آتش بهرام (مهمترین آتش زردشتیان)

wak [wkʾ | N bak] بک، قورباغه

wālan [wʾlnʾ | (N barzan)] برزن، محله، انجمن

walg [wlg] = **Warg.**

wālīdan, wāl- [wʾl-ytnʾ | N bālīdan] بالیدن، افزودن، پیشرفت کردن

~išn: بالش، رشد

wāmīdan, wām- [wʾm-ytnʾ] قی کردن

wan [wnʾ | N bun] درخت؛ تنه، ساقه

~ ī gurgānīg: درخت پسته

~ ī was-tōhmag: درخت بسیار تخمه

wān, ~išn, → wānīdan.

wanafšag [wnpškʾ | N bunafša] بنفشه

Wanand [wnnd] ونند (ستاره)

wandag [wndkʾ] بند، طناب

wāng [KALA < A qlʾ; wʾng | = M, N bāng] بانگ، صدا

wānīdan, wān- [wʾn-ytnʾ | M wʾn-yst] غلبه کردن، مغلوب کردن، نابودن کردن

~išn: نابودی، غلبه

wanīgar [wnykl] مسرف

~īh: اسراف، اتلاف

wany [H(W)BDN < A hwbdnʾ, √ʾbd | M wny] تلف شده، از بین رفته

wany(b)ūdīh [HWBDNʾbwtyh, -YHWWNtyh | M wny(b)wdyh] تباهی، خرابی

^{1}war [wl | M wr, N bar] بر، سینه

^{2}war [wl] دریاچه

^{3}war [wl] ور (= آزمایش ایزدی)، سوگند

^{4}war [wl] حصار، پناه

wār-, → wārīdan.

warāγ [wlʾg | J brʾγ] کلاغ

waran [wlnʾ] آرزو، شهوت

warān [wlʾnʾ] بره

wārān [wʾlʾnʾ | M wʾrʾn, N bārān] باران

waranīg [wlnykʾ] حریص

~īh: حرص، آز

wārānīg [wʾlʾnykʾ | bārānī] باران، بارانی

warāz [wlʾc | N gurāz] گراز

war-čašm [wlcšm] چشم بر سینه

ward-, → ^{1}waštan.

^{1}wardag [wltkʾ | M wrdg, N barda] برده، زندانی

~īh: بردگی

^{2}wardag [wltkʾ] حالت فحلی حیوان مؤنث

~īh: گرما

***wardānāg** [wltʾnʾkʾ | N gardanā] گردنا، سیخ کباب

wardēnīdan, wardēn- [wltyn-ytnʾ | (N gardānīdan)] گردانیدن، تغییر دادن، عوض کردن

wardišn [wltšnʾ | M wrdyšn, N gardiš] گردش، تغییر، دگرگونی

~īg [-ykʾ] گذرا، ناپایدار

~(īg)īh: ناپایداری، بی‌ثباتی

wardyūn [wltywnʾ | P wrdywn, N gardūn] گردونه، کالسکه، درشکه

warg [wlg | N barg] برگ

wārīdan, wār- [wʾl-ytnʾ | M wʾr-yst, N bārīdan] باریدن

warišn [wlšnʾ] رفتار، کردار

^{1}warm [wlm | N barm] یاد، خاطر

~ kardan: از بر کردن، به خاطر سپردن

^{2}warm [wlm | N barm] آبگیر، استخر

www.ketabz.com

wārom [*wʾlwm*] خاطر

warōmand [*wlʾwmnd*] مشکوک

~īh: شک

warr [*LBWŠYA* < A *lbwšʾ*] پشم؛ جامه

warrag [*KNNA* < ?; *wlk*[1] | M *wrg*, N *barra*] بره، قوچ؛ در نجوم: برج حمل

wars [*wls*] موی

war-wēzag [*wl-wʾyck*[1]] **andāxtan:** قرعه کشیدن

[1]**warz** [*wlc* | M *wrz*, N *barz*] کار، کشاورزی

[2]**warz** [*wlc* | M *wrc|z*] قدرت اعجاز، معجزه

[3]**warz** [*wlz* | N *gurz*] گرز، چماق

warz-, ~išn, → warzīdan.

warzāg [*wlcʾk*[1] | (N *warzāw*)] ورزا، گاو نر

warzāwand [*wlcʾwnd* | M *wrcʾwynd*] ورجاوند (= داری قدرت اعجاز)، نیرومند

warz-būm [*wlcbwm*] زمین کشت شده

warzīdan, warz- [*wlc-ytn*[1] | N ~] ورزیدن، کار کردن، عمل کردن؛ کشتن؛ به وجود آوردن

~išn: کشت، کار

warzīgar [*wlcykl* | M *wrzygr*, N *barzīgar*] برزگر، کارگر

was [*KBD* < A *kbyr*; *ws* | = M, N *bas*] بس، بسیار، فراوان

P wasnād [*wsnʾd* | = P] برای، به خاطر

wāspuhr [*wʾspwhl*] مهم، اساسی

wāspuhragān [*wʾspwhlkʾn*[1]] ۱ ـ خاص، مخصوص ۲ ـ درباری

~īh: اختصاص

wassad [*wst*[1] | N *bussad*] بُسد، مرجان

~ēn [*-yn*[1] | N *-īn*] بُسدین، مرجانی

wastar [*wstl* = Av. *wastra-*] جامه، لباس

wastār [*wstʾl* | N *bistār*] خودسر، سرسخت؛ مغرور

~īh: خودسری؛ غرور

wāstar [*wʾstl*] چراگاه، علوفه

wastarag [*wstlg*] = **wastar.**

wāstaryōš [*wʾstlywš* = Av. *wāstryō.fšuyant-*] کشاورز

~īh: کشاورزی

was-tōhmag [*wstwhmk*[1]] بسیار تخمه

was-xwāstag [*KBDhwʾstk*[1]] توانگر، ثروتمند

wasyār [*wsy(k)ʾl* | N *bisyār*] بسیار، فراوان

P wāš [*wʾš* | = P] علوفه، کاه

***wašag** [*wšk*[1] | N *uša?*] نوعی آبجو

waštag [*wštk*[1]] بیمار، مریض

~īh: بیماری، مرض

[1]**waštan, ward-** [*wštn*[1], *wlt-* | M *wštn*, *wrd-*, N *gaštan*, *gard-*] گشتن، برگشتن، منحرف شدن؛ تغییر کردن

~išn, → wardišn.

[2]**waštan** [*wštn*[1]] = **wārīdan.**

waštīh [*wštyh*] = **waštagīh.**

wattar [*SLYtl*, → **wad** | M *wtr*, N *bat(t)ar*] بد، بدتر، ناپسند

~īh: بدی، تبهکاری

wattom [*wttwm*] بدترین

waxr [*wʾhl* | (P *wxr-*)] خمیده، کج

[1]**waxš** [*whš* (M *wʾxš*)] روح

[2]**waxš** [*whš*] سود، بهره

waxš, ~išn, → [1,2]**waxšīdan.**

waxšendag [*whšndk*[1] | P *wxšyndg*] سوزان، شعله‌ور

waxšgar [*whškl*] رباخوار

[1]**waxšīdan, waxš-** [*whš-ytn*[1] | P *wxš-*] افروختن، سوختن، شعله‌ور شدن

[2]**waxšīdan, waxš-** [*whš-ytn*[1]] افزودن، بالیدن

~išn: رشد

waxšīg [*whšyk*[1]] روحانی

waxšwar [*whšwl* | N *waxšūr*] وخشور، پیغامبر

~īh: پیغامبری

P wāxtan, wāž- [*wʾhtn*[1], *wʾc-* | P *wʾxtn*, *wʾc-*] حرف زدن، گفتن

[1]**way** [*wʾd* = Av. *way-*] پرنده

[2]**way** [*wʾd* = Av. *wayu-* | P *wyw*] هوا، جوّ

www.ketabz.com

~ ī wattar: وای بدتر (دیو)
~ ī weh: وای به (ایزد)
wāy [*wʾd* | M *wʾy*, N ~] اندوه
[1]**wāy-** [*wʾd-* | M *wʾy-*] پرواز کردن
~endag [*-(y)ndk*[1] | J *w/βʾyndʾ*] پرنده
wāyīdan, [2]**wāy-** [*wʾd-ytn*[1]] وزیدن (باد)
wayōdagān [*wydwtkʾn*[1] | M **wywdgʾn*, N *bayōgān(ī)*] بیوگانی، عروسی، جشن
waz-, ~išn(īg), → wazīdan.
wāz [wʾc | = M, (N bāj)] سخن، کلام؛ باژ (دعای قبل از غذا)
~griftan: باژ گرفتن (= دعا خواندن)
[1,2]**wāz-, ~išn, →** [1,2]**wāzīdan.**
P wāž-, → wāxtan.
wāzag [*wʾck*[1]] گفته، سخن
wazaγ [*wzγ* | N ~, *bazaγ*] وزغ
wāzār [*wʾcʾl* | M *wʾcʾr-*, N *bāzār*] بازار
wāzāragān [*wʾcʾlkʾn*[1] | M *wʾcʾrgʾn*, N *bāzărgān*] بازرگان
~īh: بازرگانی، تجارت
wazīdan, waz- [*wc-ytn*[1] P *wz-*, N ~] وزیدن (باد)، حرکت کردن
~išn: وزش
~išnīg: متحرک
[1]**wāzīdan, wāz-** [wʾc-ytn[1]] حرکت دادن، راندن؛ پرواز کردن
~išn: پرواز
[2]**wāzīdan, wāz-** [*wʾc-ytn*[1] | N *bāzīdan*] بازی کردن، تفریح کردن
-wāzīg [*-wʾcyk*[1] | N *-bāz*] ـ بازیگر
wazr [*wzl*] = [3]**warz.**
wēd [*wyt*[1] | N *bēd*] بید
weh [*ŠPYL* < A *špyr; wyh* | M *why, wyh*, N *bih*] به (= بهتر)، خوب
~īh: خوبی
~-dēn [*-dyn*[1] | N *bih-dīn*] بهدین، دین زردشتی
wēhm [**wyylm* | M *wylm*] وسیع، پهن، فراخ
~īh: پهنا، فراخی

wēm [*wym* | = P] صخره
wēmār [*wymʾl* | M *wymʾr*, N *bēmār*] بیمار، مریض
~īh: بیماری
wēn [*wyn*[1]] دم
wēn-, ~išn(īg), → dīdan.
wēnāb [*wynʾp̄* | N *bīnāb*] بیناب، دید
~dāg [*-dʾk*[1], *tʾk*[1]] پدیدار
wēnāg [*wynʾk*[1] | M *wynʾg*, N *bīnā*] بینا
~īh: بینایی، بینش
wēnīg [*wynyk*[1] | M *wynyg*, N *bīnī*] بینی
wēnōg [*wynwk*[1] | N *bunū*] بنو (= عدس)
wēš [*wyš* | =M, N *bēš*] بیش، بیشتر
wēšag [*wyšk*[1] | N *bēša*] بیشه، جنگل
~estān [*-stʾn*[1]] بیشه‌زار
~īg [*-yk*[1]] جنگلی
wēwag [*wdpk*[1] | N *bēwa*] بیوه
[1]**wēxtan, wēz-** [*NSHWN-tn*[1] <A √*nsḥ; wyhtn*[1], *wyc-* | P *wyxt-*, N *bēxtan, bēz-*]
بیختن، گزیدن، انتخاب کردن، تصفیه کردن، پاک کردن، جدا کردن، غربال کردن
~išn: گزینش
[2]**wēxtan, wēz-** [*wyhtn*[1], *wyc-*] افکندن، تاب دادن، چرخاندن، ریختن
wēzag [*wʾyck*[1]] قرعه
Wīdadafš [*wydtpš* = Av. *wīdaδafšū-*] ویددفش (اقلیم جنوب غربی از هفت اقلیم)
widang [*wtng* | P *wdng*] زحمت، سختی، مشقت
widār [*wtʾl* | N *gudār*] گدار، گذر
widarag [*wtlg* | M *wdr*, N *guδar*] گذر، راه
widardan, wider- [*wtltn*[1], *wt(y)l-* | M *wd(y)r-*, N *guδar-*] گذشتن، عبور کردن، مردن
~išn(īh): گذر، گذشت، مرگ
~išnīg: گذرا
widārdan, widār- [*wtʾl-tn*[1] | M *wydʾr-*, N *guδārdan*] گذاردن، حمل کردن؛ تاب آوردن، تحمل کردن

www.ketabz.com

widārīdan [*wt'lytn^1*] = **widārdan.**

widaštan [*wtštn^1* | N *guδaštan*] = **widardan.**

widāxtan, widāz- [*wt'htn^1, wt'c-* | (P *wd'c-*), N *gudāxtan, gudāz-*] گدازاندن، حل کردن

widāzīhistan, widāzīh- [*wt'cyh-stn^1*] گداختن، حل شدن

wider-, ~išn(īg, -īh), → widardan.

widerān [*wt(y)l'n^1* | N *guδarān*] گذران، مردنی

widest [*wt(y)st^1* | N *bidast*] بدست، وجب (= نه اینچ)

~īg [*-yk^1*] بدستی، وجبی، به اندازهٔ وجب؛ کوتاه قد

widimās [*wtym's* | (M *wyd'm's*)] شگفتی، اعجاز

~īg [*-yk^1*] شگفت‌انگیز

~īh: معجزه

widimušt [*wtymwšt* | M *wd(y)mwšt*] شگفت‌زده

~īh: شگفتی

***wīdwar** [*wytwl*] خرسند، متوکل

~īh: خرسندی، توکّل، تسلی

wiftag [*wyptk^1*] مفعول بودن

wigrād [*wgl't^1* | N *bīdār*] بیدار، زرنگ

wigrādan, wigrās- [*wgl'tn^1, wgl'-* | M *wygr'd, wygr's-*] بیدار شدن، برخاستن

~išn(īh): بیداری

wih-, → wistan.

wihān(ag) [*wh'n(k)^1, (b-)* | M *wh'ng*, N *bahāna*] بهانه (= سبب)، علت

wihēz- [*wyhyc-* | M *whyz-*] حرکت کردن، پیشروی کردن

wihēz(ag) [*wyhyc(k^1)*] پیشروی، حرکت

~agīg [*-yk^1*] متحرک؛ اندرگاهی (= کبیسه)

wihīr- [*whyl-* | (M *whwr-*)] تغییر کردن

~išn: تغییر

wimand [*wymnd* | = M] حد، سامان، مرز

~īg, ~ōmand [*-yk^1, -'wmnd*] سامانمند، محدود

***wimēhgĕn** [*wmyhkn^1* | M *wymyh-*] * خوش‌ترکیب

wimuštan [*wymwštn^1* | M *wymrz-* (< P)] خراب کردن، نابود کردن

win [*wn^1*] ون (نام سازی است)

wināh [*wn's* | M *wyn'h*, N *gunāh*] گناه، جرم

wināhgār [*wn'sk'l* | M *wn'hg'r*, (N *gunāhkār*)] گناهکار

~īh: گناهکاری

winābīdan, winābh- [*wn's-ytn^1* | M *wyn'h-*] تباه کردن، صدمه زدن، خراب کردن

~išn: تباهی، صدمه، خرابی

winastag [*wnstk^1*] خراب، فاسد

windādan, wind- [*HŠKHWN-tn^1* <A *hškḥ*, √ *škḥ*; *wnd'tn^1* | M *wynd'd, wynd-*] یافتن، به دست آوردن، کسب کردن

~išn: درآمد، کسب

~išnīg: یافتنی

winǰišk [*wncšk^1* | N *gunǰišk, binǰišk*] گنجشک

win(n)ārdan, win(n)ār- [*wyn.'l-tn^1* | M *wyn'r-dn*] آراستن، مرتب‌کردن، منظم‌کردن

~išn: آرایش، نظم

win(n)irdan [*wynltn^1* | M *wynyrdn*] ترتیب یافتن، منظم شدن؛ ماندن

^{1}**wīr** [*wyl* | M *wyyr*] پهلوان، مرد

^{2}**wīr** [*wyl* | M *wyr-*, N *bīr*] ذهن، یاد

^{3}**wīr** [*wyl* | N *bīr*] بیر، رعد

wirāstan, wirāy-, (P *wirāz-*) [*wyl'stn, wyl'd-, (wl'c-)* | M *wyr'st, wyr'y-*, (P *wyr'št, wyr'z-*)] ترتیب دادن، آماده کردن، پیراستن، آباد کردن

~išn(īh): آرایش، ترتیب

wirēg [*wlyk^1* | N *gurēγ*] گریز، فرار

wirēxtan, wirēz- [*OLYKWN-tn^1* <A √ *'rq*; *wlyhtn^1, wlyc-* | P *wryxt*, N *gurēxtan, gurēz-*] گریختن، فرار کردن

wīrōmandīh [*wyl'wmndyh* | M *wyrwmndyy*] یاد

wirōzag [**wlwck^1* | (P *wrwc*)] برق

wis [*wys* | = M] ده

wisāndan, wisān- [*ws'n-dn^1*] جداکردن

~išn(īh): جدایی

wisāy- [*ws'd-* | M *wys'y-*] آسودن

wisbed [*wyspt^1* | M *wysbyd*] رئیس ده، کدخدا

www.ketabz.com

wisē [*wsydy* | (P *wsyd*), N *gusē*] گسی، گسیل

~kardan: گسیل کردن، فرستادن

wisistan, wisin(n)- [*wsstn'*, *wsyn-* | N *gusistan*, *(gusil-)*] گسستن، پاره کردن

wisp [*wsp* | M *wysp*] هر، همه

wispurdan, *wispar- [*wspwltn'*] به پای سپردن، پایمال کردن

wīst [*20; wyst'* | = M, N *bīst*] بیست

wistan, *wih- [*ŠDYTWN-tn'* < A √ *šdh*; *wstn'*] افکندن، پرتاب کردن

wistar(ag) [*wstl(g)* | N *bistar*] بستر، پوشش

wistardan, wistar- [*wstl-tn* | N *gustardan*] گستردن

wistāx [*wst'hw'* | M *wyst'h*, N *gustāx*, *bistāx*] گستاخ، معتمد

~īh: گستاخی، اعتماد

wiš [*w(y)š* | M *wyš*, N *guš*] زهر، سم، زرداب

wišād [*ŠLYTWNt'*, *wš't'* | M *wš'd*, N *gušād*] گشاد؛ رها، باز

wišādan, *wišāy- [*ŠLYTWN-tn'* < A √ *šrh*; *wš'tn'* | M *wyš'dn*, *(wyš'h-)*, N *gušādan*, *gušāy-*] گشادن، باز کردن، آزاد کردن

wišād-dar [*ŠLYTWNt' BBA*] میهمان‌نواز، گشاده در

wišād-dwārišnīh [*wš't' dwb'lšnyh*] بدون کستی یا شبی راه رفتن

wišān- [*wš'n-* | = P] تکاندن، فروریختن

***wišāy-, → wišādan.**

wiškar [*wškl* | N *bišgar(d)*] بشگرد (= شکارگاه)، صحرا

wiškīdan, wiškin(n)- [*wškytn'*, *wškn-*] بخش کردن، جدا کردن

~išn: جدایی

wiškōfag [*wškwpk'* | N *biškōfa*] بشکوفه (= شکوفه)

wiškuftan, wiškōf- [*wškwp-tn'* | J *gwškwftn*, *gwškwβ-*] شکفتن؛ از تخم درآمدن

wišōb-, ~išn(īg), → wišuftan.

wišōmand [*wš'wmnd*] زهردار، سمی

wišūdag [*wšwtk'* | (M *ghwdg*)] سقط شده، موجود اهریمنی

wišūdan [*wšwtn'*] زادن (اهریمنی)

wišuftan, wišōb- [*wšwp-tn'* | M *wšwb-*, N **gušuftan*] آشفتن، بر هم زدن، ویران کردن

~išn: خرابی

~išnīg: خراب شدنی

***wixšay-** [*whšd-*] بخشاییدن، گذشت کردن

~išn(īh): گذشت، شکیبایی

~išnīg: باگذشت، شکیبا

[1]**wiyābān** [*w(y)d'p̄'n'* | P *wy'b'n*, N *bīābān*] بیابان

[2]**wiyābān** [*wyd'p̄'n'*] گمراه، سرگردان؛ فریب خورده

~īh: گمراهی، فریب

wiyābānēnīdan, wiyābānēn- [*wyd'p̄'nyn-ytn'*] گمراه کردن، فریفتن

wiyābān|garīh [*wyd'p̄'nklyh*] فریب

~īg [*-yk'*] سرگردان، گمراه، مغشوش

wiyāftan, *wiyāb- [*wd'p̄tn'* | M *wy'b-*] باز کردن (دهان)

wiyān [*wyd'n'* | M *wy'n*, N *giyān*] چادر

wiyōz- [*wydwc-*] باز کردن، شل کردن

***wiyufs-** [*wdwps-*] شادی کردن

~išn: شادی

~išnīg: شاد

wizandag [*wzndk'*] لرزه

wizandīdan, wizand- [*wznd-ytn'*] تکان خوردن، لرزیدن

~išn: لرزش

wizār [*wc'l* | M *wc'r*] جدایی؛ توضیح، شرح

wizārdan, wizār- [*wc'l-tn'* | M *wyc'rd*, *wyc'r-*, J *bz'rd-*, N *guzārdan*] جداکردن؛ شرح دادن، تفسیر کردن؛ گزاردن، اجرا کردن، رستگار شدن

~išn: تصمیم، گزیر؛ رستگاری

wizārd-wars [*wc'lt' wls*] با موی دو تا

Wizarš [*wyzlš*] وِزَرش (نام دیو)

wizāyīdan, wizāy- [*wyz'd-ytn'*, *wyz'd-* | M *wyz'y-*, N *guzāy-*] آسیب‌رساندن، زیان رساندن، صدمه زدن

~išn: صدمه، زیان

~išnīg: صدمه زننده، زیان‌آور

wizēn [*wcyn'* | N *guzīn*] گزین، انتخاب

wizend [*wz(y)nd* | M *wzynd*, N *guzand*] گزند، آسیب، صدمه

www.ketabz.com

wizēngar [*wcynkl*] گزینندە؛ انتخابی

wizīdan-, wizīn [*wcytn*[1], *wcyn-* | M *wcyd*, N *guzīdan*, *guzīn-*] انتخاب‌کردن، گزیدن،ترجیح دادن، تمیز دادن

wizīhīdan, wizīh- [*w(y)cyh-tn*[1]] جدا شدن

~īšn(īh): جدایی؛ پگاه

wizīn-, → **wizīdan.**

wizīr [*wcyl*] گزیر، تصمیم، داوری

wizīristan, wizīr- [*wcyl-stn*[1] | J *bzyr-*, N *guzīr-*] صرف‌نظر کردن، اجتناب کردن

~išnīg: اجتناب‌پذیر

wizistan [*wcstn*[1] | M *wcyst*] آموختن

wizōstan, wizōh/y- [*wcwstn*[1], *wcwd-* | (J *bzwb-*, N *pižōhīdan*)] پژوهیدن، رسیدگی کردن

~išn: پژوهش

wizūdan [*wyzwtn*[1]] = **wizāyīdan.**

wizurd [*wcwlt*[1]] راست، معتبر، واقعی

~īh: راستی، اعتبار

Wōrūbaršt [*w'wklwblšt*[1] = Av. *vouru.barəštī-*] وروبرشت (نام اقلیم شمال غربی از هفت اقلیم)

Wōrūǰarst [*w'wklwclšt*[1] = Av. *vouru.jarəštī-*] وروجرشت (نام اقلیم شمال شرقی از هفت اقلیم)

wurrōyistan, wurrōy- [*HYMNN-stn*[1] < A *hymn*, √ *'mn* | M *wrwyst*, *(wrw-)*, J **brwy-*, *grww-*, N *brw-*, *girawīdan*] گرویدن؛ گزیدن

~išn [*wlwdšn*[1]] گروش، ایمان

wuzurg [*LBA* < A *rb'*; *wc(w)lg* | M *wzrg*, N *buzurg*] بزرگ، عظیم

~īh: بزرگی، اندازه

wuzurg-framādār [*LBA plm't'l*] بزرگ فرمدار، نخست‌وزیر

X

[1]**xāk** [*APLA* < A *'pr'*; *h'k*[1] | N ~] خاک، زمین

xām [*h'm* | N ~] خام، نارس

xāmīz [*h'myc* | N ~] خامیز (= گوشت نمک سود)

xāmōš [*h'mwš* | N ~] خاموش

[1]**xān** [*h'n*[1] | P *x'n*, N ~] خانه

~ud mān: خان و مان، مسکن

[2]**xān** [*h'n*[1] | P *x'n*] خان، چشمه

xānag [*BYTA* < A *byt'*; *h'nk*[1] | N *xāna*] = [1]**xān.**

xandīdan, xand- [**GHBHWN-ytn*[1] < A √ *ghk*, یا √ **qhqh*; *hnd-ytn*[1] | (M *xnyst*), N ~] خندیدن

xānīg [*h'nyk*[1] | M *x'nyg*, N *xānī*] = [2]*xān.*

xar [*HMRA* < A *hmr'*; *hl* | N ~] خر، الاغ

xār [*h'l* | M *x'r*, N ~] خار

xar-buz [*hlbwc* | M *xrbwz*] خربز (= بز ماده)

xar-gōš [*hlgwš* | N ~] خرگوش

xārōmand [*h'l'wmnd*] خاردار

xār-pušt [*h'lpwšt*[1] | N ~] خارپشت، جوجه‌تیغی

xastan [*hstn*[1] | M *xst*, N ~] آسیب رساندن، خستن، مجروح کردن

xašēn [*hšyn*[1] | N *xašīn*] خشن، کبود

xāyag [*h'd(y)k*[1] | N *xāya*] خایه، تخم

~-dēs [*-dys*] تخم‌مرغی شکل، بیضوی

xayūg [*h(')dwk*[1] | N *xayū*] خیو، آب دهان

xaz [*hz* | N ~] خز

xēm [*hym*] خیم، طبیعت

xēšm [*'yšm*, *hšm* | M *xyšm*, N *xišm*] خشم؛ دیو خشم

~ēn [*-yn*[1] | M *-yn*] خشمگین

xīg [*ZKYA* < A *zq'* | N *xī(k)*] خیک

xīndag [*hyndk*[1] | M *xyndg*] بیمار، مریض

~īh: بیماری، مرض

xīr [*CBW'* < A *ṣbw*; *hyl* | M *xyr*] چیز، کار

xirs [*hls* | N ~] خرس

xišt [*hšt*[1] | (P *hyštyg*), N ~] خشت

www.ketabz.com

xōg [*hwk*^{1} | N *xwk*, *xōy*] خوی، خیم، طبیعت، منش

xōn [*DMYA* < A *dm*ʾ; *hwn*^{1} | M *xwn*, N *xūn*] خون

xormā [*T*^{g} < A *tmryn*; *hwlmʾk*^{1} | N ~] خرما

xrad [*hlt*^{1} | M *xrd*, N *xirad*] خرد، عقل

~īg, ~ōmand [*-yk*^{1}, *-ʾwmnd* | N *-mand*] خردمند

xrafstar [*hlpstl* = Av. *xrafstra-*] حیوان موذی، حشرهٔ زیانکار

xrīdan, xrīn- [*ZB̲NN-tn*^{1} < A √*zbn* | M *xryd, xryn-*, N *xarīdan, (xar-)*] خریدن

xrōhak [*hlwhk*^{1} | N ~] خروهک، مرجان

xrōs [*DYLKA* < A *dkr*ʾ; *hlws* | P *xrws*, N *xurōs*] خروس

xrōstan [*hlwstn*^{1} | M *xrwst*] خروشیدن، خواندن

xūb [*hwp* | M *xwb*, N ~] خوب

~īh: خوبی

xuftan, xufs- [*HLMWN-tn*^{1} < A √*ḥlm*; *hwptn*^{1}, *hwps-* | M *xwpt*, N *xuftan*, *xusp-*] خفتن

xumb [*hwmb*^{1} | M *xwmb*, N ~] خُم، کوزه

xunak [*hwnk*^{1} | M *xwnk*, N *xunuk*] خوشا! خنک!

xurdruš [*hwldlwš*, *-dlpš* = Av. *xrwidruš*] خونین نیزه (لقب دیو خشم که بعدها به غلط به «* برافراشته درفش» تفسیر شده است)

xwāb [*hwʾb* | N ~] خواب

xwābar [*hwʾp̄l* | M *xwʾbr*] نیکوکار، مهربان

~īg [*-yk*^{1}] نافع

~īh: احسان، نیکوکاری

xwad [*BNPŠE* < A *b-npš-h*; *hwt*^{1} | M *xwd*, N ~] خود؛ براستی

~īh: خودی، عصاره

xwadāy [*hwtʾy* | M *xwdʾy*, N xudāy] سرور، خدا

~īh: سروری، فرمانروایی

~wār [*-wʾl*] خدایوار، آقاوار

xwad-dōšag [*hwtdwšk*^{1}] خودخواه

~īh: خودخواهی

xwah [*AHTE* < A *ʾḥth* | N ~] خواهر

^{1,2}**xwāh-, ~išn, → xwastan, xwāstan.**

xwahar [*AHTEl*, → **xwah**; *hwʾhl* | (M *xwʾr*), N xwăhar] خواهر

xwahl [*hwʾhl* | (M *xwhr*), N ~] خوهل، خمیده، منحنی

xwā(h)rīh [*hwʾ(h)lyh* | M *xwʾryy*] شادی، خوشبختی، سعادت

xwālist [*hwʾlyst*^{1} | (M *xwʾryst*)] مطبوع‌ترین، شیرین‌ترین

xwamn [*hwmn*^{1}, *h̲mn*^{1} | M *xwmn*] خواب، رؤیا

~-wizār [*-wcʾl*] خوابگزار

xwān [*hwʾn*^{1} | M *xwʾn*, N ~] خوان، سفره، سینی

xwandan, xwān- [*KRYTWN-*, *KLYTWN-tn*^{1} < A √*qr*ʾ | M *xwnd, xwʾn-*, N *xwāndan*] احضار کردن، خواندن

Xwanirah [*hwnyls* = Av. *x*^{v}*aniraθa-*] خونیره (نام اقلیم مرکزی از هفت اقلیم)

^{1}**xwar** [*hwl* | M *xwr*, N ~] خور (= خورشید)؛ گاه‌نما: نام یازدهمین روز ماه

^{2}**xwar** [*hwl* = Av. *x*^{v}*ara-*] خور (نام درجه‌ای از گناه)

xwar-, ~išn, → xwardan.

^{1}**xwār** [*hwʾl* | M *xwʾr*; N ~] آسان، سبک؛ خوار، فرومایه

~īh: آسانی ← xwāhrīh

^{2}**xwār** [*hwʾl* | M *xwʾr*] خوراک

xwār-, ~išn, → xwārīdan.

xwaran [*hwln*^{1} | M *xwrn*] میهمانی، ضیافت

xwarāsān [*hwlʾsʾn*^{1} | M *xwrʾsʾn*, N ~] طلوع (خورشید)، مشرق

xwār-bār [*hwʾlbʾl* | M *xwʾr w bʾr*, N ~] خواربار

xwardan, xwar- [*OŠTEN-tn*^{1} < A *ʾšth*, √*šth*; *hwltn*^{1} | M *xwrdn, xwr-*, N ~] خوردن، مصرف‌کردن

~išn: خورش

~išīng: خوردنی

~išnīh: خوراک، خورش

xwardār [*hwltʾl*] خوردنی (شرعی)

xwardīg [*hwltyk*^{1} | M *xwrdyg*, N ~ī] خوردی، خوراک

xwārēn [*hwʾlyn*^{1}] خوردنی

xwārēn- [*hwʾlyn-*] خوراندن، نوشاندن؛ غذا دادن؛ آبیاری کردن

xwarg [*hwlg* | J *xwwrg*] خُل، گُل آتش

xwārīdan, xwār- [*hwʾl-ytn*^{1}] آشامیدن

www.ketabz.com

~išn: آشامیدنی، شربت
xwarōfrān [*hwl(ʾ)wplʾnʾ* | M *xwrwprʾn*] غروب (خورشید)، مغرب
xwarrah [*GDE* < A *gdh* | (M *prh*, N *farr*)] فره، شکوه، خوشبختی
~ōmand [*-ʾwmnd*] با شکوه، خوشبخت
xwaršēd, → **xwarxšēd**.
xwārtar [*hwʾltl*] (گناه) سبک
xwarwarān [*hwlwlʾn*[1], *-blʾn*[1]] = **xwarōfrān**.
xwar(x)šēd [*hwl(h)šyt*[1] | M *xwrxšyd*, N *xuršēd*] خورشید
xwāstag [*NKSYA* < A *nksyʾ; hwʾstk*[1] | M *xwʾstg*, N ~*a*] خواسته، ثروت
~ōmand [*-ʾwmnd*] ثروتمند
xwastan, [1]**xwāh-** [*(Y)PLHWN-tn*[1] < A √*plḥ; hwstn*[1], *hwʾd-* | J *xwh-*, N *xwast*] پایمال‌کردن، خستن؛ کوفتن، لگدمال‌کردن
~išn: لگدمال
xwāstan, [2]**xwāh-** [*BOYHWN-stn*[1] < A √*bʿy; hwʾstn*[1], *hwʾd-* | M *xwʾstn*, *xwʾh-*, N ~] خواستن،آرزوکردن،جستجوکردن؛جلب‌کردن،کسب‌کردن
~išn: خواهش، آرزو
xwastūg [*hwstwk*[1] | N *xustū*] خستو، معترف
~īh: خستویی، ایمان، باور
xwaš [*BSYM* < A *bsym; hwš* | M *xwš*, N ~] خوش، شیرین، زیبا
~īh: خوشی، لذت
xwēd [*hwyt*[1] | M *xwyd*, N ~] خوید، تر
~īh: خویدی، تری
xwēdōdah [*hwytw(k)ds*, *-dʾt*[1] = Av. *xᵛaētwadaθa-*] خویدوده (= ازدواج با نزدیکان)
xwēn-āhan [*hw(y)nʾsyn*[1] = Av. *xᵛaēna- (ayah-)*] خماهن، سنگ آهن
xwēš [*NPŠE* < A *npš-h: hwyš* | M *xwy(h)š*, N ~] خویش
~īh: خویشی، تملک
~āwand [*hwyšʾwnd* | N ~] خویشاوند
xwēšēnīdan, **xwēšēn-** [*hwyšyn-ytn*[1]] از آن خویش کردن، به خود اختصاص دادن
xwēš-kār [*hwyškʾl*] وظیفه‌شناس
~īh: وظیفه‌شناسی
xwēš-tan [*NPŠE tn*[1] | N ~] خویشتن

xwěy [*hwyd* | N *xway*] خوی، عرق
xwistan [*hwystn*[1]] خوی ریختن، عرق کردن
xwurd [*hwlt*[1] | N ~] خرد، کوچک
xwurdag [*hwltk*[1] | N ~*a*] خرده؛ جزیی، در نجوم: خانهٔ ماه؛ قسمتی از پای اسب (از مچ پا تا استخوان سم)
~īh: خردی، کوچکی

Y

P yad [*yt*[1] | P *yd*] تا؛ به طوری که
yak, → **ēk**.
yākand [*yʾknd*, *-nt*[1] | P *yʾkwnd*, N ~] یاکند، یاقوت
yal [*yl* | N ~] یل، پهلوان
yāsaman [*yʾsmn*[1] | N ~] یاسمن
yask [*ysk*[1] | = M] بیماری، مرض
yasn [*ysn*[1] | = M] ستایش، پرستش
yašt [*yšt*[1] | = M] پرستش، دعا
yaštan, **yaz-** [*YḎBHWN-tn*[1] < A *ydbḥwn*, √*dbḥ; yštn*[1], *yc-* | M *yz-*] پرستیدن، جشن گرفتن، سرودن
~išn: پرستش
yāt [*yʾt*[1] = Av. *yāta-*] یات (نام درجه‌ای از گناه)
P yāwēd(ān) [*yʾwyt(ʾn)*[1] | P. *yʾwyd(ʾn)*] جاویدان، همیشگی
yaz-, **~išn**, → **yaštan**.
yazad [*yzdt*[1] | M *yzd*, N *īzad, yazd*] ایزد، خدا
yāzdah [*yʾcdh* | M *yʾzdh*, N ~] یازده
yazadān [*yzdʾn*[1]] (*pl.*) ایزدان، مینوها
yōǰdahr [*ywšdʾsl* | M *ywǰdhr*] پاک، مقدس
~īh: پاکی، تقدس
yōǰdahrgar [*ywšdʾslkl*] پاک‌کننده
~īh: پاک‌سازی، تقدیس

www.ketabz.com

yōz [*ywc* | N ~] یوزپلنگ

Z

zādag [*zʾtk*[1] | M *zʾdg*, N *zāda*] زاده؛ بچه

zadan, zan- [*MHYTWN-tn*[1] < A √ *mḥʾ*; *ztn*[1], *zn-* | M *zdn*, *zn-* N ~] کشتن، زدن، تنبیه کردن، ضربه زدن، کوفتن

~išn: آزار، ضربه

zādan, zāy- [*YLYDWN-tn*[1] < A √ *yld*; *zʾtn*[1] | M *zʾd*, *zʾy-*, N ~] زادن؛ زاده شدن

~išn: زایش

~išnīg: زاده، هستی یافته، جانور (بطور کلی)

zadār [*ztʾl*] زننده؛ نابودکننده، مخرب

zadūg [*ztwk*[1] | (N *žad*)] ژد، صمغ

zafar [*zpl* | N ~] زفر (دهان اهریمنی)

***zahā** [*zhʾ(k*[1]*)*] گودی

zahābag [*zhʾpk*[1] | N *zahāb*] زهاب، چشمه

[1]**zahag** [*zhk*[1], *(zʾhk*[1]*)* | M *zhg*, N *zah*] زه (= بچه)، فرزند

[2]**zăhag** [*zʾhk*[1]] عنصر (آب، آتش، هوا، خاک)

zahagōmand [*zhkʾwmnd*] آبستن، حامله

zahār [*zhʾl* | N ~] زهار، آلت تناسلی مرد و زن

***zahīh** [*zhyh*] = **zahā.**

zahr [*zʾhl* | M *zhr*, N ~] زهر، سم

zahrag [*z(ʾ)hlk*[1] | N *~a*] زهره، صفرا

zalūg [*zlwk*[1] | N *zalū*] زالو

zam [*zm* | P *zmg*] زمستان

zamān [*ODNA* < A *ʿdnʾ*; *zmʾn*[1], *zmn*[1] | M *zmʾn*, N ~] زمان، ساعت

~ag [*zmʾnk*[1]] = **zamān.**

***zamānīg** [*zmʾnyk*[1]] زمانی (= مزمن)

zāmēnīdan, zāmēn- [*zʾmyn-ytn*[1] | M *zʾmyn-*] فرستادن، هدایت کردن

zamestān [*zmstʾn*[1] | (M *dmystʾn*), N ~] زمستان

zamīg [*z-*, *zmyk*[1] | M *zmyg*, N *zamī*] زمی، زمین

~īg [*-yk*[1]] خاکی، زمینی

~-paymānīh [*-ptmʾnyh*] هندسه

zāmyād [**zʾmdʾt*[1] *(zām-yazd? = zʾmyzdt*[1] بد خوانده شدهٔ*)* | M *zʾmyʾd*, N ~] زامیاد؛ گاه‌نما: نام بیست و هشتمین روز ماه

zan [*NYŠE* < A *nšh*; *zn*[1] | = M, N ~ *(pl. -ān, -īn)*] زن، همسر

zan-, ~išn, → **zadan.**

[1]**zand** [*znd* | N ~] زند، تفسیر، توضیح

[2]**zand** [*znd* | = M] ناحیه، قبیله

zandag [*zndk*[1] | N *zanda*] ژنده، بزرگ، عظیم

zandbed [*zndpt*[1] | M *zndbyd*] رئیس ناحیه، قبیله

zandīk [*zndyk*[1] | N ~] زندیق، مانوی

~īh: زندیقی

zang [*zng*] ساق پا، قوزک پا

zangīg [*zngyk*[1] | N *zangī*] زنگی، سیاه

zanǰīr [*zncyl* | (P *zyncyhr*), N ~] زنجیر

zānūg [*zʾnwk*[1] | P *zʾnwg*, N *zānū*] زانو

zard [*zlt*[1] | N ~] زرد

~īh: زردی

zardag [*zltk*[1] | N *zarda*] زردهٔ (تخم‌مرغ)

zardak [*zltk*[1] | N ~] زردک

zard|-ālūg [*zltʾlwk*[1] | N *~ū*] زردآلو

~čōbag [*-cwpk*[1] | N *~čōba*] زردچوبه

Zardu(x)št [*zltw(h)št*[1] | (M *zrdrwšt*), N *Zardušt*] زردشت

zargōn [*zlgwn*[1] | P *zrgwng*, N *zaryūn*] زرگون، سبز، تازه

~īh: زرگونی

zarīg [*zlyk*[1] | M *zryg*] زاری، اندوه

~ōmand [*-ʾwmnd*] اندوهگین، غمگین

zarmān [*zlmʾn*[1] | M *zrmʾn-*, N ~] مرد پیر؛ پیری، فرتوتی

~īh: پیری

zarr [*ZHBA* < A *ẓhbʾ*; *DHBA* < A *dḥbʾ* | M *zr-*, N ~] زر

www.ketabz.com

~**ēn** [*ZHBAyn*[1], *zlyn*[1] | M *zryn*; N ~*īn*] زرین
~(**ī**)**gar** [*zlykl* | N ~*gar*] زرگر
zarwān [*zlwp'n*[1] | P *zrw'n*] پیری
zastan, **zăy-** [*zstn*[1], *z(')d-*] خواستن، تقاضا کردن
zaxm [*ztm*, *z'hm* | (P *jxm*), N ~] زخم
zay [*zydȳ* = Av. *zaya-*] اسلحه، ابزار
zăy-, → **zastan**.
zāy-, ~**išn**(**īg**), → **zādan**.
zāyč(**ag**) [*z'yc(k*[1]*)* | N *zāyča*] زایچه
zāyistan [*z'dstn*[1]] = **zastan**.
zayt [*zyt*[1]] زیتون
zāz [*z'z* | = M, (N *žāž*] ژاژ، علف هرز
*__zēfān__ [*zyp'n*[1] | (N *zīf*)] بد، نادرست
[1]**zēn** [*zyn*[1] | = M] زره، اسلحه
[2]**zēn** [*zyn*[1] | N *zīn*] زین
zēn-abzār [*zyn'p̄c'l* | N *zīnafzār*] زین‌افزار
zēnāwand [*zyn'wnd*] زرنگ، زیرک
zēndān [*zynd'n*[1] | = M, N *zindān*] زندان
~**bān** [*-p'n*[1] | N *-bān*] زندانبان
~**īg** [*-yk*[1] | N *-ī*] زندانی
zēnēnīdan, **zēnēn-** [*zynyn-ytn*[1]] مراقبت کردن، حفظ کردن
zēnhār [*zynh'l* | N *zinhār*] زنهار، پشتیبانی، حمایت
zēnīg [*zynyk*[1]] مسلح
*__zibāl__ [*zb'l* | N *zībāl*] زیبال (= حیوان تندرو: اسب و...)
zīh [*zyh* | N *zih*] زه
zīndag [*zy(w)ndk*[1] | M *zyndg*, N *zinda*] زنده، دارای زندگی
~**īh**: زندگی
zīndakkar [*zywndkkl* | M *zyndkr*] زنده‌کننده، حیات‌بخش
zīnēnīdan, **zīnēn-** [*zynyn-ytn*[1]] آسیب رساندن، صدمه زدن
zīrak [*zylk*[1] | M *zyr*, N ~] زیرک، عاقل
zīstan, → **zīwistan**.
zišt [*zyšt*[1] | = P, N ~] زشت، نفرت‌انگیز

zīwēnīdan, **zīwēn-** [*zywyn-ytn*[1] | M *zywyn-*] زنده کردن، حیات بخشیدن
zī(wi)stan, **zī(w)-** [*zyw-stn*[1] | M *zywystn*, *zyw-*, N *zīstan*] زیستن
zī(w)išn [*zywšn*[1] | M *zyyšn*] زندگی؛ گذران
~**īh**: زندگی، زنده بودن
~**ōmand** [*-'wmnd*] زنده، دارای زندگی
ziyānag [*zyd'nk*[1]] زن جوان
zīyišn, → **zī(w)išn**.
zofāy [*zwp'd* | M *zwp'y*] گود؛ گودی
*~**īh**: گودی
zofr [*zwpl* | M *zwwpr*, J *zwrf*, (N *žarf*)] ژرف
~**āy** [*-'d*] ژرفا
~-**pāyag** [*-p'dyk*[1]] ژرف پایه
zōhr [*zwhl* | M *zwhr*] زوهر (آب پاک، آب مقدس)، نذر
zōr [*z(')wl* | M *zwr*, N ~] زور، نیرو
~**īg**, ~**ōmand** [*-yk*[1], *-'wmnd* | M *-mnd*, N ~*mand*] زورمند، نیرومند
zōt [*zwt*[1] = Av. *zaotar-*] زوت (موبدی که در مراسم مذهبی برخی از امور تشریفاتی را بر عهده دارد)
~**īh**: زوتی (= مقام زوت)
zraw-, → **zruftan**.
[1]**zrēh** [*zlyh* | P *zryh*] دریا، دریاچه
[2]**zrēh** [*zlyh* | N *zirih*] زره
zruftan, **zraw-** [*zlwp-tn*[1]] = **azruftan**.
zūd [*zwt*[1] | M *zwd*, N ~] زود
~**īh**: سرعت
zūr [*zwl* | M *z'wr*] دروغ، فریب
zūr-gugāy [*zwlgwk'dy* | M *zwrgwg'y*] کسی که گواهی دروغ می‌دهد
~**īh**: گواهی دروغ
zurwān [*zwlw'n*[1]] زمان؛ ایزد زمان، زروان
zuwān [*zwb'n*[1]] = **uzwān**.
zūzag [*zwzk*[1] | (N *žūža*] ژوژه، خارپشت
zyān [*zyd'n*[1] | M *zyy'n*, N *ziyān*] آسیب، زیان، خسارت
~**gār**, ~**ōmand** [*-k'l*, *-'wmnd*] زیانبار

www.ketabz.com

بخش دوم

فارسی - پهلوی

www.ketabz.com

«آ»

آب	āb
آب انگور تازه در خم کرده	bādag
آباد	ābād
آبادان	ābādān
آبادانی	ābādānīh
آباد کردن	wīrāstan
آبادی	ābādīh
آبان: گاه‌نما: نام هشتمین ماه سال و دهمین روز ماه	Abān
آب انبار	warm
آب پاک و مقدسی که در مراسم مذهبی به کار می‌رود	zōhr
آبجو	wašag
آب چهره	āb-čihrag
آبدان	āb-dān
آب دهان	xayūg
آب‌رو	āb-tazan
آبرو	āzarm
آبرومند	āzarmīg
آبزن	ābzan
آبزی	ābīg
آبسالان	afsālān
آبستن	ābestan=ābustan, zahagōmand
آبستن شدن	hambūsīdan
آبستنی	ābusīh, hambūsišn
آب کامه	āb-kāmag
آبگیر	warm
آبگینه	ābgēnag
آبله	ābilag
آبنوس	ābnūs
آبی	ābīg
آبی متمایل به سبز	kāskēnēn
آبیاری کردن	xwārēn-

www.ketabz.com

آتش	ātaxš
آتش بهرام	Ataxš ī wahrām
آتش شکل	āsrō-kerpa
آتشگاه	ādur-gāh
آتشکده	dādgāh, gumbad
آتشی	taftīg
آخر	abdom, sar
آخرین	abdom, pasēn
آخور	āxwarr, gōstān
آخور سالار	āxwarr-sālār
آداب	ēwēn
آدروگ	ādarōg
آذر (ایزد آتش)	Ādur
آذر: گاه‌نما: نام نهمین ماه سال و نهمین روز ماه	Ādur
آذر فرنبغ	Farrōbăy
آذر گشنسپ	Gušnasp
آذر برزین مهر	Burzēnmihr
آراستن	ārāstan, payrāstan, wīn(n)ārdan
آرام	āsān, hammist, rāmišnīg
آرامش	āsānīh, āštīh, drōd, rām(išn)
آرامش بخشیدن	rāmēnīdan
آرامگاه	aspānsūr
آرایش	ārāyišn, win(n)ārišn, wirāyišn(īh)
آرد	ārd
آرد کردن	ārdan
آرزو	ārzōg, kām(ag), waran, xwāhišn
آرزو کردن	abāyistan, grāyīdan, kāmistan, xwāstan
آرزومند	kāmagōmand
آرنج	āranǰ
آرواره	ērwārag
آریاها (سرزمین)	Ērān
آریائی	Ērānag
آز	āz, waranīgīh

آزاد	āzād, harzag, kām-zīwišn
آزاد کردن	wišādan
آزاد کردن از...	pardāxtan az
آزادگی	ērīh
آزاده	abarmānīg, āsnud(ag), āzād, āznāwar, ēr, pēšēnīg
آزادی	āzādīh, pardazišn
آزار	āzār(išn), bēšišn, zanišn
آزردن	āzardan (= āzārdan = āzurdan), bištan = bēšīdan
آز کامکی	āz-kāmagīh
آز کامه	āz-kāmag
آزمایش	passāxt, uzmāyišn
آزمودگی	kār-āgāhīh
آزمودن	āzmūdan = uzmūdan, passāxtan
آزمون	passāxt
آزور	āzwar
آسان	āsān, sabuk, xwār
آسانی	āsānīh, xwārīh
آسایش	āsāyišn, haspīn
آسایشگاه ناتوانان	ārmēšt-gāh
آسرون	āsrō, āsrōn
آسرونی	āsrōīh
آسمان: گاه‌نما: نام بیست و هفتیمن روز ماه	Āsmān
آسمان	āsmān, mēnōg, spihr
آسمانی	spihrīg
آسودن	āsūdan, wisāy-
آسیا	āsyāg
آسیاب	āsyāb
آسیا کردن	ārdan
آسیب	anāgīh, āzarm, bēš, wizend, zyān
آسیب رساندن	wizāyīdan, xastan, zīnēnīdan
آسیب‌ناپذیر	a-bēš, abē-wizend
آسیب‌ناپذیری	a-bēšīh
آشامیدن	xwārīdan

www.ketabz.com

آشامیدنی	xwārišn
آشتی	āštīh
آشفتگی	wiyābānīg
آشفتن	āyōzīdan, wišuftan
آشکار	čašmagāh, paydāg, rōšnag
آشکارا	āškārāg
آشکار ساختن	āškārāgēnīdan, paydāgēnīdan
آشکار شدن	paydāgīhistan
آشکارسازی	āškārāgīh
آش ماست	spēd-bāg
آشموغ	ahlomōγ
آشموغی	ahlomōγīh
آشنا	āšnāg
آشوب	an-āštīh, āšōb
آشیان، آشیانه	āšyān(ag)
آغاز	bunīh, fradomīh, padisār, sar
آغشته	āγištag
آغل	pahast
آغوش	āgōš, kanār
آفریدگار	Day
آفریدگاری	dādārīh
آفریدن	āfrīdan, āfurīdan, dādan,(frāz) brēhēnīdan, tāšīdan
آفریدن (اهریمنی)	kirrēnīdan
آفریده	dām
آفرین	āfrīn
آفرینش	āfurišn, brēhēnišn, dahišn, dām
آفرینش نخستین	bun-dahišn(īh)
آفرین کردن	āfrīdan
آفرینگان (نام دعا)	āfrīnagān
آقاوار	xwadāywār
آقای خانه	mānbed
آگاه	āgāh, šnāsāg
آگاه کردن	āgāhēnīdan, azdēnīdan

آگاهی	āgāhīh, frahang, šnāsagīh
آگرفت (نام درجه‌ای از گناه)	Āgrift
آگندن	āgandan
آلاله	alālag
آلایش	āhīd
آلودگی	āhīd, ālūdagīh, rēm
آلودن	ālūdan
آلوده	āγištag, ālūdag, rēman
آلوده دامن	tar-menišn
آلوده دامنی	tar-mānīh, tar-menišnīh
آله (عقاب)	āluh
آمادگی	bahr(ag)warīh
آماده	bahrwar
آماده کردن	ārāstan, passāxtan, sāxtan, wirāstan
آمار	ōšmārag
آمارگر، حسابدار	āmārgar
آماساندن	pēmēnīdan
آمدن	āmadan, madan
آمرزش	āmurzišn
آمرزیده	hu-fraward
آمرزیدن	abaxšāyīdan, āmurzīdan
آموختار	hammōxtār
آموختن	āmōxtan=hammōxtan, čāšīdan=čāštan, frahixtan, wizistan
آموخته	gōšōsrūd
آموزش	āfrāh, čāšišn, čāštag, hammōzišn
آموزش نخستین دین زردشتی	pōryōtkēšīh
آموزش هیربدی	hērbedestānīh
آموزگار	hammōzgār, hērbed
آموزه	čāšišn
آمیختگی (جهان مادّی)	gumēzagīh
آمیختن	abyōxtan, āmēxtan, gumēxtan, sristan
آمیزش	āmēzišn
آمیزه	gumēg, gumēzag(īh), gumēzišn
آن	ān, ōy, P. hō

www.ketabz.com

آنِ (= متعلّق به)	ān ī
آنان	awēšān
آنجا	ānōh, *ānōy
آنچه جوهر یا نطفهٔ آب دارد	āb-čihrag
آن را	-(ī)š
آن سو	tar, tarist
آنقدر	and
آنگاه	ēg
آوا	āwāz
آواز	āwāz
آواز خواندن	srūdan
آوازه	husrawīh, nām
آوردن	adēn-, ānīdan, āwurdan
آوند	kabārag
آویختن	āgustan
آهک	čārūg
آهکی	čārūgēn
آهن	āhan
آهنج	āhang
آهنگ	niwāg
آهنگر	āhangar, čēlāngar
آهنین	āhanēn
آهو (حیوان)	āhūg
آهو	āhōg
آهیختن	āhanjīdan=āhixtan
آیفت	āyaft
آینده (= کسی که می‌آید)	madār
آیین	ēwēn(ag)
آیینه	ēwēnag

«ا»

ـا (پسوند سازندهٔ اسم عامل از مادّه‌های مضارع)	-āg

ـا (پسوند سازندهٔ اسم از صفت و مادّه‌های مضارع)	-ag
ـا (پسوند سازندهٔ صفت از اسم و مادّه‌های فعلی)	-ag
ابدی	hamē-rawišnīh, hamē-ud-hamē-rawišnīh, ǰāwēdān(ag), P. yāwēdān
ابر	abr, mēγ, miznē
ابر (ـ بارانی، ـ برفی)	snōy
ابرو	brūg
ابریشم	abrēšōm
ابریشمین	abrēšōmēn
ابزار	abzār, čār(ag), zay
ابله	dušāgāh
ابلیس	dēw
اتّحاد	āyōzišn, hamīh
اتلاف	wanīgarīh
اجاق	brēzan
اجبار	frēz
اجباری	frēzbānīg, frēzwānīg
اجتماع	hanǰaman
اجتناب‌پذیر	wizīrišnīg
اجتناب کردن	pahrēxtan, wizīristan
اجتناب‌ناپذیر	a-wizīrišnīg
اجرا کردن	hanǰāftan, kardan, wizārdan
اجیر	bēgār
احاطه کردن	hambastan, parwastan
احترام	āzarm, āzarmīgīh, burzišn, grāmīgīh, tars, tarsāgāhīh
احترام کردن	šnāyēnīdan, šnāyīdan
احتیاج	niyāz
احساس	pahrmāhāgīh, sōhišn
احساس کردن	sōhistan
احسان	xwābarīg
احضار کردن	xwandan
احمق	dušāgāh, halag
اختر	axtar
اختر (برجی از منطقةالبروج)	axtar

www.ketabz.com

اخترشناس	axtar(ā)mār
اخترشناسی	axtar(ā)mārīh
اختصاص	wāspuhragānīh
اختیار	dastwarīh, pādixšā(y)īh
اخراج	pazdagīh
اخگر	xwarg
اداکردن	tōxtan
ادامه	drang
ادامه دادن	ēstādan
ادرار (= عمل ادرار کردن)	čamišn, mēzišn, pēšārwār
ادرار کردن	²mēz-, gōmēz-
ادرار گاو	dast-šōy, gōmēz
ادعا کردن	pahikārdan
ـ ادن (پسوند سازندهٔ مصدر ثانوی)	-ādan
ادویه	abzār
اذیّت	pazd
اراده	axw
ارتفاع	bālistīh
ارث	abarmānd
ارد (نام یکی از ایزدان مؤنّث)	Ahlišwang, Ard
ارد: گاه‌نما: نام بیست و پنجمین روز ماه	Ard
اردوش (نام درجه‌ای از گناه)	Arduš
اردیبهشت، دومین امشاسپند و نگهبان آتش	Ardwahišt=Ašwahišt=Urdwahišt
اردیبهشت: گاه‌نما: نام دومین ماه سال و سومین روز ماه	Ardwahišt
ارزش	arz, arzānīgīh, arzišn, arzōmandīh
ارزشمند	arzān(īg), arzōmand, sahīg, šāyendag
ارزشمندی	arzānīgīh, sahīgīh, šāyendagīh
ارزن	alum, arzan
ارزن درشت	gahl, gāwars
ارزنده	arzān
ارزور (نام کوهی بر دهانهٔ دوزخ)	Arzūr
ارزور (نام دیوی)	Arzūr
ارزه (نام اقلیمی از هفت اقلیم)	Arzah

ارزیدن	arzīdan
ارزیز	arzīz
ارس	ars
ارش (واحد طول)	ārešn
ارشاد	hāzišn
ارغند	arγand
ارغوان	arγawān
اروس	arus
اروند	arwand
اروند (نام رودخانه)	Arwand
از	az, aziš
از آن	aziš
از آنِ (= متعلّق به)	ān ī
از آن رو	(az) ān bahrag rāy
از آن خویش کردن	xwēšēnīdan
از او	aziš
از این جهت	ān bahr(ag) rāy, az ān bahr(ag)
از بر کردن	warm kardan
از بهر آنکه	(az) ān bahr(ag) rāy
از بین رفته	wany
از... تاکنون	az... ōrōn
از تخم درآمدن	wiškuftan
ازدواج با نزدیکان	xwēdōdah
از روی ترس	wad-dil
از کار افتادگی	agārīh
از میان	tar, tarist
از یاد بردن	az daxšag hištan
اژدها	az
اژدهاک (= ضحاک)	Azdahāg
اسارت	dast-graw
اساس	bun, buništ, fragān, nihādag, nišāyišn, pāyag
اساسی	gōhrīg, mādagīg, mādagwar, mādayān
اسب	asp, bārag, stōr

www.ketabz.com

اسب (نام یکی از مهره‌های شترنج)	asp
اسب چاپار	bayaspānīg
اسب کرند	šēd
اسپریس	asprēs
اسپست	aspast
استاد	awestād
استان	awestān, nahang, pāygōs
استحکام	ōstīgānīh
استبرق	stabrag
استخر	šādurwān, warm
استخوان	ast(ag), astuxān
استخوان شانه	šānag
استراحت	haspīn
استراحت کردن	āsūdan, wisāy-
استره	awestarag
ـ استن (پسوند سازندهٔ مصدر ثانوی)	-istan
استوار	awestwār, staft
استواری	awestwārīh
استودان	astōdān
اُستوفرید	us(t)ōfrīt
استویهاد	Astwihād
اسراف	wanīgarīh
اسفا!	alā
اسکندر	Aleksandar, Skandar
اسلحه	sneh, zay, zēn
اسیر	dast-gīr
اشتاد (نام ایزد راستی)	Aštād
اشتاد: گاه‌نما: نام بیست و پنجمین روز ماه	Aštād
اشک	ars, srēšk
اشکوب	aškōb
اصل	āfrāh, buništag, fragān
اصلاً (با نفی)	hambun, tis-iz
اصلی	mādayān

اصطبل	āxwarr
اصیل	Pad-gōhr
اضطراب	āšōb
اطراف	parwār
اطمینان	abē-gumānīh
اعتبار	wizurdīh
اعتدال	paymān, paymānīgīh
اعتراف	āstawānīh, āškārāgīh
اعتراف کردن	āškārāgēnīdan, garzīdan
اعتراف ناکرده	a-petītīg
اعتماد	abestām=abestān, wistāxīh
اعجاز	widimās
اعراف	hamēst(ag)ān
اعلام کردن	niwistan
اعلیحضرت	ōy bay
اغلب	bāstān
افت	ōgrā
افتادن	kaftan, ōbastan, *ōftādan, pad-
افتاده	hambastag
افترا	*anāst, duš-ēwāzīh
افد	abd
افدم	abdom
افراز	abrāz
افراشتن	abrāstan
افراط	freh-būd(īh)
افروختن	abrōxtan, waxšīdan
افروشه	afrōšag
افزار	abzār
افزایش	abzāyišn, abzōn, frādahišnīh, mehēnišn
افزاینده	abzōnīg
افزودن	abzūdan, mehēnīdan, wālīdan, waxšīdan
افزون	abzōn
افسار	padisār

www.ketabz.com

افسانه	afsān
افسر	abesar
افسردن	afsardan
افسوس	afsōs
افسوس خوردن	swahistan
افسوسگر	afsōsgar
افسون	afsōn, mānsar, mārīg, nērang, sraw
افسون کردن	afsūdan
افشاندن	afšāndan, kištan
افشردن	afšārdan=afšurdan
افعی	šēbāg
افگندن	abgandan, wēxtan, wistan
اقامتگاه	nišēmag
اقبال	bayōbaxt, baxt, ^{1}ǰadag, ǰahišn
اقتدار	abar-ōzīh, sālārīh
اقرار	franāmišn
اقرار کردن (به دین)	franāftan
اقلیم	kišwar
اقونیطون	bīš
اکسیر	anōš
اکنون	hād, nūn
اکومن	akōman
اگر	agar, ka
الا!	alā
الاغ	xar
البرز	Harborz
الماس	almās(t)
ـ ام (پسوند سازندهٔ اعداد ترتیبی)	-om
امّا	bē
امتحان کردن	passāxtan, uzmūdan
امتیاز	abarmānd, bahr(ag)warīh, sōg, sūd
امر	kār, kard
امرداد: ششمین امشاسپند و نگهبان گیاهان	Amurdād

امرداد: گاه‌نما: نام پنجمین ماه سال و هفتمین روز ماه	Amurdād
امرود	urmōd
امروز	im rōz
امشاسپند	amahraspand
امعاء	rōdīg(ān)
امید	ēmēd, ummēd
امیدوار	ummēdwār
امین	stūr
ـ ان (نشان جمع)	-ān
ـ ان (پسوند سازندهٔ قید)	-ān
ـ ان (پسوند سازندهٔ صفت فاعلی)	-ān
انار	anār
انبار	hamābēr, hambār
انباز	hambāy, hambāz
انباشتن	āgandan, amburdan, hambārīdan
انباغ	hambār
انبان	hambān
انبره	anbarag
انبوسیدن	hambūsīdan
انبه	ambag
انتخاب کردن	wēxtan, wizīdan
انتخابی	wizēngar
انتشار دادن	srawēnīdan
انتصاب	pāymār
انتقام	kēn
انتها	abdomīh
انجام	hanǰam
انجام دادن	frazāftan, frāz griftan, hanǰāftan
انجام دهنده	kardār, kunišngar
انجام شدن	frazaftan, hanǰaftan
انجام وظیفه	frēzbānīh, frēzwānīh
انجمن	hanǰaman, wālan
انجیر	anǰīr

www.ketabz.com

اند	and
اندازه	handāzag, paymān(ag), paymānīgīh, wuzurgīh
اندازه گرفتن	paymūdan
ـ اندازه گرفته شده	-masāy
اندام	handām, hannām, pēšag
اندچند	andčand
اندر	andar(ag)
اندر آمدن	andar āmadan
اندرز	handarz, pand
اندرز دادن	handarzēnīdan
اندرگاهی (= کبیسه)	wihēzagīg
اندرماه	andarmāh
اندرون	andarōn
اندرونی	šabestān
اندک	andak, kam=kem, nihang, ōzārak
اندکی	ēwčand
اندوختن	handōxtan
اندوختن (عمل)	handōzišnīh
اندود	dōs
اندودن	handūdan
اندوده	dōsēn
اندوه	andāg, andōh, bēš, pīm, tēmār, wāy, zarīg
اندوهگین	andāg(g)ēn, andōhgēn, bēšōmand, pīmgēn, zarīgōmand
اندیشه	axw, handēšišn, uskārišn
اندیشهٔ بد	duš-humat, dušmat, duš-menišn
اندیشهٔ نیک	humat
اندیشیدن	handēšīdan
اندیشنده	handēšīdār
انسان	mardōm
انسانیت	mardōmīh
انغران (= روشنایی بی‌کرانه)	Anagrān
انغران: گاه‌نما: نام سی‌امین روز ماه	Anagrān
انکار	*nakkīrāyīh

انگاردن	hangārdan
انگبین	angubēn
انگشت	angust
انگشت (واحد اندازه‌گیری طول)	angust
انگشتانه	angustbān
انگشت‌پوش (تیرانداز)	angustbān
انگشتری	angustarīg
انگشت‌نما	čašmagāh
انگشت‌نمایی	čašmagāhīh
انگشتوانه	angustbān
انگم	dōs
انگمی	dōsēn
انگور	angūr
انگیختن	guhrāyēnīdan, hangēxtan
انگیزش	hangēzišn
انوش	ahōš, anōš
انوشه روان	anōšag-ruwān, hu-fraward
ـ انیدن [پسوند سازندهٔ فعل سببی و اسمی (= جعلی) متعدّی]	-ēn-īdan
انیران (= غیر ایرانی)	anērān
انیران (= جهان آن سوی ایران)	anērān
او	ān, ōy, P. hō
اوار	ēbārag
اوباریدن	ōbārdan
اوج (نجوم)	bālist
او را	-(i)š
اورشلیم	Urišlīm
اورنگ	abrang
اوستا	abestāg
ـ اوند (پسوند سازندهٔ صفت توصیفی)	-āwand
اویرشت (نام درجه‌ای از گناه)	*Ōyrišt
اهریمن	ahreman
اهریمن پرستی	dēw-ēsnīh, dēw-ēzagīh
اهل خانه	gāl

www.ketabz.com

اهلی	ādehīg, kadagīg
اهمال کار	sūdag
اهمال کاری	sūdagīg
اهونور	ahunawar
ای (= یعنی)	ay
ایدر	ēdar
ایدون	ēdōn, ōh
ایدونی	ēdōnīh
ایرا	ēd rāy cē
ایران	Ērān
ایرانی	Ērānag
ایرانشهر	Ērān-šahr
ایرانویج	Ēran-wēz
ایرمان (نام ایزد)	Ērmān
ایزد	abargar, yazad
ایزدان	yazadān
ایزد زمان	Zurwān
ـ ایزه (پسوند تصغیر)	-īzag
ایستادن	P.awištādan; ēstādan, pādan
ایستاده	stēnag
ایشان	awēšān
ایمان	wābar, wurrōyišn, xwastūgīh
این	ēd, ēn, im
اینجا	awar, ēdar, ōrōn
ـ ایهستن (پسوند سازندهٔ فعل مجهول و مشتق)	-īh-istan

«ب»

بـ (پیشوند فعل، کاربرد تعریف‌پذیر ندارد)	be
با (بای معیّت)	abāg
باارزش	arzān, arzōmand
با ایمان	dēn-āstawān

باب	dar
با پشتکار	pattūg
با تجربه	kār-āgāh, nibardag
باج	bāǰ, sāk
باژ (دعای قبل از غذا)	wāz
باژ گرفتن (دعا خواندن)	wāz griftan
با حرارت	garmōg
باد	wād
باد: گاه‌نما: نام بیست و دومین روز ماه	Wād
بادام	wādām
بادبان	wādbān
باد رنجبویه	wādrang-bōy
بادرنگ	wādrang
بادزن	damēnag
بادوام	a-sazišnīg, sālwār
باده	bādag
بار (= دفعه)	bār, ǰār
بار (= ساحل)	bār
بار (= میوه)	bār
بار (آن چه حمل می‌شود)	bār
بار (= حضور)	handēmānīh
باران	wārān, wārānīg
بارانی	wārānīg
بار جامه	bār-ǰāmag
بارو	drubuštīh, parwār
بارور	barōmand
باره	bārag
باریدن	waštan=wārīdan
باریک	bārīg/k, tang
باز	wišād
باز (پرنده)	bāz
باز (= پس)	abāz
بازار	wāzār

www.ketabz.com

باز ایستادن از...	abāz ēstādan az
بازداشتن	abāz dāštan
بازرگان	wāzāragān
بازرگانی	pēšag, wahāg, wāzārgānīh
باز کردن	abāz kardan, wišādan, wiyōz
باز کردن (دهان)	wiyāftan
باز کردن از...	abāz kardan az
بازگشتن به...	abāz waštan ō
بازماندن	abāz māndan
بازو	bāzā
بازوبند	bāzābānag
بازوزنشی (نام درجه‌ای از گناه)	Bāzā-zanišnīh
باز هم	ahanūz
بازی	wāzīg
بازی کردن	wazīdan
ـ بازیگر	-wāzīg
باش (فعل امر از «بودن»)	bāš
باشکوه	bāmīg, hu-škōh, rāyōmand, xwarrahōmand
با صدای بلند	buland
باغ	bāγ
باغبان	bōyestānbān
باغ گل	bōyestān
بافایده	abēdān
بافت	wafišn
بافتن	waf-
بافضیلت	dahm, hunarāwand, kirbagīg, nēk-gōhr
بافکر	menišnīg
باقی ماندن	abāz pādan, māndan, pattāyistan=pattūdan
باکره	dōšīzag
باگذشت	*wixšāyišnīg
بال	bālag, parr
بالا	abar, ul
بالا (= بلندی)	bālāy

بالا (قامت)	bašn
بالا بردن	abrāstan, ahrāftan
بالاتر	abar(dar)
بالاترین	abardom, aγrē, bālist
بالاکشیدن	āhixtan
بالایی (= رو به بالا)	ulīh
بالش	bālēn, bāliš
بالش (= رشد)	wālišn
بالغ	dād-meh, mehtar, purnāy
بالیدن	wālīdan, waxšīdan
بالین	bālēn, bālišn, gāh
بالین‌گاه	bālēngāh
بامداد	bāmdād
بامداد (یکی از پنج بخش شبانه‌روز)	hāwan
با معنی	čimīg
با ملاحظه	huniyōxš, menišnīg
با موی دو تا	wizārd-wars
بامی	bāmīg
ـ بان (پسوند)	-bān, -bār
بانگ	wāng
بانگ بلند	borz-wāng
بانو	bānūg, nārīg
باور	āstawānīh, wābar, xwastūgīh
باوفا	ēkānag
باوفایی	ēkānagīh
باوقار	hu-škōh
باهدف	čimīg
با هم	āgenēn
باید	abāy-
بایر	an-ābādān
بایست	abāyist
بایستن	abāyistan
بایسته	abāyišnīg

www.ketabz.com

ببر	babr
بَبرَ	babrag
بُت	but, uzdēs
بت‌پرست	uzdēs-parist
بت‌پرستی	uzdēs-paristišnīh
بتکده	uzdēs-zār
بجز	bē... (ĕnyā)
بچّگی	aburnāyīh, rahīgīh
بچّه	aburnāy(ag), frazand, rahīg, rēdag, waččag, zādag, zahag
بحث کردن	uskārdan
بخت	baxt, ¹ǰadag, spihr
بخش	bahr(ag), bazišn, pēšag, sraxtag
بخشایش	abaxšāyišn, āmurzišn
بخشاییدن	abaxšāyīdan, amurzīdan, wixš(a)y-
بخش‌پذیر	bahrōmand
بخشش	baxšišn, dahišn
بخش کردن	baxtan, wiškīdan
بخشندگی	rādīh
بخشنده	rād, abaxšāyišnīg
بخل	penīh
بخور	²bōy
بخیل	pen
ـ بد (= سرور)	-bad, -bed
بد	akōmand, anāg, druwand, wad(ag), wattar, *zēfān
بد ـ	duǰ-, duš-
بداقبالی	duš-farragīh
بدان	awiš, padiš
بداندیش	duš-menišn
بدچهر	duš-čihr
بدخو	duš-čihr
بدخواه	duš-kām, wad-kāmag
بدخواهی	wad-kāmagīh
بدخیم	duš-xēm, wad-xēm

بددل	wad-dil
بددم	duǰ-daft
بددین	ag-dēn, duǰ-dēn, ahlomōγ
بددینی (دین غیرزردشتی داشتن)	ag-dēnīh, ahlomōγīh
بدر (ماه)	purr-māh
بدست	widest
بدستی	widestīg
بدسخن	duš-gōwišn
بدسرشت	duš-čihr
بدعت	ahlomōγīh
بدعت‌گذار	ahlomōγ
بدفکر	dušwīr
بدکار	duš-kunišn, mar
بدکاری	wadgarīh
بدکردار	anāg-kardār, duš-kunišn
بدگفتار	duš-gōwišn
بدگو	spazg
بدگوهر	wad-gōhr=wad-tōhm
بدگویی	spazgīh
بدنام	duš-nām
بدنژاد	wad-gōhr=wad-tōhm
بدو	awiš, padiš
بدون	abē, nē... az
بدون بدبختی	a-petyārag
بدون کستی یا شبی راه رفتن	wišād-dwārišnīh
بدون مقام و پایه	a-gāh
بدی	ak, anāgīh, bazag(īh), duš(īh), petyārag, wad(ag)īh, wattar(īh)
بدین سبب	im čim rāy
بر	abar
بر (= میوه)	bar
بر (= سینه)	war
برآمد	hanǰām

www.ketabz.com

برآمدن (خورشید)	abar āmadan
برآمدن (از عهدهٔ کاری)	abar madan
برّا	burāg
برابر	hamōg
برادر	brād, brādar
براستی	xwad
برافروختن	hangēxtan
برانداختن	hambāstan
براندازی	hambāhišn
برای	čē, rāy, pad, P. wasnād
برایِ چه	čē rāy
بربریت	an-ērīh
بربط	barbut, kennār
بر تخت نشستن	abar nišastan
برتر	abar(ag), abaragān(ag), abarīg(ān), aziš-meh
برتری	abardomīh, pādyāwandīh, pahlōmīh
برترین	čābuk, pǎhlom pāšom
بر تن کردن	nihuftan, pōšīdan
برج	burg
برجی از منطقةالبروج	axtar
برخاستن	(abar) āxistan, ul āmadan, wigrādan
برخورد	padīragīh
برخورد کردن	pahikaftan
بردار (= حامل)	burdār
برداشت	appārīh
برداشته	appār
بردبار	bārestān, burd, gilag-ōbār, pattūg
بردباری	bārestānīh, burdārīh, burdīh, pattūgīh
بردگی	dast-graw, wardagīh
بردن	burdan
برده	anašahrīg, dastgīr, wardag
برده شده	appār
بررسی	ōšmārišn

بررسی کردن	ōšmurdan
برز (نام ایزد)	Burz
برزگر	warzīgar
برزن	wālan
برزن (کوره، اجاق)	brēzan
برزین مهر	Burzēnmihr
برسم	barsom
برش	brīn, burišn
برشتن	brištan
برشنوم	baršnūm
برف	snēzag, snēxr, wafr
برفینه	wafrēnag
برق	rōzāg, wirōzag
برکت	šēdā
برگ	walg=warg
برگشتن	waštan
برنا	purnāy
برنج (خوراکی)	brinǰ
برنج (آلیاژ)	brinǰ
برنجی	rōyēn
برنجین	brinǰēn
برنده	burāg
برنزی	brinǰēn
برنشاندن	abar nišāstan
برنشستن	abar nišastan
برنگریستن	abar nigerīdan
برنگشتنی	awardāg
برنهفتن	abar nihumbīdan
بروج دوازده‌گانه	dwāzdahān
برومند	barōmand
بره	warān, warrag
بره: در نجوم: برج حمل	warrag
برهم زدن	wišuftan

www.ketabz.com

برهنه	brahnag
بری	abēzār
بریدن	burīdan=brīdan, tāšīdan
بز	buz
بز کوهی	pāzan
بز ماده	xar-buz
بزرگ	wuzurg, zandag
بزرگ(تر)	meh
بزرگترین	ayrē
بزرگ داشتن	burzīdan
بزرگسال	dād-meh
بزرگ فرمدار	wuzurg-framādār
بزرگ کردن	mehēnīdan
بزرگی	wuzurgīh
بزغاله: در نجوم: برج جدی	wahīg
بزم	bazm
بزماورد	bazmāwurd
بزه	bazag(īh)
بزه‌گر	bazakkar
بس	was
بستر	wistar(ag)
بستر رود	rōstāg
بستن	bastan
بسته	dastag
بُسّد	wassad
بُسّدین	wassadēn
بسیار	was, wasyār
بسیار تخمه	was-tōhmag
بُش	buš
بشر	dō-pāy, mardōm-zādag
بشقاب	padišxwar
بشکوج	baškuč
بشکوفه	wiškōfag

بشگرد	wiškar
بشن	bašn
بطری	šīšag
بعد از ظهر (یکی از پنج گاه شبانه‌روز)	rapihwin
بعلاوه	enyā, did
بعید	dūr
بغل	kaš
بک	wak
بکارت	dōšīzagīh
بلادر	balādur
بلدرچین	karak
بلعیدن	ōbārdan
بلعیدن (= اهریمنی)	ǰudan
بلغم	balgam
بلند	bālistīg, borz, buland
بلند شدن	āxēzīdan=āxistan
بلند کردن	ahrāftan
بلندی	bālāy, bālistīh
بلور	ābgēnag, bēlūr
بلوری	ābgēnagēn
بنابراین	az ān bahr(ag), (az) ān bahr(ag) rāy
بنا نهادن	nihādan
بنج	bang
بند	band, kamar, wandag
بند (= پیمان)	band
بنده	bandag, kadagīg
بندهش	bun-dahišnīh
بنفشه	wanafšag
بنشن	māš
بنکده	bun-kadag
بنو	wēnōg
بنه	bunag
بنیاد	buništ, fragān, nišāyišn

www.ketabz.com

بنیاد نهادن	fragandan
بنیان	čihr(ag)
بوب	bōb
بودا	But
بودن	būdan, ēstādan, h-
بور	bōr
بوستان	bāγ, bōyestān
بوف	būf
بوم	būm, deh, šahr
بومی	ādehīg
بوی	²bōy
بویا	bōyāg
بویایی (= حس)	hambōyīh
بوی خوش	hu-bōyīh
بوی دادن	bōyēnīdan
بوی دار	bōy-dār
بوییدن	bōyīdan, ham-bōy-
به	ō, pad, awiš, padiš
به (= بهتر)	weh
به (= میوه)	beh
به آیین	pad ēwēn
به اندازه	paymānīg
بها	arz, arzānīgīh, arzišn, arzōmandīh, wahāg
بهار	wahār, wahārīg, mēdyōzarm
بهاری	wahārīg
به انجام رساندن	pardāxtan
به انجام نرسیده	a-kard
به اندازهٔ وجب	widestīg
بهانه	wihān(ag)
به پایان رساندن	hanzāftan
به پایان رسیدن	ō ham madan
به پای سپردن	wispurdan
به پذیره آمدن	(ō) padīrag madan

به پناه گرفتن	pad panāh griftan
بهت	stardīh
بهتر	weh
به تفصیل	gōwizār
به جای	gōhrīg
به جوش آوردن	ayārdēnīdan
به خاطر	padisāy, wasnād
به خاطر سپردن	warm kardan
به خطر مرگ رفتن	anōš xwardan
به خود اختصاص دادن	xwēšēnīdan
به حرکت درآوردن	rawāgēnīdan
به دست آوردن	ayāftan, windādan
به دقت	pad nigerišn
بهدین	weh-dēn
بهر	bahr(ag), ǰād(ag)
بهرام (ایزد جنگ)	Wahrām
بهرام: در نجوم: مریخ	Wahrām
بهرام: گاه‌نما: نام بیستمین روز ماه	Wahrām
بهره	bahr, nīrmad, waxš
بهره‌مند	ābād(ān), bahrōmand, padēx
بهره‌مندی	bahrōmandīh
بهره‌ور	bahrwar
بهره‌وری	bahr(ag)warīh
به زمین نهادن	nibastan
به زیر افکندن	hambāstan
به سبب	padisāy, rāy
به سختی	saxt
به سن بلوغ رسیدن	ō paymān madan
به سوی	padīrag, ō... rōn
به سوی بالا خرامیدن	ăxrāmīdan
بهشت	wahišt
بهشت برین	garōdmān, (garōsmān)
بهشتی	garōdmānīg, wahištīg

www.ketabz.com

به صدای بلند	borz-wāngīhā, buland
به صراحت	gōkānīg
به صلیب کشیدگی	dārgardīh
به طور کلّی	amaragānīhā
به طوری که	kū tā, 'tā, yad
به عهده گرفتن	abar burdan, frāz griftan, pardaxtan ō
به فریاد رسیدن	ayārīdan, frayādīdan
به گناه واداشتن	āstārēnīdan
به گوهر آراسته	pad-gōhr
بهمان	wăhmān
به هم بستگی	hambandišnīh
به هم بستن	hambastan
به هم پیچیدگی	hambandišnīh
به هم پیچیدن	hambastan
به هم پیوستگی	āyōzišn
به هم پیوستن	āyōzīdan=āyōxtan
به هم پیوسته	hambast
به هم کردن	ō ham kardan
بهمن: اولین امشاسپند و نگهبان چهارپایان	Wahman
بهمن: گاه‌نما: نام یازدهمین ماه سال و دومین روز ماه	Wahman
به نظر رسیدن	sahistan
بهنگام	hangāmīg
به نیرو	pad-nērōg
به وجود آوردن	warzīdan
به وسیله	pad
به ویژه	nāmčišt
به یاد آوردن	ayād kardan, ayāsīdan, ōšmurdan
به یاد داشتن	pad daxšag dāštan
بی ـ (پیشوند نفی)	a-, abē-
بی ـ (پیشوند نفی برای واژه‌هایی که با واکه آغاز می‌شود)	an-
بی‌آبرو	an-āzarm(īg), dusraw
بی‌آبرویی	dusrawīh
بی‌آرامی	an-āštīh

بی‌آزرم	an-āzarm, dusraw
بی‌آزرمی	an-āzarmīh, dusrawīh
بی‌آفت	a-petyārag
بی‌آلایش	anāhīd, a-winast
بی‌آهو	an-āhōg
بیا!	awar
بیابان	wiyābān
بیابانی: در نجوم؛ ستارهٔ ثابت	a-wiyābānīg
بی‌ارج	duš-arz
بی‌ارزش	duš-arz
بی‌اساس	a-bun
بی‌اصل	anēr
بی‌اصلی	anērīh
بی‌اعتدالی	a-paymānīh
بی‌امید	an-ummēd, gyān-abespār
بیان	uzwān
بیان (قدرت)	guftārīh
بیان کردن	guftan
بی‌اندیشه	a-menīdār
بی‌ایمان	an-āstawān
بی‌ایمانی	an-āstawānīh
بی‌باک	a-bīm
بی‌بر	abē-bar
بی‌بن	a-bun
بی‌بهره	a-bahr
بی‌بیم	abē-bīm, a-bīm
بی‌بیمی	abē-bīmīh
بی‌پایان	a-sar
بی‌پروا	gyān-abespār
بی‌پسر	a-pus
بی‌پیری	a-zarmān
بی‌تقصیر	an-ērang
بی‌تناسب	a-sazāg

www.ketabz.com

بی‌ثبات	nāzuk, rōzward
بی‌ثباتی	sazišn, wardišn(īg)īh
بی‌ثمر	abe-bar
بی‌چاره	a-čār(ag)
بی‌حد	a-kanārag
بی‌حرکت	a-rawāg, a-wazišnīg
بی‌حسّ	abē-bōy, a-bōy, asōhišn
بی‌حسّی	abē-bōyīh, a-bōyīh
بی‌خبر	an-āgāh
بیختن	wēxtan
بی‌خطر	abē-wizend, a-sēǰ
بی‌خواب	a-xwamn
بید	wēd
بیداد	a-dād, a-dādestān
بیدادی	a-dādīh
بیدار	gubrāy, wigrād
بیدار شدن	wigrādan
بیدار کردن	guhrāyēnīdan
بیداری	wigrāsišn(īh)
بی‌درد	a-dard
بی‌دین	ǰud-ristag
بی‌دینی	duš-wurrōyišnīh, ērang(īh), ǰud-ristagīh
بیر	wīr
بی‌راه	a-band, abē-rāh
بی‌رحم	an-āmurzīd
بیرون	bē, bērōn
بیرون انداختن	ōgārdan
بیرون رفتن	abāz raftan
بیرون کشیدن (شیره)	āhanǰīdan=āhixtan, hunīdan
بیزانس	Hrōm
بیزانسی	Hrōmāyīg
بی‌زور	abādyāwand
بی‌زیان	abē-bēš, a-bēš, a-winast

بی‌سبب	abē-čim
بیست	wīst
بی‌سر	a-sar
بی‌سود	abē-sūd
بی‌سودی	abē-sūdīh
بیش (اقونیطون)	bīš
بیش (= درد)	bēš
بیش (= بیشتر)	frāy, freh, wēš
بیشترین	frahist
بی‌شمار	a-mar(ag), an-ōšmār, a-sāg
بیشه	razūr, wēšag
بیشه‌زار	wēšagestān
بیضه	gund
بیضوی	xāyag-dēs
بی‌علت	abē-čim
بی‌فایدگی	an-abēdānīh
بی‌فایده	agār, an-abēdān
بی‌فکر	a-menīdār
بی‌قابلیتی	an-abzārīh
بی‌قانونی	a-dādīh
بی‌قدرت	abādixšā(y)
بیکران	anagr
بی‌کفاره، (گناه)	anābuhlag
بی‌کناره	a-kanārag
بیگار	bēgār
بیگانه	anōdag, bēgānag, uzdehīg
بی‌گزند	a-bēš, abē-wizend, ǰud-bēš
بی‌گزندی	a-bēšīh
بی‌گله	abē-must
بی‌گمان	abē-gumān, a-gumān
بی‌گمانی	abē-gumānīh
بیگناه	a-wināh, abē-wināh
بیل	bīl

www.ketabz.com

بیم	bīm
بیمار	dardōmand, waštag, wēmār, xīndag
بیماری	wašt(ag)īh, wēmārīh, xīndagīh, yask
بیم داشتن	tarsīdan
بی‌مر	a-mar(ag), an-ōšmār, a-sāg
بی‌مرگ	a-hōš, a-marg, anōšag
بی‌مرگ مقدس	amahraspand
بی‌مرگی	a-hōšīh, a-margīh
بی‌مزه	abē-mizag
بی‌مسؤولیت	a-pursišnīg
بی‌مصرف	agār
بیمگین	bīmgēn, bīmōmand
بیمگینی	bīmgēnīh
بی‌مو (حیوان)	ambarag
بی‌میل	a-kāmagōmand
بین	andarag, mayān
بینا	wēnāg
بیناب	wēnāb
بینایی	wēnāgīh, wēnišn
بینش	wēnāgīh, wēnišn
بینش روحانی	mēnōg-wēnīh
بی‌نقص	bowandag, hangirdīg
بینوا	a-ganǰ
بینی	wēnīg
بی‌نیاز	abē-niyāz
بیور	bēwar
بیوگانی	wayōdagān
بیوه	wēwag
بیهوده	tuhīg
بی‌هوش	abē-ōš
بی‌هوشی	abē-ōšīh

« پ »

پا	pay, pāy, padištān
پا (واحد طول = دوازده اینچ)	pāy
پا برجا	stēnag
پاداش	dāsar, mizd, pādāšn
پادافراه	drōš, pādifrāh, pādofrāh
پادزهر	anōš, ǰud-bēš, pādofrāh
پادشاه	pādixšā(y), šahryār
پادشاه بد	duš-pādixšā(y)
پادشاه خوب	hu-pādixšā(y)
پادشاهی	pādixšā(y)īh
پادشاهی بد	duš-pādixšā(y)īh
پادشاهی خوب	hu-pādixšā(y)īh
پادیاب (مراسم تطهیر)	pādyāb
پارتی	pahlawīg
پارسا	dahm, kirbagīg
پارسی	pārsīg
پاره	bahrag, ǰād, ǰādag, kardag, pārag
پاره کردن	darrīdan, škāftan, wisistan
پازن	pāzan
پازند	pāzand
پاس	pās
پاسبان	pāsbān
پاسبانی	pāsbānīh
پاسخ	passox, (pāsox)
پاسخ دادن	paywāz-
پاس داشتن	pās dāštan
پاشنه	pāšnag
پاشیدن	rēxtan
پاک	abēzag, āsnūd(ag), pāk, yōǰdahr
پاکسازی	yōǰdahrgarīh
پاک کردن	wēxtan

www.ketabz.com

پاک‌کننده	yōǰdahrgar
پاکی	abēzagīh, pākīh, yōǰdahrīh
پاکیزه	pākīzag
پالوده (= خوردنی)	pālūdag
پالودن	pālūdan
پانزده	pānzdah
پایان	abdomīh, karān
پایتخت (شهر بزرگ)	šahrestān
پایداری	ēstišn, ōstīgānīh
پایمال کردن	ōspurdan, spurdan, wispurdan, xwastan
پایه	pāyag
پاییدن	pādan
پاییز	pādēz
پایین	azēr, ēr
پایین‌رفتگی	*ōgrā
پتیاره (در نجوم)	petyārag
پتک	pōtk
پختن	pōxtan
پخش کردن	pargandan
پدر	pid, pidar
پدیدار	čašmdīd, (pad) dīdar, paydāg, wēnābdāg, wēnišnīg
پذیرا	ayābag
پذیرش	padīrišn
پذیرفتن	padīriftan
پذیرفتنی	mehmān
پذیره	padīrag
پر	parr
پر / پره	parrag
پُر	purr, sagr
پراهوم	parāhōm
پراگندن	afšāndan, pargandan
پرتاب کردن	wistan
پرتو	tēx

پرجمعیت	ābād
پرچین	parzīn
پرداخت	mizd
پرداختن از...	pardaxtan az
پرداختن به....	pardāxtan ō
پردار	parragīg, parrwar
پرده	pardag
پرستار	paristār
پرستاری	dāyagānīh
پرستش	ēzišn, paristagīh, paristišn, yašt, yazišn
پرستو	paristōg/k
پرستیدن	paristīdan, yaštan
پرسرده	purr-sardag
پرسش	frašn, pursišn
پرسود	nīrmadōmand, sūd-abgār
پرسیدن	pursīdan
پرطاقت	pattūg
پرفرّه	purr-xwarrah
پرگست! (= مبادا!)	pargast!
پرماسیدن	*pahrmāh-
پرمرگ	purr-marg
پرند	piring
پرنده	way, wāyendag
پرندهٔ کوچک	murwīzag
پرنیان	parnagān
پرواری	parwāl
پرواز	parwāz, wāzišn
پرواز کردن	wāy-, wāzīdan
پروانگی	parwānagīh
پروانه	parwānag
پروردن	parwāl-, parwardan
پرورش	parwāl(išn), parwarišn
پرورش دادن	parwardan

www.ketabz.com

پروند	parwand
پرویز	abarwēz
پرویزی	abarwēzīh
پرهیختن	pahrēxtan
پرهیز	anābišn, pahrēz
پرهیزگار	ahlaw, ardā , ašō , frārōn
پرهیزگار (لقب ایزد سروش)	ahlā
پرهیزگاری	ahlawīh, ahlāyīh, ardāyīh, frārōnīh, huwaršt
پَری	parīg
پُری	purr-rawišnīh
پریشان	stō
پریشان شدن	šēb-
پریشانی	stōwīh, šēbišn, tangīh
پزاندن	pazzāftan=pazzāmēnīdan
پزشک	bizešk
پژوهش	wizōh(/yišn)
پژوهیدن	wizōstan
پس	ā , did, ēg, hād, pas
پس از	frāz az, pas az
پست (= پایین)	ēr, past
پست: در نجوم: حضیض	past
پِست (= آرد سرخ شده)	pist
پستان	pēstān, sēn(ag)
پسته	pistag
پستی	penīh
پسر	frazand, pus(ar)
پسند	passand(išn)
پسندیدن	passandīdan
پسندیدنی	passandišnīg
پسین	pasēn
پشت (= نسل)	āwādag, naft
پشت	pušt
پشتکار	pattūgīh

پشته	bār, puštag
پشتی	abestām=abestān, pušt
پشتیبان	puštībān
پشتیبانی	puštībānīh, zēnhār
پشم	pašm, warr
پشمین	pašmēn
پشنجیدن	paššinǰīdan
پشنگ	paššing
پشه	paxšag
پشیمان	abaxš, pašēmān
پشیمانی	abaxš, abaxšīh, pašēmānīh
پشیز	pišīz
پگاه	wizīhišn(īh)
پل	puhl
پلک	miǰ(ag)
پلکان	pillagān
پلنگ	palang
پلنگمشک = پلنگ	palang-mušk
پلید	gan(n)āg, wad
پلیدی	āhīdīh, nasruštīh, wadīh
پنام	padām
پناه	abestām=abestān, panāh, war
پنبه	pambag
پنبه‌ای	pambagēn
پنج	panǰ
پنجاه	panǰāh
پنجه	panǰag
پنجهٔ دزدیده (= پنج روز آخر سال)	duzīdag, gāhānīg
پنج روز پایانی اسفندماه و پنج روز افزودهٔ بعدی	frawardīgān
پند	pand
پنداشتن	pad (ēd) dāštan
پنهان	nihān
پنهان کردن	nihuftan, (abar) nihumbīdan

www.ketabz.com

پنیر	panīr
پودگی	pūdagīh
پوده	pūdag
پوریوتکیش	pōryōtkēš
پوریوتکیشی	pōryōtkēšīh
پوز/پوزه	pōz(ag)
پوزش	pōzišn
پوست	čarm, dawāl, pōst, tōz
پوست خام	čarm
پوست درخت	pōst, tōz
پوستین	pōstēn
پوشاندن	nihumbīdan=nihuftan
پوشش	čādur, pōšišn, wistar(ag)
پوشیدن	paymōxtan, pōšīdan
پوینده	pōyišnīg
پوییدن	pōy-
پهلو	pahlūg
پهلوان	ēr, gurd, wir, yal
پهلوانی	gurdīh
پهلوی	pahlawīg
پهن	frāx, pahn, wēhm
پهنا	pahnāy, wēhmīh
پی (= عصب)	pay
پی (= گام)	gām
پیِ (= پس از)	pay ī
پی افکندن	nišāstan
پیاده	payādag
پیاده (در بازی شترنج)	payādag
پیاده‌نظام	payg, payādag
پیاله	ǰām(ag), paygāl
پیاله‌ساز	*paygālgar
پیام‌آور	bayaspān
پیچیدن	pēčīdan

پیدا	čašmdīd, paydāg, wēnišnīg
پیدا شدن	paydāgīhistan
پیدایی	paydāgīh
پیدایش	bawišn
پیر	kahwan, pīr
پیراستن	ārāstan, payrāstan, wirāstan
پیرامون	pērāmōn
پیرایش	ārāyišn
پیرایه	payrāyag
پیرتر	meh
پیر نشدنی	a-zarmān
پیروز شدن	čērīhistan
پیروز	abarwēz, pērōz
پیروزگر	pērōzgar
پیروزگری	pērōzgarīh
پیروزی	abarwēzīh, pērōzīh,
پیروزی نهایی	frazām-pērōzīh
پیری	pīrīh, zarmān(īh), zarwān
پیس	pēs
پیس‌دار	pēs
پیش	anīg, handēmān, pēš
پیش‌آوردن	*frawārdan
پیشاب	mēšag, pēšyār
پیشانی	anīg, pēšānīg
پیش‌بردن	abgār-
پیش‌بین	murw-nīš
پیش‌پاره	pēš-pārag
پیشترین	pāhlom, pēšēnīg
پیشخدمت	paristag
پیشرفت	franāmišn
پیشرفت‌کردن	wālīdan
پیش‌بردن	franāftan
پیش‌رفتن	franaftan, (abāz) raftan

www.ketabz.com

پیشروی	wihēz(ag)
پیشروی کردن	wihēz-
پیش غذا	pēš-pārag
پیشکار	pēš-kār
پیشکش	pārag
پیشگاه	pēš-gāh
پیشگویی	kēdīgīh
پیشوا	pēšār, pēšōbāy
پیشوایی	parwānagīh, pēšōbāyīh
پیشوایی مذهبی	radīh
پیشه	pēšag, radag, rastag
پیشین	pēšēnīg
پیغام	paygām
پیغامبر	paygāmbar, waxšwar
پیغامبری	waxšwarīh
پیک	payg
پیکار	ǰang, nibard, pahikār, pahikafīšn
پیکر	nigārag, pahikar
پیگرد	pēšēmālīh
پیمان	mihr, pādixšīr, pašn, pašt(ag), paymān
پیمان بستن	padist (abar) burdan, padistādan
پیمان شکستن	[2]mihr druxtan
پیمان‌شکن	mihrōdruǰ=mihr-zan
پیمان‌شکنی	mihrōdruǰīh
پیمانه	paymānag
پیمودن	paymūdan
پیوستگی	hambandīh, hamīh
پیوستن	abyōxtan, paywastan
پیوسته	hamband, paywastag
پیوسته	ēw-kardag
پیوند	parwand
پیه	pīh

« ت »

ـ ت (ضمیر متصل، دوم شخص مفرد، حالت مفعولی و اضافی)	-(i)t
تا	az, tā , P. yad
تا (= یکی)	tāg
تاب آوردن	burdan, pattūdan, widār(ī)dan
تابان	brāzišnīg
تاب دادن	wēxtan
تابستان	hāmīn, tābestān
تابستانی	hāmīnīg
تابش	brāzišn, tābišn
تابوت	gāhūg
تابه	tābag
تابه (= به اندازهٔ)	frāz ō , kū
تابیدن	brāzīdan, tābīdan
تاختن	tāxtan=tāzēnīdan
تأخیر	spōz(išn)
تأخیر کردن	spōxtan
تأخیرکننده	spōzgār
تاج	abesar
تار	tār
تاریخچه	kārnāmag
تاریک	tārī/k, tērag
تاریکی	tārīg/kīh, tom
تازان	tazāg
تازاندن	tāxtan, tāzēnīdan
(تازش) اهریمن	ēbgat(īh)
تازه	sabz, zargōn
تازی	Tāzīg
تازیانه	ǎstar, tāzānag
تاس	tās
تا سرحد مرگ جنگیدن	anōš xwardan

www.ketabz.com

تافتن	tāftan=tābīdan
تالار بار	pēš-gāh
تاوان	tāwān
تأیید	passandišn
تأیید کردن	passandīdan
تب	tab, tabišn
تباه	ānāst, mūdag, tabāh
تباه شدن	tabāhīhistan
تباه کردن	wināhīdan
تباه نشدنی	a-pōhišn
تباهی	ānāstīh, tabāhīh, wany (b)ūdīh, wināhišn
تبرزد (گزانگبین)	tabarzad
تبعید	uzdehīgīh
تبعید شده	uzdehīg
تبعید کردن	pad dēbahr dāštan
تبنگو	tabangōg
تبهکار	anāg-kardār, anāg-kunišn
تبهکاری	dušīh
تپه	kōf
تجارت	pēšag, wahāg, wāzargānīh
تجاوز کردن از...	spōxtan
تجاوزگر	must-abarmānd
تجربه	kār-āgāhīh
تحت	ēr
تحریک کردن	hangēxtan, sārēnīdan
تحصیل	handōzišnīh
تحصیل علوم دینی	herbedestānīh
تحمّل	bārestānīh, bārišn, pattūgīh, sāxtārīh
تحمّل کردن	sāxtan, widārdan
تخت	bālēn-gāh, taxt, taxt-gāh, P. parwāngāh
تخته	taxtag
تخته (شترنج)	taxtag
تخریب	abesīhēnišn(īh), afsēnišn, hambāhišn

تخشا	tuxšāg
تخشاگی	tuxšāgīh
تخشیدن	tuxšīdan
تخصیص دادن	handāxtan
تخم	dān(ag), tōm, xāyag
تخم‌مرغی شکل	xāyag-dās
تخمه	čihr(ag), tōhmag
تخمین زدن	handāxtan, wahāg burdan
تدارک	passāzišn
تذرو	tadar(w)
تر	tarr, xwēd
ـ تر (پسوند سازندهٔ صفت تفضیلی)	-tar
تراز کردن	tarāzēnīdan
ترازو، (نجوم)	tarāzūg
تراشیدن	tāšīdan
تربیت	parwarišn
ترتیب	rāyišn, wirāyišn
ترتیب دادن	rāyēnīdan, wirāstan
ترجمان	targumān
ترجیح‌دادن	wizīdan
تردست	hu-dast, nēzūmān(īg)
ترس	āhr, *nihēb, sahm(gēnīh), škōh, tars
ترسا	tarsāg
ترساندن	pazdēnīdan
ترسناک	sahmgēn
ترسیدن	tarsīdan
ترش	tru(f)š
ترشح	paššinjišn
ترشح کردن	paššinjīdan
ترغیب	hāzišn
ترغیب کردن	hāxtan
ترقّی	frādahišnīh
تُرک	Turk

www.ketabz.com

targ	تَرک
abāz ēstādan az, hištan	تَرک کردن
bahrōmandīh, hambawišn(īh)	ترکیب
bahrōmandīh	ترکیب‌شدگی
hambūdan	ترکیب شدن
hambastan, hamēnīdan	ترکیب‌کردن
tar-menišn	ترمنش
tar-menišnīh	ترمنشی
tarrag	تره (سبزی)
gandanāg	تره‌فرنگی
xwēdīh	تری
pād-zahr	تریاق
abar-ōzīh	تسلّط
wīdwarīh	تسلّی
wīdwar	تسلیم‌شده در برابر تقدیر
tašt	تشت
šnāxtan	تشخیص‌دادن
āzādīh, spās	تشکّر
āzādīh guftan, āzādīh hangārdan, āzādīh kardan, pad āzādīh dāštan, spās dāštan, spās hangārdan	تشکّر کردن
tišn, tišnagīh	تشنگی
tišnag	تشنه
āsnūd(ag)	تصفیه شده
pālūdan, wēxtan	تصفیه کردن
wizīr	تصمیم
frāz griftan	تصمیم گرفتن
handēšīdan, hangārdan, menīdan, ōšmurdan, pad... dāštan	تصوّر کردن
pahikar	تصویر
nigār-	تصویر کردن
pālūdan, wēxtan	تصفیه کردن
pādyābīh	تطهیر
frawārdan	تعارف کردن
namāz burdan	تعظیم کردن

pazdēnīdan, tāxtan	تعقیب کردن
āfrāh	تعلیم
frahixtan, parwardan	تعلیم دادن
frēz, tāwān, pardāzišn	تعهّد
frēzbānīg, frēzwānīg	تعهّدآور
abāz dādan ō	تعیین کردن
parwāl(išn), parwarišn	تغذیه
parwāl-, parwardan	تغذیه کردن
jādag-wihīrīh, wardišn, wihīrišn	تغییر
wardēnīdan	تغییر دادن
waštan, wihīr-	تغییر کردن
a-wardišnīg	تغییرناپذیر
a-wardišnīgīh	تغییرناپذیری
jŭdāgīh	تفاوت
taftan	تفتن
garmōg, taftīg	تفته
wāzīg	تفریح
wāzīdan	تفریح کردن
zand	تفسیر
wizārdan	تفسیر کردن
abespurdan, gumārdan	تفویض کردن
zastan	تقاضا کردن
abēzagīh, pākīh, yōjdahrīh	تقدّس
bayō-baxt, brēhēnišn	تقدیر
brēhenāg, brīngar	تقدیرگو
yōjdahrgarīh	تقدیس
āgrift, māndag	تقصیر
tāg	تک
čandīdan, wizandīdan	تکان خوردن
wišān-	تکاندن
tar-menišnīh	تکبّر
namāz	تکریم
frazāmišn, hangirdīgīh	تکمیل

www.ketabz.com

تکوک (ظرف آشامیدنی)	takōk
تکوین	bawišn
تگ	tag
تگرگ	tagarg
تلخ	taxl
تلخی	taxlīh
تلف شده	tabāh, wany
تلوتلو خوردن	škarwīdan
تله	dām, talag
تم	tom
ـ تم (پسوند سازندهٔ صفت عالی)	-tom
تماس	*pahrmāhāgīh, pahrmāhišn
تمام	bowandag, spurrīg
تمام‌بودگی	bowandagīh
تمام کردن	hanzāftan
تمامی	bowandagīh, spurrīgīh
تملک	xwēšīh
تمیز	pāk
تمیزدادن	wizīdan
تن	kālbod, kirb, tan
تناسب	niyābagīh, passazagīh, sazāgīh, sazišn(īh)
تنافور (نام درجه‌ای از گناه)	*Tanapuhl
تنبک	tumbag
تنبل	aǰgahān, sust
تنبلی	aǰgahānīh, sustīh
تنبور	tambūr, tambūrag
تنبّه	petītīgīh
تنبیه کردن	āwēnīdan
تند	ray, tēz, tund
تندرست	drust, tan-drust
تندرستی	drōd, drustīh, tan-drustīh
تند رفتن	šēb-
تندرو (اسب و...)	*zibāl

تندی	tundīh
تنفرانگیز	gizistag
تُنُک	tanuk
تُنُک آب	tanuk
تنگ	tang
تنگی	tangīh
تنور	tanūr
تنه (درخت)	bun, ēwan, wan
تنها	ēwtāg, tāg, tanīhā
تنی	tanīg
تنیدن	tadan
تو	tō
تو (= لا)	*tōf
تواضع	tarsāgāhīh
توافق	āštīh
توأم	dō-gānag
توان	tuwān
توانا	kardagār, tuwānāg
توانایی	tuwānīgīh
توانایی پرداخت وام	ādānīh
توانستن	P. šah-
توانگر	hangad, rāyōmand, tuwāngar, was-xwāstag
توانگری	tuwāngarīh
توبه	pašēmānīh, petīt
توبه‌کار	pašēmān, petītīg
توبه‌کاری	pašēmānīh, petītīgīh
توبه‌ناکردگی	a-petītīgīh, an-abaxšāwandīh
توبه‌ناکرده	a-petītīg, an-abaxšāwand
توجه	nigāh, hangārišn
توجه الهی	bayō-baxt
توجه کردن	ōšmurdan
توختن (= جبران کردن)	tōxtan
تور	dām

www.ketabz.com

تور (یکی از دشمنان ایران) — Tūr
تورا — tō, - (i)t
توران — Tūrān
تورانی — Tūr
توره — tōrag
توز — tōz
توزیع کردن — baxtan, pargandan
توشه — tōšag
توضیح — wizār, zand
توضیح دادن — nigēxtan
توکل — wīdwarīh
تولید کردن — andar āwurdan
ته — bun, tah
تهدید — padist
تهم — tahm
تهی — tuhīg
تهییج کردن — hangēxtan
تهیکی — tuhīgīh
تهیه کردن — abgār-
تیر — tigr
تیر (نام ایزد) — Tīr
تیر: گاه‌نما: نام چهارمین ماه سال و سیزدهمین روز ماه — tīr
تیر: در نجوم: عطارد — tīr
تیر سقف — frasp
تیرگی — sāyag
تیره — tērag
تیز — tēx, tēz
تیزی — tēzīh
تیشتر: در نجوم: شعرای یمانی — Tištar
تیغ — awestarag
تیغ (= پرتو) — tēx
تیغ شانه (= استخوان شانه) — frēg, šānag
تیغ گیاه — siyā(h)īzag

تیره‌رنگ — dabr
تیمار — tēmār
تیهو — *tīhōg

« ث »

ثروت — ādān(īh), grāmag, hangadīh, tuwāngarīh, xwāstag
ثروتمند — ādān, was-xwāstag, xwāstagōmand, hangad
ثواب — kirbag

« ج »

جا — gāh, gyāg, mānišn, nišēm
جاپا — pay
جادادن — passāxtan
جادار — frāx
جادو — ǰādūg, kundāgīh
جادوگر — ǰādūg, kēd, kundāg
جادوگری — ǰādūgīh
جادویی — ǰādūgīh
جاده — rāh
جاروب — gyāg-rōb
جاری — rawāg, tazāg
جاری شدن — āšixtan, rēxtan, tāxtan
جام — ǰām(ag)
جام (= شیشه) — ǰām
جامه — ǰāmag, kabāh, paymōg, paymōzan, warr, wastar(ag)
جاندار — gyānwar, uštānōmand
جان سپار — gyān-abespār
جانشین — gōhrīg
جان کندن — gyān kandan

www.ketabz.com

جانور	gyānwar, zāyišnīg
جاودانه	ǰāwēdānag
جاوید	dagrand-xwadāy, hamēīg, ǰāwēd
جاویدان	ǰāwēdān, hamēīgīhā, P. yāwēd(ān),
جای وقفی	dād-gāh
جایگاه	nišēm
جایگاه آتش	ādišt
جای مجزا برای زنان قاعده	daštānestān
جبران کردن	tōxtan
جبران‌ناپذیر (گناه)	anābuhlag
جد	niyāg
جدا	ǰud(āg)
جدا از	frāz az, ǰud az
جدا شدن	wizīhīdan
جدا کردن	wēxtan, wisāndan, wiškīdan, wizārdan
جدایی	ǰudāgīh, wisānišn(īh), wiškin(n)išn, wizār, wizīhišn(īh)
جدنای (واحد طول = شش پا)	ǰud-nāy
جرأت کردن	ayārīdan
جرم	āgrift, wināh
جریان	rawāgīh, tazišnīh
جریب (پیمانه اندازه‌گیری خشکبار)	grīw
جریب (واحد اندازه‌گیری سطح)	grīw
جزئی	xwurdag
جزئیات	gōkān
جزر	ōgār
جزیه	gazīdag
جستجو کردن	xwāstan
جستن	ǰastan
جسد	nasā, ristag
جسمانی	astōmand, astwand, kālbodōmand, tanīgard(īg), tanōmand
جسمی	tanīg
جشن (عروسی)	ǰašn, wayōdagān
جشن گرفتن	yaštan

جعبه	kēwūd, tabangōg
جغ (درخت)	ǰaγ
جغد	būm
جگر	ǰagar
جفت	ǰuxt, ^{2}tā
جفت کردن	āyōxtan
جفت گیری	marzišn(īh), māyišn
جفت‌گیری کردن	marzīdan
جلب کردن	xwāstan
جلا دادن	abrōxtan
جلو	frāz
جلوگیری کردن از...	abāz dāštan, griftan, padīrān(ēn)īdan
جماع	marzišn(īh)
جماعت	gund
جمجمه	mastarg
جمع‌آوری	činišn
جمع شدن	(ō) gird āmadan
جمع کردن	gird kardan, ō ham kardan, harrōb-, P. amwaštan
جنباندن	ǰumbēnīdan
جنبانیده شدن	ǰumbīhistan
جنبش	ǰumbāgīh, ǰumbišn, rawišn
جنبیدن	ǰumbīdan
جنگ	ardīg, hamrănīh, ǰang, nibard, P. pādrazm
جنگجو	ardīkkar, ēraxtār, kārīg
جنگجوئی	ardīkkarīh
جنگل	wēšag
جنگلی	wēšagīg
جنگیدن	āyōzīdan, ēraxtan, nibardīdan, pahikāftan, pahikār-, P. rān-
جنوب	nēm-rōz, rapihwin
جنوبی	rapihwintar
جو	ǰaw
جَو	andarwāy, spāš, way
جواب	frāx

www.ketabz.com

جواب دادن	paywāz
جوان	ǰuwān, kawādak, keh, kōdak
جوان(تر)	keh(tar)
جوانه	spīg
جوانه‌زدگی	spīzišn
جوانه‌زدن	spīz-
جوانی	ǰuwān, ǰuwānīh
جواهر	gōhr(ag)
جوجه‌تیغی	xār-pušt
جوز	gōz
جوزهر (در نجوم)	Gōzihr
جوش‌آمدن	ayārdīdan
جوشاندن	ayārdēnīdan
جوشش	ayārdēnišn
جوشیدن	ayārdēnīdan
جوهر (= ذات)	gōhr(ag)
جوی	ǰō(y)
جوّی	andarwāyīg
جویدن	ǰudan
جویدن (عمل)	ǰōyišn
جوین	ǰawēn
جه	ǰeh
جهان	axw(ān), gēhān
جهان آن سوی ایران	anērān
جهانی	gēhānīg, gētīg(īg)
جهت	ālag, bahr(ag), nēmag, rōn, sōg, sraxtag
جهشیار	ǰahišn-ayār
جهشیاری	ǰahišn-ayārīh
جهود	ǰahūd

«چ»

چابک	čābuk, *marčābuk, tagīg

چابکی	čābukīh, *marčābukīh
چادر	čādur, mašk, wiyān
چاره	čār(ag)
چاره‌گری	čāraggarīh
چاشت	čāšt
چاشتی	čāšnīg
چاق	frabīh
چالاک	šēbāg
چاه	čāh
چپ (دست)	hōy(ag)
چرا؟	čē rāy, čim(rāy)
چرا	čarag
چراغ	čirāγ
چراغانی	abrōzišn(īh)
چراگاه	čarag, wāstar
چرب	čarb
چربی	čarbīh, čarbišn, pih
چرخ	čaxrag
چرخاندن	wēxtan
چرخشت	karāwuš
چرخیدن	wēxtan
چرز (نام پرنده)	čarz
چرم	čarm
چسبنده	dōsēn
چُست	čābuk, šēbāg
چشائی (حس)	čaxšāgīh, mizagdārīh
چشم	čašm, dōysar
چشم (بد)	aš, duǰ-dōysarīh
چشم بر سینه	war-čašm
چشم بر هم زنی	mēzišn
چشمک	mēzišn
چشمه	čašmag, xān(īg), zahābag
چکاد	čagād

www.ketabz.com

چکامه	čēgāmag
چکاوک	čakōk
چکش	cakuč
چکیده (= خلاصه)	hangirdīg(īh)
چگر	čagar
چگونگی	čē-ēwēnagīh, čēīh
چگونه	čē-ēwēnag, čiyōn
چلپاسه	karbāš, karbunag
چلنگر	čēlāngar
چماق	gad, warz
چمیدن	ăxrāmīdan
چنار	činār
چنانکه	čiyōn ka
چنبر	čambar
چند	and, čand
چندش	čandišn
چندی	čandīh
چنگ	čang, kennār
چنگال	srū
چنگ‌سرای	čang-srāy, kennār-srāy
چنین	ēdōn, hamgōnag, ōh, ōwōn
چوب	čōb, dār
چوب باز	dār-wāzīg
چوب خمیده چوگان	čaw(ba)gān
چوبه	čōbag
چوبین	dārēn
چوپان	pānăg
چوگان	*čaw(ba)gān
چون	čē , čiyōn, ka, ǒwōn
چونکه	ēd rāy čē
چونی	čiyōnīh
چه؟	čē , kadām
چه اندازه؟	čand

چهار	čahār
چهارپای	čahār-pāy
چهارپای (کوچک)	gōspand
چهارپای (بزرگ)	stōr
چهارده	čahārdah
چهارم	tasum
چهر	čihr
چهرشناسی	čihr-šnāsīh
چه کسی؟	kē
چهل	čehel
چه وقت؟	kay?
چیدن	čīdan
چیره	čēr
چیره شدن	čērīhistan
چیری	čērīh
چیز	čiš, kard, tis, xīr
چیستی	čēīh
چینود پل	čēh-widarag, činwad-puhl
چینه	činag

« ح »

حادث شدن	ǰastan
حاصل	bar
حاصل برداشتن	drūdan
حافظ نام پدر	nām-burdār
حاکم	šahryār
حاکم نواحی در ایران باستان	šasab
حالت فحلی حیوان مؤنث	wardag
حالت مادّی داشتن	astōmandīh, tanōmandīh
حامل	burdār
حامله	zahagōmand

www.ketabz.com

حامی	pānāg, panāh, puštībān
حایل	magind
حجاب	pardag
حد	wimand
حد توانائی	tuwān-sāmān
حداقل	(pad) kamistīh
حرارت	garmāg, garmīh
حرص	āz, āz-kāmagīh, āzwarīh, ruzdīh, waranīgīh
حرف زدن	P. wāxtan
حرکت	čandišn, ēwarz, ǰumbišn, rawišn, wihēz(ag)
حرکت دادن	wāzīdan
حرکت کردن	ēwarzīdan, raftan, wazīdan, wihēz-
حرکت کردن (اهریمنی)	dwārīdan/dwāristan
حریص	āz-kāmag, āzwar, ruzd, waranīg
حریف	hambadīg, hambāy, hambedīg, hamēmāl, hamēstār
حس	bōy, sōhišn, šnāsag
حساب	hangārag
حساب کردن	āmār-, hangārdan, ōšmurdan
حسادت	duš-čašmīh
حساس	mārāg, sōhišnīg
حسد	arešk, čašm-areškīh
حس کردن	mārdan
حسود	areškēn, čašm-arešk
حشر	gāl
حشرهٔ زیانکار	xrafstar
حشم	gāl
حصار	awāhan, parwand, parwast, war
حضور	handēmānīh
حضیض	nišāyišn, past
حفره	gabr
حفظ	dārišn
حفظ کردن	dāštan, zēnēnīdan
حکم	handarz

حکومت	šahryārīh
حل شدن	widāzīhistan
حلقه	čambar, čaxrag
حل کردن	widāxtan
حماقت	duš-āgāhīh, halagīh
حمایت	pānagīh, panāhīh, pušt, puštībān, zēnhār
حمایت کردن	pādan, pahrēxtan, srāyīdan
حمل کردن	burdan, widārdan
حمل کردن بر...	abāz dādan ō
حمل کننده	burdār
حمله	hēnīh, pahikafišn, tag
حمله بردن	pahikaftan, tag kardan abar/ō
حوض	šādurwān
حومه	parwār
حیا	nang
حیات بخش	zīndakkar
حیات بخشیدن	zīwenīdan
حیاتی	gyānīg
حیله	frēb
حیوان اهلی	dām
حیوان تندرو	zībāl
حیوان موی ریخته	anbarag
حیوان موذی	xrafstar
حیوان وحشی	dad

«خ»

خار	xār
خارپشت	hukar(ag), xār-pušt, zūzag
خارج شدن	uzīdan
خارجی	anōdagīg, uzdehīg
خاردار	xārōmand

www.ketabz.com

خاص	ēwāzīg, wāspuhragān
خاصیت	ǰadag, *ǰadišn
خاطر	warm, wārom
خاک	xāk
خاکستر	ādurestar
خاکستری	ādurestarēn
خاکی	zamīgīg
خالدار	parš
خالص	a-gumēg
خالی از	pargūd
خام	xām
خاموش	tušt, xāmōš
خاموش شدن	(a)zruftan
خاموش کردن	afsārdan
خامیز	xāmīz
خان	xān
خاندان	tōhm(ag)
خانواده	nāf
خان و مان	xān ud mān
خانه	kadag, mān(d), srāy, xān(ag)
خانه اصلی	bun-kadag
خانه دیوان	gilistag
خانه ماه (در نجوم)	xwurdag
خانه یا کوشکی که اطراف آن باز باشد	frawār
خایه (= تخم)	xāyag
خبر	*niwēyišn(īh)
خبردادن	niwistan, niwēyēnīdan
خبزدو	pazūg
خدا	abargar, xwadāy, yazad
خداوند	axw
خدای ناکرده	pargast
خدایوار	xwadāywār
خدمت	paristagīh, paristišn

خدمت ایزدان	kardagān
خدمتکار	kard-espās
خدمت کردن	paristīdan
خر	xar
خراب	ānāst(ag), awērān, awērag, mūdag, tabāh, winastag, wišōbišnīg
خراب شدن	abesīhīdan, hambastan
خراب کردن	wimuštan, wināhīdan
خراب نشدنی	an-afsēnišn
خرابی	abesīhišn(īh), afsēnišn, ānāstīh, tabāhīh, wany (b)ūdīh, wišōbišn
خراج	harg, sāk
خراسان (= مشرق)	xwarāsān
خراشیدن	randīdan
خرامیدن	ā̆xrāmīdan
خربز	xar-buz
خرچنگ	*karzang
خرچنگ: در نجوم: برج سرطان	*karzang
خرجین	bār-ǰāmag, paywāsag
خرد	dānāgīh, xrad
خُرد	xwurd
خرداد (= کمال): نام پنجمین امشاسپند و نگهبان آب	Hordād
خرداد: گاه نما: نام سومین ماه سال و ششمین روز ماه	Hordād
خُردتر	kam/kem
خرد فطری	āsn xrad
خُرد کردن	afšurdan, kōftan
خردل	spandān
خردمند	dānāg, xradīg, xradōmand
خُرده	xwurdag
خرس	xirs
خرسند	abē-must, hunsand, hušnūd, widwar
خرسندی	hunsandīh, hušnūdīh, šnōmag, šnōhr, wīdwarīh
خرگوش	xargōš
خرگوش صحرائی	sahōg
خرم	huram

www.ketabz.com

خرما	xormā
خرمی	huramīh
خروج	uzēnag
خروس	xrōs
خروشیدن	xrōšīdan
خروهک	xrōhak
خریدن	xrīdan
خز	xaz
خزانه‌دار	gāhbed
خسارت	zyān
خستن	xastan , xwastan
خستو	āstawān , xwastūg
خستوئی	xwastūgīh
خسته	māndag
خسیس	pen
خشت	xišt
خشک	hušk
خشکاندن	hōšēnīdan
خشکیدن	hōšīdan
خشم	āhr , dēbahr , xěšm
خشمگین	xěšmēn
خشن	xašēn
خشن	stabr , sturg , tund
خشنود	farrox , hunsand , hušnūd(ag) , *wīdwar
خشنود کردن	šnāyēnīdan
خشنودی	hunsandīh , hušnūdīh , šnāyēnišn , šnūman , urwāzišn , wīdwarīh
خشونت	tundīh
خصومت	dušmenādīh
خط	kiš
خطا	ērang(īh)
خطاکار	kastār
خطاکاری	kastārīh
خطر	sēǰ

خطرناک	sēǰōmand
خط خط	pēs
خطیب	hanǰamanīg
خفاش	*šawāg
خفتن	xuftan
خُل (آتش)	xwarg
خل	harzag
خلاء	tuhīgīh
خلاصه	hangirdīg(īh)
خلاصه کردن	hangirdēnīdan
خلوص	a-gumēgīh
خُم	xumb
خماهن	xwēn-āhan
خمسه	panǰag
خمیده	waxr , xwahl
خمیره	gōhr
خندیدن	xandīdan
خنک	xunak
خنکسازی	afsārišn
خنیاگر	huniyāgar
خواب	būšāsp; xwāb , xwamn
خوابگزار	xwamn-wizār
خوابیدن	nibastan , sayistan
خوابیده	nibēm
خوار	pen , xwār
خوارشمردن	tar kardan , tar menīdan
خواربار	xwār-bār
خواستن	abāyistan , kāmistan , xwāstan , zastan
خواسته	xwāstag
خوان	xwān
خواندن	xrōstan , xwāndan
خواهر	xwāh , xwāhar
خواهش	xwāhišn

www.ketabz.com

خوب	hudā(ha)g, nēw, weh, xūb; hu-, huīh; P. naxšag
خوب رُسته	hu-rust
خوب رمه	hu-ramag
خوب کردار	hu-kunišn
خوبی	huīh, nēk-gōhrīh, wehīh, xūbīh
خودپسند	abar-menišn, abar-tan
خودپسندی	abar-tanīh
خودخواه	xwad-dōšag
خودخواهی	xwad-dōšagīh
خودسر	wastār, tar-menišn
خودسری	wastārīh, tar-menišnīh
خودکامه	kāmag-widār, kāmag-xwadāy, kām-zī(w)išn
خودی	xwadīh
خور	mihr, xwar
خور:گاه‌نما: نام یازدهمین روز ماه	Xwar
خور (نام درجه‌ای ازگناه)	Xwar
خوراک	čāštag, pīh, xwār, xwardīg, xwarišnīh
خوراک روزانه	rōzīg
خوراک غیراصلی	āmiz
خوراندن	xwārēn-
خوردن	xwardan
خوردنی	xwārēn, xwarišnīg
خوردنی (شرعی)	xwardār
خوردی	xwardīg
خورش	xwarišn(īh)
خورشید	mihr, xwar(x)šēd
خوش	xwaš
خوش‌آوازه	husraw
خوشا!	xunak!
خوشایند	hu-dōšag
خوشبخت	farrox, ǰahišn-ayār, xwarrahōmand
خوشبخت کردن	pādēxēnīdan
خوشبختی	ābādīh, farroxīh, ǰahišn-ayārīh, xwā(h)rīh, xwarrah

خوشبو	hu-bōy
خوش ترکیب	*wimēhgēn
خوشحالی	urwāzišn
خوشحالی کردن	urwāzistan
خوش خیم	hu-xēm
خوش خیمی	hu-xēmīh
خوش خو	hu-xēm
خوش‌گفتار	hu-ēwāz, hu-gōwišn
خوشگوار	hu-gugār
خوشه	hōšag
خوشه: در نجوم: برج سنبله	hōšag
خوشی	rāmišn, urwāhm(an)īh, xwašīh
خوشی دادن	rāmēnīdan
خوشیدن	hōšīdan
خوک	hug
خوکره	hukar(ag)
خون	xōn
خونیره	Xwanirah
خونین‌نیزه	*ul-drafš, xurdruš
خوی	menišn, ragīh, xōg
خوی (= عرق)	xwēy
خوی‌خوش	hu-xēmīh
خوید	xwēd
خویدی	xwēdīh
خوی ریختن	xwistan
خویش	xwēš
خویشاوند	ham-tōhmag, xwēšāwand
خویشاوند (ناتنی)	*brādarōd
خویشاوند نزدیک	nabāzazdišt
خویشاوندی	brādarōdīh
خویشی	xwēšīh
خویدوده	xwēdōdah
خیاط	darzīh

www.ketabz.com

خیر	nē
خیرات	ahlaw-dād
خیری (نام گل)	hērīg
خیش	ēš
خیک	xīg
خیم	xēm , xōg
خیمه	kōšk , mašk , mašk-abarzēn
خیمه‌گاه	bunag
خیو	xayūg

« د »

داد	dād , dādestān
دادار	dādār
داداری	dādārīh
دادن	dādan
ـ دار (پسوند)	-bān , -dān , -dār
دار	dār
دار آویختگی	dārgardīh
دارا بودن	parwastan
دارای بینش روحانی	mēnōg-wēn
دارای پادشاهی طولانی	dagrand-xwadāy
دارای تخمه چهارپایان	gōspand-čihrag
دارای دین خوب	hu-dēn
دارای رد	radōmand
دارای رمه خوب	hu-ramag
دارای زندگی	zī(w)išnōmand
دارای قدرت اعجاز	warzāwand
دارایی	grāmag , hangadīh
دارباز	dār-wāzīg
دارو	darmān , dārūg
داس	dās

داستان	afsān
داشتن	dāštan
داغ	garm
داغ	drōš
داغ کردن	dazīdan
داغ زدن	drōšīdan
دالمن	dālman
دام	dām , talag
دام (حیوان اهلی)	dām
داماد	dāmād
دامادی	dāmādīh
ـ دان (پسوند)	-dān
دانا	dānāg , frazānag
دانائی	dānāgīh , frazānagīh
دانستن	dānistan , uzwārdan
دانش	dānišn
دانش‌آموز	hašāgird , hāwišt
دانشمند	dānišnōmand
دانه	čīnag , dān(ag) , ǰōrdā
دانه تسبیح	muhrag
داور	dādwar , mayānǰīg
داوری	dādestān , dādwarīh , handāzišn , wizīr
داوری دروغ	drō-dādwarīh
داوری کردن	handāxtan
دایره	girdag
دایگی	dāyagānīh
دایه	dāyag
دبیر	dibīr
دبیری	dibīrīh
دخت	duxt
دختر	duxtar
دخمه	daxmag
دد (حیوان وحشی)	dad

www.ketabz.com

ددیگر	dudīgar
در	dar
در (حرف اضافه)	ō , pad
درآمد	windišn
درآوردن	kēšīdan
دراج	pōr
دراز	dagr , dagrand , drāz
درازا	dra(h)nāy
دراز کشیدن	nibastan
دراز کشیده	nibēm
درای	P.darāγ
درباری	wāspuhragān
در برابر	padīrag
دربرداشتن	parwastan
دربر کردن	paymōxtan , pōšīdan
درجه (از کمان)	suš
در حال نزع	purr-gāh
در حالیکه	[1]tā
در حضور	handēmān
درخت	dār , draxt , wan
درخت بسیار تخمه	wan ī was-tōhmag
درخت پسته	wan ī gurgānīh
درخت نو نشانده	nihāl
درخشان	šēd , rōšn , P. nisāg
درخشندگی	bām , brāh , brāzišn , spīg , spīzišn
درخشنده	bāmīg , brāzišnīg
درخشیدن	brāzīdan , drafšīdan , frōgīhistan , spīz- , tābīdan=tāftan
درخواست کردن	pahikārdan
درخور	abāyišnīg , niyābag , passazag , sazāg
درخور بودن	saz-
درخور پهلوان	ērwār , gurdwār
درخور مرگ	marg-arzān
درد	bēš , dard , pīm , rēškēnīh

دردناک	rēškēn
دردمند	dardōmand
درز	darz
درزی	darzīg
درست	drust
درست‌اندیشی	bowandag menišnīh
درست به نظر رسیدن	sahistan
درستکار	ahlaw , ardā , frārōn
درستکاری	ardāyīh , frārōnīh
درستی	drustīh
درشت	društ
درشت‌آواز	društ-āwāz , društ-ēwāz
درشتی	društīh
درشکه	wardyūn
در ظرف	[1]tā
درغیر این صورت	bē... enyā... nē
درفش	drafš
درک	bōy , mārišn , sōhišn
درک کردن	mārdan
درگاه	dargāh
درمان	bešāz , darmān , dārūg
درماندگی	an-ādānīh
درمانده	an-ādān
درمان کردن	bēšāz(ēn)-
درمنه	dramanag
درمیان گرفتن	parwastan
درنگ	drang
دروازه	darband
درود فرستادن	ēr-kaš
درودگر	durgar
درودن	drūdan
دروغ	drō , mih , mihōxt , zūr
دروغزن	drōzan

www.ketabz.com

دروغ گفتن	druxtan
دروغگو	drōzan, mihr-drōz=mihrōdruǰ
دروغگویی	mihōxt
درو کردن	drūdan
درون (نان مقدس)	drōn
درون	andarōn
درّه	grīwag
دَرهم	āhīd
دِرهم	drahm
دَرهم بافتن	pēčīdan
درهمی	āhīdīh
دریا	drayā(b), zrēh
دریابار	drayā(b)bār
دریابنده	mārāg, mārišnōmand
دریاچه	war, zrēh
دریافتن	abar madan
دریدن	darrīdan
دزد	duz(d), gēg, rāh-dār
دزدی	appar(išn), duz(d)īh
دزدیده	duzīdag, truftag
دزدیدن	appurdan, duzīdan
دژ	āwahan, diz, drubušt
دژکام	duš-kām
دست	dast, panǰag
دست (اهریمنی)	gaw
دست به سینه	ēr-kaš
دستپناه (بخشی از زره)	abdast
دست چپ	hōy(ag)
دست راست	dašn, dašnag
دست‌شوئی	čamišn
دستگرد	dast(a)gird
دستگیر	dast-gīr
دستگیر شده	dast-gīr, griftār

دستور	dastwar
دستور	framān, framāyišn
دستوردادن	framūdan, win(n)ārdan
دسته	dastag, grōh, hōšag
دستیار	dastyār
دستیاری	dastyārīh
دُش ـ (پیشوند)	duǰ-, duš-
دشت	dašt, rāγ
دشتان	daštān
دشتانگاه	daštānestān
دشتان‌ماه	daštān-māh
دشمن	bēš-burdār, dušmen, hambasān
دشمنانه	hambasānīg
دشمنی	an-āštīh, bēš, dušmenīh, dušmenādīh
دشمنی‌کردن	bēš burdan
دشنام	duš-nām, wad-wāzag
دشنام دادن	tar kardan, tar menīdan
دشنه	čēlān, dašnag
دشوار	duš-kar, duš-(x)wār, garān
دشواری	duš(x)wārīh
دعا	namāz, yašt
دعا خواندن	wāz griftan
دعای خیر خواندن	āfrīdan
دعای پیش از غذا	wāz
دفاع	pahrēz, pāsbānīh
دفاع (قانونی)	pasēmālīh
دفاعی	drubušt, nigāstār
دفتر	daftar
دفتر محاسبه	daftar
دفع	pazdagīh
دفع کردن	ōgārdan, rīdan
دفعه	bār
دقیق	bārīg/k

www.ketabz.com

دگرگونی	ǰādag-wihīrīh, wardišn
دل	dil
دلجو	hu-ēwāz
دلجوئی	hu-ēwāzīh
دل سوختن	āmurzīdan
دلسوز	abaxšāyišnīg
دلو	dōl, hēzag
دلو: در نجوم: برج دلو	dōl
دلیر	arwand, dilēr, nēw
دلیری	arwandīh
دُم	dum(b)
دَم	damišn, wād, wēn
دُمدار	dum(b)ōmand
دَمیدن	daftan, (damīdan), nāy-pazd, pazd-
دنبال	pas, pay ī
دندان	dād, dandān
دو	dō
دوازده	dwāzdah
دوال	dawāl
دوام	a-sazišnīgīh, ēstišn
دوام آوردن	pattūdan, (pattāyistan)
دوباره	bid, did
دوباره ترتیب دادن	abāz wirāstan
دوپا	dō-pāy
دوپیکر: در نجوم: برج جوزا	dō-pahikar
دوتا	ǰuxt
دوجهانی	dō-axwānīg
دوختن	dōxtan
دود	dūd
دوده	dūdag, tōhmag
دور	dūr
دوران جهان مادی	gumēzagīh
دورتر	parrōn

دورترین	bēdom
دور کردن	ānāftan, franāftan
دوروئی	*pa(č)čībāgīh
دوره	drang, wihēz(ag), paymān(ag)
دوری	ānābišn, franāmišn
دوری کردن	pahrēxtan
دوزخ	dušox, dwārišn
دوزخی	dušoxīg
دوست	ayār, dōst, *ērmān, hamāl
دوست داشتن	dōšīdan
دوستی	ayārīh, dōstīh, dōšišn, ērmānīh, mihr
دوسخنه	dō-saxwan
دوش	dōš
دوش	dōš, suft
دوشاخه	šānag
دوشیدن	dōxtan=dōšīdan
دوشیزگی	dōšīzagīh
دوشیزه	dōšīzag, kanīg, kanīzag
دوک	dōk
دوگانه	dō-gānag
ـ دوم (در اعداد مرکب)	dōwom
دوم	didom, dudīgar
دونده	pōyišnīg
دویدن	dawīdan, (dawistan), pōy-, taxtan, (tazīdan)
دویدن (اهریمنی)	dwārīdan, (dwāristan)
دِه	deh, wis
دَه	dah
دهان	dahān
دهبد	dahibed
دهش	dahišn
دهقان	dahigān, (dehgān)
دهلیز	dahliz
دهم	dahom

www.ketabz.com

دهنه	ēwān, padisār
ده هزار	bēwar
دی: نام دهمین ماه سال و هشتمین، پانزدهمین و بیست و سومین روز ماه	Day
دی	dīg
دیبا	dēbāg
دید	wēnāb
دیدار	dīdār
دیدن	dīdan, nīš-
دیدنی	dīdār
دیده	dīdag
دیر	dagr
دیرپا	dagr-pattāy
دیرزمان	dagr-zamān
دیرزی	dagr-zī(w)išn
دیرک	frasp, nāy, stūn(ag)
دیرنده	dagrand
دیروز	dīg
دیس	dēs(ag)
دیشب	dōš
دیگ	dēg
دیگر	abārīg, any, did
دین	dēn
دین: نام روز بیست و چهارم ماه	Dēn
دینار	dēnār
دین زردشتی	weh dēn
دینی	dēnīg
دینی غیر از دین زردشتی داشتن	ag-dēnīh
دیو	dēw, druz
دیوار	dēwār, parisp
دیوان (مجموعه نوشته‌ها)	dēwān
دیوانگی	halagīh
دیوانه	dēwānag
دیو بزرگ	māzandar

دیو پرستی	dēw-ēsnīh, dēw-ēzagīh
دیو خشم	xēšm
دیوک	dēwōk
دیو مازنی	māzanīg
دیوی	dēwānag
دیویسنی	dēw-ēsnīh, dēw-ēzagīh
دیه	puhl

«ذ»

ذاتی	gōhrīg
ذراع	frārāst
ذهن	wārom, wīr

«ر»

رئیس	framādār
رئیس (اهریمنی)	kamālīg
رئیس پزشکان	drustabed
رئیس تشریفات	darīgbed
راجع به	andar
راحت	āsān
راحتی	āsāyišn, rāmišn
راد	rād
رادی	rādīh
راز	rāz
رازیگر	rāz-kirrōg
راسپی	rāspīg
راست	rāst, wābarīgān, wizurd
راستی	rāstīh, wābar, wizurdīh
راسو	rasūg

www.ketabz.com

راضی	abe-must
راغ	rāγ
راکد	hammist
رام (آرامش)	rām
رام: گاه‌نما: نام بیست و یکمین روز ماه	Rām
رامشگر	huniyāgar
ران	haxt, rān
راندن	wāzīdan
راه	hangōšīdag, pand, rāh, ristag, widarag
راهدار	rāh-dār
راهزن	rāh-dār
راهزنی	rāh-dārīh
راهنما	rāh-nimāy
راهنمائی کردن	hāxtan, nimūdan
رایج	rawāg
رایحه	bōy
رایزن دربار	dar-handarzbed
رایزنی کردن	pahikārdan
رباخوار	waxšgar
رباینده	apparag
ربودن	rubūdan
رتبه	mar
رَحِم	aškamb(ag), aškom(b), burdār, gabr, grāb, pusyān, uruspar
رحم	abaxšāyišn
رحم کردن	abaxšāyīdan, āmurzīdan
رحیم	abaxšāyišnīg
رخ (در بازی شترنج)	rox
رختشوی	gāzar
رد	nakkīrāyīh, spōzišn
رد (= سرور)	rad
ردپا	pay
رد کردن	ānāftan, spōxtan
ردکننده	nakkīrā

رده	radag, rastag
ردی (مقام)	radīh
ردیف	radag
رز (گل)	gul
رَز	raz
رزم	ǰang, razm
رزمگاه	razm-gāh
رسالت	aštagīh
رسانیدن	rasēnīdan
رستاخیز	rist-āxēz
رستگار	bōxtag
رستگار شدن	bōxtan, wizārdan
رستگاری	bōxtagīh, bōxtārīh, bōzišn, wizārišn
رَستن	rastan
رُستن	rustan
رُستنی	ārōyišnīg
رَسته	pēšag, radag, rastag
رسم	dastwarīh
رسن	arwēs, rasan, rištag
رسوا	an-āzarm
رسوایی	an-āzarmīh
رسول	aštag
رسیدگی (میوه)	pazzāmišn
رسیدگی کردن	wizōstan
رسیدن	(abar) rasīdan
رسیدن (میوه)	pazzām-
رسیدن به...	abar rasīdan (ō), ayāftan
رسیدن بر سر...	abar rasīdan
رشته	rištag
رشد	abzōn, abzāyišn, rōyišn, waxšišn
رشد دادن	abzūdan, waxšīdan
رشک	arcšk
رشک برنده	areškēn

www.ketabz.com

رشن (ایزد عدالت)	Rašn
رشن: گاه نما: نام هجدهمین روز ماه	Rašn
رشوه	pārag
رضایت	hupassandagīh, sahišn, šnōmag
رضایت خاطر	huniyāgīh
رعد	γarrānag, wīr
رفتار	barišn, rawišnīh, warišn
رفتار خوب	ērīh
رفتن	franāftan, raftan, šudan
رُفتن	muštan, rōb-
رفیق	hamāl
رقابت	*brādarōdīh
رقیب	*brādarōd
رکن	stūn(ag)
رگ	ragag=rag
رمه	ram(ag)
رنج	ranǰ, handraxtagīh
رنجانیدن	ranǰēnīdan
رنجور	ranǰwar
رنجوری	rēškēnīh
رنجه	ranǰag
رنده کردن	randīdan
رنگ	gōn, rang
رنگ کردن	pēsīdan, raštan
رواج	rawāgīh
رواج دادن	franāftan, rawāgēnīdan
روان	frawahr, fraward, gyān, ruwān, uštān, wād
روان ساختن	tāxtan=tāzēnīdan
روانی	ruwānīg
روباه	rōbāh
رو به بالا	ulīh
روح	mēnōg(īh), waxš
روحانی	gāhānīg, gyānīg, mēnōgīg, ruwānīg, waxšīg

روحانی دشمن زردشت	kayk
روحانیت	mēnōg(īg)īh
رود (آلت موسیقی)	rōd
رود (= رودخانه)	rōd
رودبار	rōd-bār
رودررویی	padīragīh
رودن	rūdan
روده	rōdīg, uruspar
روده‌ای	rōdīg
روز	rōz
روزانه	rōzwārag
روزگار	rōzgār
روزن	rōzan, rōz(b)ānag
روزه	rōzag
روزهای افزوده آخر سال (= کبیسه)	duzīdag, truftag
روزه‌دار	pad-rōzag, rōzag
روزی	rōzīg
روسپی	rōspīg
روسپیگری	rōspīgīh
روستا	rōstāg
روش	brahm(ag), ēwēn(ag), handāzag, hangōšīdag, ristag, šōn
روش (درست)	ēdōnīh
روشن	rōšn
روشن کردن	abrōxtan, rōzēnīdan
روشنگر	rōšngar
روشنگری	abrōzišnīh
روشنی	rōšn(īh), frōg, payrōg
روشنی بی کرانه	anagr-rōšn(īh)
ـ روشی (پسوند سازنده اسم معنی)	-rawišnīh
روغن	čarbišn, rōγn
روغن‌دار	čarbišnōmand
روغن مالی کردن	handūdan
روغنی	čarb

www.ketabz.com

روم	Hrōm
رومی	Hrōmāyīg
روناس	rōyan
روند	dādestān
رونده	raftār
رونویس	pa(č)čēn
روی	abar, pad
روی (= فلز)	rōy
روی (= سیما)	rōy
رؤیا	būšāsp, xwamn
روی دادن	ǰastan
رویش	ārōyišn, rōyišn
روین	rōyan
رویین	rōyēn
رها	wišād, harzag
رها از	pargūd az
رها کردن	hištan
رهایی	hilišn, rastārīh
رهبر	parwānag, pēšār, pēšōbāy, sālār
رهبری	rāyēnīdārīh, parwānagīh
رهبری کردن	franāftan, hāxtan, rāyēnīdan
رهی	rahīg
ریباس	rēbās
ریختن	afšāndan, āšixtan, rēxtan, tāxtan(=tazēnīdan), wēxtan
ریدک	rēdak
ریدن	rīdan
ریز	*darmag
ریزش	rēzišn
ریش	rēš
ریش (صورت)	rēš
ریشخند	afsōs, riyahrīh
ریشخندکننده	afsōsgar
ریشه	rēšag

ریگ	rēg
ریم	rēm
ریمن	rēman
ریمنی	rēmanīh

«ز»

زائو	ābus
زاد	dād
زادن	zādan
زادن (اهریمتی)	hunušakēnīdan, wišūdan
زاده	zādag, zāyišnīg
زاده شدن	zādan
زاری	čēhišn, zarīg
زاریدن	čīdan
زالو	zālūg, dēwōk
زامیاد: گاه‌نما: نام بیست و هشتمین روز ماه	Zāmyād
زانو	(u)šnūg, zānūg, zang
زایچه	zāyč(ag)
زاید بودن	parrēxtan
زایش	zāyišn
زایشی	zāyišnīg
زایمان	ābusīh
زبان	zuwān=uzwān
زَبَر	azabar
زِبْر	društ
زجر	bēšišn
زحمت	ranǰ, widang
زخم	rēš, zaxm
زخم کردن	rēšīdan
زدن	kōftan, kōstan, pahikaftan, pahikōftan, zadan
زد و خورد	snāh

www.ketabz.com

زدودگی	awestarišn
زدودن	awestardan
زر	zarr
زرافه	uštar-gāw-palang
زرد	zard
زرد آب	wiš
زردالو	zard-ālūg
زردچوبه	zard-čōbag
زردشت	zardu(x)št
زردک	zardak
زرده (تخم‌مرغ)	zardag
زردی	zardīh
زرگر	zarr(ī)gar
زرگون	zargōn
زرگونی	zargōnīh
زرنگ	gubrāg, wigrād, zēnāwand
زروان	Zurwān
زره	zēn, zrēh
زره (= دریا)	zrēh
زره بازو	bāzābānag
زرین	zarrēn
زشت	duš-čihr, zišt
زعفران	kurkum
زفر (دهان اهریمنی)	zafar
زم	zam
زمان	āwām, gāh, hangām, ǰār, zamān(ag), zurwān
زمان بین غروب خورشید و نیمه شب	ēbsrūsrim
زمان طولانی	dagr-zamān
زمانه	āwām
زمخت	sturg
زمرد	uzumburd
زمستان	zam, zamestān
زمین	xāk, zamīg

زمین پست	garmsēr
زمین کشت شده	warz-būm
زمین لرزه	būm-čandag
زمین مرتفع	sardsēr
زمین هموار	dašt, hāmōn
زمینه	mādayān
زمینی	zamīgīg
زن	nārīg, zan
زنبور	wabz
زنبور عسل	magas ī angubēn
زن تازه‌زا	ābus
زن جوان	ziyānag
زنجیر	zanǰīr
زند	zand
زندان	zēndān
زندانبان	zēndānbān
زندانی	wardag, zendānīg
زن دشتان	daštān(ōmand)
زندگی	zīndagīh, zī(w)išnīh, zīyišn
زندگی کردن	mān-
زنده	uštānōmand, zīndag, zī(w)išnōmand
زنده	zandag
زنده کردن	zīwēnīdan
زنده کننده	zīndakkar
زندیق	zandīk
زندیقی	zandīkīh
زنگ	darāγ
زنگی	zangīg
زننده	zadār
زنهار	zēnhār
زوبین	sel
زوت	zōt
زوتی (مقام زوت)	zōtīh

www.ketabz.com

زود	raγ, zūd
زود(ترین)	ahy
زودگذر	sazišnīg
زور	amāwandīh, nērōg, ōz, pādyāwandīh, saxtīh, stahm, tagīg, zōr
زورمند	amāwand, nērōgōmand, ōzōmand, pādyāwand, zōrīg, zōrōmand
زوهر	zōhr
زه	zīh
زه (=طفل)	zahag
زهاب	zahābag
زهار	zahār
زهر	wiš, zahr
زهردار	wišōmand
زَهره	zahrag
زیاد	abēr, frāy, freh, saxt, staft, škeft
زیادی	frāxīh
زیادی بودن	parrēxtan
زیان	appārīh, wizāyišn, zyān
زیانبار	ak, akōmand, pad-zyān, zyānōmand, wizāyišnīg
زیان رساندن	wizāyīdan
زیبا	hu-čihr, nēk, xwaš
زیبال	zibāl
زیتون	zayt
زیر	azēr, ēr
زیرا	čē
زیردست	aziš-keh
زیرک	zēnāwand, zīrak
زیر و زبر	ēr ud abar
زیستن	zī(w)istan
زین	kōfag, zēn
زین‌افزار	zēn-abzār
زینت	payrāyag, pēsišn
زینت کردن	azrāy-, pēsīdan

«ژ»

ژاژ	zāz
ژد	zadūg
ژرف	zofāy, zofr
ژرفا	nigūnīh, zahā, zahīh, zofāy(īh) zofrāy
ژرف پایه	zofr-pāyag
ژنده	zandag
ژوژه	zūzag

«س»

ساتراپ	šasab
ساتراپ نشین	šasabīgān
ساحل	bār, rōd-bār
ساختن	(frāz) brēhēnīdan, dēsīdan, kardan, passāxtan, sāxtan
ساختن (اهریمنی)	kirrēnīdan
ساخته شدن	kirīh-
ساده	hugar
ساروج	čārūg
سازگاری	hu-sāzagīh
سازمان دهی	rāyēnīdārīh
ساس	sās
ساعت	zamān(ag)
ساق پا	pāy, zang
ساقه	ēwan, wan
ساکت	tušt
ساکن	mehmān
سال	sāl
سالار	sālār
سالاری	sālārīh

www.ketabz.com

سالم	drust, tan-drust
سالوار	sālwār
ـ ساله (پسوند)	-sālag
ـ سالگی (پسوند)	-sālagīh
سامان	karān, sāmān, wimand
سامان مند	sāmānōmand, wimandīg, wimandōmand
سان	sān
ساو	sāk
سایه	sāyag
ساییدن	randīdan
سبب	bahr(ag), čim, ǰādag, wihān(ag)
سبز	sabz, zargōn
سبزی	ārōyišnīg, urwar
سبزیجات	āmiz
سبک	sabuk, xwār
سبک (گناه)	xwārtar
سپاس	āzādīh, spās, spāsdārīh, šnāyišn, šnōhr
سپاس داشتن	spās dāštan
سپاسگزار	burd-ešnōhr, hu-spās, spās-dār, spās-ešnās, spāsōmand
سپاسگزار بودن	āzādīh guftan, āzādīh hangārdan, āzādīh kardan, pad āzādīh dāštan
سپاه	gund, spāh
سپاهی	artēštār
سپاهیگری	artēštārīh
سپر	magind, spar
سپردن	abespurdan (abespārdan)
سپردن (=پایمال کردن)	ōspurdan, spurdan
سپرز	spul, spurz
سپرغم	sprahm(ag)
سپری	spurrīg
سپری شدن	sazistan
سپری کردن	andar widardan
سپس	pas

سپندارمد: چهارمین امشاسپند و ایزد زمین	Spandarmad
سپندارمد: گاه نما: نام دوازدهمین ماه سال و پنجمین روز ماه	Spandarmad
سپندان	spandān
سپوختن	spōxtan
سپوز	spōz, spōzišn
سپهبد	spāhbed
سپهر	spihr
سپیتمان	spitāmān
سپید	spēd
سپیدار	spēd-dār
سپید با	spēdbāg
سپند مینو	spenāg mēnōg
سپیده (تخم‌مرغ)	spēdag
سپیده دم	bāmdād, ōš, ōš(e)bām
ستاره	axtar, star, stārag
ستاره ثابت	a-wiyābānīg
ستاره شمار	star-ōšmār
ستاندن	burdan, griftan, stadan
ستایش	āfrīn, burzišn, stāyišn, šnāyišn, yasn
ستایش کردن	šnāyīdan
ستبر	stabr
ستبری	stabrīh
ستردن	awestardan
سترگ	sturg
سترون	starwan
ستم	awištāb, handraxtagīh, stahm, stahm(ag)īh, stambagīh
ستمدیده	handraxtag
ستم کردن	awištāftan
ستمگر	sāstār, sēzd(ēn), staft, stahmag, stambag
ستمگری	sāstārīh, sēzd
ستودن	āfrīdan, burzīdan, stūdan(stāyīdan), šnāyīdan
ستودنی	burzišnīg, stāyišnīg
ستور	stōr

www.ketabz.com

ستوربان	stōrbān
ستورگاه	gōstan, stōrgāh
ستون	stūn(ag)
ستون نظامی	kārawān
ستوه	stō
ستیر	stēr
ستیز	āyōzišn(īh), kō(x)šišn, stēzag
ستیز کردن	āyōzīdan, kō(x)šīdan
ستیغ	stēγ
سحر	nērang
سخت	društ, garān, saxt, sturg, škeft
سخت دل	an-āmurzīd, staft
سختن	saxtan
سختی	društīh, dušwārīh, saxtīh, sēǰ, škeftīh, widang
سختیان	saxtag
سخره	bēgār
سخن	dranǰišn, saxwan, wāz(ag)
سخندان	hanǰamanīg
سخنوری	guftār
سخنگو	gōwāg
سداب	sudāb
سدوش	*stōš
سدویس	Sadwēs
سدیگر	sidīgar
سر	sar
سر (هرمزدی)	waγdān
سر (اهریمنی)	kamāl(īg)
سِر	rāz
سَراپرده شاهی	mašk-abarzēn
سراسر	sarāsar
سرانجام	abdomīh
سراشیبی	nišēbīg
سرای	bun-kadag, srāy

سرایش	srāyišn
سرب	arziz, srub
سرباز	laškarīg
سربازی	laškarīgīh
سربالایی	abrāz
سربی	arzizēn, srubēn
سرپرست	abarmān
سرپرست قانونی	stūr
سرپزشک	drustabed
سرپوش	kulāf
سرچشمه	bun-xān, čašmag
سرحد	marz
سرخ	suxr
سرد	sard
سردسیر	sardsēr
سرد شدن	afsardan
سرد کردن	afsārdan
سرد کردن (عمل)	afsārišn
سرده	sardag
سردی	sardīh
سردیو مؤنث	ǰeh
سرریز شدن	āšixtan
سرزمین	deh, kišwar, šahr
سرزمین آریاها	Ērān, Ērān-šahr
سرزمین اصلی آریاها	Ērān-wēz
سرزنش	āwēnišn, ērang(īh)
سرزنش کردن	āwēnīdan, ēraxtan
سرسخت	stambag, wastār
سرسختی	stambagīh
سرشتن	srištan
سرشک	ars, srešk
سرعت	arwandīh, tagīgīh, tēzīh, zūdīh
سرقت	appar(išn), rōb

www.ketabz.com

سرکارگر	kār-framān
سرکش	abāzsar, mustgar
سرکشی	abāzsarīh
سرکه	sik
سرگردان	apēdāg, kārdāg, wiyābān(īg)
سرگرمی	kādag, naxčīr
سرگین	sargēn
سرگین گردانک	pazūg ī gūhgard/gūhward
سرما	sarmāg
سرنگون	nigūn, nigūnsār
سرنگون کردن	āgustan
سرنوشت	bayō-baxt, baxt, brēh, brēhēnišn
سرو	sarw
سُروُ	srū
سرود	čēgāmag, gāh, niwāg, srōd
سرودخوانی	srāyišn
سرودن	srūdan, yaštan
سرور	axw, rad, xwadāy; -bad, -bed
سروری	radīh, xwadāyīh
سروش (ایزد)	Srōš
سروش: گاه‌نما: نام هفدهمین روز ماه	Srōš
سِرّی	rāzīg
سریع	arwand, tāzīg
سرین	haxt
سزا(وار)	abāyišnīg, niyābag, sazāg(wār)
سزاوار سرزنش	āwēnišnīg
سزاوار نکوهش	nikōhišnīg
سزاواری	sazāgīh
سزیدن	saz-
سست	sust, tand
سستی	sustīh, tandīh
سطل	dōl, hēzag
سعادت	šēdā, xwā(h)rīh

سعی	āyōzišn(īh), tuxšāgīh, tuxšišn
سعی کردن	kō(x)šīdan, tuxšīdan
سفارت	bayaspānīh
سفت (= شانه)	suft
سفتن	suftan
سفر کردن	ēwarzīdan
سفره	xwān, maškīzag
سفید	arus
سفیده یاخته	mādišt
سقط شده	wišūdag
سقف	aškōb
سکونت	mehmānīh
سکونت گزیدن	bunag dāštan, mān-
سگ	sag
سگ آبی	babrag
سگالش	handēšišn, uskārišn(īh)
سگالیدن	uskārdan
سگ نگهبان	mānbān
سل	sel
سلام	ēr-kaš
سلامتی	drōd
سلسله	rastag
سلطنت	šahryārīh
سَم	wiš, zahr
سُم	sumb
سمت	kust/kustag
سمور	samōr
سمی	wišōmand
سن	dād
سنجیدن	uzmūdan
سنان	fraš
سنگ	sag, sang
سنگ آسیا	āsyāg

www.ketabz.com

سنگ آهن	xwān-āhan
سنگر	drubuštīh
سنگسار	sangsār
سنگ گچ	gač
سنگ معدن	šabag
سنگی	sagēn
سنگ یمانی	karkēhan
سنگین	garān
سنگینی	garānīh
سوار	aswār
سوارکار	aswār
سوارکاری	aswārīh
سواری	aswārīh
سوپ (انواع سوپ)	kāmag
سوخت	ēzm
سوختگی	dazišn
سوختن	dazīdan, sōxtan
سود	bar, nīrmand, sōg, sūd, waxš
سودمند	sūd(ō)mand
سودن	sūdan
سور	sūr, bazm
سوراخ	gabr, maγ, sūrāg, sūrāx
سوراخدار	sūrăgōmand
سوراخ زی	sūrāgīg
سوراخ کردن	suftan
سوز	sōg, sōzišn
سوزا	sōzāg
سوزان	sōzān, sōzišnīg, taftīg, waxšendag
سوزاندن	dazīdan, tāftan
سوزش	sōzišn
سوزن	sōzan
سوسن	sōsan
سوشیانس	Sōšāns

سوگند	sōgand, war
سوگند خوردن	sōgand xwardan
سوگواری	hangrūdag
سوگواری کردن	čīdan, hangrāyīdan
سوفسطا	sōfistā
سوم	sidīg(ar)
سوه (نام اقلیم غربی از هفت اقلیم زمین)	Sawah
سوی	kust(ag), nēmag, rōn, sōg
سوی بالا	ul
سوی دیگر	parrōn
سه	sē̆
سه پای	se-pay
سه شبه	se-šabag
سهم	sahm
سهم دادن	baxtan
سهمگین	arγand, sahmgē̆n
سهمگینی	sahmgēnīh
سهی	sahīg
سی	sīh
سیاره	abāxtar
سیال	šuhr
سی‌ام	sīhom
سیاه	syā
سیاه‌پوست	zangīg
سیاهه	syāhag
سیب	sēb
سیج	sēǰ
سیخ کباب	wardānāg
سَیْر	gardišn
سیر	sagr
سیر (واحد اندازه‌گیری وزن)	stēr
سیری	sagrīh
سیزده	sēzdah

www.ketabz.com

سیسنبر	sīsīmbar
سیم (در اعداد مرکب)	seyom
سیم	(a)sēm
سیما	čihr, rōy
سیمرغ	sēn, murw
سیمین	asēmēn
سینه	sēn(ag), war
سینی	xwān

« ش »

ـ ش (ضمیر متصل سوم شخص مفرد: مفعولی و اضافی)	-(ī) š
ـ ش (پسوند سازنده اسم مصدر)	-išn
ـ ش (به آخر بن مضارع افزوده می‌شود و معنی لزوم و بایستن را می‌رساند)	-išn
شاخ	srū
شاخدار	srūwar
شاخه	spīg, tāk
شاخه درخت	azg
شاخی	srūwēn
شاد	huram, šād, urwahm(an), wiyufsišnīg
شادروان	šādurwān
شادمانی	spaxr
شادی	farroxīh, spaxr, šādīh, urwahm(an)īh, wiyufsišn, xwā(h)rīh
شادی کردن	urwāzistan, *wiyufs-
شاگرد	hašāgird, hāwišt
شاگردی	hāwištīh
شام	šām
شامل شدن	andar būdan
شانزده	šāzdah
شانس	ǰahišn
شانه	dōš, suft, šānag
شاه	(im) bay, šāh

شاهسپرم	šāh-esprahm
شاهانه	šāhwār
شاه بلوط	šāh-balūt
شاهدانه	šāh-dānag
شاه فقید	ōy bay
شاهنشاه	šāhan šāh
شاهنشین	šādurwān
شاهوار	šāhwār
شاهین	bāz
شاید (با افعال معنی تردید را می‌رساند)	ōh
شاید	šāyēd
شایستگی	sazišn(īh)
شایستن	šāyistan
شایسته	arzānīg
شایسته مرگ	marg-arzān
شب	šab
شبان	šubān
شبانروز	rōz-šabān
شباهت	hāwandīh, mānagīh
شب بو	hērīg
شبدر	aspast
شبستان	šabestān
شب قبل	dōš
شبکور	*šawāg
شبنم	*miznē
شبه	šabag
ـ شبه (در ترکیب با اعداد می‌آید و به معنی تعداد شبهاست)	-šabag
شب هنگام (یکی از پنج بخش شبانروز)	ušahin
شبی	šabīg
شبیار	šabyār
شبیخون	šabīxōn
شبیه	ēwsān, hamōg, ham-sardag, hāwand, mānāg
شپش	spiš

www.ketabz.com

شتاب	nixwārišn
شتافتن	awištāftan, nixwār-
شتر	uštar
شترگاو پلنگ	uštar-gāw-palang
شترنج	čatrang
شجاع	arwand, čēr, *marčābuk, mardānag
شجاعت	arwandīh, čērīh, gurdīh, *marčābukīh, mardānagīh
شخص	kas, tan, P. kēč
شخم زدن	kištan
شدن	abaz waštan ō, būdan
شدید	saxt, škeft
شرارت	wadagīh
شربت	xwārišn
شربت انگور	šabyār
شرح	nigēz(išn), wizār
شرح دادن	nigēxtan, wizārdan
شرف (نجوم)	bālist
شرکت	bahr(ag)warīh
شرکت‌کننده	bahr(ag)war
شرم	nang, pafšīrišn(īh), šarm
شرمسار کردن	pafšār-
شرمگاه	šarm-gāh
شرمگین	šarmgēn
شرمنده شدن	pafšīr-
شریر	wadag
شریک	*brādarōd, bahr(ag)war, hambāy
شستن	šustan
شُش	suš
شش	šaš
شصت	šast
شعله‌ور	sōzišnīg, waxšendag
شعله‌ور شدن	waxšīdan
شغال	tōrag

شفا دادن	bēšā̌z(ēn)-
شفادهنده	bēšā̌z
شفاعت	ǰādag-gō(w)īh
شفتالو	šiftālūg
شفیع	ǰādag-gō(w)
شک	gumān(īh), gumānīgīh, warōmandīh
شکار	naxčīr
شکارگاه	wiškar
شکاف	darz
شکافتن	škāftan
شکاک	gumāngar
شکر	šakar
شکرگزار	burd-ešnōhr, spās-dār, spās-ešnās, spāsōmand
شکره	škarag
شکست دادن	pahikār-, stōwēnīdan
شکستن	škastan
شکسته شدن	škīh-
شکفتن	škuftan, wiškuftan
شکل	brahm(ag), čihr, ēwēn(ag), dēs, gōn(ag)
شکل دادن	čihrēnīdan
شکم	aškamb(ag), aškom(b)
شکم (اهریمنی)	mulān
شکمبه	rōdīg
شکننده	šken(n)išn
شکوفه	škōfag, wiškōfag
شُکوه	abrang, bām, brāh, škōh, xwarrah
شِکوه	gilag, must
شِکوه کردن	nāl-
شکیبا	škēbāg, wixšāyišnīg
شکیبایی	škēbāgīh, wixšāyišn(īh)
شگرفیدن	škarwīdan
شگفت	škeft
شگفت‌آور	abd

www.ketabz.com

شگفت‌انگیز	abd-sahist, widimāsīg
شگفت‌زده	widimušt
شگفت نمودن	abd sahistan
شل کردن	wiyōz-
شلوار	šalwār
شما (جمع)	ašmā
شمار	āmār, āmārišn, mar
شمارش	ōšmārišn
شمارکردن	āmār-
شماره	hangārag, ōšmārag
شمال	abāxtar
شمردن	ōšmurdan
شمرده شده (تقویم شمسی)	ōšmurdīg
شمشاد	šimšar
شمشیر	šamšēr, (šafšēr)
شَن	šan
شنا	šnāz
شناختن	šnāxtan
شناخته	azd, āšnāg
شناسا	šnāsag
شناسائی	šnāsagīh
شناکردن	šnāzīdan
شنبلیله	šambalīdag
شنوا	ăšnawāg
شنوائی (حس)	ăšnawāgīh, ăšnawišn
شنودن	ăšnūdan
شنوسه	šnōšag
شنیدن	niyō(x)šīdan
شوخی	kādag
شور	sōr
شوره‌زار	sōrag
شوهر	gādār, mērag, šōy
شوهردار	šōymand

شوهر دختر	dāmād
شوهری دختر	dāmādīh
شوی	šōy
شهر	šahr(estān)
شهرت	nāmīgīh
شهرستان	šahrestān
شهریار	šahryār
شهریاری	šahryārīh
شهریور: سومین امشاسپند و نگهبان فلزات	Šahrewar
شهریور: گاه نما: ششمین ماه سال و چهارمین روز ماه	Šahrewar
شهوت	ārzōg, waran
شیار	kiš
شیب	šēb
شیبا	šēbāg
شیپور	gāw-dumb
شید	šēd
شیر (حیوان)	šēr=šagr
شیر	pēm, šīr
شیر: در نجوم: برج اسد	šagr
شیر مقدس	ǰīw
شیرده	dēnōdag
شیره (گیاهان)	tan-tōhmag
شیرین	šīrēn, xwaš
شیرین‌ترین	xwālist
شیرینی (خوراک)	rōyn-xwardīg, šiftēnag
شیرینی	šīrēnīh
شیشه	ābgēnag, šīšag, ǰām
شیشه‌ای	ābgēnagēn
شیون	šēwan

« ص »

صاحبخانه	mānbed, mānīg

www.ketabz.com

صادق	ardā
صاف کردن	pālūdan
صالح	ahlā, ahlaw, ardā, ašō
صحرا	wiškar
صخره	sang, wēm
صد	sad
صدا	*pattān, wāng
صدق	ardāyīh
صدقه	ahlaw-dād
صدمه	āzārišn, āzarm, wizāyišn, wināhišn, wizend
صدمه زدن	wināhīdan, wizāyīdan, zīnēnīdan
صدمه‌زننده	wizāyišnīg
صرف‌نظر کردن	wizīristan
صریح	rāst, *gōwīzār
صفحه (شترنج)	taxtag
صفرا	zahrag
صمغ	zadūg
صندل	čandal
صندوق	kēwūd, tabangōg
صنعت	kirrōgīh
صنعتگر	kirrōg
صنف	pēšag
صورت فلکی	axtar
صیاد	talag-čīn

«ض»

ضحاک مار دوش	Azdahāg
ضد	ǰud
ضد دیو	ǰud-dēw
ضربه	snāh, zanišn
ضربه زدن	zadan

ضعف	armēštīh, tandīh
ضعیف	armēšt, tand
ضیافت	xwaran

«ط»

طاووس	fraš(a)murw
طبخ کردن	pōxtan
طبی	*bijagān, bēšāz
طبیب	bizešk
طبیعت	čihr(ag), xēm, xōg
طبیعت‌شناس	gōhrag-dānāg
طبیعی	čihrīg
طراح	handāxtār
طرح	nigārag
طرح ریختن	handāxtan
طعم	čaxšišn
طفل	*kawādag, waččag, zahag
طلوع (خورشید)	xwarāsān
طناب	ristag, wandag
طنین	*pattān
طنین‌دار	*pattānōmand
طومار	frawardag
طویله	pahest

«ظ»

ظالم	mustgar
ظاهر	čihr, dēs(ag), paydāgīh
ظرافت	nēzūmānīh
ظرف	kabārag, padišxwar

www.ketabz.com

ظرف آشامیدنی	kabārag, takōk
ظریف	bārīg, *darmag, P. naxšag
ظلم	must, snāh, tundīh
ظهر	rabih

«ع»

عاطل	agār
عاقبت	hanǰām
عاقل	zīrak
عالم	hāmkišwar
عالی	bālistīg
عام	amaragānīg
عامه	amaragān, *pāyram
عبور کردن	widardan, widaštan
عدد	mar(ag), sāg
عدس	miǰūg, wēnōg
عدم فعالیت	agārīh
عرب	Tāzīg
عَرَض	ǰadišn, ǰadag
عَرَضی	*ǰadišnīg
عرق	xwēy
عرق کردن	xwistan
عروسی	wayōdagān
عزیز	dōšag, grāmīg
عشق	dōšagīh, dōšāram
عشق ورزیدن	dōšīdan
عصاره	*uruspar, xwadīh
عصب	pay
عصر (یکی از پنج بخش شبانروز)	uzērin
عضو	hannān=handām, pēšag

عضو جماعت زردشتی	dahm
عضو خانه	mānīg
عطسه	šnōšag
عظیم	wuzurg, zandag
عظیم الجثه	māzanīg
عفو	hilišn
عفو کردن	hištan
عقاب	āluh, dālman, humāy
عقب	abāz, pasīh, pušt
عقب مانده	pādīrān
عقل	xrad
عقیده	āfrāh
عقیده دینی	kēš
عقیم	hušk-kun, starwan
عقیم گذاردن	ānāftan
علامت	daxšag, drōš(om), nišān
علت	čim, wihān(ag)
علف خشک	kāh
علف هرز	zāz
علم خواص جسم	tan-bahr
علنی	čašmagāh
علوفه	wāstar, P. waš
عمل	kār, kard, kardag(ān), P. karm, kunišn, rāyēnišn
عمل آمدگی (میوه)	pazzāmišn
عمل آمدن	pazzām-
عمل آوردن	pazzāftan, pazzāmēnīdan
عمل بد	wadgarīh
عمل کردن	kardan, warzīdan
عمل نیک	kirbag
عموم	kār, amaragān
عموماً	amaragānīhā
عنبر	ambar
عنصر (آب، آتش، خاک، هوا)	āmēzišn, rastag, zăhag

www.ketabz.com

عود (ساز)	tambur
عوض کردن	wardēnīdan
عهد	padist(āg), pašt(ag)
عیب	āhōg
عید	ǰašn

«غ»

غاز	sī
غافل	sūdag
غذا	mēzd
غذای (نیمروز)	čāšt
غربال کردن	wēxtan
غرش	γarrānišn
غروب (زمان)	ēbārag
غروب (خورشید)	xwarōfrān, xwarwarān
غروب کردن	andar šudan
غرور	abar-tanīh, wastārīh
غریب	anōdag(īg), bēgānag
غریدن (رعد)	γarrānīdan
غصه	sōg
غصه خوردن	čīdan
غفلت	sūdagīh
غلاف	kulāfak
غلام	rēdak
غلبه	wānišn
غلبه کردن	stōwēnīdan, tarwēnīdan, wānīdan
غله	ǰōrdā
غم	čēhag, tēmār
غمزده	čēhišnīg, ranǰwar
غمگین	andāg(g)ēn, andōhgēn, zarīgōmand
غول	māzandar

غیر از	enyā, ǰuttar
غیر آریایی	anēr
غیر اصلی	*ǰadišnīg
غیر زردشتی	kēš-dār
غیر فعال	armēšt
غیر قابل اعتماد	an-ōst
غیر قانونی	a-dād, a-dādestān

«ف»

فارغ شدن از	pardaxtan
فاسد	gan(n)āg, pūdag, winastag
فاصلهٔ بین بهشت و دوزخ	hamēst(ag)ān
فاصله‌دار	dūr
فال	ǰadag, ǰahišn, murwāg
فالگیر	kēd, kundāg, murw-niš
فالگیری	kēdīgīh
فانی	anōš-xwar, gēhānīg, margōmand, ōšōmand, sazišnīg
فایده	nēkīh, sōg, sūd
فخر	nāzišn
فراخ	frāx, pahn, wēhm
فراخ کردن	frāxēnīdan
فراخی	frāxīh, pahnāy, wēhmīh
فرار	rastārīh, wirēg
فرار کردن	wirēxtan
فراز	(a)frāz
فراز افگندن	frāz abgandan
فراست	ōš
فراگیر	ayābāg
فراگیری	ayābāgīh, parwand
فراموش	frāmōš

www.ketabz.com

فراموش شده	an-ayād
فراموش کردن	az daxšag hištan, frāmuštan
فراوان	abēr, abzōnīg, frāy, frāx frēh, wasyār
فراوانی	abzōnīgīh, frāxīh
فراهم کردن	andar āwurdan
فربه	frabīh
فرتوتی	zarmān
فرجام	frazām
فرخ	farrox
فرخی	farroxīh
فرد	ēw-tāg
فردا	fradāg
فرددفش	Fradadafš
فردی	ēwāzīg
فرزانگی	frazānagīh
فرزانه	frazānag
فرزند	frazand, paywand, zahag
فرزند (اهریمنی)	hunušak
فرزندی	frazandīh
فرزین	frazēn
فرسپ	frasp
فرستادن	frēstādan, wisč kardan, zāmēnīdan
فرستاده	aštag, bayaspān, frēstag, paygāmbar
فرسنگ	frasang
فرسودگی	frasāwandīh
فرسودنی	frasāwand
فرشته	frēstag
فرشگرد	fraš(a)gird
فرشگردی	fraš(a)girdīg
فرض کردن	pad...dāštan
فرقه	ristag
فرقه گرا	kēš-dār
فرمان (نام درجه‌ای از گناه)	Framān

فرمان	framān
فرمانبردار	ēkānag, framān-burdār, srōšīg
فرمانده	sāstar, framādār
فرمانده ناحیه	kustagbed
فرمانروایی	xwadāyīh
فرمانروایی بد	duš-xwadāyīh, duš-pādixšāyīh
فرمایش	framāyišn
فرمدار	framādār
فرمودن	framūdan
فرنبغ (مهمترین آتشکده دوره ساسانیان، خاص طبقه موبدان و نجبا)	Farrōbāy
فروار	frawār, parwār
فرو افتادن	hambastan
فرو افکندن	ōsān-
فروتن	ēr-mān(ag), ēr-tan, narm
فروتنی	ēr-menišnīh, ēr-tanīh
فروختن	frōxtan
فرود	frōd
فروردیگان (جشن فروهرها)	frawardīgān
فروردیگان (پنج روز پایانی اسفند ماه و پنج روز افزوده بعدی)	Frawardīgān
فروردین: گاه نما: اولین ماه سال و نوزدهمین روز ماه	Frawardīn
فرو ریختن	wišān-
فرو ریخته	hambastag
فروریزی	hambāhišn
فروشه = افروشه	frušag
فروغ	bām, frōg, payrōg
فرو کوفتن	pahikāftan
فرومایه	xwār
فرو نشانده	padīrān
فرو نشستن	(a)zruftan
فروهر	Frawahr, (Fraward)
فره	xwarrah
فرهنگ	frahang
فرهنگستان	frahangestān

www.ketabz.com

فرهیخته	frahixtag
فرهیختن	frahixtan, parwardan
فریاد	frayād
فریب	dawāl, drō, frēb, *pa(č)čībāgīh, wiyābān, wiyābānīh, zūr
فریب خورده	frēftār, wiyābān
فریبکار	dabr, frēftār
فریبنده	dō-saxwan, pa(č)čībāg
فریفتن	druxtan, frēftan, pa(č)čībāy-, wiyabānīdan
فساد	gan(n)āgīh, nasrušt(īh), pōhišn, pūdagīh
فش	bašn
فشار	must
فشردن	hunīdan
فصاحت	guftār
فصل	*darak, kardag
فصیح	gōwāg
فضا	spaš
فضیلت	nēk-gōhrīh
فعال	kardār, kārīg
فعالیت	kardārīh, kārīgīh
فقدان	appārīh
فقر	niyāz, driyōšīh, škōh
فقره	tāg
فقط	ēwāz
فقید	anōšag-ruwān
فقیر	škōh, driyōš
فکر	handēšišn, mānag, uskārišn(īh)
فکر کردن	handēšīdan, menīdan, uskārdan
فلز	ayōxšust
فلزین	ayōxšustēn
فلک	spihr
فلوت	nāy
فنا ناپذیری	a-margīh
فندق	*bistag, pondīk

فواره	šādurwān
فوراً	ham-zamān
فوق العاده	škeft
فولاد	almās(t), pōlawad
فولادین	pōlawadēn
فهم	uzwārišn
فهمیدن	āšnūdan, uzwārdan
فهمیده	šnāsag
فیل (در بازی شترنج)	pīl
فیلبان	pīl-bān
فیلسوف	filāsōfā

«ق»

قابل	abzārōmand, šāyendag, tūwānāg, tūwānīg
قابل اعتماد	wābarīgān, ōst(īgan)
قابل ستایش	burzišnīg, stāyišnīg
قابل کشتی رانی	*nāydāg
قابل نکوهش	*nikōhišnīg
قابلیت	čāraggarīh, hunar, šāyendagīh, tuwānīgīh
قاپیدن	rubūdan
قادر به پرداخت بدهی	*adān
قادر بودن	ayārīdan, šāyistan, P. šah-
قاره	kišwar
قاشق	kafčag
قاطع	brīngar
قاقم	kākom
قاقم سپید	kākom ī spēd
قالب	kālbod, kirb
قالی ظریف	bōb
قامت	bālāy, bašn

www.ketabz.com

قانون	dād, dādestān
قانونی	dādīg
قایق	kaštīg, makōk
قبا	kabāh
قبول	padīrišn
قبول کردن	padīriftan
قبیله	zand
قدرت	sĕzd, stabrīh, tagīgīh
قدرت اعجاز	warz
قدرتمند	kāmgār, sĕzdēn
قدم	gām
قدیمی	pīr
قرار دادن	hištan, nihādan, nišāstan
قران (نجوم)	marz
قربانی	mēzd, us(t)ōfrīrt
قرض	abām
قرعه	bahr(ag), wēzag
قرعه کشیدن	war-wēzag handāxtan
قرمز	karmīr
قرین	ham-tāg
قُسط (گیاه‌شناسی)	kust
قسم	sardag
قسمت	bahr(ag), baxt, baxšišn, bazišn, brīn, kardag
قشر	pōst
قصد	čim
قصد داشتن	grāyīdan
قطره	paššinǰ(ag)
قطع کردن	b(u)rīdan
قطعه	pārag
قلاب	mēx
قلع	arzīz
قلعه (در بازی شترنج)	rox

قلعی	arzīzēn
قله	bālēn, bālist, čagād, sar, tērag
قنات	kahas
قُوت	nān, pīh
قوچ	warrag
قورباغه	wak
قوزک پا	zang
قول	padist(āg)
قومیس	hur
قوی	ōstīgān, pad-nērōg, saxt, stabr, stahmag, sūr, tagīg, tahm
قویتر	abar-ōz
قیصر	kēsar
قی کردن	wāmīdan
قیم	stūr
قیمت	uzēnag
قیمت کردن	wahāg burdan
قیموت	stūrīh

«ک»

ـک (پسوند تصغیر)	-ak
کابین	kābēn
کاخ	dar, darbās, kōšk, šāhīgān
کار	harg, kār, tis, warz(išn), xīr
کارآزموده	frahixtag, kār-āgāh
کارد	kārd
کاردان	āgāh
کاردستی	dast-kārīh
کارزار (میدان)	kārezār
کارفرما	kār-framān
کار فرمودن	kār framūdan
کارکردن	kardan, warzīdan

www.ketabz.com

کارگر	kardār, warzīgar
کارنامه	kārnāmag
کار نیک	nēkīh
کاروان	kārawān
کاروانی	kārawānīg
کاری	kārīg, kardār
کاریز	kahas
کاستن	kāstan
کاسکینه	kāskēn(ag) murw
کاسه	padišxwar, paygāl
کاستی	abē-būd(īh), frōdmānd
کاش	kāč
کاشتن	nišāstan
کاشکی	kāč ka
کافور	kāfūr
کافی	frāx
کالبد	kālbod
کالسکه	rah, wardyūn
کام	kām(ag)
کامروا	abarwēz, kām-rawāg, kāmag-widār
کامروایی	abarwēzīh
کامکار	kāmag hanjām
کامکاری	kāmag hanǰāmīh
کامل	bowandag, hangirdīg, (u)spurrīg
کامل شدن	frazaftan, rasīdan
کامل کردن	frazāftan, hangirdēnīdan, hanǰāftan
کامه (انواع سوپ)	kāmag
کامیاب	padēx
کامیاب کردن	padēxēnīdan
کامیابی	ābādānīh, drōd, padēxīh
کاه	giy(h)īzag, kāh, P. waš
کاهش	kāhišn, nirfsišn
کاهش دادن	kāhēnīdan, kāstan, nirfs-

کاهش دهنده	kāstār
کاهل	aǰgahān
کاهلی	aǰgahānīh, būšāsp
کباره	kabārag
کبک	kabk
کبکنجیر	kabk-anǰir
کبوتر	kabōd, kabōtar
کبود	kabōd, xašēn
کبیسه	duzīdag, truftag, wihēzagīg
کپی	kabīg
کتاب	mādayān, nāmag, nibēg
کتاب مقدس	nibēg
کتف	suft
کتمان	pād-uzwānīh
کتمان کننده	pād-uzwān
کثافت	rēm, rēmanīh
کثیف	hihr, rēman
کج	waxr
کجا	ku (gyāg)
کدام	čē, ī, kadām, kadār, kē
کدبانو	kadag-bānūg
کدخدا	kadag-xwadāy, wis-bed
کده	kadag
کر	karr
کران	karān
کرباش	karbāš
کرب (روحانی دشمن زردشت)	karb
کردار	warišn
کردار بد	dušxwaršt
کردار نیک	huwaršt
کردن	kardan
کرده	kard(ag)
کرده شدن	kirīh-

www.ketabz.com

کرفس	karafs
کرفه	kirbag
کرفه‌گر	kirbakkar
کرفه‌گری	kirbakkarīh
کرک (= بلدرچین)	karak
کرک (= مرغ خانگی)	kark
کرکس	kargas
کرکهن	karkēhan
کرگ	karg
کرگدن	kark
کرم	kirm
کرند (اسب)	šēd
کَره	kār, rōγn
کُرّه اسب	kurrag
کُرّه الاغ	kurrag
کُرهٔ ماه	māh
کژدم، (نجوم)	gazdum
کسی	kas,kēč
کسب	handōzišnīh, windišn
کسب کردن	handōxtan, windādan, xwāstan
کسب کرده	gōšōsrūd
کستی	ēbyānghan, kustīg
کسی	kas-iz
کسی را با افسون حفظ کردن	afsūdan
کسی که در هنگام خوردن حرف می‌زند	drāyān-ǰōyišn
کسی که زیر نظر و راهنمایی رد است	radunay
کسی که کارهای نیک و بدش به یک اندازه است	hamēst
کسی که گواهی دروغ می‌دهد	zūr-gugāy
کش	kaš
کشاندن	rawēnīdan
کشاورز	dahigān/dehgān, wāstaryōš
کشاورزی	warz, wāstaryōšīh
کشت	kištār, kišw(ān)zār, warzišn

کشتزار	kišw(ān)zār
کشتگر	kištār
کِشتن	kištan, warzīdan
کُشتن	kuštan, ōzadan, zadan
کشت نشده	a-warzīd
کشتی	kaštīg
کشش	āhang
کشف	kašawag
کشک	kašk
کُشنده	purr-marg
کشور	būm, deh, kišwar, šahr
کشیدن	kēšīdan, nigār-
کشیدن (آب)	hanǰidan=hixtan
کف	kaf
کفاره	puhl, tōzišn
کفاره دادن	puhlēnīdan
کفاش	kafšgar
کفتار	haftār
کفچه	kafčag
کفش	kafš/kafšag, mōg
کفشگر	kafšgar
کفگیر	kafč
کفل	haxt
کفه	tarāzūg
کلاغ	warāγ
کلاغ زاغی	kāskēn(ag) murw
کلام	ēwāz, mārīg, saxwan, sraw, wāz
کلام مقدس	mānsrspand
کلاه	kulāf
کلاه خود	sārwār, targ
کلاهک	kulāfak
کلنگ	kulang
کلوچه	kulāčag

www.ketabz.com

کلید	kilēl
کلیه	gurdag
کم	andak, kam/kem, *huzārak, nihang
کمال	bowandagīh, spurrīgīh
کمان	drōn, kamān, sanwar
کماندار	kamāndār
کمتر	keh(tar), kem
کمبود	abēbūd(īh), frōdmānd, kahist, kamist, nidom
کمر	kamar
کمربند	kamar, kamar-band
کمربند مقدس	ēbyānghan, kustīg
کم زور	abādyāwand, kam-zōr, nizār
کم زوری	abādyāwandīh, kam-zōrīh
کمک	abāgīh, dastyārīh, frayād, frayādišn
کم کردن	kāhēnīdan, kāstan, nirfs-
کمک کردن	ayārīdan, frayādīdan
کمّی	čēgām-iz-ē(w), čand
کمیّت	čandīh
کنار	āgōš, kanār, karān, pahlūg
کناره	kanār(ag)
کناره‌مند	kanāragōmand
کنتیر	kantigr
کنجد	kunǰid
کُند	spōzgār
کندر	kundur
کندن	kandan, rūdan
کُنش	kunišn
کنف	šan
کنفی	šanēn
کننده	kunišngar
کنیز	kanīg, kanīzag
کنیز زشت	duš-kanīg

کوبیدن	sūdan
کوتاه	gišnag, kūk
کوتاه دم	duǰ-daft
کوتاه قد	widestīg
کوچک	gišnag, kōdak, kūč(ak), kūk, xwurd
کوچکتر	keh(tar)
کوچکی	xwurdagīh
کوچکترین	nidom
کوچه	kōy
کود	sargēn
کودک	kōdak, waččag
کور	kōr
کوردل	kōr-dil
کوره	brēzan
کوزه	xumb
کوشا	kō(x)šišnīg, tuxšāg
کوشش	āyōzišn(īh), harg, kō(x)šišn, tuxšišn
کوشک	kōšk
کوشیدن	kō(x)šīdan, tuxšīdan
کوفتن	kōftan, kōstan, xwastan, zadan
کون	kūn
کوه	gar, kōf
کوهان	kōf
کوهه	kōfag
کوهی	kōfīg
کوی	kōy
کویز	kabīz
که	kū
که (ضمیر ربط)	ī
که	kadār, kē
کهتر	aziš-keh
کهربا	kah-rubāy
کهربایی	bōr

www.ketabz.com

فارسی	پهلوی
کهن	kahwan
کی (= چه وقت؟)	čiyōn, ka, kay
کی (= فرمانروایی که دشمن زردشت بود)	kayak
کی (= لقب پادشاهانی که از پشت گشتاسب کیانی به پادشاهی رسیدند)	kay
کیانیان	kay
کیر	kēr
کیسه چرمی	hanbān
کیش	kēš
کیف چرمی	paywāsag
کیفر	pādifrāh, puhl
کیک	kayk
کین / کینه	kēn
کینه‌جو	kēnīg, kēnwar
کینه‌جویی	kēnwarīh
کینه‌ور	kēnwar, kēnīg
کیوان (نجوم)	Kēwān
کیومرث	Gayōmart
کیهان	gēhān
کیهانی	gēhānīg

« گ »

فارسی	پهلوی
گادن	gādan
ـگار (پسوند سازنده صفت فاعلی)	-gār
گازر	gāzar
گام	gām
گام (واحد طول)	gām
گام بلند برداشتن	abar ǎxrāmīdan
گام دو پا	gām ī dō pāy
ـگانه (پسوند سازنده صفت عددی)	ganāg
گاو	gāw
گاو: در نجوم: ثور	gāw

فارسی	پهلوی
گاوآهن	ēš
گاودم	gāw-dumb
گاورس	gahl, gāwars
گاومیش	gāw-mēš
گاو نر	warzāg
گاه	gāh
گاه (یک پنجم شبانروز)	gāh
گاه (سرودی از سرودهای گاهان)	gāh
گاهان	gāhān
گاهانی	gāhānīg
گاهانی (پنجه دزدیده)	gāhānīg
گاهنبار	gāhānbār
گجسته	gizistag
گچ	gač
گچی	gačēn
گداختن	widāxtan
گدار	widār
گدازاندن	widāzīhistan
گذاردن	widār(ī)dan
گذاشتن	nihādan
گذر	widarag, widār, widērišnīh
گذرا	frasāwand, sazišnīg, wardišnīg, widcrišnīg
گذران	widerān, zī(w)išn
گذرایی	frasāwandīh, sazišn, wideršn(īh)
گذر نکردنی (آب)	*nāydāg
گذشت	wixšāyišn(īh)
گذشت کردن	*wixšāy-
گذشتن	widardan
ـگر (پسوند سازنده صفت فاعلی)	-gar
گراز	warāz
گرامی	grāmīg
گران	garān
گراییدن	grāyīdan

www.ketabz.com

گربه	gurbag
گربه آبی	udrag
گُرد	gurd
گِرد	gird
گَرد	gard
گردآمدن	(ō) gird āmadan, ō ham madan
گردآمده	gird
گردآوری	*harrōbišn(īh)
گردآوری کردن	hambārīdan, harrōb-, P. amwaštan
گردانیدن	gardānīdan, wardēnīdan
گردباد	wād-girdag
گردش	gardišn, wardišn
گردکردن	gird kardan, handōxtan
گردن	gardan, grīw
گردنا	*wardānāg
گردو	gōz
گردوار	gurdwār, ērwār
گردون	asmān
گردونه	rah, wardyūn
گِرده	girdag
گُرده	gurdag
گردهمایی	hanǰaman, nišast
گِردی	girdīh
گُردی	gurdīh
گردیدن	gardīdan
گرز	čōbag, gad, sneh, warz, (wazr)
گرزور	gadwar
گرزه	garzag, mār
گرسنگی	gursagīh, suy, šuy
گرسنه	gursag
گرفتار	griftār
گرفتن	dāštan, griftan
گرفتنی	grišnīg, griftārōmand

گرگ	gurg
گرگانی	gurgānīg
گرم	garm(ōg)
گرما	garmāg, tabišn, wardagīh
گرمابه	garm-ābag
گرمای نیمروز	rabih
گرمسیر	garmsēr
گرمی	garmīh
گرو	graw(īh), graw(a)gān
گرودمان	garōdmān, (garōsmān)
گروش	wurrōyišn
گروه	dastag, grōh, gund
گرویدن	wurrōyistan
گره	band, grih
گریبان	grīwbān
گریختن	wirēxtan
گریز	wirēg
گریستن	brām-, griyistan
گریوه	grīwag
گریه	brāmag
گریه کردن	griyistan
گز (درخت)	gaz
گزاردن	wizārdan
گزارش کردن	srawēnīdan
گزانگبین	tabarzad
گزند	wizend
گزنده	gazāg
گزیت	gazīdag
گَزیدن	gazīdan
گُزیدن	wēxtan, wizīdan, wurrōyistan
گُزیده	pad-wizēn
گزیر	wizīr, wizārišn
گزین	wizēn

www.ketabz.com

گزینش	wizēn
گزیننده	wizēngar
گستاخ	wistāx
گستاخی	wistāxīh
گستردن	wistardan
گسستن	wisistan
گسی / گسیل	wisē
گسیل کردن	wisē kardan
گشاد	wišād
گشادن	wišādan
گشاده‌رو	wišād-dar
گشتن	waštan, gardīdan
گُشن	gušn
گشنسپ (دومین آتشکده مهمّ دورهٔ ساسانیان، خاص طبقهٔ ارتشتاران)	Gušnasp
گشنه	gušnag
گشنیز	g/kišnīz
گفتار	gōwišn
گفتار بد	duš-hūxt, duš-ēwāzīh
گفتار نیک	hūxt
گفتن	dranǰīdan, guftan, P. wāxtan
گفتن (اهریمنی)	dawistan=dawīdan, drāyīdan
گفته	ēwāz, dranǰišn, wāzag
گفتهٔ بد	duš-gōwišn
گِل	gil
گُل	gul, škōfag
گُل آتش	xwarg
گُل دشتی	nastaran
گُل کردن	škuftan
گل و لای	kaf, laǰan
گلو	galōg, grīw
گله	garzišn, gilag
گَله	čarag, ram(ag)
گِله اوبار	gilag-ōbār

گله کردن	garzīdan
گله‌مند	garzišnīg, mustōmand
گل همیشه بهار	hamē-wahār
گِلی	gilēn
گماردن	gumārdan, hištan
گمارده	gumārdag
گمان	gumān(īh), gumānīgīh
گمراه	wiyābān(īg)
گمراه کردن	wiyābānēnīdan
گمراهی	wīyābānīh
گمشده	*apēdag
گمیز	gōmēz
گناگ مینو	gan(n)āg mēnōg
گناه	abārōnīh, āstār, druwandīh, māndag, wināh
گناهکار	abārōn, bazakkar, dabr, druwand, wināhgar
گناهکار بودن	pēšār būdan
گناهکاری	wināhgarīh
گناه ناشی از حرف زدن به هنگام خوردن	drāyān-ǰōyišnīh
گنبد	gumbad
گنج	ganǰ
گنجشک	winǰišk
گنجور	gāhbed, ganǰwar
گنجوری	gāhbedīh
گنجینه	ganǰ
گَند	gand
گُند (= سپاه)	gund
گُند (= بیضه)	gund
گندگی	gandagīh
گندم	gandum
گندنا	gandanāg
گنده	gandag
گنگ	a-gōwāg, gung
گواردن	gugār(ī)dan

www.ketabz.com

گواژه	wad-wāzag
گواه	gugāy
گواهی	gugāyīh
گواهی دروغ	zūr-gugāyīh
گود	*nāydāg, zofāy
گودال	čāh, maγ
گودر	gawdar
گودی	gabrīh, zahā, zofāy(īh)
گور	aspānūr, daxmag, hazzān
گورخر	gōr
گورستان	daxmagestān
گوز (= جوز)	gōz
گوزن	gawazn
گوزینه	gōzēnag
گوساله	gawdar
گوسفند	pah, gōspand, mēš
گوش	gōš
گوش: چهاردهمین روز ماه	Gōš
گوش به زنگ	gubrāg
گوشت	gōšt, pid
گوشت قورمه	halām
گوشت نمک سود	xāmiz
گوشوار	gōšwār
گوشه	gōšag
گوگرد	gōgird
گوگردی	gōgirdōmand
گون	gōn
گونه (= نوع)	gōnag
گونه (= آرواره)	ērwārag
گوهر	gōhr(ag)
گوهرشناس	gōhrag-dānāg
گوهری	pad-gōhar
گوی	gōy

گویا	gōwāg
گوینده	guftār
گُه	gūh
گهواره	gāhwārag
گیاه	giyā(h), marw, urwar
گیاه خوشبو	sprahm(ag)
گیاه دارویی	rūrag
گیتی	gētīg
گیج	stard
گیجی	stardīh
گیرنده	griftār
گیس	gēs
گیسو	gēs
گین / گن (پسوند سازنده صفت توصیفی)	-gēn

« ل »

لا	tōf
لابه	lābag
لابه کننده	lābakkar
لاجورد (سنگ)	kāskēn
لاجوردی	kāskēnēn
لابه‌گری	lābakkarīh
لازم	abēdān
لازم است	abāy-, abāyēd, andar abāyēd
لاک‌پشت	kašawag
لاکی	karmīr
لانه	āšyān(ag)
لایق	ādūg
لب	lab
لباس	brahm(ag), ǰāmag, paymōg, paymōzan, wastar(ag)
لباس زیر	taškanag

www.ketabz.com

karān	لبه
lag̃an	لجن
urwahm(an)īh , xwašīh	لذت
huniyāg	لذت‌بخش
wizandišn	لرزش
wizandag	لرزه
čandīdan , drafšīdan , larzīdan , wizandīdan	لرزیدن
abāyišn , niyāz(ōmandīh)	لزوم
gund , hēn , laškar	لشکر
laškarīg	لشکری
āyaft	لطف
dōsēn	لعابدار
škarwīdan	لغزیدن
parš	لکدار
xwāhišn	لگدمال
ōspurdan	لگدمال کردن
pahikaftan , pahrmāh- , sōhistan	لمس کردن
a-griftār	لمس نشدنی
kun-marz	لواط
kun-marz	لواطگر
taxtag	لوح
lawzēnag	لوزینه
rang	لون
afšurdan	له کردن

« م »

amā	ما
mād , mādar	مادر
mādagīh	مادگی
dēnōdag , mādag	ماده
mādišt	مادّه

astōmand , astwand , getīgīg , tanigard(īg)	مادی
mādīyān	مادیان
garzag , kirm , mār	مار
amā	مارا
Māraspand(mānsarspand)	مارسپند: گاه نما: نام بیست و نهمین روز ماه
karbūg	مارمولک
māzandar	مازندر
māzanīg	مازنی
māst	ماست
māš	ماش
kark	ماکیان
-(ī)š	مال آن
-(ī)š	مال او
-(ī)t	مال تو
-(ī)m	مال من
bāǰ , bar , harg	مالیات
handudan , muštan , rōb-	مالیدن
gumārdag	مامور
bayaspānīh	مأموریت
mān	مان
mānāg	مانا
a-sazišn(īg)	ماندگار
a-sazišn(īg)īh	ماندگاری
māndagīh	ماندگی
abāz ēstādan, māndan , (mānistan) , pādan , pattūdan , win(n)irdan	ماندن
sālwār	ماندنی
māndag	مانده
māns r	مانسر
(mānsar)spand	مانسرسپند
abāz dāštan , padīrān(ēn)īdan	مانع شدن
čiyōn , handāzag ī , hangōšīdag ī , ō... homānag , tā	مانندِ
mān-	مانند بودن
zandīk	مانوی

www.ketabz.com

ماه	āyišm, māh
ماه: گاه نما: نام دوازدهمین روز ماه	Māh
ماه پُر	purr-māh
ماه نو	andarmāh
ماهر	abzārōmand, hunarāwand, hunarōmand, hu-dast, frahixtag, nēzumān(īg)
ماههای سال	māhīgān
ماهی	māhīg
ماهی: در نجوم: حوت	māhīg
ماهیت	čiyōnīh, čēīh, čihr(ag), gōhr, mādayān, xwadīh
مایع	šuhr
مایل	kāmagōmand
مایه	gōhr(ag), mādag
مبادا	ma agar, pargast
مبارز	ardīkkar
مبارزه	ardīkkarīh
مبهوت	stard
متاسف	abaxšāwand
متحرک	ēwarzīg, wāzišnīg, wihēzagīg
متحمل	bārestān, gilag-ōbār
متحیر	stard
متراکم	hambast
متشکل	hambastag
متشکل کردن	rāyēnīdan
متصدی	abarmān
متصل کردن	paywastan
متضاد	ǰuttar, mih
متعادل	paymānīg
متفاوت	ǰud, ǰudāg, ǰuttar
متکبر	abar-menišn, tar-menišn
متمایل شدن	grāyīdan
متواضع	narm, tarsāgāh
متوجه شدن	ayāsīdan, (ayāstan)

متورم کردن	pēmēnīdan
متوکل	*wīdwar
متهم	pasēmāl
مجادله	pahikār
مجادله کردن	pahikār-
مجاز	pādixšā(y)
مجبور	ačārag
مجاور	ham-sāmān
مجروح	rēškēn
مجروح کردن	rēšīdan, xastan
مجمع	hanǰaman
محافظ	dāštār
محافظ حیوانات آواره	apēdagdār
محافظت شده	pad-pānag
محافظت کردن	dāštan, nigāh dāštan
محبت	grāmīgīh
محبوب	dōšag
محترم	āzarmīg
محدود	brīn, brīnōmand, kanāragōmand, sāmānīg, wimandīg, wimandōmand
مَحْرم	dahm
مَحرُوم	a-bahr
محله	wālan
محکم	awestwār, ōst, ōstīgān, staft
محکمی	awestwārīh
محکومیّت	čašmagāhīh
محنت	pīm
مخ	muγ
مخالف	ēbgatīh, ǰud-dādestān, ǰuttarīh, mih
مخالفت	hamēmālīh, hamēstārīh
مخرب	zadār
مخصوص	mādagwar, wāspuhragān
مخصوصاً	(pad) nāmčišt
مخلوط کردن	gumēxtan

www.ketabz.com

مدافع	pasēmāl
مدرسه	dibīrestān, frahangestān
مدرسه هیربدی	hērbedestān
مدعی	pasēmāl
مدفوع	gūh, hihr, muhrišn
مدفون	nigān
مدور	gird
مدهوش	mast(ōg)
مدهوشی	mastōgīh
مدیر	rāyēnāg
مدیریت	rāyēnīdārīh
مر	mar
مرا	-(ī)m, man
مراد	āyaft
مراسم جشنهای گاهنبار	rad-passāg
مراسم مذهبی	hādōxt, hamāg-dēn
مراقب	dāštār
مراقبت کردن	pahrēxtan, zēnēnīdan
مربوط به دو جهان	dō-axwānīg
مربوط به قانون	dādīg
مربوط به هاتمانسر	hādamānsarīg
مرتب کردن	win(n)ārdan
مرتعش شدن	larzīdan
مرتفع (زمین)	sardsēr
مرتکب گناه شدن	pēšār būdan
مرجان	wassad, xrōhak
مرجانی	wassadēn
مرحوم	anōšag-ruwān, hu-fraward
مرد	mard, wīr
مردار	murdār, nasā
مردانگی	mardānagīh
مردانه	mardānag, nar
مرد پیر	zarmān

مرد جوان	mērag
مردد بودن	škarwīdan
مردم	mardōm, *pāyram
مردم‌زاده	mardōm-zādag
مردمک چشم	syāhag, tīdag
مردمی	mardōmīh, mardōm-zādagīh
مردن	murdan, widardan, (widaštan)
مردنی	purr-gāh, widerān
مدور	gird(ag)
مرده	rist
مرده ریگ	abarmānd
مرز	kanārag, marz, sāmān, wimand
مرز: در نجوم: قران	marz
مرزبان	marz(ō)bān
مرزدار	marz(ō)bān
مرزنگوش	marzangōš
مرسوم	šōnīg
مرض	waštagīh, xīndagīh, yask
مرطوب	tarr
مرغ	murw
مَرغ	marw
مرغ خانگی	kark
مرغ سعادت	humāy
مرغ شکاری	škarag
مرغک	murwīzag
مرکب	bahrōmand, hambastag
مرگ	marg(īh), ōš, widerišn(īh), P. murd
مرگ ارزان	marg-arzān
مروا	murwāg
مروارید	morwārīd
مروای نیک	hu-murwāg
مریض	waštag, wēmār, xīndag
مزاج شناسی	čihr-šnāsīh

www.ketabz.com

مزد	mizd, pādāšn
مزداپرست	māzdēsn
مزداپرستی	māzdēsnīh
مزدور	mizdwar
مزدیسن	māzdēsn
مزدیسنی	māzdēsnīh
مزروع	ābād(ān)
مزه	čāšnīg, čaxšišn, mizag
مزه‌دار	mizagōmand
مزیدن	mēzīdan
مژه	miǰ(ag)
مس	rōy
مسئول	pursišnīg
مساعدت	ayārōmandīh
مسافر	kārdāg, kārawānīg
ـ مسای (پسوند)	-masāy
مُست	must
مست	mast(ōg)
مستبد	kāmgār, kāmag-xwadāy
مستراح	čamišn
مستقر	māništag
مستقر شدن	bunag dāštan
مستقیم	rāst
مستی	mastōgīh
مسجد	mazgit
مسرف	wanīgar
مسطح	hamwār
مسکن	āwarišn, bunag, ēstišn, mān, mānišn, xān ud mān
مسکن دیوان	dwārišn, gilistag
مسن	pīr
مشاجره کردن	ēraxtan
مشارکت	bahr(ag)war
مشاور	ham-pursag

مشاوره	ham-pursagīh
مشاهده کردن	nigerīdan, nīš-
مشت	mušt, (must)
مشتاق	kāmagōmand
مشرق	ōšastar, xwarāsān
مشرک	ǰud-ristag
مشروب الکلی	hur
مشقت	škeftīh, widang
مَشک	mašk
مُشک	mušk
مشکُو	mašk, mašk-abarzēn
مشکوک	gumānīg, warōmand
مشکیزه	maškīzag
مشو	miǰūg
مشهور	nāmīg, nāmčištīg
مصیبت	škeftīh
مضطرب ساختن	āyōzīdan=āyōxtan
مطابق رسم معمول	pad ēwēn
مطلّع	pursišnīg
مطمئناً	ēwar
مطهر	āsnūd(ag)
مطبوع‌ترین	xwālist
مطمئن	a-gumān, abē-gumān, ēwar, ōstīgān, tāštīg
مطیع	framān-burdār
معادل	gōhrīg
معارض	hambadīg, hambasānīg, hamēmāl
معتبر	wizurd
معترف	āstawān, xwastūg
معترف به دین	dēn-āstawān, dēn-burdār
معتمد	wistāx
معجزه	warz, widimās(īh)
معدوم	an-ast
معده	kumīg

www.ketabz.com

معرفی	handēmāngarīh
معرفی کننده (به حضور)	handēmāngar
معروف	nāmčištīg
معطر	hu-bōy
معطر کردن	bōyēnīdan
معقول	čimīg
معمول	šōnīg
معلوم	nigerišnīg
معمار	rāz-kirrōg
معنی	čim
معین	brīn
مغ	maγ
مغایر	hambasānīg
مغرب	dōšastar, xwarōfrān, xwarwarān
مغرور	abar-tan, abar-menišn, wastār
مغز	mazg
مغشوش	wiyābānīg
مغشوش شدن	šēb-
مغلوب کردن	tarwēnīdan, wānīdan
مغ مرد	mow-mard
مفصل	gōkānīg
مفعول بودن	wiftag
مقتدر	pādixšā(y)
مقدر کردن	brēhēnīdan
مقدس	abēzag, pāk, spēnāg, yōǰdahr
مقرر شده	zamānīg
مقعد	kūn
مقیم	māništag
مکار	wadag
مکاشفه	wēnāb
مکوک	makōk
مکیدن	mizīdan
مگر	ma agar

مگس	magas, maxš
مگس انگبین	magas ī angubēn
ملاحت	šīrēnīh
ملاحظه	āmār, hangārišn, nigerišn, ōšmārišn
ملازم	kard-espās, P. hămharz
ملاقه	kafč
ملامت	āwēnišn
ملامت کردن	ēraxtan
ملایم	čarb
ملایمت	čarbīh
ملتفت شدن	mārdan
ملخ	kullag, mayg
ملعون	gizistag
مِلک	dast(a)gird
ملکه	bāmbišn
ملموس	gīrišnīg, griftārōmand
ممتاز	pad-wizēn
ممکن است	šāyēd, tuwān
ممکن است (با فعل مفهوم تردید را می‌رساند)	ōh
من	*az, man
مناسب	niyābag, passazag
مناسب است	abāy-, abāyēd
مناسب بودن	abāyistan, saz-
منتظر شدن	pādan
منجم	axtar(ā)mār, star-ōšmar
منجمد شدن	afsārdan
منجمی	axtar(ā)mārīh
منحرف شدن	waštan
منحنی	xwahl
ـ مند (پسوند سازندهٔ صفت توصیفی)	-ōmand
منزل	āwarišn, māništ, nišēmag
منش	menišn, ragīh
منصوب کردن	frāz griftan, gumārdan, hištan

www.ketabz.com

منطق (علم)	čim-gōwāgīh
منطقی	čimīg
منظم شدن	win(n)irdan
منظم کردن	win(n)ārdan
منکر	*nakkīrā
منگ	mang
مو	mōy, wars
مؤثر	sōhišnīg
مؤدب	tarsāgāh
مواظب بودن	nigāh dāštan
مواظبت	nigāh-dārīh, nigāh-dārišnīh, pās
مواظبت شده	pad-pānag
مواظبت کردن	pahrēxtan
موافق	ham-dādestān
موافقت	pašn, pašt(ag)
موافقت‌نامه	pādixšīr
موبد	āsrō, āsrōn, mānsr-bar, mowbed
موبدی	āsrōīh
موجب پیشرفت شدن	frāxēnīdan
موجود اهریمنی	wišūdag
موجود است	ast
موجه	čimīg
مور	mōr
مورد	dādestān, ǰadag
مُوْرد	mōrd
مورد استفاده قرار دادن	kār framūdan
موز	mōz
موزه	mōzag
موش	mušk
موضوع	dar
موفق	kāmag-hanǰām
موفقیت	kāmag-hanǰāmīh
مونس	hamdam

مویه	mōyag
موبین	mōyēn
مه (پیشوند نفی)	ma
مه	meh
مِه	mēγ
مهاجر	kārdāg
مهاجم	must-abarmānd
مهارت	abzār, hunar, hunarōmandīh, kārāgāhīh, nēzūmānīh
مهتر	aziš-meh, mehtar
مهتری	mehtarīh
مهر: گاه نما: هفتمین ماه سال و شانزدهمین روز ماه	Mihr
مهر (ایزد)	Mihr
مِهر	dōstīh, dōšagīh, dōšāram, mihr
مُهر	muhr
مهربان	mihrbān, xwābar
مهربانی	nāzišn, nēkīh
مُهر کردن	āwištan
مُهره	muhrag
مُهره(بازی)	gardānāg
مُهره(نرد)	muhrag
مهریه	kā bēn
مهست	aγrē, mahist
مهم	mādagwar, wāspuhr
مهندس	rāz-kirrōg
می	may
میان	andar, andarag, mayān
میان تن	nēm-tan
میانجی	ǰādag-gō(w), mayānǰīg
میانجیگری	ǰādag-gō(w)īh, mayānǰīgīh
میانگین	mayānag
میانه	mayānag
می‌توان (+ مصدر)	tuwān
میخ	mēx

www.ketabz.com

میخ‌گاه: در نجوم: ستاره قطبی	mēx ī gāh
میدان اسب دوانی	asprēs
میدان کارزار	kārezār
میزبان	mēzdbān
میش	mēš
میش سار = میش سر	mēš-sār
میغ	mēγ, miznē
میل	passand
میمون	kabīg
مینو	mēnōg, mēnōg(īg)īh
مینوها	yazadān
مینوی خوب	spēnāg mēnōg
مینویی	mēnōg, mēnōgīg
میوه	mēwag, bar, bār
میهمان	mehmān
میهمان‌خانه	aspinǰ
میهمان‌نواز	wišād-dar
میهمان‌نوازی	aspinǰ, mehmānīh, spinǰānagīh
میهمانی	sūr, xwaran
میهن	mēhan

«ن»

نا ـ (پیشوند نفی)	a-, an-
ناآباد	an-ābādān
ناآشتی	an-āštīh
ناآگاهی از آینده	pas-dānišnīh
نااستوار	an-ōst
ناامید	an-ummēd
ناامیدی	*ōrēb(īh)
نابجا	an-abāy
نابرنا	aburunāy, aburnāyag

نابرنایی	aburnāyīh
نابود	ānāst(ag), an-ast,
نابود شدن	abēsīhīdan
نابود کردن	abēsīhēnīdan (afsēnistan), gugān-, kandan, murnǰēnīdan, wānīdan, wimuštan
نابودکننده	zadār
نابودی	abēsīhišn(īh), an-astīh, wānišn
ناپاک	ālūdag, druwand
ناپاک کردن	ālūdan
ناپاکی	druwandīh
ناپایدار	rōz-ward, wardišnīg
ناپایداری	wardišn(īg)īh
ناپدید	abaydāg
ناپدیدی	abaydāgīh
ناپسند	wattar
ناپل (نام بالاترین درجهٔ گناه)	Anābuhlag
ناپیدا	abaydāg, a-wēnišnīg
ناپیدایی	abaydāgīh
ناتوان	abādixšā(y), abādyāwand, agār, an-abzār, armēšt
ناتوان شدن	agārīhistan
ناتوان کردن	agārēnīdan
ناتوانی	abādixšā(y)īh, abādyāwandīh, agārīh
ناچار	a-čār
ناحیه	awēstām, kust(ag), pāygōs, rōstāg, zand
ناخرسند	a-hunsand
ناخرسندی	a-hunsandīh
ناخن (انگشت)	năxun, srū
ناخواستنی	an-abēdān
ناخوشایند	a-xwaš
نادان	a-dān, duǰ-dānāg, duš-āgāh
نادانی	a-dānīh, pas-dānišnīh
نادرست	aband, abārōn, zēfān
نادرستی	abandīh

www.ketabz.com

ناراحتی	dušwārīh
ناراضی	a-hunsand
نارس	xām
نارضایتی	a-husandīh
نارگیل	anārgēl
نازش	nāzišn
نازک	bārīg/k, nāzuk
ناسازگار	duš(x)wār, ǰud-dādestān
ناسپاس	a-spās, an-espās
ناسپاسی	an-espāsīh
ناسزا	duš-nām
ناسزا گفتن	ēraxtan
ناشاد	a-xwaš, dušrām, mustōmand
ناشادی	a-xwārīh, a-xwašīh
ناشایسته	an-arzānīg
ناشکیبا	a-pattūg
ناف	nāfag
نافرسودنی	a-frasāwand
نافرمان	a-burd-framān, spōzgār
نافرمانی	a-burd-framānīh, spōz, spōzišn
نافرمانی کردن	spōxtan
نافع	xwābarīg
ناقص	an-uspurrīg
ناکار شدن	agārīhistan
ناکار کردن	agārēnīdan
ناکار	agār
ناکرده	a-kard
ناکشته	a-warzīd
ناگاه	an-āgāh
ناگزیر	a-čārag, a-wizīrišnīg
ناگویا	a-gōwāg
نالایق	an-ādūg, an-arzānīg
ناله	brāmag

نالیدن	brām-, nāl-
نام	nām
نامتعادل	a-paymān
نامحرم	a-dahm
نامحسوس	a-griftār
نامشخص	a-nāmčištīg
نامناسب	an-abāy, a-sazāg
ناموجود	an-ast
نامه	frawardag, nāmag
نامی	čašmag, nāmīg
نان	nān
نان درون را تقدیس کردن	drōn yaštan
نان مقدّس	drōn
ناوارد	an-abzār
ناهمانند	a-homānāg
ناهید: در نجوم: ونوس	Anāhīd
ناهید: نام ایزدی مؤنّث	Anāhīd
نای	nāy
نای (واحد طول)	nāy
نبات	tabarzad
نبرد	ham-nibardīh, ham-rānīh, nibard
نبرد کردن	nibardīdan
نبرده	nibardag
نبی	nibēg
نترس	a-bīm
نتیجه	frazām, hanǰām
نجات	bōxtārīh,
نجات‌بخش	bōxtār
نجات یافتن	bōxtan
نجّار	durgar
نجوم	kundāgīh
نجیب‌زاده	pad-gōhr
نخجیر	naxčīr

www.ketabz.com

نخست	ahy, fradom, fradomīh, naxust, nazdist
نخست‌وزیر	wuzurg framadār
نخل	muγ
نخوت	abar–tanīh
نخود	naxōd
ـ نده(پسوند سازندهٔ صفت فاعلی)	–endag
نذر	us(t)ōfrīt, zōhr
نر	gušn, nar
نرد (بازی)	nēw–ardaxšīr
نردبان	pillagān, srād
نرده	parzīn
نرگس	nargis
نرم	čarb, narm, nāzūk
نزار	nizār
نزار شدن	nizārīh–
نزاری	nizārīh
نزاع	stēzag
نزدیک	nazd(īk)
نزدیکی	nazdīkīh
نزع	gyān kandan
نسبت دادن به...	abāz dādan ō
نسترن	nastaran
نسک (بخشی از اوستا)	nask
نسل	āwādag, gōhr(ag), naft, pušt
نشان	daxšag, nišān
نشان دادن	nimūdan
نشاندار	daxšagōmand
نشاندن	(abar) nišāstan
نشست	nišast
نشستن	nišastan
نشیب	nišēb
نشیب: در نجوم: حضیض	nišēb
نشیمنگاه	kūn

نصب کردن	abar nišāstan
نطفه	šuhr
نظم	rāyišn, wirāyišn(īh)
نعره زدن	γarrānīdan
نفت	naft
نفرت‌انگیز	nikōhišnīg, zišt
نفرین	nifrīn
نفرین شده	nifrīdag
نفرین کردن	nikōhīdan
نَفْس	grīw
نَفَس	damišn
نفس کشیدن	daftan
نقب	sūrāg
نقره	asēm
نقره‌ای	asēmēn
نقصان	kāhišn, nirfsišn
نقطهٔ اعتدال بهاری	Gōzihrsar
نقطهٔ اعتدال پاییزی	Gōzihrdumb
نکوهش	ērang(īh), nikōhišn
نکوهیدن	nikōhīdan
نگاره	nigārag, pahikar
نگاشتن	nigār–
نگاه	nigāh
نگاهبان	pānag
نگاهدار	nigāstār,
نگاهداری	dārišn, ǰadārīh, nigāh–dārīh, nigāh–dārišnīh
نگاه داشتن	(nigāh) dāštan
نگاه کردن	nigāh kardan
نگرش	nigerišn
نگریدن	nigerīdan
نگون	nigūn
نگونسار	nigūnsār
نگونی	nigūnīh

www.ketabz.com

نگهبان	pāsbān
نگهبانی کردن	pās dāštan
نگهداری کردن	pādan
نم	nam
نماز	namāz
نماز بردن	namāz burdan
نمد	namad
نمردنی	a-marg
نمناک	naft
نمودن	nimūdan
ننو	gāhwārag
نو	nōg
نوا	niwāg
نواختن (نی)	nāy-pazd-, pazd-
نواختن (آلت موسیقی)	srūdan
نوازنده	huniyāgar
نوازندهٔ چنگ	čang-srāy
نود	nawad
نورانی کردن	abrōxtan, rōzēnīdan
نوروز	nōg-rōz
نوزاد	nōg-zād(ag)
نوزده	nōzdah
نوشاندن	xwārēn-
نوشتن	nibištan
نوشته	nibēg
نوشیدنی مقدّس	parāhōm
نوع	gōnag, sardag, sān, šōn
نوک	bālēn, bašn, sar, tērag
نوه	nab
نوید	*niwē
نویسندگی	dibīrīh
نویسنده	dibīr
نه	mā, nē

نه... اصلاً	tis-iz
نُه	nō
نهاد	bun, nihādag
نهادن	nihādan
نهال	nihāl
نهان	nihān
نهانی	nihānīg
نهر	ǰō(y)
نهفتن	nihuftan, (nihumbīdan)
نُهُم	nohom
نی	nāy
نیا	niyāg
نیاز	astānag, niyāz
نیازمند	astānagōmand, driyōš, niyāzōmand
نیازمندی	driyōšīh, niyāzōmandīh
نیالوده	an-āhōg, an-ālūd,
نیامیخته	a-gumēg
نیایش	azbāyišn, niyāyišn
نیایش کردن	azbāy-
نیرنگ	dawāl, nērang
نیرو	abzār, nērōg, ōz, stabrīh, tuwān, zōr
نیرومند	abzār, amāwand, nērōgōmand, ōzōmand, pādixšā(y), pādyāwand, warzāwand, zōrīg, zōrōmand
نیرومندتر	abar-ōz
نیرومندی	amāwandīh
نیروی زندگی	axw, uštānīh
نیز	anī-z, -iz
نیزار	nayestān
نی زن	nāy-srāy
نیزه	nēzag, sel
نیست	nēst
نیستان	nayestān
نیستی	an-astīh, nēstīh

www.ketabz.com

نیش	gazišn
نیش زدن	gazīdan
نیشکر	nay
نیک	hu–nēk(ōg)
نیک‌اندیش	hu–menišn
نیک‌اندیشی	hu–mānīh
نیک چشم	hu–čašm
نیک‌خواه	hu–čašm
نیک‌خواهی	hu–čašmīh, hu–mānīh
نیک گوهر	nēk–gōhr
نیکو	hu–čihr, nēk(ōg)
نیکوکار	ahlā, ahlaw, ašō, hudā(ha)g, hugar, kirbakkar, xwābar
نیکوکاری	ahlāyīh, ahlawīh, hudā(ha)gīh, kirbakkarīh, xwābarīh
نیکی	nēkīh
نیل	nīl
نیلوفر	nīlōpal
نیم	nēm
نیماسپ	nēm–asp
نیماسپ: در نجوم: برج قوس	nēm–asp
نیم تن	nēm–tan
نیمروز	nēw–rōz, rabih
نیمکت	bālēn–gāh, taxt–gāh
نیمه	nēmag
نی نازک	graw
نیو	nēw
نیوشش	niyō(x)šišn
نیوشیدن	niyō(x)šīdan

«و»

وُ (با ضمیر متصل می‌آید مانند u–š)	u–
و	ud, (u–)

واجب	frēzbānīg
وادار به ترک کردن	abāz kardan az
وادار به رفتن کردن	rawēnīdan
وادار به گناه کردن	āstārēnīdan
وارث (زن)	*ēnōkēn
وارد شدن	andar āmadan, andar šudan
وارون	abārōn, nigūn
واسطه	mayānǰīg
واضح	rōšn/ag
واقعی	wizurd
واگذار کردن	abespurdan, (abespārdan)
واگذاری	pāymār
وام	abām
وای بدتر (دیو)	Way ī wattar
وای به (ایزد)	Way ī weh
وبال (نجوم)	petyārag
وثیقه	graw(īh), graw(a)gān
وجب	widest
وجبی	widestīg
وجود	axw, astīh, stī
وحشت	bīm, *nihēb
وحشتناک	bīmgēn
وحشی	kōfīg
وخشور	waxšwar
ور	war
ورجاوند	warzāwand
وراء	tar
ورد	afsōn
ورزا	warzāg
ورزیدن	warzīdan
ورگرم	garmōwar(īh)
وروبرشت (نام اقلیم شمال غربی از هفت اقلیم)	Wōrūbaršt
وروجرشت (نام اقلیم شمال شرقی از هفت اقلیم)	Wōrūǰaršt

www.ketabz.com

ورُود	adēn
وَرزش	wazišn
وَزغ	wazaγ
وزن	garānīh
وزن کردن	tarāzēnīdan
وزیدن	wāyīdan, wazīdan
وزیر	dastwar
وزیر اعظم	bidaxš
وسط	mayān
وسیع	wēhm
وسیله	abzār, čār(ag), zay
وصیت	handarz
وضعیت جسمی	tan–bahr
وظیفه	rāyēnišn
وظیفه‌شناس	xwēš–kār
وظیفه‌شناسی	xwēš–kārīh
وظیفه‌نشناس	a–xwēškār
وفادار	ēkānag
وفاداری	ēkānagīh
وقار	hu–škōhīh, škōh
وکیل	ǰādag–gō(w)
ون	win
ونند	Wanand
ویددفش (نام اقلیم جنوب غربی از هفت اقلیم)	Wīdadafš
ویران	awērag, awērān, drōšag
ویران‌سازی	kastārīh
ویران کردن	abesīhēnīdan, hambāstan, kandan, wišuftan
ویرانگر	kastār
ویرانی	abesīhēnišn(īh)
ویرایش	passāzišn, wirāyišn(īh)
ویژگی	daxšag
ویژه	abēzag

« ه »

ـ ها (پسوند جمع)	-īhā
ـ ها (پسوند سازندهٔ قید)	-īhā
ها (هر یک از بخشهای یسنا)	hād
هاتمانسر	hādamānsar
هاتمانسری	hādamānsarīg
هادخت (یکی از نسکهای گم شدهٔ اوستا)	hādōxt
هادخت (مراسم قربانی خاص)	hādōxt
هاسر (مقیاس زمان)	hāsar
هاسر (مقیاس طول)	hāsar
هامون	hāmōn
هاون	hāwan
هجده	haštdah
هجوم	hēnīh
هدایت کردن	*adēn-, franāftan, hāxtan, nīdan, rāyēnīdan, zāmēnīdan
هجیر	hu-čihr
هدف	kām(ag)
هدیه	dāsar, dāšn, pārag
هر	har(w), wisp
هر اندازه	čand
هرج و مرج	abādixšā(y)īh
هر چند	čand
هر چه	čegām-iz
هر دو	*ǰomā
هر روزه	rōzwārag
هر زمان	hamē ka
هرزه	halag
هرزه‌گویی	drāyišn
هرزه‌گویی کردن	drāyīdan
هرکدام	kadām-iz-ē(w)
هرکه	kadār-iz-ē(w)

www.ketabz.com

هرگز (با نفی)	hagriz
هرمزد: در نجوم: مشتری	Ohrmazd
هرمزد: گاه‌نما: اولین روز ماه	Ohrmazd
هر یک	har(w)
هزار	hazār
هزاره	hazārag
هزوارش	uzwārišn
هزینه	uzēnag
هست	hast=ast
هسته (میوه)	ast(ag), uruspar
هستی	axw, astīh, mādayān, stī
هستی یافته	zāyišnīg
هشت	hašt
هشتاد	haštād
هشتن	hištan
هفت	haft
هفتاد	haftād
هفتان	haftān
هفت سیّاره	haftān
هفتو رنگ (نجوم)	Haftōring
هفته	haftag
هفده	haftdah
هلام	halām
هلیله	halīlag
هم	ham, -iz
هماست (دعاهای مختلف)	hōmāst
همال	hamāl
همان‌گونه	ham-gōnag
همانند	homānāg, ham-ēwēnag
همانندی	ēw-sānīh, hāwandīh, hangōšīdag, homānāgīh, mānāgīh
هماهنگی	hamīh
همای	humāy
همپرس	ham-pursag

همتا	hamāl, ham-tā, tā
هم‌تخمه	ham-tōhmag
هم‌تن	ham-tan
هم‌چنین	ham-ēdōn
همداستان	ham-dādestān
همدستی	abāgīh
همدم	hamdam
همدیس	ham-dēsag
هم‌ذات	ham-gōhr
همراه	ayārōmand, hambāy, P. hamhărz
همراه با	az ... hammis, ǰomā
همراهی	abāgīh, ayārōmandīh
همراهی کردن	abāgēnīdan
هم‌زمان	ham-zamān
همسایه	ham-sāyag
همستگان	hamēst(ag)ān
همسر	čagar, nārīg, zan
هم‌شکل	ham-dēsag
هم‌قامت	ham-bašn, ham-tan
همکار	ham-kār
همکاری	ham-kārīh
هم‌گوهر	ham-gōhr
همگی	hamagīh
هم‌نبردی	ham-nibardīh
هم‌نوع	ham-sardag
هموار	hamwar
همواره	hǎmwār(ag)
همه	hamāg(īh), hambāstag, hamist, hāmōyēn, har(w), harwīn, harwisp, harwispīn, wisp
همه دین (مراسم مذهبی)	hamāg-dēn
همی	hamē
همی (= اتّحاد)	hamīh
همیدون	ham-ēdōn

www.ketabz.com

hamēšagīh , ǰāwēd(an)	همیشگی
bāstān , hamē , hamēšag , P. yāwēdān	همیشه
hamē-wahār	همیشه بهار
hamēšag-sōz	همیشه سوز
zamīg-paymānīh	هندسه
Hindūgān	هندوستان
Hindūg	هندی
hunar , kirrōgīh	هنر
hu-tuxš , kirrōg	هنرمند
hunarāwandīh	هنرمندی
hangām , ǰār	هنگام
ahanūz	هنوز
andarwāy , wāy	هوا
ōš(īh)	هوش
ōšyār	هوشیار
Hōm	هوم
hōmōmand	هوم‌دار
hōmēn , hōmīg	هومی
āškārāg , nigerišnīg	هویدا
ēč , ham-bun	هیچ (با ادات منفی)
kas-iz	هیچ‌کس
hērbed	هیربد
hērbedestān	هیربدستان
hērbedīh	هیربدی
ēs/zm	هیزم

«ی»

ē	ی (ادات، به فعل مضارع معنی تمنّایی می‌دهد)
ī	ی (ادات ربط)
-īh	ـ ی (پسوند سازندهٔ اسم معنی)
-īg	ـ ی (پسوند سازندهٔ صفت ثانوی)

ē(w)	ی (نکره)
ayāb	یا
Yāt	یات (نام درجه‌ای از گناه)
ayād , ayāsišn(īh) , daxšag , warm , wīr , wīrōmandīh	یاد
ayādgār	یادگار
hammōxtan	یاد گرفتن
hammōxtār	یاد گیرنده
hammōxtārīh	یادگیری
ayār	یار
ayārīh , frayād , frayādišn	یاری
ayārīdan , frayādīdan	یاری کردن
yāzdah	یازده
yāsaman	یاسمن
ayāftan , windādan	یافتن
windišnīg	یافتنی
yākand	یاقوت
yākand	یاکند
bašn	یال
ayārōmand , dast-gīr	یاور
afsārdan	یخ بستن
ay , hād	یعنی
grīwbān	یقه
ēwar	یقین
ēwar	یقیناً
ēk , ēw	یک
ēw-bār	یکبار
ēw-kard(ag)	یکپارچه
ēw-tā , tā	یکتا
ēk-dād	یکتا آفریده
ham-ēwēnag	یک جور
ē(w)-čand	یک چند
*lipī	یک درجه (از قوس)
ēw-sān	یکسان

www.ketabz.com

یکسانی	ēw-sānīh
یک سوم	srišwadag
یک موزه	ē-(w)-mōg
یکی شدن	hambūdan
یکی کردن	hamēnīdan
یل	yal
یوزپلنگ	yōz
ـ یدن (پسوند سازندهٔ مصدر ثانوی)	-īdan
ـ ین (پسوند سازندهٔ صفت نسبی)	-ēn
یوغ	ǰuγ
یونانی	Hrōmāyīg

پیوستها

www.ketabz.com

پیوستها

۱ـ ایزدان

هرمزد	Ohrmazd
امشاسپندان	Amahraspandān
بهمن	Wahman
اردیبهشت	Ardwahišt (Urd-, Ašawahišt)
شهریور	Šahrewar
سپندارمد	Spandarmad
خرداد	Hordād
امرداد	Amurdād
آذر	Ādur
اناهید	Anahīd
ارد (اهلشونگ)	Ard (Ahlišwang)
اشتاد	Aštād
برز	Burz
ایرمان	Ērmān
مهر	Mihr
رشن	Rašn
سروش	Srōš
بهرام	wahrām
وایِ به	Way ī weh
زروان	Zurwān

۲ـ دیوان

اهریمن	Ahreman
اکومن	Akōman
ارزور	Arzūr
استویهاد	Astwihād

www.ketabz.com

جه	ǰeh
وايِ بد	Way ī Wattar
خشم	Xēšm
وزرش	Wizarš

۳ـ ماهها

فروردین	I Farwardīn
اردیبهشت	II Ardwahišt
خرداد	III Hordād
تیر	IV Tīr
امرداد	V Amurdād
شهریور	VI Šahrewar
مهر	VII Mihr
آبان	VIII Ābān
آذر	IX Ādur
دی	X Day
بهمن	XI Wahman
اسفند	XII Spandarmad
+ فروردیگان	+ Frawardīgān

۴ـ روزها

هرمزد	[1]Ohrmazd
بهمن	[2]Wahman
اردیبهشت	[3]Ard wahišt
شهریور	[4]Šahrewar
سپندارمد	[5]Spandarmad
خرداد	[6]Hordād
امرداد	[7]Amurdād
دی به آذر	[8]Day pad Ādur
آذر	[9]Ādur
آبان	[10]Ābān
خور	[11]Xwar

ماه	[12]Māh
تیر	[13]Tīr
گوش	[14]Gōš
دی به مهر	[15]Day Pad Mihr
مهر	[16]Mihr
سروش	[17]Srōš
رشن	[18]Rašn
فروردین	[19]Frawardīn
بهرام	[20]Wahrām
رام	[21]Rām
باد	[22]Wād
دی به دین	[23]Day Pad dēn
دین	[24]Dēn
ارد (اهلشونگ)	[25]Ard (Ahlišwang)
اشتاد	[26]Aštād
آسمان	[27]Asmān
زامیاد	[28]Zāmyād
مارسپند	[29]Māraspand
انغران	[30]Anagrān

۵ـ گاهها

بامداد	Hāwan
نیمروز	Rapihwin
غروب	Uzērin
غروب آفتاب تا نیمه شب	Ebsrusrim
نیمه شب تا سپیده دم	Ušahin

۶ـ کشورها

خونیره (مرکزی)	Xwanirah
ارزه (شرقی)	Arzah
فرددفش (جنوب شرقی)	Fradadafš
ویددفش (جنوب غربی)	Wīdadafš

www.ketabz.com

سوه (غربی)	Sawah
ورویرشت (شمال غربی)	Wōrūbaršt
وروجرشت (شمال شرقی)	Wōrūǰaršt

۷ـ واحدهای اندازه گیری طول

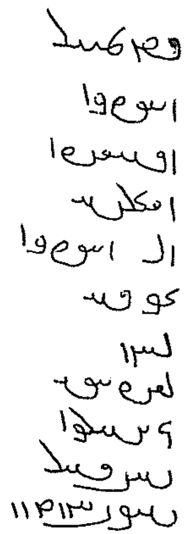
(۱) انگشت = $\frac{۳}{۴}$ اینچ	I angust
(۲) بدست = ۹ اینچ	I widest
(۳) پای = ۱۲ اینچ	I pay
(۴) ذراع = ۱ فوت و ۱۶ اینچ	I frārāst
(۵) گام = (یارد) ۳ فوت	I gām
(۶) گام دو پا = ۵ فوت	I gām ī dō Pāy
(۷) یک بغل = ۶ فوت	I ǰud-nāy
(۸) نای ($\frac{۱}{۳}$ ۵ یارد) = ۱۰ فوت	I nāy
(۹) هاسر کوچک = ۱۰۰۰ گام دو پا (= ۱ میل)	I hāsar i
هاسر بزرگ = ۱ فرسنگ	ii
۱ فرسنگ = ۴ میل	I frasang

۸ـ «برجهای دوازده گانه»*

حمل	بره	warrag
ثور	گاو	gāw
جوزا	دو پیکر	dō-pahikar
سرطان	خرچنگ	karzang
اسد	شیر	šagr
سنبله	خوشه	hōšag
میزان	ترازو	tarāzūg
عقرب	کژدم	gazdum
قوس	نیماسپ	nēm-asp
جدی	بزغاله	wahīg
دلو	دول	dōl
حوت	ماهی	mahīg

* این فهرست به وسیلهٔ مترجم افزوده شده است.

۹ـ واژه‌نمای پهلویِ واژه‌های افزوده



dīg
wēzag
*nihēb
Wizarš
war-wēzag
xīg
rox
rēbās
čaxrag
šabyār
sayistan

www.ketabz.com

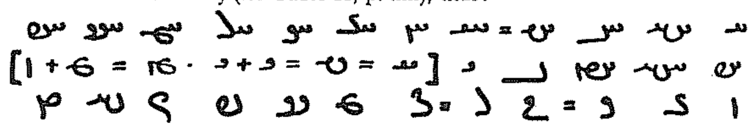
بخش سوم

واژه‌نمای پهلوی

www.ketabz.com

PAHLAVI KEY

THE alphabetical order is that of the Aramaic alphabet, taking account of the first value of each letter only (*see* Table II, p. xiii), thus:



[1]

a-, ā, h-

brād[I]

haxt

āhixtan, hāxtan

xāyag

āhan

xayūg

xāyagdēs

xāyag

āxēz-

āxēzīdan

āhīdīh

āhīd

axwān

axwārīh

āhang

xānīg

axwēškār

[2]

āhan, ’any[I], [1-3]axw, [1-2]xān

hāwand

hāwandīh

ahunsand

ahunsandīh

anīz[I]

[1-2]hāwan

ahunawar

ahanūz, anīz[I]

āhōgēn-

āhōgēnīdan

āhōg, āhūg, xānag

āxwarr

āxwarrsālār

ahomānāg

axwamn

āhanj-

[I] = (part) ideogrammatic spelling [N] = numeral

www.ketabz.com

[5]

ay, ē, sē[N]
abahr
wany[I]
abīm
abēš
abēšīh
pidar[I]
[1]pid[I]
abōy
abōyīh
abun
aburdframānīh
aburdframān
seyom[N].
apus[I]
abr
axwaš[I]
axwašīh[I]
sepāy[N]
sešabag[N]
ēw[I]
gandum[I]
gyān[I]
adahm
agāh

[6]

ādehīg
adānīh
adān
hixr
ayārd-
ayārdēn-
ayārdēnīdan
ayārdēnišn
ayārdīdan
ayāb-
ayābāg
ayābagīh
ayābag
āyaft
ayāftan
adādīh
adād
hixtan
adādestānīh
adādestān
ēbgatīh
ēbgat
ēbsrūsrim
may[I]
ayār

www.ketabz.com

[3]

āhanjīdan
ahōš
ahōšīh
hāwištīh
hāwišt
xāk
āhr, xār
pas[I]
ahlā
ahlāyīh
xārōmand
ahrām-, āxrām-
āxrāmīdan
ahrāftan
pasīh[I]
pasdānišnīh[I]
Ahreman
Ahllăwang
ahlawīh
ahlawdād
ahlaw
Ahreman
ahlomōyīh
ahlomōy
xārpušt

[4]

xām
hāmharz
hāmīnīg
hāmīn
xāmīz
hāmwār
hāmōyēn
hāmōn
xāmōš
hāmkišwar
hāmist
hās[a]r'
āxistan
hāz-
hāzišn
[2]hād, haxt
hādōxt
hādamāns[a]r
hādamāns[a]rīg
axtar
axtarāmār
axtarmār
axtarmārīh
xwah[I]
xwahar[I]

[10]

ērānag
Ērānšahr
ēraxtār
1-2ēraxtan
ērīh
hērīg
ērwār
ērwārag
ērang
ērangīh
1-2ēranǰ-
ērkaš
ērmānīh
1-2ērmān
ērmānag
ērmenišnīh
agriftār
hērbedīh
āgrift, hērbed
hērbedestānīh
hērbedestān
adard
ērtanīh
ērtan
xēm

[9]

ēwkardag
ēwkardag
ēwar
ēwarz
ēwarz-
ēwarzīg
ēwarzīdan
agumān
agumēgīh
agumēg
čašm[I]
ēwmōg
ēwsānīh
ēwsān
ayāb
1-2āyōz-
1-2āyōzīdan
ēwčand
āyōzišnīh
1-2āyōzišn
ēwtāg
kū[I]
1-2ēr, xīr
Ērān
Ērānwēz

[8]

āsūdan
asmān
ēwān
ēbārag
1-2ēwāz
ēwāzīg
āyōxtan
agōwāg
ēwbār
ēbyānghan
enyā, hēnīh
ēwēn
1-2ēwēnag
xīndagīh
xīndag
hēn
ēwan
ēnōkēn
ēkānagīh
ēkānag
ayōxšustēn
ayōxšust
ēkdād
ēk, xayūg
ēwkard

[7]

ayār-
ayārōmand
ayārōmandīh
ayārīh
ayārīdan
ayās-
ayāsīdan
ayāsišnīh
ayāstan
ayād
ayādgār
āsyāg
āsyāb
agdēn
ēsm
adēn-
adādestān[I]
adādestānīh[I]
asōhišn
aswār
aswārīh
āsnīdag
āhan, āsn, ēg[I]
āsnūd
āsnūdag

www.ketabz.com

[11]

ēmēd
wurrōy-[I]
wurrōyistan[I]
ē(w)mōg
[1]kay[I]
ēbyānghan
ēbsrūsrim
ēč
ē(w)čand
hēzag
ēzišn
ēš, kas[I]
āyišm, xēšm
xēšmēn
kasiz[I]
(h)astīh[I]
ānay-[I]
ānīdan[I]
(h)ast[I]
ēdōnīh
ēdōn
an-, hu-
ēd[I]
Anāhīd
anāhōg

[12]

xwahar, xwahl
xwāhrīh
awiyābānīg
xwāb
[1-2]xwāh-
anayād
huēwāz
huēwāzīh
anēr
Anērān
anērīh
anērang
huxēm
huxēmīh
[1-2]xwāhišn
anastīh[I]
anast[I]
xwān
Ohrmazd
anummēd
anuspurrīg
anōst
anōšmār
anāgāh
anāgīh

[13]

anāg
anāgkunišn
anāgkardār
anār
[1-2]xwār
xwār-
xwārbār
xwārīh
anārgēl
xwārēn-
xwārēn
xwālist
xwārīdan
anālūd
anarzānīg
xwārišn
xwārtar
hannām
anāmurzīd
anāmurzišn
anāmčištīg
ānāstīh
ānāst, arāst
anāstawānīh
anāstawān

[14]

xwāstan
anāstawānīh
anāstawān
xwāstagōmand
anāstag, xwāstag
ānāb-
anabāy
anabaxšāwand
anabaxšāwandīh
anābādān
anabēdānīh
anabēdān
anābuhlag
anabzār
anabzārīh
xwābar
xwābarīh
xwābarīg
anāzarm
anāzarmīh
anāzarmīg
anafsēnišn
ānābišn
ānāftan
anāštīh

www.ketabz.com

[17]

hangārag
hangārišn
hangārdan
handām, hangām
hangāmīg
handāz-
handāzag
handāzišn
xwāb, xwey
hudēn
usōfrit
handēmānīh
handēmān
handēmāngar
handēmāngarīh
āwēn-
andōh
xwēnāhan
andōhgēn
handōxtan
hugōwišn
āwēnīdan
owōn
Hindūgān
hugugār

[18]

hindūg
ar gūr
angust
angustarīg
angustbān
handōz-
handōzišnīh
handōzišn
hangōšīdag
awēnišnīg, āwēnišnīg
āwēnišn
hudōšag
handūdan
andak, anīg, hōyag
anagr, hugar
handraxtagīh
handraxtag
ōgrā
anagrān, awērān
hangrāyīdan
andarag
andarwāy
andarwāyīg
andarōn
hangrūdag

[15]

anādānīh
anādān
hūxt
nih-[1]
nihādan[1]
anādūg
hambah-
āwahan
hambāh-
hambāhišn
hambār-
hambārīdan
āwām
hambāstan
haṃbāz
āwādag
dastgraw[1]
wany[1]
wany(b)ūdīh[1]
wany(b)ūdīh[1]
wanīgarīh[1]
hubōy
hambōy-
hambūs-
hubōyīh

[16]

hambōyišn
hambūsīdan
hambūsišn
hambōš-
hambōšišn
ambar
āwarišn
angūr[1]
hambasānīg
hambasān
²hambastan
²hambastag
awiš
āwištan
and, hōy
huīh
hudāhagīh
hudāhag
handāxtār
handāxtan
hudā(ha)gīh
andāgēn
andāg, hudā(ha)g
andāggēn
hangār-

www.ketabz.com

[22]

uzmāyišn
uzumburd
uzmūdan
ōgār
ōgār-
ōgārdan
ōyrišt
xōg, hūg
hukunišn
xūkar
hūkar(ag)
hwar, [1-2]xwar
xwar-
fradom[1]
xwarōfrān
hurām
ulāmadān
xwarāsān
xwarxšēd
xwarwarān
xwarg
xurdruš
xurdruš
ōrēb
ōrēbīh

[21]

hunarōmand
huwaršt
awinast
anōš
anōšxwar
anōšagīh
hunušakēnīdan
anōšag, hunušak
anōšagruwān
Urdwahišt
anōdagīg
anōdag
uzērin
uzdehīgīh
uzdehīg
uzērin
uzdēs
uzdēsparist
uzdēsparistišnīh
uzdēszār
uzwān
uzwār-
uzwārišn
uzwārdan
uzmāy-

[20]

xwēdōdah
ānīdan
dān-[1]
dānistan[1]
xwēdōdah
xwēdōdah
-ān
ān, hō, ō
huniyāgīh
huniyāg
huniyāgar
awināh
xwēnāhan
huniyōxš
-āwand
hunsand
hunsandīh
Xwanirah
Hordād
hunīdan
xōn
xunak
hunar
hunarāwand
hunarāwandīh

[19]

awērag, udrag
anagr-rōšnīh
anagr-rōšn
andarmāh
handarz
handarzēn-
handarzēnīdan
ōyrišt
hangirdēn-
hangirdēnīdan
hangirdīgīh
hangirdīg
hudast
xwistan
angubēn
andčand
xwēš
xwēšāwand
xwēšāwandīh
xwēšēn-
xwēšēnīdan
xwēškār
xwēškārīh
hangadīh, xwēdīh
hangad, xwēd

www.ketabz.com

[23]

Urišlīm
urwāhm
urwāhmanīh
urwāhman
'urwāz-
urwāzišn
xwaran
ōrōn
urwar
xwarwarān
uruspar
hurust
xwarōfrān
huram
xormā
huramīh
urmōd
huramag
awarzīd
xwaršēd
xwarišnīh
xwarišnīg
xwarišn
awardāg
xwardār

[24]

xwardīg
xwurd
xwardan
xwurdagīh
xwurdag
abardar
awardišnīgīh
awardišnīg
hōm
humāy
homānāgīh
homānāg
humānīh
hōmōmand
hōmāst
xumb
hōmēn
humenišn
hōmīg
ummēd
ummēdwār
az[1]
h-[1]
-ōmand
xwamn

[25]

xwamnwizār
humurwāg
hād[1]
humat
ōsān-
husāzagīh
hangēxtan
uskār-
uskārišnīh
uskārišn
uskārdan
husrawīh
husraw
ōspar-
ōspurdan
hangēz-
anespās, huspās
anespāsīh
uspurrīg
hangēzišn
handēš-
handēšīdār
handēšīdan
handēšišn
ēst-

[26]

awestām
awestād
ēstādan
ōstīgānīh
ōstīgān
ōst
awestwār
awestwārīh
xandīdan, xwastan
xwastūgīh
xwastūg
ustōfrit
awestar-
awestarag
awestarišn
awestardan
ēstišn
xūb
ōbār-
ōbārdan
hupādixšāy
hupādixšāyīh
xūbīh
hupassandagīh
hufraward

www.ketabz.com

[27]

xufs-
ōbastan
ōbad-/ōft-
xuftan
ōz
hanj-
ōzōmand
*huzārag
hanjām
hanjām-
hanjāftan
uzdehīgīh
uzdehīg
hučihr
uzdēs
uzdēsparist
uzdēsparistišnīh
uzēnāg
anjīr
awizīrišnīg
hanjīdan, uzīdan
hanjamanīg
hanjaman
hanjaftan
awazišnīg

[28]

hučašm
hučašmīh
ōzadan
[1-3]ōš, xwaš
hōš-
ušahin
ōšōmand
ōš(e)bām
ōšīh, xwašīh
ōšyār
hōšēn-
hōšēnīdan
hōšīdan
ušnūg
hušnūdīh
hušnūd
hušnūdagīh
hušnūdag
mardōm[I]
mardōmīh[I]
hōšag, hušk
huškōh
huškōhīh
hušk-kūn[I]
ōšmār-

[29]

ōšmārag
ōšmārišn
ōšmurdīg
ōšmurdan
ōšastar
awišt-
uštānōmand
uštānīh
uštān
awištāb
awištāb-
awištāftan
awištādan
anšahrīg
uštar
uštargāwpalang
xwadāy
xwadāyīh
xwadāywār
xwadīh
xwad-dōšagīh
xwad-dōšag
xwad
hutuxš
Ardwahišt

[30]

buz[I], xaz
hazzān
azbāy-
azbāyišn
azd, azg
azdēn-
azdēnīdan
āznāwar
xūg[I]
azrāy-
azraw-
azruftan
azarmān
azmāy-
azmūdan
āgāh
āgāhīh
akōmand
agār
agārīh-
agārīhistan
agārēn-
agārēnīdan
akāmagōmand
āgāhēn-

www.ketabz.com

[31]

āgāhēnīdan
agdēnīh
agdēn
āgenēn
-āg
ak
āgan-
akanāragīh
akanārag
āgandan
āgenēn
Akōman
āgustan
aganj
āgōš
akard
ayrē
ayrē
hagriz
mā
har, xar
alā
ālāy-, ārāy-
ārāyišn
alālag

[32]

halām
ārāstan
čahār[1]
Harborz
xarbuz
harg
sik[1], šīr[1]
ars, xirs
aryand
argawān
arduš, xargōš
dagr[1], [*error for* dūr [illegible]]
halīlag
areškēn
arešk
āluh
xrōhak
arawāg
arus, xrōs
arwēs
harwīn
ārōyišnīg
ārōyišn
arwand
arwandīh

[33]

alum, Hrōm
hrōmāyīg
harwispīn
harwisp
harwisp
xrōstan
harrōbišnīh
harrōbišn
āranj
ālūdan
ālūdagīh
ālūdag
Arzah
Arzūr
xrōs[1]
halagīh
Aleksandar
ālag, halag.
baxš-[1]
baxšišn[1]
baxtan[1]
mēš[1]
šōy-[1]
šustan[1]
almās

[34]

almāst
armēštīh
armēštgāh
armēšt
xufs-[1]
xuftan[1]
hammōz-[1]
hammōxtan[1]
xrafstar
arz
arz-, hirz-
arzānīgīh
arzānīg
arzān
arzōmand
arzōmandīh
arzīz
arzīzēn
arzīdan
arzan
ārzōg
harzag
arzišn
ārešn
ardā

www.ketabz.com

[35]

ardāyīh
xradōmand
ardīkkar
ardīg, xradīg
ardīkkar
ardīkkarīh
artēštār
artēštārīh
Ard, xrad
ā-m (v. ā), ham, im, mād[I]
hamahl
hamē
hamēīhā
hamēīg
hamēwahār
hamē-ud-hamē-rawišnīh
hamēwēnag
hamē-rawišnīh
hamēdōn
homānāg
amāwand
amāwandīh
amahraspand
hamāgdēn

[36]

hamāg
āmār, hamahl, hamāl
āmār-
āmārgar
hamharz
āmārišn
hamābēr
hambāy
hambān
hambār
hambār-
hambārīdan
hambāstag
hambāz
hambedīg
hamband
hamband-
hambandīh
hambandišnīh
hambun
amburdan
hambawišnīh
hambūdan
ambag
ambar

[37]

ambarag
hambast
[1]hambastan
[1]hambastag
hambašn
hambadīg
hamīh
hambaw-[I]
hambawišnīh[I]
hambawišn[I]
hambūdan[I]
āmēxtan
hamdādestān
hamdādestān[I]
hamēn-
hamgōhr
amenīdār
hamēnīdan
hamgōnag
hamdam
hamēmāl
hamēmālīh
hammistān
hamēstār
hamēstārīh

[38]

hamēst
hamēstagān
āmiz
āmēz-
āmēzišn
hamēšagīh
hamēšagsōz
hamēšag
mādar[I]
xar[I]
hamwār
hamwārag
hammōxtār
hammōxtārīh
hammōxtan
hamōg
hamzamān[I]
Amurdād
hammōz-
hamwar
āmurz-
āmurzīdan
āmurzišn
hamnibardīh
hammōz-

www.ketabz.com

[42]

wēnišn[I] (dīdan)
dīdan[I]
astōdān
āstawānīh
āstawān
astag
estišn
āb, [1-2]az, āz
u-[I]
[1-2]abāxtar
abāyist
abāyistan
abāyišnīg
abāyišn
abāyēd
abārīg
Ābān
abāgīh
abāgēn-
abāgēnīdan
ačār, appār, āzār, hazār
āzār-
appārīh
abārōnīh
abārōn

[41]

asp
asazāg
aswār
asazišnīh
asazišnīg
āyištag *'mixed'* *[del.* adištag*]*
est-
astuxān
astuxān
astānagōmand
astānag
astōmand
astōmandīh
āstār
āstārēn-
āstārēnīdan
estādan
[2]ast
Astwihād
āstawānīh
āstawān
astōdān
xastan
wēn-[I] (*v.* dīdan)
astwand

[40]

āsānīh
āsān
asāg
āhanēn
āhan
āhangar
asēm
asēmēn
asēj
asar
dah[I]
band-[I]
āsrōn
bastan[I]
āsrōīh
āsrō
āsrōkerpa
asp
aspās
aspānūr
ēbārag
haspīn
aspinj
asprēs
aspast

[39]

hammōzgār
hammōzišn
amwaštan
hamkār
hamkārīh
amar
hamrānīh
amarg
amargīh
amaragānīhā
amaragānīg
amaragān
amarag
hamsāyag
hamsāmān
hamsardag
hamdēsag
hampursagīh
hampursag
ka[I]
hamtāg
hamtōhmag
hamtan
āsāy-
āsāyišn

www.ketabz.com

[43]

- ačārag, hazārag
- āzārišn
- āzārdan
- abām
- abēmizag
- abēmust
- abāz, āwāz
- abaxš
- abaxšāy-
- abaxšāyišnīg
- abaxšāyišn
- abaxšāwand
- abaxšāyīdan
- abaxšīh
- abādyāwand
- abādyāwandīh
- ābādānīh
- ābādān
- abādixšāy
- abādixšāyīh
- ābādīh, āzādīh
- ābād, āzād
- abd, abē-
- abēōš
- abēōšīh

[44]

- ābdān
- abē-
- abēsūdīh
- abēsūd
- abēbīm
- abēbīmīh
- abēbēš
- abēbōy
- abēbōyīh
- abēbar
- abdīh
- Azdahāg
- abēbūdīh
- abēbūd
- afsōs
- afsōn
- ābgēnagēn
- ābgēnag
- abēgumānīh
- abēgumān
- afsōsgar
- afsūdan
- abēniyāz
- abyōxtan
- abēwināh

[45]

- abēwizend
- abdom
- abdomīh
- abyōz-
- abēzār
- ābīg
- abēr, azēr
- abērāh
- awērān
- drūn-[1]
- drūdan[1]
- abēmizag
- abdsahist
- abēsar
- abestāg
- abdast
- ābestan
- abēzār
- abēčim
- abēzagīh
- abēzag
- apetyārag
- abēdān
- abaydāgīh
- abaydāg

[46]

- apēdagdār
- apēdag
- apōhišn
- aband
- abandīh
- abus, ābus
- abusīh, ābusīh
- āfrīn
- āfrīnagān
- abnūs
- apursišnīg
- āzwar
- āfur-
- āzwarīh
- āfurīdan
- aburnāyag
- aburnāy
- aburnāyīh
- aburnāyag
- āfurišn
- āzurdan
- ābustan
- abzāy-
- abzāyišn
- [1-2]abzār

www.ketabz.com

[47]

abzārōmand
ābzan
abzōnīgīh
abzōnīg
abzōn
abzūdan
abgār-
āzkāmagīh
ābkāmag, āzkāmag
abgan-
[1-2]abar, abr, appar
appar-
xāk[I]
āfrāh
abarōz
abarōzīh
abrāstan
abrāz
abrāz-
abarag, apparag
āfrīn-
abarīgān
abarīg
abargar
abrēšom

[48]

abrēšomēn
abrēšom
āfrīdan
aburnāy
aburnāyīh
abrōxtan
abrang
abarwēz
abarwēzīh
kan-[I]
kandan[I]
abrōz-
abrōzišnīh
abrōzišn
afrōšag
abaragān
abaragānag
ābilag
[1-2]āzarm
abarmānd
abarmānīg
abarmān
abarmenišn
āzarmīgīh
āzarmīg

[49]

afrasāwand
apparišn
abartanīh
abartan, āzardan
abardom
abardomīh
abardar
u-m[I] (*v.* u-)
abesīh-
afsāy-
abesīhēn-
abesīhēnīdan
abesīhēnišnīh
abesīhēnišn
abesīhīdan
afsān
afsār-
afsālān
afsārišn
afsārdan
abesīhišnīh
abesīhišn
abesīh-
abesīhīdan
afsēn-

[50]

afsēnistan
afsēnišn
afsar-
afsardan
abespār-
abespārdan
abespurdan
abestān
abestāg
abestām
paz-[I]
poxtan[I]
azabar
[I]abzār
ābčihrag
aziš, u-š[I] (*v.* u-)
afšān-
afšāndan
afšār-
afšārdan
afšurdan
aziškeh
azišmeh
u-t[I] (*v.* u-)
apetyārag

www.ketabz.com

[51]

haftān
haftār
haftdah
apetītīgīh
apetītīg
haft
apattūg
Haftōring
haftag
apaymānīh
apaymān
ābtazan
aš, ā-š (*v.* ā)
āšyān
āšyānag
hašāgird
ajgahānīh
ajgahān
āšixtan
xašēn
āšnāg
Ašwahišt
ašnawāgīh
ašnawāg
ašnūdan

[52]

ašō
āšōb
āšinj-
wind-[I]
windišn[I]
windādan[I]
āškārāg
āškāragīh
āškāragēn-
āškāragēnīdan
āškārag
aškom
aškomb
aškōb
aškamb
aškambag
xešm
Aštād
āštīh, haštdah
hašt, xišt
aštag
aštar
agar[I], ā-t (*v.* ā)
ādānīh
ādān

[53]

ātaxš
tigr[I]
adēn
āwāš-[I]
āwištan[I]
ādišt
-ādan
ādurgāh
ādurestar
ādurestarēn
ādur
ādūg
ādarōg

ēwˣ
b-
wihān
wihānag
bahr, wahār
bahrōmand
bahrōmandīh
bahrwar
bahrwarīh
bahrag
baxt

[54]

baxtan
bāγ
bayōbaxt
bāmbišn
griy-[I]
bānūg
griyistan[I]
1-4bār
bālāy
bārjāmag
bālēngāh
1-2bālēn
bārīg/k
bālistīh
bālistīg
bālist
bālag, bārag
bārestānīh
bārestān
bāliš
bām
bāmdād
bāmīg
bāstān
bāj, bāz

www.ketabz.com

[55]

bāzā
bāzāzanišnīh
bāzābānag
baxš-
baxt
baxtan
bādag
pas[I]
dar[I]
darhandarzbed[I]
darband[I]
bay
bēh
bayaspānīh
bayaspānīg
bayaspān
māh[I]
māhīgān[I]
bēwar
bēgānag
bēgār
bēl
bērōn
bēlūr
bīm

[56]

bīmōmand
bīmgenīh
bīmgen
bēš, bīš
bēš-
bēšōmand
bēšāz
bēšāz-
bēšāzēn-
bēšāzēnišnīh
bēšāzišnīh
bēšāz-
bēšāzēn-
bēšāzēnišnīh
bēšāzišnīh
bēšburdār
bēšīdan
bēšaz
bēšaz-
bēšazēn-
bēšazēnišnīh
bēšazišnīh
bēšišn
bištan
xānag[I]

[57]

bidaxš
bid
bēdom
[1-2]be[I]
bōxtār
bōxtārīh
bōxtan
bōxtagīh
bōxtag
band, bang, [1-2]bōy
band-, bōy-
[2]xwāh-[I]
xwāstan[I]
bōyāg
bōydār
bōyēn-
bōyēnīdan
bandag
bōyestān
bōyestānbān
bunxān
bunīh
bundahišnīh
bundahišn
bowandagīh

[58]

bowandag
bowandag-menišnīh
[1-2]bun
bunag
bunkadag
buništ
buništag
būg
bōr
bur-
burāg
burām-
burg
burīdan
buland
borz, Burz
burz-
Burzēnmihr
burzīdan
borzwāng
borzwāngīhā
burzišnīg
burzišn
burišn
burdār

www.ketabz.com

[59]

- burdārīh
- burdīh
- burd
- burdešnōhr
- burdan
- būm
- pus[I]
- pusar[I]
- būmčandag
- bōyīdan
- bōb, būf
- xwad[I]
- buz
- bōz-
- bōzišn
- buš
- būšāsp
- but
- būdan
- duxt[I]
- bazm
- bazmāwurd
- bay
- bayōbaxt
- bar

[60]

- bar-
- brāh, brēh
- brahnag
- brahm
- brahmag
- brahnag
- barōmand
- brām-
- brahmag, brāmag
- brāz-
- brāzīdan
- brāzišnīg
- brāzišn
- brād
- balādur
- brādar
- brādarōdīh
- brādarōd
- barbut
- brēh
- brēhēn-
- brēhēnāg
- brēhēnīdan
- brēhēnišn
- barsom

[61]

- brīn-
- brīnōmand
- brīn
- brīngar
- brēz-
- brēzan
- brištan
- brīdan
- brūg
- 1-2brinj
- brinjēn
- barišn
- baršnūm
- xwaš[I]
- xwašīh[I]
- gōšt[I]
- bastan
- bistag
- babr
- babrag
- bijagān
- bazagīh
- bazag, waččag
- bazakkar
- bazišn

[62]

- bizešk
- bašn
- baškuč

- ī[I]
- *v. also*
- -īh
- -īh-
- dah-, jah-
- -īhā
- jay
- yazadān
- gāhūg
- dahom
- dehgān
- Dahāg
- gahl
- dahlīz
- dahm
- sēzdah[N]
- zarr[I]
- zarrēn[I]
- xand-[I]
- xandīdan[I]
- dah-[I]

www.ketabz.com

[66]

dāštan
dādār, gādār
dādārīh
dādgāh
dādīg
$^{1-3}$dād, jād, yāt, yazad
dādwar
dādwarīh
dādan, gādan
āy-^{I}
āmadan^{I}
jādūgīh
jādūg
jādag-gōwīh
jādag-gōw
jādag
dādmeh
dādestān
dō
a-
giyāh
giyāhīzag
dō-axwānīg^{N}
mard^{I}
dō-pāy^{NI}

[65]

dārwāzīg
dārūg
dārgardīh
dālman
dārmag
dārišn
$^{1-3}$dām, gām, $^{1-2}$jām
dāmādīh
dāmād
daxmag, $^{1-2}$ jāmag
daxmagestān
ras-^{I}
rasišn^{I}
rasīdan^{I}
gāhānbār
gāhānīg
gāhān
-īhistan
yāzdah
gāwdumb
gāzar
dahišn, dāšn
daxšagōmand
daxšag
dāštār

www.ketabz.com

[64]

jāwēdān, yāwēdān
jāwēdānag
jāwēd, yāwēd
-dān
dān, gyān
baw-^{I}
bāš^{I}
bawišn^{I}
būdan^{I}
gyānwar
dānag
jār
gāwars
dānistan
appar-^{I}
appurdan^{I}
dānišnōmand
dānišn
jahūd
yākand
yākand
-dār
dār, gahl, gāl
dār-
dārēn

[63]

dādan^{I}
dās, $^{1-3}$gāh
gāhwārag
dār-^{I}
dārišn^{I}
dāštan^{I}
dās^{a}r
yāsaman
gahbedīh
gahbed
dahigān
Gayōmart
dahibed
dāyagānīh
dāyag
jahišnayār
jahišnayārīh
dahišn, jahišn
āwar-^{I}
āwurdan^{I}
dān-
dānāgīh
dānāg
gyānabespār
gyānīg

[70]

dagrand
dagrand-xwadāy
dagr-zīwišn
gilagōbār
gilag
dagr-pattāy
dast[I], xwarrah[I]
xwarrahōmand[I]
dastkārīh[I]
dast(a)gird[I]
samōr
dēs-
dēsīdan
-ēn-
gūh
guhrāyēn-
guhrāyēnīdan
[2]gōhrīg
gūhgard (*v.* pazūg)
gūhward (*v.* pazūg)
gawazn
gannāgīh
gannāg
gōhr
[1-2]gōhrīg

[69]

sumb-
sumb
sustīh
sust
suft
suftan
sanǰ-, sōz-
sōzāg
sōzan
sōzišnīg
sōzišn
suš
sūdōmand
sūdabgār
sūd
sūdan
sūdagīh
sūdag
sūdmand
panǰāh[N]
gēg
dagr, dil
gīr-
dilēr
dagrzamān

[68]

sang, suy
sneh
sālār, snēxr
sālārīh
asp[I]
sōsan
dēnīg
sangsār
snēzag
Day, dēn, ǰīw
snōy
dēwōk
sanwar
dēnōdag
[1-2]sōg
sōgand
Skandar
sōfistā
Sōšāns
sōr, [1-2]sūr
sūrāx
sūrāgōmand
sūrāg
sūragīg
sōrag, sūrag

[67]

xwamn
v. also
čehel[N]
ǰeh
ǰeh
dēs, gēs
dēsag
yasn
andar[I]
v. Note 3, p. xiv
dādestān[I]
sōh-, swah-
Sawah, snāh
dēwān
dēwāṇag
gyāg
gyāgrōb
dēnār, dēwār, suxr
dēnāstawān
sōhistan, swahistan
sōhišnīg
sōhišn
sōxtan
dēnburdār

www.ketabz.com

[74]

gurgānīg
gursagīh
gursag
durgar
jōrdā
jōrdā
1-2gurdīh
gurd
gurdwār
gurdag
dum, rōz[I]
jomā
jomā
gumānīh
gumānīgīh
gumānīg
gumān
gumāngar
gumār-
gumārdan
gumārdag
jumb-
dumbōmand
jumbāgīh
jumbīh-

[73]

gōn
gōnag
dowom
drustīh
drust
gōwizār
gōzēnag
gugāy
gugāy
gugāyīh
gugāyīh
gugān-
gōkānīg
gōkān
dōgānag
gugār-
gugārīdan
gugārdan
dōk
gōgirdōmand
gōgird
dūr, gōr, gul
dōl
gurbag
gurg

[72]

gandanāg
drahm[I]
gandagīh
gandag
dōys[a]r
jōyišn
judāgīh
judāg
judbēš
jud-dādestān[I]
jud
judnāy
-ēnīdan
1-2dawīdan
juttar
juttarīh
judristagīh
judristag
jud-dēw[I]
-ēn
gaw
1-2gund, gung
drustīh
drust
drustabed

[71]

gōhragdānāg
gōhrag
dwāzdahān
dwāzdah
duxt, juxt
1-2dōxtan
duxtar
1daw-, gōw-
gōwāg
1-2dawāl
dwār-
dwārīdan
dwāristan
dwārišn
jō(y)
gabr
gabrīh
angubēn[I]
gōwišn
gand, gōy, gung, jang, jōy, juy
jōy-
v. Note 3, p. xiv
juwānīh
dandān, juwān
dōs

www.ketabz.com

[78]

dušwār, gōšwār
dušwārīh
dušnām
Gušnasp
dušwīr
gušn
gušnag
dušwurrōyišnīh
Gušnasp
duškām
dōšagīh
dōšag, gōšag
duškanīg
duškunišn
duškar
dušrām
dušrāmīh
dušram
dušramīh
dušmenīh
dušmen
dušmenišn
dušmenādīh
dušmenīh
dušmen

[77]

dušoxīg
dušox
dušxwaršt
dušhumat
gōšōsrūd
dušxwadāyīh
dušāgāh
dušāgāhīh
dōšāram
dušarz
dušīh
dujdānāg
yōjdahr
yōjdahrīh
yōjdahrgar
yōjdahrgarīh
dujdēn
dušgōwišn
dujgand
dujgandīh
dujdōys^a^rīh
dōšīzagīh
dōšīzag
dujdaft
1-2dōšīdan

www.ketabz.com

[76]

dōstīh
dōst
1-2dawistan
dōpāy
gubrāg
gubrās-
guftār
guftārīh
guftan
dōpahikar
duz, ganj, gōz, yōz
dōz-, duz-
duzīh
gōzihr
duzdīh
duzīdan
duzīdag
ganjwar
duzd
1-2dōš, 1-2gōš
1-2dōš-, duš-
dušēwāzīh
dušxēm
dušxwār
dušhūxt

[75]

jumbīhistan
jumbēn-
jumbēnīdan
jumbīdan
dumb
jumbišn
gumbad
gumēxtan
gumēg
gōmēz
gōmēz-, gumēz-
gumēzagīh
gumēzag
gumēzišn
ēn[1]
rōz-šabān[1]
dōsaxwan
dōsēn
stān-[1]
stadan[1]
dusrawīh
dusraw
gōspand
gospandčihrag
gōstān

[82]

darrīdan
grōh
drahnāy
druxtan
grawīh
drō, [1-2]graw
drang
druwand
druwandīh
[1-2]drōn
graw(a)gān
galōg
drubuštīh
drubušt
druz
dranǰ-, drōz-
dranǰīdan
drōzanīh
drōzan
dranǰišn
drōš
drōš-
drōšīdan
drōšom
drōšag

[81]

garānīh
darhandarzbed
γarrānīdan
garān
γarrānišn
grāmīgīh
grāmīg
grāmag
drāyīdan, grāyīdan
drāz, grāb
draxt
griy-
grih
dargāh
garasmān
[1-3]grīw
grīwag
grīwbān
driyōš
driyōšīh
darīgbed
dilēr
balgam
griyistan
gilistag

[80]

pākīh[I]
-īg
muy[I]
ēst-[I]
ēstādan[I]
ǰagar
ōzan-[I]
ōzadan[I]
-gar
dar, gar
yal
darr-
drayā
drayābār
drayāb
draxt
darāγ
drāy-, grāy-
drāyānǰōyišnīh
drāyānǰōyišn
drāyistan
drāyišn
γarrān-
drahnāy
γarrānāg

[79]

dušmat
dōšastar
dušpādixšāy
dušpādixšāyīh
dušfarrag
dušfarragīh
duščihr
duščašm
duščašmīh
dōšišn
gōšt
dūd
ǰūdan
dūdag
gawdar
gaz-
yaz-[I]
yaštan[I]
nay-[I]
nīdan[I]
gazīdan
gazīdag
nay-[I]
nīdan[I]
pāk[I]

www.ketabz.com

[83]

društēwāz
društāwāz
društīh
društ
drōd
garōdmānīg
garōdmān
sad^{N}
darak, gilag
garm
darmān
garmāg
garmābag
garmīh
dramanag, garmōg
garmōwar
garmōwarīh
*dramanag
garmsēr
darbās
drubuštīh
drubušt
drafš
drafš-
drafšīdan

[84]

griftār
griftārōmand
griftan
darz
garz-
darzīg
garzīdan
garzag
garzišnīg
garzišn
gard-
gardān-
gardānāg
gardānīdan
dardōmand
girdīh
gardīdan
dard, gard, gird
gardan
girdag
gardišr
dam-
zamānīg
zamān
zamānag

[85]

xōn^{I}
damēnag
zamīgīg
zamīg
zamīgpaymānīh
damīdan
mīr-^{I}
murdan^{I}
uštar^{I}
gōw-^{I}
guftan^{I}
gōw-^{I}
guftan^{I}
zamestān
damišn
yask
dastyār
dastyārīh
dastgraw
dastgīr^{I}
dastwar
dastwarīh
jastan
dastag
dast(a)gird

[86]

dastšōy
dēwān
dibīrīh
dibīr
dibīrestān
$^{1-2}$dabr, gabr
^{1}xwāh-^{I}
xwastan^{I}
daftan
daftar
diz, gač, gaz
daz-, gaz-, yaz-
gazāg
kām-^{I}
kāmistan^{I}
gačēn
gazdum
gizistag
dazīdan, gazīdan
-īzag
dazišn, gazišn, yazišn
gišnīz
dašn, jašn
dašnag, gišnag
daštānōmand

www.ketabz.com

[87]

daštān
daštānmāh
daštānestān
dašt, yašt
yaštan
ǰadārīh
nišīn-[I]
nišān-[I]
nišastan[I], nišāstan[I]
dudīgar
dad, did, gad, yad
-īdan
gadwar
didom
[1-2]ǰadag
ǰadagwihīrīh
ǰadišnīg
ǰadišn

ud[I]
niyāyišn
wihān, wiyān
năxun
wihānag
niyāg, wahāg

[88]

nihāl, wahār, waxr
Wahrām
wahārīg
wēhm
wahmān
wēhmīh
niyāz
wiyābānīh
wiyābānēn-
wiyābānēnīdan
wiyābānīg
[1-2]wiyābān
wiyābāngarīh
niyāzōmand
niyāzōmandīh
niyābagīh
niyābag
wāxtan
nihādag
nay, nāy, [1-2]way, wāy
[1-2]wāy-
wāyendag
wāyendag
gīr-[I], kun-[I]
kirīh-[I]

[89]

gīrišnīg[I]
griftan[I], kardan[I]
nāydāg
wahīg
wihīr-
nārīg
wihīrišn
nāysrāy
wēzag
wān-
niyōxš-
niyōxšīdan
niyōxšišn
wāng
wānīdan
nān
Wōrūbaršt
Wōrūjaršt
nohom
nihumb-
nihumbīdan
Wahman
naxust
nihuftan
wānišn

[90]

naxōd
nāl-, wāl-, wār-
wārānīg
wārān
nārīg
wālīdan, wārīdan
wālan
wārom
wālišn
nām
wām-
nāmburdār
nāmīgīh
nāmīg
wāmīdan
nāmag
nāmčištīg
nāmčišt
wāspuhr
wāspuhragānīh
wāspuhragān
wāyīdan
wāstar
wāstaryōš
wāstaryōšīh

www.ketabz.com

[93]

was
wis
wasnād
nixwār-
nixwārišn
nahang, nihang
wiyōz-
wayōdagān
wēn- (*v.* dīdan)
zamān[1]
wēnāgīh
wēnāg
winnār-
winnārišn
nēwardaxšīr
winnārdan
wēnāb
wēnābdāg
wēnābdāg
niyōxš-
niyōxšīdan
niyōxšišn
wēnīg
nēw, wēn
wēnōg

[94]

nēkīh
nēkgōhr
nēkgōhrīh
nēk
nēkōg
winnirdan
wiyufs-
wiyufsišnīg
wiyufsišn
wēnišnīg
wēnišn (*v.* dīdan)
wizāy-
wizāyišnīg
wizāyišn
wizāyīdan
wizūdan
-endag
nīl, [1-3]wīr
wirāy-
wirāyišnīh
wirāyišn
wirōmandīh
wigrās-
wigrāsišnīh
wirāstan

[91]

nāf, wāz
[1-2]wāz-, wāž-
wāzār
wāzāragānīh
wāzāragān
-wāzīg
naxčīr
[1-2]wāzīdan
nāzuk
nāfag, wāzag
wābar
wābarīgānīh
wābarīgān
nāzišn, wāzišn
wāš, [1-2]waxš
[1-2]waxš-
wixšay-
waxšīg
waxšgar
wixšayišnīh
wixšayišnīg
wixšayišn
[1-2]waxšīdan
waxšendag
waxšwar

[92]

waxšwarīh
naxšag
waxšišn
wahištīg
wahišt
wādām
wādgirdag
wād
wādrang
wādrangbōy
wādbān
nabānazdišt
tāt[1]
weh
nihānīg
nihān
wehīh
wehdēn
wihēz
wihēz-
wihēzagīg
wihēzag
[1]wiyābān
wiyāftan
[1-2]wēxtan

www.ketabz.com

[95]

wigrād
wigrādan
nērang
nērōgōmand
nērōg
nīlōpal
nīrmadōmand
nīrmad
nēm, wēm
wēmār
wēmārīh
nēmasp
wimand
wimandōmand
wimandīg
wimuštan
nēmag
nēmrōz
nēmtan
nisāg
wisbed
wīst
wēwag
wiftag
1-2wēz-

[96]

wizīh-
wizīhīdan
wizīhišnīh
wizīhišn
nēzūmānīh
nēzūmānīg
nēzūmān
nēzag
wēzišn
wēš, wiš
nīš-
nišān
wēšagīg
wēšag
wēšagestān
zan[1]
zanīh[1]
wēd
wīdwar
wīdwarīh
nidom
bay[1]
wināh
wināhīdan
wināhgār

[97]

wināhgārīh
niwāg
wināh-
wināhīdan
wināhišn
nang
wind-
windādan
niwēy-
niwēy-
niwēyēn-
niwēyēnīdan
niwē, wandag
wanīgarīh
niwēyišnīh
niwēyišn
windišnīg
windišn
wahmān[1], wan, win
wanand
nōzdah
nōg
nōgzād
nōgzādag
nōgrōz

[98]

niwistan
winastag
wanafšag
winjišk
nizār
nizārīh
nizārīh-
nazd
nazdīkīh
nazdīk
wizend
nazdist
wizend
wizand-
wizandag
wizandišn
wizandīdan
wazaγ
wazr
šaw-[1]
šudan[1]
nigāh
nigāhdārīh
nigāhdārišnīh
nigān

www.ketabz.com

[99]

- nigār-
- nigārag
- nigāstār
- [1]mādag[I]
- mādagīh[I]
- nigēxtan
- kuš-[I]
- kuštan[I]
- niger-
- nakkīrā
- nakkīrāyīh
- nigerīdan
- nigerišnīg
- nigerišn
- nigēz
- nigēz-
- nigēzišn
- wak
- nikōh-
- nikōhīdan
- nikōhišnīg
- nikōhišn
- nigūnīh
- nigūn
- nigūnsār

[100]

- xwāstag[I]
- waydān
- ōl[I]
- nar, [1-4]war
- warāy
- warān
- warōmand
- warōmandīh
- Wahrām
- warāz
- wirāz-
- warg
- walg
- wirēxtan
- wars
- nargis
- wirēg
- wirēz-[I]
- wirēxtan[I]
- wirēz-
- waranīgīh
- waranīg
- wurrōyišn
- waran
- wirōzag

[101]

- [3]warz
- warrag
- narm, [1-2]warm
- ōy[I]
- awēšān[I]
- nirfs-
- nirfsišn
- [1-2]warz
- warz-
- warzāwand
- warzāg
- warzbūm
- warzīgar
- warzīdan
- warzišn
- warčašm
- warišn
- ward-
- wardānāg
- wardēn-
- wardēnīdan
- wardyūn
- [1-2]wardagīh
- wardag
- wardišnīh

[102]

- wardišnīgīh
- wardišnīg
- wardišn
- -om
- nam
- nimāy-
- namāz
- wimēhgen
- nimūdan
- namak
- namad
- nasā, wisē
- wisāy-
- wisān-
- wisāndan
- wēz-[I]
- wēxtan[I]
- wisānišnīh
- wisānišn
- namāz[I]
- wasyār
- wisin(n)-
- wasyār
- nask
- nasruštīh

www.ketabz.com

[106]

nišān-, wišān-
wišōmand
nišāstan
wišād
wišād-dwārišnīh
wišādan
nišēm
nišēmag
nišēb
nišēbīg
wišōb-
wišōbišnīg
wišōbišn
wišuftan
wišūdan
wišūdag
wiškīdan
wašag
wiškin(n)-
wiškōf-
wiškōfag
wiškuftan
wiškin(n)išn
wiškar
ašnaw-[1]

[105]

wizīhišnīh
wizīhišn
wizīn-
wizēn
wizēngar
wizīr
wizīr-
wizīristan
wizīrišnīg
wazīdan, wizīdan
wizōh/y-
wizōh/yišn
wuzurg
wuzurgīh
wizurdīh
wizurd
wizōstan
waččag
wuzurg
wuzurgīh
wačast
wizistan
wazišnīg
wazišn
nišāyišn

[104]

wafr
nifrīn
wafrēnag
nifrīdag
ōbad-/ōft-[1]
ōbastan[1]
nibard-
nibardīdan
nibard
nibardag
nibastan
wabz
wafišn
xwēš[1]
xwēštan[1]
nibištan
1-2naft
waz-
wizār
wizār-
wizārišn
wizārdan
wizārdwars
wizīh-
wizīhīdan

[103]

nasrušt
wisistan
wisp
wispurdan
wistāxīh
wistāx
wastār
wastārīh
wassadēn
wassad
wastōhmag
wistan
wastar, wistar
wistar-
wastarag, wistarag
nastaran
wistardan
Wīdadafš
nab
waf-
nibāstan
nibay-
nibēg
nibēm
wabz

www.ketabz.com

[107]

ašnawišn[1]
ašnūdan[I]
nišast
nišastan
waštīh
[1-2]waštan
waštagīh
waštag
xwar-[I]
xwardan[I]
widāxtan
wadxēm
widār
widār-
widārīdan
widārdan
widāz-
widāzīh-
widāzīhistan
wadbaxt
wadīh
wad-dil
wadgōhr
wider-
widerān

[108]

wadgarīh
widerišnīh
widerišnīg
widerišn
widimās
widimāsīh
widimāsīg
widimuštīh
widimušt
widestīg
widest
wad
wadwāzag
widang
wadkāmagīh
wadkāmag
wadagīh
wadag
wider-
widarag
[1-2]pāy-[I]
[1-2]pādan[I]
widardan
widest
widaštan

[109]

wadtōhm
wattom

zahā
zyānōmand
zyān
zyāngar
ziyānag
zahā, zahag, zăhag
zahār, zahr
zahrag
zaxm
zahābag
zay
zarr[I]
zarrēn[I]
zăy-
zahīh
zăyistan
zăyč
zăyčag
zānūg
zōr
zāz
zahagōmand

[110]

zahag
zahrag
zāmyād
zāmēn-
zāmēnīdan
zādan
zādag
zibāl
ī-[I], zay-
zīh
zī(w)-
zēnhār
zēnāwand
zēnabzār
zēndānīg
zēndān
zēndānbān
zēnēn-, zīnēn-, zīwēn-
zēnēnīdan, zīnēnīdan, zīwēnīdan
zīndagīh
zēnīg, zīndag
[1-2]zēn
xrīn-[I]

www.ketabz.com

[114]

zardčōbag
zam
zamīg
zamān
zastan
zafar
zadār
zadan
zadūg
zaxm

kāh-
kāhēn-
kāhēnīdan
kāhīdan
kāhišn
kāskēnēn
kāskēn
kāskēnag
hammis^{I}, hāmist^{I}
kahwan
-gānag
kayk
kākom
-gār

[113]

zāy-^{I}
zāyišnīg^{I}
zāyišn^{I}
zādan^{I}
$^{1-2}$zrēh
zarrēn
zargōnīh
zargōn
zarīgōmand
zarīg
zarr(ī)gar
kār-^{I}
kištār^{I}
kištan^{I}
zalūg
zraw-
zarwān
zruftan
zarmānīh
zarmān
zardālūg
zardīh
zard
Zardu(x)št
zardag, zardak

[112]

zūzag
zōr, zūr
zōrōmand
zūrgugāy
zūrgugāyīh
zōrīg
zurwān
zofāy
zofāyīh
zofr
zofrāy
zofr-pāyag
zanjīr
zanišn
zōtīh, zūdīh
zōt, zūd
wahīg^{I}
ān^{I}
any^{I}
nar^{I}
nibēs-^{I}
nibištan^{I}
ōzan-^{I}
ōzadan^{I}
$^{1-2}$zrēh

[111]

zīndagīh
zīndakkar
zīndag
xrīdan^{I}
zī(wi)stan
zī(w)išnōmand
zī(w)išnīh
zī(w)išn
zīrak
zēfān
zišt
zayt
zan-
zōhr
duzd^{I}
zuwān
$^{1-2}$zand
zang
zanīh
zandīkīh
zandīk
zangīg
zandag
zandbed
zan

www.ketabz.com

[115]

- 1-3kār
- kār-
- wāng[I]
- 2kār-ān
- kārāgāh
- kārāgāhīh
- kārdāg
- kārīgīh
- kārīg
- kārezār
- kārawānīg
- kārawān
- kārnāmag
- kahrubāy
- kālbodōmand
- kālbod
- kārframān
- kārd
- kām
- kām-
- ārd[I]
- kāmistan
- kāmzīwišn
- kāmagōmand
- kāmaghanjām

[116]

- kāmaghanjāmīh
- kāmagxwadāy
- kāmgār
- 1-2kāmag
- kāmagwidār
- kāmrawāg
- kāmistan
- kāstār
- kāstan
- kāč
- kābēn
- kāpūr
- kādag
- was[I]
- wasxwāstag[I]
- 2kay
- drō[I]
- drōdādwarīh[I]
- keh
- kahist
- gōspand[I]
- kēwān
- kēnīg
- -gēn
- kēn

[117]

- kēnwar
- kēnwarīh
- kayak
- kēr
- kirrōgīh
- kirrōg
- kem
- kēsar
- sang[I]
- kēwūd
- keč
- kēš, kiš
- keš-
- kēšdār
- kešīdan
- kišwān
- kišwānzār
- kišw
- kišwar
- kišwzār
- kištan
- kēdīgīh
- kēd
- -ag, -ak
- ōh[I]

[118]

- kan-
- har(w)[I]
- kanār, kennār
- kanāragōmand
- kanārag
- kennārsrāy
- kōxš-
- kōxšīdan
- kōxšišnīg
- kōxšišn
- kawādak
- kōy
- nay[I]
- kundāgīh
- kundāg
- nayestān[I]
- kandan
- kanīg
- kanīzag
- xwān-[I]
- xwandan[I]
- -gen
- nūn[I]
- kun-
- warrag[I]

www.ketabz.com

[122]

kardagān
1-3kardāg
kam
kamāndār
kamān
kamāl
kamālīg
kamistīh
kamist
kamzōr
kamzōrīh
kamar
kamarband
mayg[1]
arz[1]
kastār
kastārīh
kehtar
kaf
kaf-
kabāh
kabārag
kabīg
kabīz
kabōd

[121]

karbāš
karbūg
karg
kirīh-
aškamb[1]
kirrēn-
kirrēnīdan
kilēl
diz[1]
xwān-[1]
xwandan[1]
kulang
kirrōg
aškamb[1]
kargās
karkēhan
kark
karm, kirm
karmīr
karb, kirb
karafs
karbug
karzang
kardār
kardārīh

[120]

kirbakkarīh
kirbag, kōfag
kōftan
kūč
kūčak
kōš-, kuš-
kōšīdan
kōšk
kuštan
kardār
kardārīh
kantigr
kard
kandan, kardan
kardagān
kardagār
2kardag, kōdak
kardespās
ahy[1]
dandān[1]
karr, -gar
kar-
karān
karāwuš
1sag[1]

[119]

kundur
kūn
kūnmarz
kunjid
kunjid
kunišngar
kunišn
karak, kūk
kōr
kulāf
kulāčag, kulāfak
kōrdil
kullag, kurrag
kurkum
kumīg
kustīg
1-2kust
kōstan
kustag
kustagbed
kōf
kōb-
kōfīg
kirbagīg
kirbakkar

www.ketabz.com

[123]

kabōtar
kabkanjīr
kabk
kafč
kafčag
kafš
kafšag
kafšgar
kaftan
kaš, kiš
keš-
kešīdan
kišnīz
kašawag
kašk
kaštīg
kadār
kadār-iz-ē(w)
kadār-iz-ē(w)
kadām
kadām-iz-ē(w)
kahas
kadagxwadāy
kadagbānūg
kadagīg

[124]

kadag
mān-^{I}
mānistan^{I}
māndan^{I}

man^{I}, wīst^{N}
nē^{I}
rah-
rah-
rah, (23^{N})
rāγ, rāy
rāyōmand
rāh
rāhdār
rāhdārīh
rāyēn-
rāyēnāg
rāyēnīdārīh
rāyēnīdan
rāhnimāy
rāyēnišn
rahīgīh
dūr^{I}, rahīg
dūr^{I}, rahīg
rāyišn

[125]

rān-
abāz^{I}
abāzsār^{I}
abāzsārīh^{I}
rān
rahag
ul^{I}
ulīh^{I}
ulāmadān^{I}
rām
nān^{I}
rāmēn-
rāmēnīdan
rāmišnīg
rāmišn
rāspīg
rāstīh
rāst
rāz
rāzīg
rāzkirrōg
lābag
lābakkar
lābakkarīh
rādīh

[126]

rād
daw-^{I}
^{1}dawistan^{I}
^{1}dawīdan^{I}
(21^{N})
wuzurg^{I}
wuzurgīh^{I}
wuzurg-framādār^{I}
dil^{I}
warr^{I}
dil^{I}
riy-
riyahrīh
rēxtan
raγ, rah, (22^{N})
rah
rasan
rasūg
im^{I}
rēg
šab^{I}
pāy^{I}
rēm
rēmanīh
rēman

www.ketabz.com

[130]

- hazār[N]
- sīh[N], tō[I]
- ragīh
- rag
- ašmā[I], sīhom
- hazārag[N]
- larz-
- larzīdan
- ram
- abgan-[I]
- abgandan[I]
- ramag
- ras-
- rasēn-
- rasēnīdan
- rahīg
- rasīdan
- rastārīh
- rastan
- rastag
- lab
- rubāy-
- lipī, rabih
- rapihwin
- rapihwin

[129]

- rōzāg
- ranjēn-, rōzēn-
- ranjēnīdan, rōzēnīdan
- lawzēnag
- rōzīg
- rōzwārag
- rōzan
- ranjwar
- rōzward
- rōzgār
- ranjag, rōzag
- rōzbānag
- rōz-šabān
- rōšnīh
- rōšn
- rōšnag
- rōšngar
- rōdbār
- rōdīgān
- rōdīg
- [1-2]rōd
- rūdan
- abāg[I]
- rōstāg
- raz, sad[N]

[128]

- rōyan, rōyēn
- randīdan
- pēš[I]
- rōyišn
- sar[I]
- nēstīh[I]
- nēst[I]
- rūn-
- rōn
- ruzd
- ruzdīh
- rōyn-xwardīg
- rōyn
- rūrag
- jāwēdān[I]
- amā[I]
- rōspīgīh
- rōspīg
- rōstāg
- randīdan, rustan
- rōb
- rōb-
- rōbāh
- ranj, rōz
- rōzānag

[127]

- ristāxēz
- rist
- [1-2]ristag
- rēz-
- rēzišn
- [1-2]rēš
- rēšīdan
- rēšag
- rēškēn
- rēškēnīh
- rištag
- rīdan
- rēdak
- raw-
- ruwānīg
- ruwān
- rawāgīh
- rawāgēn-
- rawāgēnīdan
- rawāg
- rawišnīh
- rawišn
- rang
- [1-2]rōy
- rand-, rōy-

www.ketabz.com

[134]

- māzdēsn
- mahist, māst
- māzandar
- māš, maxš
- rōyn[I]
- 1-2mādayān, mādīyān
- mādišt
- mādagīh
- mādagīg
- 1-2mādag
- mādagwar
- mādar
- āb[I], mēx
- ābgēnag[I]
- mēhan
- mēzd
- may, meh
- šahrestān[I]
- mahist
- men-
- moymard[I]
- menīdan
- mēnōg
- mēnōgwēn[I]

[133]

- 2jām[I]
- māns^{a}r
- māns^{a}rbar
- māns^{a}rspand
- māraspand
- mānbān
- mānbed
- mānišn
- māzanīg
- māzandar
- māzdēsnīh
- māzdēsn
- fradāg[I]
- mār
- māl-, mār-
- mārāg
- mārīg
- mālīdan
- purr[I]
- mārišnōmand
- mārišn
- mārdan
- mehmānīh
- mehmān
- māzdēsnīh

[132]

- -(i)m
- māh
- māhīgān
- māhīg
- mayān
- mayānag
- mayānjīgīh
- mayānjīg
- mehmānīh
- mehmān
- māzdēsn
- māyišn
- zan-[I]
- zanišn[I]
- zadan[I]
- 1-3mān-
- mānāgīh
- mānāg
- mānd
- māndagīh
- māndag, mānīg
- māništ
- māništag
- mān
- mānag

[131]

- rapihwin
- rapihwintar
- awar[I]
- rubūdan
- raftār
- raz
- tar[I], (tarr)
- lajan
- razūr
- razm
- razmgāh
- tar[I] =
- Rašn
- laškar
- laškarīgīh
- laškarīg
- raštan
- rištag
- radōmand
- radīh
- rad
- radunay
- radag
- ēdar[I]
- radpassāg

www.ketabz.com

[138]

mazgit
miznē
mayʼ
magas
padīr-[I]
padīrišn[I]
padīriftan[I]
magind
makōg
[1-2]mar
marg
margōmand
margarzān
margīh
marw
šāh[I]
šāhān šāh[I]
marag
bāmbišn[I]
marz
marz-
marčābukīh
marčābuk
marzīdan
marzangōš

[137]

murdār
murwāg
morwārīd
murwīzag
murw
murwnīš
murnǰēn-
murnǰēnīdan
mōrd, murd
murdan
mustōmand
[1-3]must
mustabarmānd
mustgar
mōz
mōzag
[1-2]mušk
mušt
muštan
mūdag
muhrišn
mazg, mizd
mizdwar
frō(x)š-[I]
frōxtan[I]

[136]

[3]mēzišnīh
[2-3]mēzišn
mēš
mijūg
mēšag
mēšsār
mēdyōzarm
mihōxt
[1]az[I]
muhrag
mang, mōy
saxwan[I]
mōyēn
tis[I], čiš[I]
tis-iz[I]
mōyag
muhr
ōšmār-[I]
ōšmārišn[I]
ōšmurdan[I]
kē[I]
murdār
mōg
mōr
mulān

[135]

mēnōgwēnīh[I]
mēnōgīh
mēnōgīgīh
mēnōgīg
mēwag
mowmard
mowbed
menišnīg
menišn
mēzd, mizd
mēzdbān
miznē
mēγ
mayg
mērag
nāmag[I]
[1]abar[I]
sah-[I]
sahistan[I]
sahišn[I]
mij
[1-2]mēz-
mizīdan
mijūg
mijag, mizag

www.ketabz.com

[139]

marzobān
marzišnīh
marzišn
mardānagīh
mardānag
marčābukīh
marčābuk
mard
mardōm
mardōmīh
mardōmzādagīh
mardōmzādag
čē[I]
čē-ēwēnagīh[I]
čē-ēwēnag[I]
čēīh[I]
-masāy
mehtar
mehtarīh
mehēn-
mehēnīdan
mehēnišn
mast
mistan
mastōgīh

[140]

mastōg
mehtar
mastarg
mizagōmand
mizagdārīh
mizag
rōyn[I]
maškabarzēn
maškīzag
[1-2]mašk
deh[I]
dehgān[I]
madār
mih
madan, [1-3]mihr
mihrōdruj
mihrōdrujīh
mihrdrōz
mihrzan
mihrōdruj
mihrōdrujīh
mihrbān

see also

giyāh, syā

[141]

syāhag
gēhānīg
gēhān
sāxtārīh
saxtīh
saxt
saxtan, sāxtan
sāg, sāk
sāy-
sahīgīh
sahīg, sāyag
sās
sān
saxwan
sahōg
sāk
sārēn-
sārēnīdan
sālwār
sālagīh
sālag
sahm
sāmānōmand
sāmān
sahmgēn

[142]

sahmgen
sahmgenīh
sāstār
sāstārīh
sāz-
saxt
raw-[I]
rawēn-[I]
rawēnīdan[I]
rawišn[I]
raftan[I]
saxtag
sabz
šast[N]
sī dīg
haštād[N]
sagēn
nawad[N]
sēn
sēnag
sēn murw
sēzd
sēzdēn
haftād[N]
darr-[I]

www.ketabz.com

[146]

spēd
spēdag
spēdbāg
spenāg
spōxtan
spandān
Spandarmad
sabuk
spul
spurrīgīh
spurrīg
spurdan
spōz
spōz-
spinǰānagīh
spōzgār
spōzišn
sabz
spazg
spazgīh
spar
spar-
sprahm
sprahmag
spurz

[145]

sardsēr
sīsīmbar
sīsīmbar
N.B. *Any word with initial* … *may appear written as* …
spāh
dēbahr, spihr, spaxr
spāhbed
spās
spāsdār
spāsdārīh
spāsešnās
dēbāg
spāsōmand
spāš
spihr
spihrīg
spenāg
spīg
spīz-
spīzišn
spiš
spitāmān
spēd-dār

[144]

gāy-[1]
gādan[1]
wattar[1]
wattarīh[1]
srawēn-
srawēnīdan
srūwēn
sarw, sraw, srū
srūwar
sarw
bar-[1]
burdan[1]
srub
srubēn
Srōš
srōšīg
srōd
srūdan
sarmāg
srub
sreśk
sristan
sardīh
sard, srat
sardag

[143]

darrīdan[1]
sagr
sagrīh
sēm
sēb, sēǰ
sēǰōmand
sēzdah
sezd
sezdēn
kārd[1]
sagēn
dēg, [2]sag, sik
sar
sel
srāy
[1-2]srāy-
srāyišnīh
srāyišn
sarāsar
srāyīdan
sraxtag
wad[1]
sargēn
sriśwadag
sreśk

www.ketabz.com

[147]

- *see also*
- $^{1-2}$saz-
- sazāgīh
- sazāg
- sazāgwār
- sazistan
- ^{1}sazišnīh
- ^{2}sazišnīg
- $^{1-2}$sazišn
- gētīg
- gētīgīg
- stāy-
- stāyišnīg
- stāyišn
- dīdār
- stārag
- stahm
- stambagīh
- stambag
- stahmīh
- stahmagīh
- stahmag
- stāyīdan
- sudāb
- stī

[148]

- gētīg, stī
- stēndag
- sidīg, stēy
- sidīgar
- stēr
- stēzag
- stōwīh
- stōwēn-
- stōwēnīdan
- stō
- Sadwēs
- dīdan
- -istan
- stūn
- stūnag
- stōr, stūr
- sturg
- stūrīh
- stōrgāh
- stōrbān
- stard
- *stōš
- stūdan
- star
- starōšmār

[149]

- starōšmur
- starwan
- stardīh
- stard
- stabr
- stabrīh
- stabrag
- staft

- pah, pāy
- pahnāy
- pahn
- pāyag
- paygāl
- $^{1-2}$pahrēxtan
- pahrēz
- $^{1-2}$pahrēz-
- pahlawīg
- pahlūg
- pahlom
- pahlomīh
- paygālgar
- pahast
- ^{1}pāy-
- pās

[150]

- pāyag
- pānāgīh
- pānāg
- -bān
- pānagīh
- pānag
- pānzdah
- pākīzag
- pāk
- pālāy-
- pālūdan
- pālūdag
- $^{1-2}$pārag
- pārsīg
- pāsox
- pāsbānīh
- pāsbān
- pāzen
- pāzand
- pāzen
- pāšnag
- pāšom
- paxšag
- pādyāwand
- pādyāwandīh

www.ketabz.com

[151]

pāduzwānīh
pāduzwān
pādixšā(y)
pādixšāyīh
pādixšīr
pādyāb
pādyābīh
pādāšn
pādīrān-
pādīrānēn-
pādīrānēnīdan
pādīrānīdan
pādīrān
pāymār
pādēz
[1]pādan
pādofrāh
pādzahr
pāygōs
pādrōzag
pāyram
pādrazm
pādifrāh
arzan[I], gāwars[I]
pih

[152]

padām
payādag
[1-2]pay, pīh
pas, [1-2]pay
pēs
pēsišn
passand
passand-
passandišnīg
passandišn
passandīdan
penīh
pen
payg
pīr
pīl
payrāy-
fīlāsōfā
payrāyag
pērāmōn
payrāstan
pīrīh
pērōz
pērōzīh
pērōzgar

[153]

pērōzgarīh
pīlbān
pēm, pīm
pēmēn-
pēmēnīdan
pīmgēn
pēs-
pēsīdan
pēsišn
pestān
pēč-
pēčīdan
pēš
pēšānīg
pēšōbāy
pēšōbāyīh
pēšār
pēšārwār
pēšgāh
pēšēnīg
pēšēmāl
pēšēmālīh
pēšōbāy
pēšōbāyīh
pēškār, pēšyār

[154]

[1-2]pēšag
pēšpārag
petyāragīh
petyārag
paydāgīh
paydāgīh-
paydāgīhistan
paydāgēn-
paydāgēnīdan
paydāg
paygām
paygāmbar
petītīgīh
petītīg
petīt
[1-2]pid
panāh
panāhīh
[1-2]puhl
puhlēn-
puhlēnīdan
frāz
pōhišn
poxtan
nēm[I]

www.ketabz.com

[155]

- pand, (nēm[I])
- pōy-
- penīh
- pus
- frazand
- frazandīh
- panīr
- pondik
- pōyišnīg
- pad[I], pen
- padgōhr
- padnērōg
- padnigerišn
- padwizēn
- padzyān
- purs-
- pursīdan
- pursišnīg
- pursišn
- padpānag
- pa(č)čībāy-
- pa(č)čībāgīh
- frazand
- pōr, purr
- pōlāwadēn

[156]

- pōlāwad
- purrgāh
- purrxwarrah[I]
- pōryōtkēš
- pōryōtkēšīh
- purnāy
- purr-rawišnīh
- purrmāh
- purrsardag
- dahān[I]
- pusyān
- pusar
- pōstēn
- pōst
- panj, pōz
- panjāh
- panjag, pōzag
- pōš-
- pōšīdan
- pōšišn
- puštībānīh
- puštībān
- pušt
- puštag
- pūdagīh

[157]

- potk, pūdag
- pazzām-
- pazzāmēn-
- pazzāmēnīdan
- pazzāmēnišn
- pazzāftan
- pazd
- pazd-
- pazdēn-
- pazdēnīdan
- pazdagīh
- pazūg
- pāymār[I]
- parr
- frahang
- frāxīh
- frāxēn-
- frāxēnīdan
- frahangestān
- frāx
- parāhōm
- frahanj-
- frayād-
- frayādīdan
- frayād

[158]

- frahixtan
- frahixtag
- frayādišnīg
- frayādišn
- frāy
- frādahišnīh
- frahist
- farroxīh
- farrox
- [I]xwāh-[I]
- xwastan[I]
- frārāst
- frārōnīh
- frārōn
- frāmōš
- frāmōš-
- frāmuštan
- frahist
- parrag
- freh
- pardāxtan
- frehbūdīh
- frehbūd
- pardāz-
- pardaxtan, parrēxtan

www.ketabz.com

[159]

frasang
parragīg
pargan-
parwār
pargandan
pargūd
frēg, parīg
frēst-
frēstādan
frēstīdan
pargast
frēstag
frēb
frēb-
frēftār
frēftan
frēz, (frēb)
pardaz-, parrēz-, (frēb-)
frēzwānīh
frēzwānīg
frēzbānīh
frēzbānīg
pardazišn
Fradadafš

[160]

frawahr
parwāngāh
parwānagīh
parwānag
frawār, parwāl
frawār-, parwāl-
parwālišn
frawārdan
franām-
franāmišn
parwāz
franāftan
Farrōbāy } (read *plh*-)
Farrōbag }
piring
palang
parnagān
palangmušk
parwand
parwand-
parrōn
frōgīh-
frōgīhistan
frōg
parrwar

[161]

parwar-
parwarišn
Frawardīn
Frawardīgān
fraward
parwardan
frawardag
franam-
parwast
parwastan
franaftan
frušag
frōd
frōdmānd
fragān, pillagān
parrag
fragan-, pargan-
fragandan, pargandan
framāy-
framāyišn
framānburdār
framān
framādār
framōš
framōš-

[162]

framōšīdan
framuštan
framūdan
frasāwand
frasāwandīh
frasp
parist-
paristār
paristīdan
paristōg/k
paristagīh
paristag
paristišn
frabīh
frazānagīh
frazānag
frazām
frazām-
frazāmēn-
frazāmēnīdan
frazām-pērōzīh
frazāftar
frazēn, parzīn
frazaftan
fraš, parš

www.ketabz.com

[166]

pattūgīh
pattūg
paywastan
paywastag
pattūdan
pahikār
1-2pahikār-
pahikārdan
pahikāf-
pahikāftan
pahikōb-
pahikōftan
pahikar
pahikaf-
pahikafišn
pahikaftan
payrāstan
payrōg
pahrmāh-
pahrmāhāgīh
pah...āhišn
paymāy-
paymānīgīh
paymānīg
paymān

[165]

pattānōmand
pattān
padēxīh
padēxēn-
padēxēnīdan
padēx, [*error for* pih]
padīr-
padīragīh
padīrag
padīriftan
padīrišn
1-2padisār
padist-
padistā(g)
padistādan
padištān
-bed
1-2pid
paywāsag
paywāz-
paywāzag
paywāzišn
paywand
paywand-

[164]

pafšīr-
pafšīrišnīh
pafšīrišn
paz-
pa(č)čēn
pa(č)čībāy-
pa(č)čībāgīh
pašēmānīh
pašēmān
pišīz
paššing
pašn
pašom
paššinj-
paššinjīdan
paššinjag
paššinjišn
pašm
pašmēn
pašt
paštag
pad-
petyārag
pattāy-
pattāyistan

[163]

frašn
frašagirdīg
frašagird
frašamurw
fradāg
fradom
fradomīh
pardag
pambagēn
pambag
passāxt
passāxtan
passox
passāz-
passāzišn
pasēn
pasēmāl
pasēmālīh
brīn-[1]
brīdan[1]
passazagīh
passazag
past, pist
pistag
pafšār-

www.ketabz.com

[170]

čōbag
čagād
čakōk
čakuč
čagar
čirāy
čarz
čarag
čarm
čarb
čarbīh
čarbišnōmand
čarbišn
čim
čambar
čamišn
sang[I]
čašm
čašmareškīh
čašmarešk
čašmagāh
čašmagāhīh
[1-2]čašmag
čašmdīd
čatrang

[169]

[1-2]čīnag
čīnišn
čegāmag
čegām-iz
čēr
čēlāngar
čēlān
čēlāngar
čērīh
čērīh-
čērīhistan
čim
čim-gōwāgīh
čimīg
[1-2]čīdan
čand, čang
čand-
čandīh
čandal
čang-srāy
čandišn
[1-2]grīw[I]
čandīdan
čōb
čaw(la)gān

[168]

čāšnīg
čāšišn, čaxšišn
čāšt
čāštan
[1-2]čāštag
čādur
xīr[I]
čēh-
čēh-widarag
čēhag
[1-2]čihr
čihrēn-
čihrēnīdan
čihrīg
čihrag
čihr-šnāsīh
čēhišnīg
čēhišn
ēzm[I]
čiyōnīh
čiyōn
čīn-
čīnār
jīw
činwad

[167]

paymānag
paymōxtan
paymōg
paymōz-
paymōzan
paymūdan
padisāy
padist
padiš
padišxwar

-(i)z
čāh
čahār
čahārdah
čahārpāy
čār
čārūgēn
čārūg
čāraggarīh
čārag
čābukīh
čābuk
čāš-
čaxšāgīh
čāšīdan

www.ketabz.com

[174]

sālag^I
škāf-
škāftan
nibay-^I
nibastan^I
ških-
šken(n)-
šken(n)išn
škēbāgīh
škēbāg
škeftīh
škeft
^1-2^škōh
škōhīh
škōf-
škōfag
škoft
škuftan
hur^I, šakar
škarw-
škarwīdan
škarag
škastan
škaft
pādixšāy^I

[173]

šnāsagīh
šnāsag
šnāyišn
šnāyīdan
šnāz
šnāz-
šnāzīdan
šaw-
šawāg
šōy, šuy
šanēn
šōymand
-išn
šan
šnōhr
šōnīg
šōn
šnūg
šnūman
šnōmag
šnōšag
drōd^I
šuhr
sāl^I
sālagīh^I

www.ketabz.com

[172]

ǰaw^I
ǰawēn^I
šēwan
frēst-^I
frēstādan^I
hil-^I
hilišn^I
hištan^I
šagr, šīr
šīrēnīh
šīrēn
šēb
šēb-
šēbāg
šēbišn
šīšag
šēdā
šēd
uzwān^I
šnāxtan
šnāy-
šnās-
šnāyēn-
šnāyēnīdan
šnāyēnišn

[171]

see also
-(i)š
šāh
šah-
dēw^I
dēw^I
dēwēsnīh^I
dēwēzagīh^I
šāhbalūt
šāy-
šāhdānag
šāyendagīh
šāyendag
šāhīgān
šāyistan
šāyēd
šāhwār
šānag
šām
šāhesprahm
šāyēd
šāzdah
šādurwān
šādīh
šād

[178]

- tāštīg
- kāh[I]
- šken(n)-[I]
- škastan[I]
- nēw[I]
- xormā[I]
- tēx
- tīhōg
- āhūg[I]
- tis
- tasum
- gil[I]
- gilēn[I]
- tigr, Tīr
- [1-2]tērag
- tēmār
- [1-2]tēz
- tēzīh
- tišn
- tišnagīh
- tišnag
- Tištar
- tīdag
- tan-
- tuhīgīh

[177]

- taxt
- taxtan, tāxtan
- taxtag
- tēx
- tās
- tāwān
- tāwạn
- ār-[I]
- ārdan[I]
- [1-2]tāg
- tār
- tārīg/kīh
- tārīg/k
- rōbāh[I]
- tāb-, tāz-
- tāzānag
- [1-2]tāzīg
- tābīdan
- tābag
- tābestān
- tābišn
- tāftan
- tāš-
- tāšīdan
- tāšt

[176]

- weh[I]
- wehīh[I]
- šabag
- šabestān
- šafšēr
- šiftālūg
- šiftēnag
- šaš[I]
- ālag[I]
- šahrewar
- šahr
- frēst-[I]
- šahryār
- šahryārīh
- frēstīdan[I]
- šahrestān
- frēstādan[I]
- ālag[I]
- kūn[I]
- -(i)t
- tah
- taxl
- taxlīh
- taxtgāh

[175]

- pādixšāyīh[I]
- wišāy-[I]
- wišād[I]
- wišād-dar[I]
- wišādan[I]
- šalwār
- šarm
- šarmgāh
- šarmgēn
- šarmgen
- nām[I]
- šambalīdag
- kunjid[I]
- nāmčištīg[I]
- nāmčišt[I]
- šimšār
- šamšēr
- šasab
- šasabīgān
- wih-[I]
- wistan[I]
- šab
- šubān
- šabīxōn
- šabīg

www.ketabz.com

[182]

tarsāgāh
tarsāg
tarsīdan
tarsagāh
tarsagāhīh
tarist
se[I]
tom
tambūr
ānōh[I]
tab
tab-
tabāh
tabāhīh
tabāhīh-
tabāhīhistan
tabangōg
tabarzad
tabišn
taftīg
taftan
taz-
tazāg
tazēn-
tazēnīdan

[181]

tagīg
tag
takōk
tagarg
-tar
tar, tarr
tarāzēn-
tarāzēnīdan
tarāzūg
pīh[I]
targ
tars
dō[I]
targumān
tarwēn-
tarwēnīdan
trufš
truftag
truš
talag, tarrag
talagčīn
tarmānīh
tarmenišnīh
tarmenišn
tars-

[180]

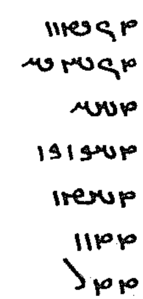
tanōmandīh
tanbahr
tund
tundīh
tanīhā
tandrustīh
tandrust
tandrust
tanīg
tanuk
tanūr
tantōhmag
Tūr
Tūrān
tōrag, Turk
-tom
tom, tōm
tumbag
tōf
tōz
tōz-
tōzišn
tōšag
tušt
tagīgīh

[179]

tuhīg
tōhmag
tanāpuhl
tuxš-
tuxšāgīh
tuxšāg
tuxšīdan
tuxšišn
tōxtan
tuwānāg
tuwānīgīh
tuwānīg
tuwāngar
tuwāngarīh
tuwān
tuwānsāmān
tambūr
tambūrag
did[I], tand, tang
tandīh, tangīh
tanīgardīg
tanīgard
tan
gāw[I]
tanōmand

www.ketabz.com

[183]



tazīdan

tazišnīh

nō[1]

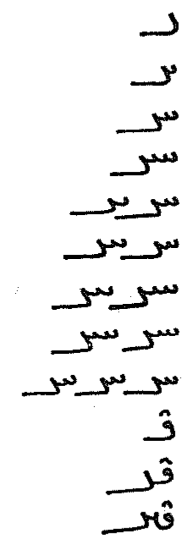
taškanag

tašt

tadan

tadar

Numerals



1

2

3

4

5

6

7

8

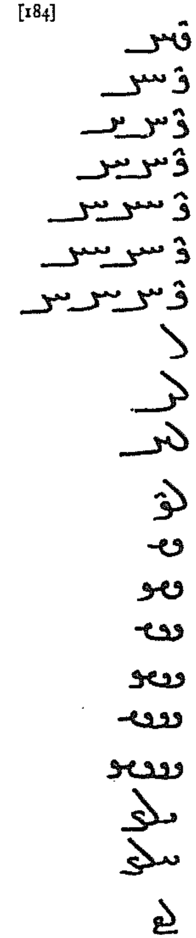
9

10

11

12

[184]



13

14

15

16

17

18

19

20

21

22

30

40

50

60

70

80

90

100

200

1,000

www.ketabz.com

A CONCISE PAHLAVI DICTIONARY

Translated

by

Mahshid Mirfakhraie

Institute for Humanities and Cultural Studies
Tehran: 1994

www.ketabz.com

www.ketabz.com